

بررسی لایحه قانون امور گمرکی
از دیدگاه
مقررات سازمان جهانی تجارت (WTO)
(مطالعه تطبیقی)

سفارش دهنده: انجمن علمی بازرگانی ایران

مجری: مسعود طارم سری

همکاران: دکتر سیفاله صادقی یارندی

دکتر محسن صادقی

رضا بنایی

ناظر علمی: دکتر نقره کار شیرازی

خرداد ۱۳۸۶

بسمه تعالی

مدیریت اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران در آغاز فعالیت خود در پایان سال ۱۳۸۴، درصدد انجام امور زیربنایی و اصلاح ساختاری در اتاق تهران برآمد. در این میان امر تحقیقات و پژوهش یکی از خلأهایی بود که در این زمینه مشاهده می‌شد لذا در راستای انجام این رسالت مهم، بلافاصله بودجه پژوهش و تحقیقات را برای اولین بار در اتاق تهران در نظر گرفته و پس از تایید هیات رئیسه و تصویب هیات نمایندگان در بودجه سالیانه منظور نمود و از طرف دیگر با یکی از مراکز پژوهشی و تحقیقاتی یعنی انجمن علمی بازرگانی ایران تفاهم‌نامه‌ای منعقد نموده و با استفاده از کارشناسان خبره و تراز اول این مرکز، تحقیقات متعددی از جمله «بررسی لایحه قانون امور گمرکی از دیدگاه مقررات سازمان جهانی تجارت (WTO)» که به عنوان اولین طرح تحقیقاتی توسط کمیسیون توسعه تجارت و خدمات وقت مطرح گردید را به انجام رسانید.

در تحقق این هدف، پروژه‌های دیگری نیز در دست انجام است که پس از نهایی شدن در دسترس قرار خواهد گرفت.

امید است با تلاشهای انجام شده و همکاری کمیسیونها و هیات نمایندگان اتاق و نیازسنجی صحیح جهت انجام پروژه‌های تحقیقاتی و پژوهشی، شاهد رشد درجه کارشناسی و توان افزایش سطح مشاوره تخصصی به سه قوه در اتاق تهران باشیم.

محمد مهدی راسخ

دبیرکل

مقدمه

گفتار اول: نقش گمرک در اجرای قواعد مربوط به رویه‌های تجاری

بخش اول: ارزشگذاری گمرکی

مقدمه

فصل اول: چگونگی تعیین ارزش کالا تا پیش از انعقاد موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی

الف- روش‌های تعیین حقوق و عوارض گمرکی

ب- شیوه‌های ارزشگذاری تا انعقاد موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی

۱- ارزشگذاری در گات

۲- ارزشگذاری طبق کنوانسیون بروکسل

۳- ارزشگذاری در مقررات دور توکیو

۴- مذاکرات دور اوروگوئه و موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی

فصل دوم: مقررات ارزشگذاری گمرکی در سازمان جهانی تجارت

الف- موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی

۱- اصل پایه‌ای برای ارزشگذاری گمرکی: ارزش معاملاتی

۲- سایر روش‌های ارزشگذاری گمرکی

۳- استثنائات در مورد کشورهای در حال توسعه و مشکلات آن‌ها در اجرای موافقت‌نامه

ب- مقررات چند کشور منتخب در اجرای موافقت‌نامه

۱- مقررات پاکستان در مورد ارزشگذاری گمرکی

۲- مقررات گمرکی ترکیه راجع به ارزشگذاری

۳- مقررات ارزشگذاری گمرکی در چین

فصل سوم: ارزشگذاری گمرکی در قانون امور گمرکی و مقررات لایحه پیشنهادی

الف- تعریف ارزش گمرکی در قانون امور گمرکی ۱۳۵۰

۱- مفهوم کالای ورودی در تعریف ارزش گمرکی

۲- تعیین ارزش کالای ورودی برپایه بهای CIF

۳- سایر هزینه‌های قابل قبول در تعریف ارزش گمرکی

۴- مدارک لازم برای محاسبه ارزش گمرکی

ب- مبنای ارزشگذاری گمرکی در لایحه

۱- ارزش معاملاتی و شیوه محاسبه آن در لایحه

الف) محدودیت‌های مجاز در مورد واگذاری کالا به خریدار در ارزش معاملاتی

ب) تاثیر وابستگی خریدار و فروشنده بر محاسبه ارزش معاملاتی

ج) استثنائات مربوط به قبول ارزش معاملاتی از خریدار و فروشنده وابسته

د) مبالغ قابل افزایش به قیمت واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت در ارزش معاملاتی

هـ) مبالغی که در ارزش معاملاتی منظور نمی‌شوند

۲- سایر شیوه‌های ارزشگذاری گمرکی در لایحه

الف) ارزش معاملاتی کالای همسان

ب) ارزش معاملاتی کالای مشابه

ج) ارزش قیاسی

د) ارزش محاسباتی

هـ) استفاده از روش‌های قبلی به طور کلی

۳- مفاهیم اصطلاحات به کار رفته در لایحه

بخش دوم: قواعد مبدا

مقدمه

فصل اول: قواعد مبدا و دامنه کاربرد آن

الف- تعریف و اهمیت قواعد مبدا

ب- انواع قواعد مبدا

ج- نظام عمومی ترجیحات و قواعد مبدا

فصل دوم: مقررات موافقت‌نامه قواعد مبدا

الف- گات و قواعد مبدا

ب- قواعد مبدا در سازمان جهانی تجارت

۱- دامنه و اهداف موافقت‌نامه قواعد مبدا

۲- برنامه هماهنگ سازی قواعد مبدا

ج- اجرای مقررات موافقت‌نامه قواعد مبدا میان چند کشور در حال توسعه

منتخب عضو سازمان جهانی تجارت

۱- قواعد مبدا پاکستان

۲- قواعد مبدا ترکیه

۳- قواعد مبدا چین

فصل سوم: قواعد مبدا طبق مقررات موجود و از نظر لایحه قانون امور گمرکی

الف- قواعد مبدا در قانون امور گمرکی

ب- قواعد مبدا از منظر لایحه قانون امور گمرکی

۱- اصول قواعد مبدا در دوره انتقالی لازم الرعایه در مقررات لایحه

۲- اسناد مبدا و مرجع صدور گواهی مبدا در لایحه

بخش سوم: تدابیر مرزی در اجرای حقوق مالکیت فکری

مقدمه

فصل اول: الزامات خاص درباره تدابیر مرزی در موافقت‌نامه تریپس

الف- جایگاه کلی گمرک در ترتیبات خاص مرزی از منظر موافقت‌نامه تریپس

ب- تقاضای رسیدگی و الزامات اسنادی

ج- دوره یا مدت تعلیق

د- سپردن تضمین یا تامین از طرف مدعی و مدعی علیه

هـ- حق بازرسی و دسترسی به اطلاعات

و- اتخاذ اقدام قانونی به وسیله مقامات به اعتبار سمت خود

ز- جبران‌ها

ح- مقررات مربوط به واردات در حد ناچیز و قابل اغماض

فصل دوم: بررسی وضعیت تدابیر مرزی در معاهدات تحت اداره سازمان جهانی مالکیت فکری

الف- کپی‌رایت یا حق کپی برداری و تکثیر

ب- حقوق مالکیت صنعتی

۱- علامت تجاری، اسم تجاری و غیره

۲- اسامی مبدا

۳- نشانه‌های جغرافیایی

فصل سوم: مقررات چند کشور منتخب در زمینه تدابیر مرزی در تریپس

الف- پاکستان

ب- ترکیه

ج- چین

فصل چهارم: تدابیر و الزامات مرزی در ایران برای ممانعت از ورود کالاهای ناقض

حقوق مالکیت فکری

گفتار دوم: وظایف گمرک در زمینه اعمال مجازات‌های تجاری

مقدمه

بخش اول: اقدامات ضد دامپینگ

فصل اول: نقش گمرک در تشخیص دامپینگ و وضع عوارض ضد دامپینگ

الف- مرحله آغاز رسیدگی و انجام تحقیقات

ب- مرحله حین رسیدگی

ج- مرحله پس از رسیدگی

فصل دوم: نقش گمرک در وصول عوارض ضد دامپینگ

فصل سوم: جایگاه موضوع در حقوق ایران

الف- بررسی مقررات موجود

ب- بررسی لایحه امور گمرکی

ج- ارائه پیشنهاد جهت ترسیم وضعیت مطلوب

بخش دوم: مقابله با یارانه های صادراتی و اتخاذ اقدامات جبرانی

مقدمه

فصل اول: نقش گمرک در تشخیص اعطای یارانه صادراتی و وضع عوارض جبرانی

الف- مرحله تقدیم درخواست، آغاز رسیدگی و انجام تحقیقات

ب- مرحله حین رسیدگی

ج- مرحله پس از رسیدگی

فصل دوم: نقش گمرک در وصول عوارض جبرانی

فصل سوم: جایگاه موضوع در حقوق ایران

الف- بررسی وضعیت موجود

ب- بررسی لایحه امور گمرکی

ج- ارائه پیشنهاد جهت ترسیم وضعیت مطلوب

بخش سوم: اقدامات حفاظتی

مقدمه

فصل اول: نقش گمرک در اتخاذ اقدامات حفاظتی

الف- مرحله آغاز رسیدگی

ب- مرحله حین رسیدگی

ج- مرحله پس از رسیدگی

فصل دوم: نقش گمرک در اجرای اقدامات حفاظتی

فصل سوم: جایگاه موضوع در حقوق ایران

الف- بررسی مقررات موجود

ب- بررسی لایحه امور گمرکی

ج- ارائه پیشنهاد جهت ترسیم وضعیت مطلوب

گفتار سوم: وظایف گمرک در تسهیلات تجاری

مقدمه

بخش اول: مفهوم و اهمیت و منافع تسهیل تجاری

فصل اول: تعریف تسهیل تجاری

بخش دوم: دیدگاه های مختلف درباره منافع تسهیل تجاری

الف- رشد صادرات

ب- افزایش قدرت رقابتی

ج- افزایش سرمایه گذاری مستقیم خارجی

ح- مشارکت بیشتر و فعالتر موسسات کوچک و متوسط در تجارت بین الملل

بخش سوم: هزینه های تسهیل تجاری

بخش چهارم: برخی شواهد تجربی درباره منافع و هزینه های مترتب بر تسهیل تجاری

بخش پنجم: تسهیل تجاری و دستور کار سازمان جهانی تجارت

بخش ششم: ضمیمه D بسته ژوئیه ۲۰۰۴

بخش هفتم: تحول مذاکرات مربوط به تسهیل تجاری در سازمان

جهانی تجارت و نظر کشورها درباره دستور کار مذاکرات: مطالعه تطبیقی

فصل اول: تطور موضوع در گروه مذاکراتی سازمان جهانی تجارت

فصل دوم: نظر برخی از کشورها در ارتباط با دستور کار مذاکراتی

تسهیل تجاری در سازمان جهانی تجارت

بخش هشتم: تسهیل تجاری در برخی از سازمان های بین المللی

بخش نهم: انعکاس موضوع تسهیل تجاری در لایحه امور گمرکی

نتیجه گیری

مقدمه

بررسی لایحه قانون امور گمرکی از دیدگاه مقررات سازمان جهانی تجارت، با توجه به جایگاهی که گمرک در موافقت‌نامه‌های مختلف سازمان جهانی تجارت دارد، در سه گفتار انجام شده است. گفتار نخست نقش گمرک را در اجرای قواعد مربوط به رویه‌های تجاری در پرتو مقررات سازمان مذکور مشخص می‌نماید که در آن به ویژه سه موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی، قواعد مبدا و جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری در این حوزه قرار می‌گیرند. گفتار دوم به وظایف گمرک در زمینه مجازات‌های تجاری مربوط می‌گردد که از نظر مقررات سازمان جهانی تجارت به طور خاص سه موافقت‌نامه راجع به اقدامات ضد دامپینگ، یارانه‌ها و اقدامات جبرانی، و اقدامات حفاظتی مطرح می‌گردند. سرانجام در گفتار سوم، موضوع تسهیل تجاری جایی که به گمرک مربوط می‌گردد، صرف‌نظر از گسیختگی مباحث و موضوعات در لایحه که به نوبه خود محل تامل است با عنایت به مفهوم آن در سازمان جهانی تجارت سعی شده در سراسر مقررات لایحه دیده شده است، که این مهم در قانون فعلی در قالب ماده ۳۹۴ آیین نامه قانونی مصوب ۱۳۵۱ برای اتخاذ هر سیاستی که در جهت تسهیل تجاری است، دست گمرک ایران را باز گذاشته است.

در این بررسی علاوه بر مقررات موافقت‌نامه‌های مربوط، قوانین مربوط در چند کشور منتخب عضو سازمان مذکور یعنی، پاکستان، ترکیه و چین مد نظر قرار گرفته است تا اجرای این مقررات در عمل، و به ویژه در میان کشورهای در حال توسعه، لحاظ گردد. به علاوه به مقررات موجود گمرکی کشور نیز در پرتو مقررات سازمان جهانی تجارت در حوزه‌های مورد مطالعه نیز توجه شده است. سرانجام کوشش شده که تصویری جامع از نظام گمرکی کشور از نظر الزامات سازمان مذکور و با توجه به الزامات نظام حقوقی-اجرایی داخلی، جدای از این که لایحه به تصویب برسد یا نرسد ارائه گردد.

گفتار اول: نقش گمرک در اجرای قواعد مربوط

به رویه‌های تجاری

در این گفتار، موافقت‌نامه‌های ارزشگذاری گمرکی، قواعد مبدا و جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری که رعایت مقررات آن‌ها برای کشورهای خواهان عضویت در این سازمان جنبه الزام‌آور دارد، از دیدگاه مقررات گمرکی، در سه بخش به ترتیب ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرند.

بخش اول: ارزشگذاری گمرکی

مقدمه

وضع حقوق و عوارض گمرکی در مورد واردات و استثنائاً در برخی از کشورها در مورد صادرات^۱ می‌تواند تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر جریان دادوستد بازرگانی داشته باشد. بنابراین هر صادرکننده یا واردکننده می‌بایست درباره میزان و روش محاسبه این حقوق گمرکی که به عنوان مالیات وصول می‌گردد اطلاع داشته باشد.

فصل اول: چگونگی تعیین ارزش کالا تا پیش از انعقاد موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی

حقوق ورودی را طبق قوانین ملی می‌توان برحسب واحد کالا^۲ یا ارزش آن^۳ یا ترکیبی از هر دو^۴ تعیین کرد، ارزشگذاری گمرکی^۵ که موضوع موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی است به چگونگی تعیین ارزش کالا (کالای وارداتی) مربوط می‌گردد. بدیهی است در مورد روش‌های دیگر یعنی "واحد کالا" یا "ترکیبی از هر دو" با احراز واحد کالا در هنگام اظهار کالا به گمرک که، از طریق مشاهده و نمونه برداری یا به اعتبار اسناد ابرازی امکان پذیر است نیازی به موافقت‌نامه خاص نداشته و صرفاً در بخش مربوط به ارزش کالا معیارهای موافقت‌نامه استناد می‌شود. برای روشن شدن جنبه‌های مختلف موضوع ابتدا انواع روش‌های تعیین حقوق ورودی یا صدوری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

^۱ - طبق بند ۴ قانون امور گمرکی ایران صادرات کشور از پرداخت حقوق و عوارض گمرکی بخشوده است ولی مشمول هزینه‌های گمرکی می‌شود.

^۲ - Ad valorem duty

^۳ - Specific duty

^۴ - Mixed or compound duty

^۵ - Customs valuation

الف- روش‌های تعیین "حقوق گمرکی و عوارضی" یا "حقوق و عوارض ورودی یا صدوری" یا "حقوق و عوارض ورودی"

۱- تعیین حقوق و عوارض گمرکی برحسب ارزش

ارزشگذاری گمرکی یک روش گمرکی است که برای تعیین ارزش گمرکی کالای وارداتی به کار می‌رود. بنابراین چنانچه نرخ برحسب ارزش کالا باشد، ارزش گمرکی برای تعیین و وصول حقوق و عوارض متعلق به کالای وارداتی جنبه اساسی دارد. بنابراین احراز این ارزش مبنا هم برای تجار و هم اداره گمرک حائز اهمیت بسیار است. در روش مزبور مستقیماً تابعی از میزان ارزش کالای وارده است و بر این اساس تعیین می‌شود. در این شیوه، ارزش گمرکی کالا در نرخ‌های تعیین شده ضرب می‌شود و حقوق و عوارض متعلق به کالای وارداتی تعیین می‌گردد.^۱

۲- تعیین حقوق گمرکی و عوارض برحسب واحد

چنانچه تعیین حقوق و عوارض برحسب واحد کالا مدنظر باشد، عواید گمرکی (حقوق گمرکی و عوارض) براساس کمیت و واحد متعارف کالا که در گمرک با معاینه فیزیکی یا به اعتبار اسناد ارائه شده احراز می‌گردد تعیین می‌شود.^۲ برای مثال، برای هر قلم یا واحد کالای وارداتی مبلغ ۱۰۰۰ ریال به عنوان محاسبه و وصول می‌گردد، ولی به اعتبار این نرخ واحدی حقوق ورودی نباید امر مهم ارزشگذاری که مقاصد متعدد دیگری از تعیین آن مورد نظر گمرک ایران است مغفول بماند، از این رو تعیین ارزش در گمرک همواره حائز اهمیت است، و در هر حال وضع قواعد و ضوابط مبتنی بر موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی نیز ضرورت پیدا می‌کند.

۳- تعیین حقوق گمرکی و عوارض به صورت مختلط یا مرکب

^۱ - طبق مقررات صادرات و واردات در ایران مآخذ دریافت حقوق و عوارض متعلق به کالای وارداتی (با حفظ مستثنیاتی) ارزش کالای وارده است.

^۲ - طبق مقررات گمرکی ایران وزن کالا از جهات مختلف ملاک عمل قرار می‌گیرد که بطور غیر مستقیم در میزان حقوق گمرکی و عوارض، تعهدات ارزی در واردات و سایر رویه ای گمرکی و مقاصد دیگر موثر است.

در این روش دو شیوه فوق با هم به کار گرفته می‌شوند^۱ و علاوه بر وصول حقوق و عوارض گمرکی براساس درصد معینی از ارزش کالا، مبلغ معینی نیز به ازاء هر واحد یا کمیت کالای وارداتی اخذ می‌گردد. مثلاً ۱۰ درصد ارزش کالای وارداتی به اضافه ۱۰۰۰ ریال به ازاء هر واحد (تن، کیلو، لیتر یا عدد) از کالا. همچنین از این روش می‌توان برای تعیین حداقل یا حداکثر سطح حمایت نیز استفاده نمود. مثلاً ۱۰ درصد ارزش کالا، مشروط بر این که از ۱۰۰۰ ریال در هر واحد کمتر یا بیشتر نشود یا ۱۰۰۰ ریال در هر کیلوگرم یا ۱۰ درصد ارزش کالا، هر کدام بیشتر یا کمتر باشد.^۲

با اندک استثنائاتی اکثر کشورها، حقوق و عوارض گمرکی را برحسب ارزش وضع می‌کنند. سه دلیل اصلی در این زمینه وجود دارد: اولاً برای مقامات گمرکی آسانتر است که حقوق و عوارض قابل وصول را براساس ارزش محاسبه کنند تا برحسب مقدار که بر مبنای واحد یا کمیت کالا تعیین می‌گردد و احراز آن مستلزم معاینات فیزیکی (توزین یا شمارش) است؛ ثانیاً وضع حقوق و عوارض برحسب ارزش منصفانه‌تر از تعیین حقوق و عوارض برحسب مقدار است، زیرا بر حسب مرغوبیت کالا، محصولات ارزانتر هزینه تعرفه‌ای کمتر و به کالاهای گرانتر هزینه بالاتری تعلق می‌گیرد. برای مثال حقوق و عوارض برحسب واحد به میزان ۲۰۰۰ ریال در لیتر بر مبنای ۵۰ درصد مالیات است که برای یک بطری نوشابه به ارزش ۲۰۰۰ ریال (بطری نیم لیتری) و ۱۰ درصد برای نوشابه گران‌تر است که هر بطری آن ۲۰۰۰۰ ریال ارزش دارد. در حالی که حقوق و عوارض برحسب ارزش، به میزان ۱۰ درصد، به معنای ۲۰۰ ریال حقوق و عوارض گمرکی برای نوشابه ارزانتر و ۲۰۰۰ ریال برای نوشابه گرانتر است؛ ثالثاً در مذاکرات بین‌المللی در مورد کاهش تعرفه‌ها چنانچه حقوق و عوارض برحسب ارزش اعلام گردد، مقایسه سطح تعرفه‌ها و مذاکره برای کاهش آن‌ها بسیار سهل‌تر است.^۳

^۱ - طبق مقررات صادرات و واردات ایران در مورد برخی اقلام استثنائاً تعرفه ارزشی و واحدی توأمأً پیش‌بینی شده است، در این حالت مبنای تعیین حقوق متعلق به کالای وارداتی ارزش آن است، به شرط آن که محاسبه آن طبق مآخذ وزنی رقم بیشتری را به دست ندهد. در غیر این صورت همان مآخذ وزنی ملاک عمل قرار می‌گیرد.

^۲ - علی زاهد طلبان، سازمان جهانی تجارت، ساختار قواعد و موافقتنامه‌ها (تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۵، ص ۳۲۱).

^۳ - مرکز تجارت بین‌المللی و دبیرخانه مشترک المنافع، راهنمای تجاری دور اروگوئه (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۵)، ص ۱۱۶-۱۱۵.

ب- شیوه‌های ارزشگذاری تا انعقاد موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی

ارزشگذاری کالای وارداتی در گمرک برای وصول حقوق و عوارض گمرکی تا پیش از انعقاد موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی در سازمان جهانی تجارت، از معیارهای مختلفی تبعیت می‌کرده است. این معیارها به ترتیب در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)، کنوانسیون ارزشگذاری کالا برای مقاصد گمرکی که به تعریف بروکسل از ارزش گمرکی معروف است^۱ و سرانجام مجموعه مقررات ارزشگذاری دور توکیو^۲ که در واقع مبنای موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی در سازمان جهانی تجارت است، یک سیر تحولی را طی نموده است که ذیلاً مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱- ارزشگذاری در گات

در ماده ۷ گات، اصول کلی مورد نیاز برای یک نظام بین‌المللی ارزشگذاری تعیین شده است. مطابق بند الف این ماده "ارزش گمرکی کالای وارداتی باید بر اساس ارزش واقعی کالای وارداتی موضوع ارزشگذاری حقوق و عوارض گمرکی یا کالای مشابه مبتنی باشد و نباید بر اساس ارزش کالای دارای منشاء ملی یا ارزش‌های ساختگی یا دلبخواه استوار گردد". به علاوه به موجب بند ب "ارزش واقعی باید قیمتی باشد که این کالای مشابه در زمان و مکان تعیین شده در قوانین کشور وارد کننده به آن قیمت فروخته یا جهت فروش به جریان عادی تجارت، تحت شرایط رقابتی کامل عرضه می‌شود. تا حدی که قیمت این کالا یا کالای مشابه برحسب مقدار در معامله‌ای خاص تعیین می‌گردد، قیمت مورد رسیدگی باید همواره یا به (۱) مقادیر قابل مقایسه مرتبط گردد و یا (۲) به مقداری که برای واردکنندگان نامطلوبتر از مقداری نباشد که حجم بیشتری از کالای مزبور در تجارت میان کشورهای صادرکننده و واردکننده فروخته می‌شود" و بالاخره براساس بند ج این ماده «هنگامی که ارزش واقعی طبق بند ب قابل تقویم نباشد، ارزش گمرکی باید بر

^۱ - Convention on the Valuation of Goods for Customs Purposes/ Brussels Detinition of value (BDV)

^۲ - Tokyo Round Valuation Code

نزدیک ترین معادل قابل تقویم چنین ارزشی مبتنی باشد^۱». گرچه ماده ۷ تعریفی از "ارزشی واقعی" به شرحی که گذشت به دست می دهد، ولی در عین حال امکان استفاده از روش های بسیار متنوع برای ارزشگذاری کالا را مجاز می شمارد. علاوه بر این، حوزه عمل گسترده ای که در ماده ۷ گات پیش بینی شده است و وجود شرط پدربزرگ^۲ در موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت، استمرار معیارهای قدیمی را که حتی با مقررات فوق انطباق ندارند، میسر ساخت.

۲- ارزشگذاری طبق کنوانسیون بروکسل

این کنوانسیون در ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۳ لازم الاجرا شد و از این تاریخ حقوق و عوارض گمرکی در بسیاری از کشورها طبق تعریف این کنوانسیون از ارزش، ارزیابی می شد. طبق این روش "قیمت عادی بازار"^۳ به عنوان قیمتی است که "کالا در یک بازار آزاد میان خریدار و فروشنده مستقل از یکدیگر به آن قیمت دادوستد می شود". بنابراین، قیمت مزبور برای تعیین ارزش کالا به منظور اخذ حقوق و عوارض گمرکی مبنا قرار می گرفت. در این روش تنها هنگامی انحرافات واقعی از این قیمت به طور کامل در نظر گرفته می شد که ارزش اظهار شده توسط صاحب کالا بیش از فهرست ارزش های تعیین شده بود. در غیر این صورت چنانچه ارزش تعیین شده بیشتر از ارزش اظهار شده بود، این انحراف حداکثر تا ۱۰ درصد قابل قبول تلقی می شد.

روش فوق نارضایتی شدیدی را میان تجار به وجود آورد، چرا که تغییرات قیمت و تفاوت قیمت ناشی از مزیت های بنگاه را تا زمانی که فهرست قیمت های ملی توسط مقامات گمرکی دوره های زمانی معین تعدیل نمی شد، به هیچ وجه در نظر نمی گرفت. به علاوه قیمت محصولات جدید و کمیاب اغلب در فهرست قیمت ها

^۱ - اسفندیار امیدبخش و مسعود طارم سري، آشنایی با موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ۱۳۷۲) ص ۲۲۰.

^۲ - Grand Father clause

این شرط به مقرراتی در پروتکل اجرای موقت اشاره دارد که به موجب آن به امضاکنندگان اولیه گات ۱۹۴۷ اجازه داده شده بود که برخی از قوانین داخلی خود را که در زمان الحاق به گات دارای قدرت قانونی بودند، حتی اگر مغایر با قسمت دوم مقررات گات باشند، حفظ نمایند، چرا این که در غیر این صورت ممکن بود اجرای گات به تاخیر افتده البته لازم به ذکر است که این شرط به گات ۱۹۹۴ تسری داده نشده است.

^۳ - Normal Market Price

وجود نداشتند و لذا احراز "ارزش تجاری" در مورد آن‌ها دشوار می‌نمود. به همین دلیل تعدادی از کشورها، از جمله آمریکا، هیچگاه به عضویت کنوانسیون بروکسل در نیامدند و لذا از این روش ارزیابی تبعیت نمی‌کردند. به این ترتیب آشکار شد که روش ارزشگذاری هماهنگ‌تر و منعطف‌تری لازم است تا بتواند نظام‌های همه کشورها در زمینه ارزشگذاری گمرکی را در برگیرد.^۱

۳- ارزشگذاری در مقررات دور توکیو

عملاً تا تاسیس سازمان جهانی تجارت نظام ارزشگذاری گمرکی در بسیاری از کشورها بر کنوانسیون بروکسل مبتنی بود، اما مذاکرات دور توکیو در ۱۹۷۹ که برپایه ماده ۷ گات انجام پذیرفت، منتهی به تصویب روش ارزشگذاری گمرکی دیگری شد که با کنوانسیون بروکسل تفاوت‌های قابل توجهی داشت. قیمت‌گذاری در کنوانسیون مزبور بر یک مفهوم ذهنی^۲ استوار است و کالای وارداتی دارای قیمتی است که مقامات گمرکی می‌توانند آن را از جمله با در نظر گرفتن چگونگی رابطه میان واردکننده و صادرکننده و اطلاعات موجود راجع به قیمت کالاهای همسان یا مشابه، تعیین کنند.

در مقابل مفهوم ارزشگذاری در مجموعه مقررات دور توکیو بر مفهوم عینی^۳ مبتنی است. این مقررات به گونه‌ای دقیق قیمتی را که باید در تشخیص ارزش کالای وارداتی در نظر گرفته شود، تعیین می‌کند. قاعده اساسی در این موافقت‌نامه آن است که گمرک باید به طور معمول "قیمت پرداختی یا قابل پرداخت" توسط واردکننده در معاملات موضوع ارزشگذاری را به عنوان "ارزش واقعی" کالا به عنوان مبنای وصول حقوق و عوارض گمرکی بپذیرد.

با تصویب این مجموعه مقررات در دور توکیو^۴ که اجرای آن جنبه داوطلبانه و اختیاری داشت، شمار زیادی از کشورهای در حال توسعه بر این اعتقاد بودند که اجرای قاعده فوق در مورد ارزش معاملات، مگر در مورد وضعیت‌هایی که در مقررات مذکور برشمرده شده است، می‌تواند برای ادارات گمرک آن‌ها مسائلی را در ارتباط با رویه‌های پذیرفته شده توسط تجار، که قیمت کالای وارداتی را عمده‌أ کمتر از آن چه است اعلام

^۱ - WWW. wcoomd. org/ ie/ en/ about us/ fiche 5- ang. Pdf.

^۲ - Notional concept

^۳ - Positive concept

^۴ - درمورد مجموعه مقررات دور توکیو مراجعه کنید به :
GATT, The Texts of the Tokyo Round Agreements. Geneva, August 1986. pp.81-118.

می‌دارند تا حقوق و عوارض گمرکی کمتری بپردازند، پدیدآورد. به همین دلیل نرخ حقوق و عوارض گمرکی وضع شده در این کشورها، سوای از دلایل حمایتی، در مقایسه با کشورهای توسعه یافته همواره بالاتر بوده است. این ملاحظات سبب شد که شمار زیادی از کشورهای در حال توسعه تصمیم بگیرند که از قبول مجموعه مقررات دور توکیو در مورد ارزشگذاری گمرکی خودداری ورزند.^۱

۴- مذاکرات دور اروگوئه و موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی

مجموعه مقررات دور توکیو در مورد ارزشگذاری گمرکی علیرغم عدم استقبال کشورهای در حال توسعه عضو گات، در قالب یک موافقت‌نامه توسط بیش از ۴۰ کشور طرف متعاهد گات امضا شد^۲ که رعایت آن صرفاً در روابط فی‌مابین همین کشورها جنبه الزام آور داشت تا این که در دور بعدی مذاکرات تجاری گات که در سال‌های ۹۳-۱۹۸۶ در اروگوئه برگزار شد، مقررات مذکور با اصلاحاتی که در آن به عمل آمد، به عنوان یکی از موافقت‌نامه‌های الزام‌آور که کلیه اعضای گات سابق و بعداً اعضای سازمان جهانی تجارت^۳ در قالب بسته‌ای واحد ملزم به قبول آن بودند، مورد قبول قرار گرفت که تفاوت‌هایی با مقررات دور توکیو داشت.

در خصوص تفاوت‌های مجموعه مقررات دور توکیو با مفاد "موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی" که اسم اصلی آن "موافقت‌نامه اجرای ماده ۷ گات"^۴ می‌باشد باید گفت که مقررات دور توکیو اختیارات گمرک برای رد ارزش معاملاتی را بسیار محدود می‌کرد.^۵ این مسئله مورد توجه شمار زیادی از کشورهای در حال توسعه

^۱ - UNCTAD, Multilateral Trade Negotiations (Geneva: UNCTAD, 2004), P. 83.

^۲ - از میان کشورهای فوق فقط یازده کشور در زمره کشورهای در حال توسعه بودند.

^۳ - World Trade Organization (WTO)

^۴ - Agreement on Implementation of Article VII of GATT 1994/ Agreement on Customs Valuation.

^۵ - به موجب مقررات دور توکیو مواردی که گمرک می‌توانست ارزش معاملاتی اعلام شده از سوی واردکننده را رد کند عبارت بودند از:

- ۱- در مواردی که هیچ فروشی وجود ندارد.
 - ۲- در مواردی که خریدار در عرضه یا استفاده از کالا با محدودیت‌های روبه‌رو است.
- در صورتی که قرارداد فروش محدودیت‌هایی بر استفاده یا عرضه کالاها اعمال نماید، لزوماً ارزش معاملاتی پذیرفته نخواهد شد، مگر در موارد زیر:
- محدودیت به موجب قانون وضع شده باشد (مثلاً، الزامات بسته‌بندی)
 - محدودیت در مورد حوزه جغرافیایی که ممکن است کالا در آن جا فروخته شود (مثلاً قرارداد توزیع که فروش را به کشورهای اروپایی منحصر می‌کند).

قرار گرفت، آن‌ها توجه داشتند که قاعده مزبور، به طور ناصحیح مانع ادارات گمرک آن‌ها برای مقابله با رویه تجار در ارزشگذاری کمتر از قیمت واقعی کالاهای وارداتی به منظور کاهش حقوق گمرکی متعلقه خواهد بود که پیشتر به آن اشاره شد. در نتیجه ابتکار عمل این دسته از کشورها در خلال دور اروگوئه، تصمیم راجع به "مواردی که ادارات گمرک دلایلی دارند تا در خصوص صحت یا دقت ارزش اعلامی تردید داشته باشند که تحت عنوان «تصمیم راجع به انتقال بار اثبات» نیز شناخته می‌شود اتخاذ گردید که در واقع خلاء موجود در مقررات دور توکیو را پر می‌کند و اختیارات گمرک را در مورد عدم پذیرش ارزش معاملاتی افزایش می‌دهد. به این ترتیب برخلاف مقررات دور توکیو که چنانچه گمرک ارزش معاملاتی اعلامی واردکننده را رد می‌کرد، باز مسئولیت اثبات به عهده گمرک قرار می‌گرفت، بنا به تصمیم متخذه در دور اروگوئه، هنگامی که گمرک براساس اطلاعات راجع به قیمت‌ها یا سایر داده‌های موجود، دلیلی در دست دارد تا در مورد صحت یا دقت جزئیات یا اسنادی که واردکنندگان در پشتیبانی از اظهارنامه ارائه داده‌اند تردید کند، بار اثبات را برعهده واردکنندگان قرار می‌دهد.

برای تضمین این امر که گمرک ارزش معاملاتی را در این موارد، بر مبنای عینی رد می‌نماید، موافقت‌نامه جدید تصریح می‌کند که باید در قوانین ملی، برخی حقوق برای واردکنندگان در موارد زیر در نظر گرفته شود:

اول، در مواردی که گمرک در خصوص صحت یا دقت ارزش اعلامی تردید می‌کند واردکنندگان باید حق داشته باشند تا توضیحاتی، به انضمام اسناد یا سایر مدارک را برای اثبات این مطلب که ارزش اعلامی آن‌ها بازتاب ارزش صحیح کالاهای وارداتی است، ارائه دهند.

- محدودیت، ارزش کالا را تحت تاثیر قرار ندهد (مثل این محدودیت که مدل جدید وارد شده نباید قبل از موعد خاصی فروخته شود).

۳- هنگامی که فروش یا قیمت تابع شرایطی است که در آن نمی‌توان ارزش را تعیین نمود (مثلاً، فروشنده، قیمت کالاهای وارداتی را به این شرط تعیین کند که خریدار کالاهای دیگری را خریداری نماید).

۴- هنگامی که بخشی از عواید فروش مجدد (بعدي) به وسیله خریدار، به فروشنده تعلق می‌گیرد.

۵- در موردی که خریدار و فروشنده با یکدیگر ارتباط دارند و این رابطه بر قیمت تاثیر بگذارد.

دوم، اگر گمرک با توضیحات ارائه شده قانع نشود، واردکنندگان باید حق داشته باشند از گمرک درخواست کنند که کتباً دلایل تردید در خصوص صحت یا دقت ارزش اعلامی را به آن‌ها اعلام کند. در هر حال، این شرط با در نظر گرفتن حق تقاضای تجدید نظر نسبت به تصمیم متخذه از مقامات بالاتر در مراجع اداری در گمرک یا حتی در مرجع قضائی برای حمایت از منافع واردکنندگان در نظر گرفته شده است.^۱

فصل دوم: مقررات ارزشگذاری گمرکی در سازمان جهانی تجارت

مجموعه مقررات دور توکیو در مورد ارزشگذاری گمرکی در جریان مذاکرات دوراروگوئه جای خود را به موافقت‌نامه اجرای ماده ۷ گات ۱۹۹۴ یا موسوم به موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی داد.

الف- موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی

به رغم تفاوت‌هایی که فوقاً اشاره شد، این موافقت‌نامه اساساً همان مجموعه مقررات ارزشگذاری در دور توکیو است که اولاً تنها ناظر بر ارزشگذاری "کالاهای وارداتی" از لحاظ تعیین حقوق و عوارض متعلقه بر مبنای ارزش چنین کالاهایی است و ثانیاً در این موافقت‌نامه تعهداتی برای ارزشگذاری گمرکی به منظور تعیین حقوق و عوارض صادراتی یا مدیریت سهمیه‌ها بر مبنای ارزش کالا به چشم نمی‌خورد و ثالثاً در آن هیچگونه شرایطی برای ارزشگذاری کالا برای وضع مالیات در داخل یا اعمال کنترل‌های ارزی مشاهده نمی‌شود. بنابراین محدوده تعهدات بین‌المللی الزام‌آور در قالب این موافقت‌نامه اعمال معیارهای ارزشگذاری گمرکی مقرر در این موافقت‌نامه صرفاً برای کالاهای وارداتی است. هر نوع استفاده یا تسری مقررات موافقت‌نامه مذکور به سایر موارد صرفاً به قوانین داخلی کشورها مربوط می‌گردد و در زمره الزامات سازمان جهانی تجارت قرار ندارد.

۱- اصل پایه‌ای برای ارزشگذاری گمرکی: ارزش معاملاتی

موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی مقرر می‌دارد که ارزشگذاری گمرکی، مگر در اوضاع و احوال تعیین شده، باید بر قیمت واقعی کالا که ارزیابی می‌گردد و عمدتاً در سیاهه تجاری (فاکتور فروش) مشخص شده است،

^۱ - مرکز تجارت بین‌الملل و دبیرخانه مشترک المنافع، پیشین، صص ۱۲۱-۱۱۹.

مبتنی باشد. این قیمت به انضمام تعدیلاتی که از بابت عوامل مذکور در ماده ۸ صورت می‌گیرد، معادل "ارزش معاملاتی"^۱ است که نخستین و اصلی‌ترین روش ارزشگذاری در موافقت‌نامه محسوب می‌شود.^۲

بنابراین در ارزش معاملاتی، قیمت واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت کلی مبلغی است که خریدار به فروشنده یا به نفع فروشنده از بابت کالای وارداتی می‌پردازد و همه مبالغ پرداختی خریدار به فروشنده یا توسط خریدار به شخص ثالث برای انجام تعهد فروشنده، به عنوان شرط فروش کالای وارداتی را شامل می‌شود.

۱-۱- شرایط لازم برای اعمال روش ارزش معاملاتی

به منظور این که ارزش گمرکی کالا بر مبنای ارزش معاملاتی محاسبه گردد لازم است شرایط زیر تحقق یابند:

الف) وجود مدارکی دال بر انجام معامله

در گام نخست لازم است مدارکی که حاکی از انجام فروش صادراتی کالا به کشور واردکننده باشد، ارائه گردد. این مدارک می‌تواند سیاهه تجاری، قرارداد بیع، سفارش خرید و موارد دیگر باشد

ب) عدم محدودیت در مورد واگذاری کالا به خریدار

همچنین نباید هیچگونه محدودیتی در زمینه واگذاری یا استفاده از کالا توسط خریدار مگر در موارد زیر وجود داشته باشد:

(۱) محدودیت‌های وضع یا مقرر شده توسط قانون در کشور واردکننده؛

(۲) محدودیت‌های ناظر بر یک محدوده جغرافیایی خاص که کالا در آن جا می‌تواند مجدداً به

فروش برسد؛

(۳) محدودیت‌هایی که اساساً ارزش کالا اثر نمی‌گذارند.^۳

^۱- Transaction value

^۲ - موافقت‌نامه ارزشگذاری کالا، ماده ۱.

^۳ - موافقت‌نامه ارزشگذاری کالا، ماده ۱.

ج) عدم وجود شرایط اضافی در مورد قیمت یا فروش

در محاسبه ارزش معاملاتی نباید فروش کالا یا قیمت آن مشمول شرایط و ملاحظات گردد که به خاطر آن نتوان کالای موضوع ارزشگذاری را تعیین قیمت کرد. مثال‌هایی در مورد این وضعیت در یادداشت مربوط به شق (ب) از بند (۱) ماده (۱) در ضمیمه شماره (۱) موافقت‌نامه آمده است که عبارتند از:

(۱) فروشنده قیمت کالای وارداتی را مشروط به آن کند که خریدار کالاهای دیگری را نیز به مقادیر تعیین شده خریداری کند؛

(۲) قیمت کالای وارداتی بستگی به قیمت یا قیمت‌هایی داشته باشد که خریدار کالای وارداتی، کالاهای دیگری را به فروشنده کالای وارداتی می‌فروشد؛

(۳) قیمت بر مبنای شکلی از پرداخت قرار گرفته باشد که برای کالای وارداتی غیر معمول است. مانند موردی که کالای وارداتی، کالای نیمه تمامی است که فروشنده بدان شرط آن را عرضه می‌کند که مقدار مشخصی از کالای تمام شده را دریافت نماید.^۱

د) کامل بودن قیمت کالای فروخته شده، مگر در موارد خاص

به علاوه در ارزشگذاری گمرکی برای کالای وارداتی نباید هیچ بخشی از عایدات حاصل از فروش مجدد، واگذاری یا استفاده بعدی خریدار از کالا به طور مستقیم یا غیرمستقیم به فروشنده تعلق گیرد، مگر آن که بتوان مطابق مقررات ماده ۸ تعدیلی مناسب در قیمت به عمل آورد.^۲ در این ارتباط باید اطلاعات کافی وجود داشته باشد تا بتوان تعدیل‌های خاصی را طبق ماده ۸ در قیمت پرداختی یا قابل پرداخت اعمال کرد مانند:

(۱) حق‌العمل و دلالی، به جز دلالی خرید؛

(۲) هزینه محفظه‌هایی که در محاسبه برای منظورهای گمرکی محرز می‌گردد که با کالای موضوع ارزشگذاری باید یک کاسه شود؛

^۱ - موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی، ضمیمه ۱، یادداشت تفسیری شق (ب) از بند (۱) ماده ۱.

^۲ - موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی، شق ج از بند ۱.

- (۳) هزینه بسته‌بندی چه از لحاظ نیروی کار یا مواد مورد استفاده؛
- (۴) ارزش کالاها و خدمات مشخصی که به نحو مناسبی سرشکن شده باشد؛
- (۵) حق امتیازها و وجوه اخذ پروانه مربوط به کالایی که ارزشگذاری می‌شود؛ و قهراً باید توسط خریدار پرداخت شود، مگر آنکه قبلاً در احتساب بهای صادراتی منظور و در قالب "ارزش معاملاتی" عرضه شده باشد.
- (۶) ارزش هر بخشی از عایدات فروش مجدد، واگذاری یا استفاده بعدی از کالا وارداتی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به فروشنده تعلق می‌گیرد؛
- (۷) هزینه حمل و نقل، بیمه و مخارج مرتبط تا محل ورود^۱.
- در هر حال هزینه‌هایی که پس از ورود به کالا تعلق می‌گیرد، یعنی حقوق و عوارض، حمل و نقل داخلی، ساخت یا سوار کردن جزو قیمت منظور نمی‌شوند.^۲

ه) عدم ارتباط خریدار و فروشنده

- خریدار و فروشنده نباید با یکدیگر ارتباط داشته باشند یعنی نباید:
- (۱) اعضای ارشد یا مدیران کسب و کار یکدیگر باشند؛
- (۲) قانوناً شریک در کسب و کار یکدیگر شناخته شوند؛
- (۳) کارفرما و مستخدم باشند؛
- (۴) شخصی باشد که بطور مستقیم یا غیرمستقیم ۵ درصد یا درصد بیشتری از رای تعیین کننده مبتنی بر سرمایه یا سهام هر دو طرف را در تملک داشته یا کنترل کند؛
- (۵) یکی از آنان به طور مستقیم یا غیرمستقیم دیگری را کنترل کند. در این خصوص یادداشت تفسیری ماده ۱۵ مقرر می‌دارد که از لحاظ این موافقت‌نامه هنگامی پذیرفته می‌شود که یک شخص، شخص

^۱ - همان، ماده ۸.

^۲ - موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی، ضمیمه ۱ شق‌های (الف)، (ب)، (ج) بند ۳ یادداشت ماده ۱.

دیگر را کنترل می‌کند که اولی از لحاظ حقوقی یا عملاً در موقعیت اعمال محدودیت بردیگری یا هدایت آن قرار داشته باشد. به موجب این یادداشت در موارد مقتضی اصطلاح "اشخاص" شامل اشخاص حقوقی هم می‌شود.

(۶) هر دو به طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت کنترل شخص ثالثی باشند.

(۷) اعضای یک خانواده باشند.^۱

البته علی‌رغم وجود این ارتباط که می‌تواند مانع از اعمال روش ارزش معاملاتی در محاسبه حقوق و عوارض گمرکی گردد، چنانچه واردکننده موارد زیر را اثبات نماید، رابطه فوق مانع از استفاده گمرک از روش ارزشی معاملاتی نخواهد شد:

(۱) رابطه موجود تاثیری بر قیمت کالا نداشته است؛

(۲) ارزش معاملاتی کاملاً به یکی از ارزش‌های موجود در همان زمان یا حدوداً در همان زمان نزدیک

است.^۲

بنابراین، این واقعیت که خریدار و فروشنده در قالب‌های اشاره شده در فوق با یکدیگر مرتبط هستند، به خودی خود دلیلی برای غیرقابل تلقی کردن ارزش معاملاتی نخواهد بود. در صورتی که با توجه به اطلاعاتی که واردکننده ارائه کرده یا به طریق دیگر فراهم آمده، برای اداره گمرک محرز شود که ارتباط مزبور بر قیمت اثر داشته است باید دلایل خود را، در صورت درخواست به صورت کتبی به واردکننده ابلاغ کند و به او فرصت معقولی برای پاسخگویی بدهد.

۱-۲- تردید در مورد صحت یا دقت ارزش اعلامی

ارزشگذاری گمرکی با استفاده از روش "ارزش معاملاتی" عمدتاً برپایه اسناد دریافتی از واردکننده صورت می‌گیرد. موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی تصریح می‌کند که ادارات گمرک حق دارند در مورد صحت یا دقت در بیانیه، "سند یا اظهارنامه‌ای که برای ارزشگذاری گمرکی ارائه می‌شود"، متقاعد گردند. در "تصمیم راجع به مواردی که ادارات گمرک دلایل برای تردید در مورد صحت یا دقت ارزش اعلامی دارند"

^۱ - موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی، ماده ۱۵.

^۲ - همان، شق‌های (الف) و (ب) بند ۲ ماده ۱.

که توسط کمیته ارزشگذاری گمرکی طبق تصمیم وزیران در مراکش - به هنگام تاسیس سازمان جهانی تجارت - اتخاذ شده است، رویه‌هایی که می‌بایست در چنین مواردی رعایت شوند درج گردیده است. در این راستا به عنوان نخستین گام گمرک می‌تواند از واردکننده بخواهد که توضیحات بیشتر، از جمله اسناد و مدارک دیگری، ارائه کند که ارزش اعلامی وی مبین کل مبلغ واقعاً پرداخت شده و یا قابل پرداخت برای کالای وارداتی است. اگر پس از دریافت اطلاعات بیشتر یا در صورت عدم دریافت پاسخ، گمرک بازهم تردیدی معقول در مورد صحت یا دقت ارزش گمرکی وارداتی داشته باشد، با در نظر گرفتن ماده ۱۱^۱ ممکن است چنین تلقی گردد که ارزش گمرکی کالای وارداتی را نمی‌توان طبق ارزش معاملاتی تعیین کرد. اما در هر حال گمرک قبل از اتخاذ تصمیم نهایی، در صورت درخواست، دلایل تردید خود در مورد صحت یا دقت ارزش یا اسناد ارائه شده را باید کتباً به اطلاع واردکننده برساند و به او فرصتی برای پاسخگویی بدهد. هنگامی نیز که تصمیم نهایی اتخاذ می‌شود، گمرک باید دلایل این تصمیم خود را به واردکننده اطلاع بدهد.^۲

۲- سایر روش‌های ارزشگذاری گمرکی

در مواردی که "ارزش معاملاتی" وجود ندارد یا به دلیل انحراف قیمت، در نتیجه وجود برخی شرایط، این ارزش به عنوان ارزش گمرکی مورد قبول نیست موافقت‌نامه پنج روش دیگر را برای ارزشگذاری گمرکی تعیین می‌کند که می‌بایست به ترتیب به اجرا گذاشته شوند. این پنج روش در موافقت‌نامه مورد بررسی قرار گرفته‌اند که به قرار زیر می‌باشند:

^۱ - ماده ۱۱ موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی چنین مقرر می‌دارد: ۱- قوانین هر عضو، برای واردکننده یا هر شخص دیگر مسئول پرداخت حقوق گمرکی و عوارض حق تقاضای بدون جریمه برای تجدید نظر در مورد تعیین یک ارزش گمرکی را مقرر خواهد داشت، ۲- ممکن است یک حق اولیه در مورد تقاضای بدون جریمه برای تجدید نظر نزد مرجعی در اداره گمرک یا یک رکن مستقل وجود داشته باشد، اما قوانین هر عضو، حق تقاضای بدون جریمه برای تجدید نظر نزد مرجعی قضایی را مقرر خواهد داشت، ۳- اطلاعیه مربوط به تصمیم مرحله تجدید نظر به خواهان داده خواهد شد و دلایل چنین تصمیمی کتباً ارائه خواهد گردید خواهان همچنین از هرگونه حق خود در مورد تقاضای تجدید نظر دیگر اطلاع خواهد یافت.

^۲ - "تصمیم در خصوص مواردی که تشکیلات گمرک دلایلی برای تردید در مورد صحت یا دقت ارزش اعلامی دارد"، واردات بازرگانی، معاونت طرح و برنامه، سند نهایی دور اروگوئه (گات) (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۳)، ص ۶۷۰-۶۶۹.

روش ۱: ارزش معاملاتی کالای همسان^۱

روش ۲: ارزش معاملاتی کالای مشابه^۲

روش ۳: ارزش استنتاجی یا قیاسی^۳

روش ۴: ارزش محاسباتی^۴

روش ۵: روش مرکب با استفاده از روش‌های قبلی^۵

گرچه برای تعیین ارزش گمرکی کالای وارداتی روش‌های فوق باید به ترتیب به مرحله اجرا گذاشته شوند، اما استثنائاً در صورت درخواست واردکننده امکان جابجایی روش‌هایی قیاسی و محاسباتی با یکدیگر وجود دارد^۶ ولی در هر حال اداره گمرک بنا به تشخیص خود نمی‌تواند چنین اقدامی را به عمل آورد. روش‌های پنجگانه فوق ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرند.

الف) ارزش معاملاتی کالای همسان

اگر نتوان ارزش گمرکی کالای وارداتی را طبق ارزش معاملاتی تعیین کرد، ارزش گمرکی آن معادل، ارزش معاملاتی کالای همسانی است که برای صدور به همان کشور واردکننده فروخته شده و در همان زمان یا حدوداً در همان زمان صدور کالای موضوع ارزشگذاری، صادر شده است.^۷ این کالای همسان باید دارای شرایط زیر باشد:

اولاً، از همه جهات از جمله خصوصیات فیزیکی، کیفیت و معروفیت با کالای وارده همسان باشد؛

ثانیاً، در همان کشوری تولید شده باشد که کالای موضوع ارزشگذاری در آن جا تولید شده است؛

ثالثاً، توسط تولیدکننده کالای موضوع ارزشگذاری تولید شده باشد.

در اجرای این روش، برای تعیین ارزش گمرکی، ارزش معاملاتی کالای همسان در فروشی در همان سطح تجاری و اساساً به همان مقدار کالایی که ارزشگذاری می‌شود مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مواردی

^۱ - Transaction value of identical goods

^۲ - Transaction value of similar goods

^۳ - Deductive value

^۴ - Computed value

^۵ - Fall-back method

^۶ - موافقتنامه ارزشگذاری گمرکی، ماده ۴.

^۷ - موافقتنامه ارزشگذاری گمرکی، ماده ۲.

که چنین فروشی یافت نشود، ارزش معاملاتی کالای همسان فروخته شده در سطوح تجاری متفاوت (از لحاظ کمیت)، با تعدیلات لازم مبتنی بر مدارک قابل قبول، مبنا قرار می‌گیرد. در این ارتباط چنانچه بیش از یک ارزش معاملاتی کالای همسان به دست آید، برای تعیین ارزش گمرکی کالای وارداتی، کمترین ارزش معاملاتی ملاک تعیین حقوق گمرکی و عوارض قرار می‌گیرد.

در اجرای این روش برای ارزشگذاری گمرکی، استثنائاتی نیز پذیرفته شده است:

(۱) در مواردی که هیچگونه کالای همسانی توسط شخص واحدی در کشور محل تولید کالای موضوع ارزشگذاری تولید نشده باشد، کالای همسان تولیدی شخص دیگری در همان کشور می‌تواند مد نظر قرار گیرد. در این زمینه وجود تفاوت‌های جزئی در ظاهر کالا نمی‌تواند مانع از آن شود که کالا منطبق با تعریف کالای همسان، تلقی گردد.

(۲) در تعریف ارزش معاملاتی کالای همسان آن دسته از کالاهای وارداتی که در برگیرنده کارهای مهندسی و هنری و غیره هستند که توسط خریدار، بدون اخذ وجهی یا به قیمتی کمتر در اختیار تولیدکننده کالا قرار گرفته و در کشور واردکننده انجام پذیرفته‌اند و در مورد آنها هیچگونه تعدیلی نمی‌تواند به موجب ماده ۸^۱ صورت گیرد، مستثنی شده‌اند.

(ب) ارزش معاملاتی کالای مشابه

چنانچه گمرک به این نتیجه برسد که اعمال روش فوق در تعیین ارزش گمرکی کالای وارداتی عملی نیست، ارزش آن را بر مبنای ارزش معاملاتی کالای مشابهی تعیین خواهد کرد که برای صدور به همان کشور واردکننده فروخته شده و در همان زمان یا حدوداً در همان زمان صدور کالای موضوع ارزشگذاری، صادر شده است^۲، مشروط بر این که کالای مزبور:

اولاً: از لحاظ موارد تشکیل دهنده و خصوصیات، شباهت زیادی با کالای مورد نظر داشته باشد؛

^۱ - به این ماده پیشتر در بند (د) مبحث "شرایط لازم برای اعمال روش ارزش معاملاتی" پرداخته شد.

^۲ - موافقتنامه ارزشگذاری گمرکی، ماده ۳.

ثانیاً: بتواند همان کارکردهایی را داشته باشد که از لحاظ تجاری قابل جایگزینی با کالای موضوع ارزشگذاری باشد،

ثالثاً: در همان کشور تولید شده باشد که کالای موضوع ارزشگذاری در آن جا توسط تولیدکننده این کالا تولید شده است.

در اجرای این روش برای تعیین ارزش گمرکی لازم است ارزش معاملاتی کالای مشابه در فروشی در همان سطح تجاری و اساساً به همان مقدار کالایی که ارزشگذاری می‌شود، مورد استفاده قرار گیرد. در صورت نبود چنین فروشی، ارزش معاملاتی کالای مشابه فروخته شده در سطح تجاری متفاوت و یا در مقادیر متفاوت با تعدیلات لازم ملاک عمل گمرک قرار می‌گیرد و در این ارتباط چنانچه چندین ارزش معاملاتی برای کالای موضوع ارزشگذاری به دست آید، کمترین آن‌ها مبنا قرار می‌گیرد.

ج) ارزش استنتاجی یا قیاسی

به موجب موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی هنگامی که امکان تعیین ارزش گمرکی بر مبنای ارزش معاملاتی کالای وارده یا کالای همسان و یا کالای مشابه وجود نداشته باشد، این ارزش براساس قیمت واحدی از کالای وارد شده یا کالای وارد شده همسان یا مشابه محاسبه می‌شود که به آن قیمت در همان زمان یا حدوداً در همان زمان ورود کالای موضوع ارزشگذاری، در بیشترین مقدار از مجموعه فروش کالا در کشور واردکننده، به خریدار غیر مرتبطی فروخته می‌شود.^۱ اگر در همان زمان یا حدوداً در همان زمان وارد شدن کالای موضوع ارزشگذاری، کالای وارده یا کالای همسان یا مشابهی فروخته نشده باشد، ارزش گمرکی بر قیمت واحدی از کالای وارده یا کالای وارده همسان یا مشابهی مبتنی خواهد بود که در نزدیک‌ترین تاریخ پس از ورود کالای موضوع ارزشگذاری و حداکثر ظرف ۹ روز، به همان وضعی که وارد شده است در کشور فروخته شود. البته در این حالت نیز همان شرط فروش بیشترین مقدار از مجموع فروش کالا در کشور واردکننده برای تعیین قیمت واحد کالا رعایت خواهد شد.

^۱ - همان، مواد ۴ و ۵.

طبق یادداشت تفسیری ماده ۵ که ناظر بر روش مورد بحث است، قیمت واحدی از کالای وارد شده یا همسان یا مشابه که این کالاها به آن قیمت در بیشترین تعداد از مجموعه فروش کالا فروخته می‌شوند، قیمتی است که بیشترین تعداد از واحد کالا به آن قیمت به اشخاص غیرمرتبط در نخستین سطح تجاری پس از ورود، فروخته می‌شود. به منظور تعیین بیشترین مقدار از مجموع فروش کالا، همه فروش‌ها، به قیمتی معین با هم در نظر گرفته می‌شوند و مجموع همه واحدهای فروخته شده به آن قیمت، با مجموع همه واحدهای فروخته شده به هر قیمت دیگر مقایسه می‌گردد. بیشترین شمار واحدهای فروخته شده به یک قیمت معرف بیشترین مقدار از مجموع فروش خواهد بود.

از آن جا که نقطه شروع محاسبه ارزش قیاسی، قیمت فروش در کشور واردکننده است و نه صادرکننده، لازم است کاهش‌هایی در مورد قیمت معرف بیشترین مقدار از مجموع فروش کالای موضوع ارزشگذاری صورت گیرد که عبارتند از:

- (۱) حق‌العمل‌هایی که معمولاً پرداخت می‌شود یا توافق می‌شود پرداخت گردد؛
- (۲) مجموع سود و هزینه‌های عمومی اضافه شده در ارتباط با فروش؛
- (۳) هزینه‌های متداول حمل و نقل و بیمه در داخل کشور واردکننده؛
- (۴) حقوق گمرکی و عوارض متعلق به ورود کالا و سایر مالیات‌های داخلی که به کالای وارده یا در ارتباط با فروش آن تعلق می‌گیرد.^۱

به علاوه اگر کالای وارد شده یا کالای وارد شده همسان یا مشابه به همان وضعی که وارد شده است در کشور واردکننده فروخته نشود، بلکه مورد پردازش قرار گیرد، هزینه این پردازش‌ها از قیمت به دست آمده بر مبنای بیشترین مقدار از مجموع فروش این کالا در کشور واردکننده، کسر خواهد شد.^۲

^۱ - موافقتنامه ارزشگذاری گمرکی، بند ۱ ماده ۵.

^۲ - همان، بند ۲ ماده ۵.

در روش قیاسی چنانچه واردکننده تقاضا نماید می‌توان ارزش گمرکی را با روش قیاسی بر مبنای قیمت واحدی از فروش کالای پردازش شده که در آن قیمت بیشترین حجم فروش را داشته است، محاسبه نمود و تعدیلات لازم را متناسب با ارزش افزوده ناشی از عملیات پردازش در کشور واردکننده به عمل آورد و از ارزش محاسبه شده کسر نمود. اما بند چهارم از ضمیمه شماره ۳ موافقتنامه این اجازه را به کشورهای در حال توسعه عضو می‌دهد که این شیوه را صرف نظر از این که

د) ارزش محاسباتی

ارزش محاسباتی دشوارترین روش برای تعیین ارزش گمرکی کالای وارداتی است که ندرتاً به کار می‌رود.^۱ در این روش ارزش گمرکی بر مبنای هزینه تولید کالای موضوع ارزشگذاری، به اضافه مبلغی سود و مخارج عمومی که معمولاً در فروش‌های کشور صادرکننده به کشور واردکننده برای کالاهایی از همان نوع یا دسته، منعکس است، محاسبه می‌شود.^۲ بنابراین در این روش صرفاً قیمت فروش برای صادرات به همان کشور واردکننده مدنظر بوده و به هیچ وجه قیمت‌های فروش بازار داخلی کشور صادرکننده یا قیمت فروش صادراتی به مقصد سایر کشورها مبنا قرار نمی‌گیرد. به عبارت دیگر، موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی تفاوت و اختلاف قیمت در بازارها را، اصلی پذیرفته شده می‌داند و لذا اختلاف در قیمت یک کالای معین در بازارهای مختلف نمی‌تواند مستمسک اداره گمرک برای رد ارزش معاملاتی کالا قرار گیرد.^۳ ارزش محاسباتی مبلغی مرکب از اقلام زیر است:

(۱) "قیمت یا ارزش "مواد و ساخت و یا سایر پردازش‌های مورد استفاده در تولید کالای وارداتی. اقلام مربوط به مواد عبارتند از: مواد اولیه مانند فولاد، سنگ، پارچه و موارد دیگر؛ هزینه‌های انتقال مواد اولیه به محل تولید؛ سرهم کردن‌های اولیه، مانند سرهم کردن مدارهای یکپارچه و اجزاء پیش ساخته که در نهایت سرهم می‌شوند. عملیات ساخت اقلام زیر را در برمی‌گیرد: هزینه نیروی کار، هرگونه هزینه سرهم کردن در مواردی که به جای فرآیند ساخت، عملیات سرهم کردن وجود داشته باشد و هزینه‌های غیرمستقیم مانند نظارت بر کارخانه، نگهداری و اضافه کاری، در این ارتباط، هزینه یا ارزش باید بر مبنای اطلاعات مربوط به تولید کالای موضوع ارزشگذاری که توسط تولیدکننده یا از جانب وی عرضه می‌شود،

چنین اقدامی از جانب واردکننده تقاضا شده یا نشده باشد، به مورد اجرا گذارند.

^۱ - به دلیل دشواری و پیچیدگی اجرای این روش، بند ۲ ماده ۲ موافقت‌نامه به آن دسته از کشورهای عضو در حال توسعه که به مجموعه مقررات دور توکیو ملحق نشده‌اند، اجازه می‌دهد که اجرای این روش را حداکثر به مدت ۳ سال پس از اجرای سایر روش‌های پیش‌بینی شده در موافقت‌نامه، به تعویق بیندازند. بنابراین با احتساب مهلت ۵ ساله‌ای که برای اجرای این موافقت‌نامه در مورد کشورهای در حال توسعه وجود دارد (بند ۱ ماده ۲۰)، کل فرصت این کشورها برای اعمال روش مورد بحث به هشت سال افزایش می‌یابد، گرچه مدت اولیه (۵ سال) نیز در صورت درخواست کشور در حال توسعه قابل تمدید است.

^۲ - همان، ماده ۶.

^۳ - زاهد طلبان، پیشین، ص ۳۳۲.

تعیین گردد. چنانچه هزینه‌های بسته‌بندی، کارهای مهندسی و موارد دیگر که در کشور واردکننده به عمل می‌آیند، در اقلام فوق منظور نشده باشند، باید به آن‌ها اضافه گردند.

(۲) مقداری بابت سود و هزینه‌های عمومی معادل آن چه که معمولاً در فروش کالای متعلق به همان طبقه یا نوع از کالای موضوع ارزشگذاری منعکس می‌گردد و تولیدکنندگان در کشور صادرکننده برای صدور آن کالا به کشور واردکننده منظور می‌نمایند. مقصود از همان طبقه یا نوع، گروه یا دسته‌ای از کالاها هستند که توسط صنعت یا بخش صنعتی خاص تولید می‌گردد و شامل کالاهای همسان و مشابه می‌شود. مبلغ سود و هزینه‌های عمومی باید یک کاسه در نظر گرفته شود (یعنی جمع هر دو). هزینه‌های عمومی می‌تواند اجاره بها، هزینه‌های آب و برق و حق الوکاله را شامل گردد.

(۳) سرانجام پس از محاسبات فوق، هزینه‌های دیگری نیز باید به قیمت افزوده گردد مانند هزینه حمل کالای وارداتی به بندر یا محل ورود، مخارج بارگیری، تخلیه و جابه‌جایی مرتبط با حمل و نقل کالای وارداتی به بندر یا محل ورود و همچنین حق بیمه.

به هر حال، هیچ کشور عضوی نمی‌تواند در اجرای این روش، شخصی را که مقیم قلمرو آن نیست مجبور کند که هرگونه صورت حساب یا سوابق دیگر را جهت بررسی ارائه کند یا اجازه دسترسی به آن را بدهد، مگر این که مقامات گمرکی با در نظر گرفتن مدت کافی مراتب را از قبل به دولت متبوع آن شخص اطلاع داده و مخالفتی در این زمینه صورت نگرفته باشد.^۱

ه) روش مرکب با استفاده از ارزش‌های قبلی

هنگامی که نتوان ارزش گمرکی را با استفاده از روش‌های قبلی تعیین کرد، باید به طرق معقول سازگار با اصول و مقررات کلی موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی و ماده ۷ گات ۱۹۹۴ و مبتنی بر داده‌های موجود در کشور واردکننده متوسل شد.^۲ این روش در بیشترین حد ممکن باید بر روش‌های تعیین ارزش، به شرح مذکور در فوق، و سایر روش‌هایی استوار باشد که درجه معقولی از انعطاف رابه همراه دارند.

^۱ - موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی، بند ۲ ماده ۶.
^۲ - همان، بند ۱ ماده ۷.

طبق این روش، معیارهایی نباید در ارزشگذاری گمرکی مورد استفاده قرار گیرند که مبتنی بر موارد زیر باشد:

- (۱) قیمت فروش کالا در کشور واردکننده برای کالای تولید شده در چنین کشوری؛
 - (۲) سیستمی که برای مقاصد گمرکی، قبول ارزش بالاتر از میان دو ارزش بدیل را مقرر می‌دارد، در حالی که باید ارزش کمتر مبنای محاسبه ارزش گمرکی باشد؛
 - (۳) قیمت کالا در بازار داخلی کشور صادرکننده، زیرا ارزشگذاری بر این اساس مغایر با اصل مذکور در مقدمه موافقت‌نامه است که مقرر می‌دارد رویه‌های ارزشگذاری نباید برای مبارزه با دامپینگ مورد استفاده قرار گیرد؛
 - (۴) هزینه تولید، غیر از آنچه در احتساب ارزش محاسباتی برای کالای همسان یا مشابه تعیین شده است، به این معنا که ارزشگذاری باید بر مبنای داده‌های موجود در کشور واردکننده صورت گیرد.
 - (۵) قیمت کالا برای صدور به کشور ثالث (کشوری غیر از واردکننده). بنابراین دو بازار صادراتی همواره باید به طور جداگانه در نظر گرفته شوند و قیمت در یکی نباید ارزش گمرکی در کشور دیگر را کنترل کند؛
 - (۶) حداقل ارزش گمرکی، مگر این که کشور در حال توسعه از این استثناء برخوردار باشد که استفاده از ارزش‌های حداقل را اجازه می‌دهد؛
 - (۷) ارزش‌های دلبخواه یا ساختگی، این ممنوعیت سیستم‌هایی را هدف دارد که ارزش‌های گمرکی خود را برپایه آن چه در عمل در بازار اتفاق می‌افتد و در قیمت‌های واقعی منعکس می‌شود، مبتنی نمی‌کنند.^۱
- سرانجام به موجب این روش، در صورت درخواست واردکننده، ارزش گمرکی تعیین شده طبق مقررات فوق کتباً به اطلاع وی خواهد رسید.

۳- استثنائات در مورد کشورهای در حال توسعه و مشکلات آن‌ها در اجرای موافقت‌نامه

^۱ - همان، بند ۲ ماده ۷ و WWW.wcoomd.org/en/about-us/fich-5-ang.Pdf

با تصویب موافقت‌نامه مراکش در سال ۱۹۹۴ و تاسیس سازمان جهانی تجارت از اول ژانویه سال بعد، این الزام حقوقی به وجود آمد که همه کشورهای عضو این سازمان باید به طور خودکار به عضویت همه موافقت‌نامه‌های چند جانبه مذکور در سند تاسیس درآیند. در نتیجه، اجرای مفاد موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی برای همه کشورهای عضو سازمان در زمان تاسیس یا آن‌هایی که بعداً به این سازمان ملحق می‌شدند جنبه الزامی داشت اما به دلیل شرایط خاص کشورهای در حال توسعه اجرای موافقت‌نامه در مورد آن‌ها با استثنائاتی همراه است که به آن‌ها ذیلاً پرداخته خواهد شد.

الف) استثنائات

(۱) در موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی برخی مهلت‌های خاص برای کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شده است، مانند اعطای یک فرصت ۵ ساله (یعنی تا سال ۲۰۰۰) برای اجرای مقررات موافقت‌نامه که البته در صورت درخواست کشور در حال توسعه و ارائه دلایل مناسب، قابل تمدید نیز می‌باشد. همچنین برای اعمال روش محاسباتی نیز عملاً بر مهلت پنج ساله مذکور یک مهلت اضافی سه ساله نیز در موافقت‌نامه منظور شده است.^۱ اما با توجه به این که زمان این مهلت‌ها و فرصت‌ها اینک به سر آمده است، استفاده عملی از آن‌ها در حال حاضر تقریباً منتفی به نظر می‌رسد، مگر این که کشورهای متقاضی عضویت در سازمان جهانی تجارت دلایل قوی در اختیار داشته باشند که برای اجرای موافقت‌نامه مذکور احتیاج به زمان دارند و گروه کاری مذاکره کننده نیز مشخصاً با این مهلت‌های ارفاقی در پروتکل الحاق موافقت نماید که الزاماً پنج ساله نیست.

(۲) علاوه بر مهلت‌های اشاره شده که برای اعضای جدید الورد به سازمان جهانی تجارت کاربرد ندارند، در موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی اجازه برخی تحفظ‌ها (حق شرط) به کشورهای در حال توسعه داده شده است. بند ۲ ضمیمه ۳ موافقت‌نامه به کشورهای در حال توسعه عضو اجازه می‌دهد که در مورد حفظ نظام موجود ارزشگذاری گمرکی خود که ارزش حداقل را مقرر می‌دارد، تحفظ قائل شوند. این تحفظ علیرغم عضویتی است که در موافقت‌نامه در مورد قیمت‌های حداقل وجود دارد. اما در هر حال امکان

^۱ - موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی، بندهای (۱) و (۲) ماده ۲۰.

حفظ این نظام در صورت موافقت کمیته ارزشگذاری گمرکی تنها در یک دوره انتقالی و برای مدت کوتاهی امکان پذیر خواهد بود و پس از انقضای این مدت باید کنار گذاشته شود.

تحفظ دیگر به این موضوع مربوط می‌گردد که طبق ماده ۴ موافقت‌نامه در صورت درخواست واردکننده گمرک باید ترتیب اجرای روش‌های قیاسی و محاسباتی را جابه‌جا کند، که در مبحث مربوط، پیشتر به آن اشاره شد. اما کشور در حال توسعه متقاضی عضویت با قبول تحفظ می‌تواند این حق را از واردکننده سلب نماید. تحفظ دیگر مربوط به اجرای بند ۲ ماده ۵ موافقت‌نامه از سوی کشور واردکننده صرف نظر از ابراز تمایل یا تقاضای واردکننده می‌باشد. به غیر از این موارد تحفظ دیگر در موافقت‌نامه به چشم نمی‌خورد.

ب) مشکلات

با توجه به مهلت‌ها و تحفظ‌های فوق، در عمل ارفاق قابل توجهی نسبت به کشورهای در حال توسعه در اجرای موافقت‌نامه مشاهده نمی‌گردد، زیرا آنان در هر حال موظف به اجرای مقررات ماهوی موافقت‌نامه، همانند کشورهای توسعه یافته، می‌باشند. به همین دلیل کشورهای در حال توسعه با توجه به شرایط خاص اقتصادی - اجتماعی خود در اجرای این سند با مشکلاتی مواجه هستند که طی مطالعه‌ای توسط کمیته ارزشگذاری گمرکی نیز مورد تأیید قرار گرفته است. مشکلات مزبور به قرار زیر می‌باشند:

(۱) پرداخت‌های غیرمستقیم: اولاً پرداخت‌های غیرمستقیم مربوط به کالای موضوع ارزشگذاری که واردکننده آن‌ها را اعلام نکرده است نمی‌توانند بسادگی شناسایی گردند، و ثانیاً این وضعیت می‌تواند عیناً در مورد پرداخت‌هایی از جمله به کشورهای ثالث و طرف‌های ثالث وجود داشته باشد (به ویژه در مواردی که کالای وارداتی متضمن ساخت یا پردازش بیشتر باشد).

(۲) تخفیف: برخی مشکلات در تشخیص تخفیف و متمایز کردن آن از پرداخت‌های غیرمستقیم و همین‌طور تخفیف‌های همراه با تأخیر و متعاقب انجام واردات وجود دارد. در مواردی، واردکنندگان تخفیفات اعطایی برای سایر کالاها یا آنهایی را که به کالاهای وارداتی مربوط نمی‌گردد، از ارزش معاملاتی کم می‌کنند. تخفیف در معاملات میان طرف‌هایی که با یکدیگر ارتباط دارند نیز مشکلاتی را به بار آورده است. به علاوه تخفیف‌های فوق‌العاده نیز نگرانی‌هایی در تعیین ارزش معاملاتی ایجاد کرده است.

(۳) معاملات میان طرف‌های مرتبط: در بسیاری اوقات واردکنندگان از تسلیم اسنادی که مبین چنین رابطه‌ای باشد امتناع می‌کنند. همچنین اغلب آنان در این خصوص که آیا قیمت تحت تاثیر چنین روابطی قرارداد یا ندارد، شفاف عمل نمی‌کنند. بنابراین مشکلاتی در تشخیص این که آیا طرفین‌ها مرتبط هستند یا نه و آیا چنین ارتباطی بر قیمت تاثیر گذاشته است یا نه وجود دارد.

(۴) معاملات توسط نمایندگان انحصاری، توزیع کنندگان انحصاری و صاحبان امتیاز انحصاری: مشکلاتی نیز در قراردادهای خرید از این اشخاص وجود دارد. در غالب موارد کمیسیون‌های پرداختی در سیاهه درج نمی‌گردد.

(۵) معاملات توسط واسطه‌ها: در خصوص معاملات از طریق واردکنندگان غیرمقیم، تشخیص این که قیمت مربوط از لحاظ گمرکی کدام است، دشوار می‌نماید. به علاوه هزینه‌هایی که این واسطه‌ها می‌پردازند همواره در کمیسیون‌های خرید منظور می‌شود که شناسایی و رد آن دشوار است. در نتیجه قیمت‌هایی که واسطه‌ها مجدداً فاکتور می‌کنند در قیاس با قیمت‌های معاملات مشابه میان سایر طرف‌ها، بسیار پایین است.

(۶) قیمت‌های انتقالی: در معاملات میان طرف‌های مرتبط یا معاملات توسط واسطه‌ها، بررسی‌های دقیقی در مورد قیمت ضرورت دارد که با دشواری‌های خاص همراه است.

(۷) هزینه تبلیغات و سایر فعالیت‌ها که خریدار پس از خرید ولی قبل از ورود آن‌ها را می‌پردازد که به عنوان بخشی از ارزش گمرکی کالا محسوب نمی‌گردد. در بررسی این هزینه‌ها، مشکلاتی در مورد احراز این امر وجود دارد که آیا هزینه‌های مذکور از شرایط فروش کالاهای وارداتی ناشی شده‌اند یا از فعالیت‌های خریدار به حساب خودش که ارتباطی به فروشنده ندارد.

(۸) مخارج کمک‌های فنی فروشنده عمدتاً در ارزش گمرکی منظور نمی‌گردد، مشروط بر این که بتوان آن را از قیمت واقعاً پرداختی یا قابل پرداخت برای کالاها متمایز ساخت و اسناد مربوط را ارائه داد. در این زمینه مشکلاتی در مورد تشخیص این که آیا کمک فنی به کالای وارداتی مربوط می‌شود و بخشی از ارزش گمرکی واقعی کالای وارداتی را تشکیل می‌دهد یا نه وجود دارد، به ویژه هنگامی که انواع متنوعی از

فعالیت‌ها در این زمینه صورت گرفته باشد. در مواقعی نیز که کمک فنی فروشنده در ارتباط با محصول وارداتی ارائه می‌گردد، قراردادان هزینه‌های آن در زمره قیمت کالای وارداتی دشوار است.

(۹) معاملات متضمن ترتیبات تامین مالی: اغلب این سئوال مطرح می‌شود که آیا یک تامین‌کننده مالی کالای وارداتی را باید به عنوان طرف معامله یا به عنوان نماینده خریدار در نظر گرفت یا نه در مواقعی نیز که فروشنده و خریدار و نهاد مالی به هم مرتبط هستند، مشکلاتی ممکن است در تعیین سهم مبلغ ناخالصی که مبین مخارج مالی است به وجود آید، به ویژه هنگامی که نهادهای مالی فاکتور را بنام و از جانب خود صادر کرده باشند.^۱

ب- مقررات چند کشور منتخب در اجرای موافقت‌نامه

طبق موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی هر عضو تضمین خواهد کرد که حداکثر تا تاریخ اجرای مقررات موافقت‌نامه در مورد آن، آیین‌نامه‌ها و رویه‌های اداری خود را با مقررات آن تطبیق دهد و کمیته ارزشگذاری گمرکی را از هر تغییری در قوانین و آیین‌نامه‌های خود و اجرای آن‌ها مطلع گرداند.^۲

بر همین اساس کشورهای در حال توسعه‌ای که پیشتر عضو گات بودند و به طور خودکار به عضویت سازمان جهانی تجارت درآمدند اقدام به این انطباق کردند^۳ (البته با استفاده از مهلت پنج‌ساله). کشورهای نیز که بعداً به سازمان ملحق شدند، در قالب تعهدالزام‌آور خود برای اجرای مقررات موافقت‌نامه، این سازگاری را در جریان مذاکرات الحاق یا بنا به توافق متعاقب آن ایجاد کردند. به منظور پی‌بردن به چگونگی اجرای مقررات موافقت‌نامه یا تطبیق مقررات قبلی ارزشگذاری گمرکی با مفاد آن، به ترتیب قوانین کشورهای پاکستان، ترکیه و چین در مورد ارزشگذاری گمرکی ذیلأ مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- مقررات پاکستان در مورد ارزشگذاری گمرکی

^۱- UNCTAD, Multilateral Trade Negotiations (Geneva: UNCTAD, 2004), PP 83-85.

^۲ - موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی، ماده ۲۲.

^۳ - البته کشورهایی که پیش از تاسیس سازمان جهانی تجارت، مجموعه مقررات دور توکیو در مورد ارزشگذاری گمرکی (۱۹۷۹) را به طور داوطلبانه پذیرفته بودند، طبعاً با مشکلات کمتری در این انطباق مواجه شدند زیرا موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی بر همین مجموعه مقررات مبتنی است.

مقررات گمرکی پاکستان به منظور انطباق با الزامات موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی ظرف مهلت ارفاقی پنجساله که مربوط به کشورهای در حال توسعه است، اصلاح گردید و در تاریخ ۹ مه سال ۲۰۰۱ به اطلاع کمیته ارزشگذاری گمرکی رسید^۱ که اهم نکات آن به قرار زیر است:

۱-۱- تعیین ارزش گمرکی کالا

ارزش گمرکی کالای وارداتی، با رعایت مقررات این بخش، ارزش معاملاتی خواهد بود، یعنی قیمت واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت برای کالا به هنگام فروخته شدن برای صدور به پاکستان، مشروط بر این که:

(الف) محدودیت‌هایی در مورد واگذاری یا استفاده از کالا توسط خریدار وجود نداشته باشد، غیر از محدودیت‌هایی که:

(۱) قانون وضع یا مقرر کرده است؛

(۲) در مورد منطقه جغرافیایی که می‌توان کالا را در آن مجدداً فروخت، ایجاد محدودیت می‌کنند؛

(۳) بر ارزش کالا اثر نمی‌گذارند.

(ب) فروش یا قیمت تابع برخی شرایط یا ملاحظات نباشد که به خاطر آن نتوان ارزش کالای موضوع ارزشگذاری را تعیین کرد؛

(ج) هیچ بخشی از عایدات حاصل از فروش مجدد، واگذاری یا استفاده بعدی خریدار از کالا به طور مستقیم یا غیرمستقیم به فروشنده تعلق نگیرد، مگر آن که بتوان مطابق مقررات بنده زیر بخش (۲) تعدیلی مناسب به عمل آورد؛

(د) خریدار و فروشنده با یکدیگر مرتبط نباشند، یا در مواردی که خریدار و فروشنده با یکدیگر مرتبط هستند، ارزش معاملاتی برای مقاصد گمرکی طبق مقررات زیر بخش (۳) قابل قبول باشد.

۱-۲- با رعایت شق (ب) در تعیین ارزش گمرکی به موجب زیر بخش (۱):

(الف) به قیمت واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت برای کالای وارداتی، چنانچه از قبل در قیمت آن منظور نشده باشد، موارد زیر افزوده خواهد شد:

^۱ - WTO/G/VAL/N/1/PAK/1

(۱) هزینه حمل و نقل، به جز کرایه حمل داخلی پس از ورود کالای وارداتی به بندر، فرودگاه یا محل ورود؛

(۲) هزینه‌های بارگیری، تخلیه و جابه‌جایی مرتبط با حمل کالای وارداتی به بندر، فرودگاه یا محل ورود؛ و

(۳) هزینه بیمه.

(ب) مبالغ زیر، تا اندازه‌ای که واردکننده متقبل شده اما در قیمت واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت برای کالای وارداتی منظور نشده است، به قیمت اضافه خواهد شد:

(۱) حق العمل از جمله حق العمل و دلالی مربوط به سفارش کالا، به جز حق العمل خرید؛

(۲) هزینه محفظه‌هایی که برای مقاصد گمرکی چنان تلقی شود که با کالای مورد بحث، یک کاسه است؛

(۳) هزینه بسته‌بندی چه از لحاظ نیروی کار یا مواد مورد استفاده.

(ج) به این قیمت همچنین ارزش کالاها و خدمات زیر، که به نحو مناسب سرشکن شده‌اند، اضافه می‌شود آن هم در مواردی که واردکننده یا شخص مرتبط با او به طور رایگان یا به قیمت تخفیفی برای استفاده در زمینه تولید و فروش صادراتی کالای وارد شده به طور مستقیم یا غیرمستقیم عرضه کرده باشند، تا آن اندازه که چنین ارزشی در قیمت واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت منظور نشده باشد:

(۱) مواد، اجزاء تشکیل دهنده، قطعات و اقلام مشابهی که در کالای وارداتی ترکیب گردیده است؛

(۲) ابزارها، حدیده‌ها، قالب‌ها و اقلام مشابهی که در تولید کالای وارداتی مورد استفاده قرار گرفته است؛

(۳) موادی که در تولید کالای وارداتی مصرف شده است؛

(۴) کارهای مهندسی، تکمیلی، هنری، طراحی و نقشه‌ها و طرح‌هایی که در جای دیگری غیر از پاکستان برعهده گرفته شده و برای تولید کالای وارداتی لازم است.

(د) به این قیمت همچنین حق امتیازها و وجوه اخذ پروانه‌های مرتبط با کالای موضوع ارزشگذاری اضافه می‌شود که خریدار باید به عنوان یک شرط فروش کالای موضوع ارزشگذاری آن‌ها را به طور مستقیم یا

غیرمستقیم پرداخت کند، تا آن اندازه که این حق امتیازها و وجوه در قیمت واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت منظور نشده باشد؛ و

(ه) به این قیمت همچنین ارزشی در بخشی از عایدات فروش مجدد، واگذاری، استفاده بعدی از کالای وارداتی، اضافه می‌شود که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به فروشنده تعلق می‌گیرد.

(و) چنانچه به هر دلیل در مورد هرگونه تعدیلات مذکور در فوق اطلاعات کافی وجود نداشته باشد، ارزش معاملاتی کالاهای وارداتی از لحاظ زیربخش (۱) غیرقابل تعیین تلقی خواهد شد.

۱-۳- چنانچه خریدار و فروشنده از لحاظ قواعد مذکور با یکدیگر مرتبط باشند، در صورت وجود شرایط زیر ارزش معاملاتی از لحاظ زیربخش (۱) قابل قبول خواهد بود:

الف) بررسی اوضاع و احوال ناظر بر فروش کالای وارداتی، به نحوی که واردکننده اثبات کند که ارتباط مزبور بر قیمت اثر نگذاشته است؛ یا

ب) واردکننده اثبات کند که این ارزش کاملاً به یکی از معیارهای ارزشی زیر، موجود در همان زمان یا حدوداً در همان زمان، نزدیک است:

(۱) ارزش معاملاتی در فروش کالاهای همسان یا مشابه به خریداران غیرمرتبط جهت صدور به پاکستان؛
(۲) ارزش گمرکی کالای همسان یا مشابهی که طبق مقررات زیر بخش (۷) (ارزش قیاسی) تعیین شده است؛

(۳) ارزش گمرکی کالای همسان یا مشابهی که طبق مقررات زیر بخش (۸) (ارزش محاسباتی) تعیین شده است، مشروط بر این که در اعمال معیارهای پیش گفته به تفاوت‌های محرز در سطوح تجاری، سطوح مقداری، عناصر برشمرده شده در زیربخش (۲) و هزینه‌هایی که فروشنده در فروش‌هایی متقبل می‌شود که در آنها او و خریدار غیر مرتبط‌اند و در فروش‌هایی متقبل نمی‌شود که او و خریدار مرتبط‌اند، توجه مقتضی شده باشد.

(۴) در مواردی که در ارتباط با کالای موضوع ارزشگذاری، مأمور گمرک بر این اعتقاد باشد که واردکننده از لحاظ شق (الف) زیر بخش (۳) اثبات نکرده است که ارتباط مزبور بر قیمت اثر نگذاشته است یا از لحاظ

شق (ب) زیر بخش (۳) قیمت اعلامی کالای وارداتی کاملاً به یکی از معیارهای ارزش مذکور در این شق نزدیک است، نقطه نظرات خود را کتباً به اطلاع واردکننده خواهد رساند و به وی فرصتی برای توجیه تفاوت قیمت خواهد داد. اگر واردکننده از توجیه تفاوت قیمت امتناع ورزد، ارزش گمرکی نمی‌تواند طبق مقررات زیر بخش (۱) تعیین گردد.

(۵) ارزش معاملاتی کالای همسان: اگر نتوان ارزش گمرکی کالای وارداتی را طبق مقررات زیر بخش (۱) تعیین کرد، با رعایت قواعد، ارزش گمرکی، ارزش معاملاتی کالای همسانی خواهد بود که برای صدور به پاکستان فروخته شده و در همان زمان یا حدوداً در همان زمان صدور کالای موضوع ارزشگذاری صادر شده است:

(الف) در اجرای مقررات این زیر بخش، ارزش معاملاتی کالای همسان در فروشی در همان سطح تجاری و اساساً به همان مقدار کالای موضوع ارزشگذاری، برای تعیین ارزش گمرکی کالای وارداتی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

(ب) در موردی که فروش اشاره شده در شق (الف) یافت نشود، ارزش معاملاتی کالای همسان فروخته شده در سطوح تجاری متفاوت و یا در مقادیر متفاوت، که جهت در نظر گرفتن تفاوت‌های قابل انتساب از لحاظ تجاری و یا مقدار تعدیل شده است، مورد استفاده قرار خواهد گرفت، مشروط بر این که بتوان چنین تعدیلهایی را بر مبنای مدارکی محرز انجام داد که معقول بودن و درستی تعدیل را به روشنی ثابت کند، حتی اگر که تعدیل مزبور به افزایش ارزش یا کاهش آن منجر شود.

(ج) در مواردی که هزینه‌ها و مخارج اشاره شده در شق (الف) زیر بخش (۲) در ارزش معاملاتی گنجانده شده باشد، به منظور لحاظ کردن تفاوت‌های مهم در مورد هزینه‌ها و مخارج مزبور میان کالای موضوع ارزشگذاری و کالای همسان مورد بحث ناشی از تفاوت در مسافت و شیوه‌های حمل و نقل، تعدیلی انجام خواهد شد.

(د) اگر در اعمال مقررات این زیر بخش، بیش از یک ارزش معاملاتی کالای همسان یافت شود که با الزامات این زیربخش و شق‌های (ب)، (د)، (هـ) زیر بخش ۳ تطابق دارد، ارزش گمرکی کالای وارداتی کمترین ارزش معاملاتی خواهد بود که در صورت لزوم طبق بندهای (ب) و (ج) تعدیل شده است.

(۶) ارزش معاملاتی کالای مشابه: اگر نتوان ارزش گمرکی کالای وارداتی را طبق مقررات زیربخش (۵) تعیین کرد، با رعایت شق‌های (ج)، (د)، (هـ)، و (و) زیر بخش ۱۳ و قواعد حاضر، ارزش گمرکی، ارزش معاملاتی کالای مشابهی خواهد بود که برای صدور به پاکستان فروخته شده و در همان زمان یا حدوداً در همان زمان صدور کالای موضوع ارزشگذاری صادر شده است، و مقررات شق‌های (الف)، (ب)، (ج)، (د) زیر بخش (۵) نیز بسته به اوضاع و احوال در مورد کالای مشابه قابل اعمال خواهد بود.

(۷) ارزش استنتاجی یا قیاسی: اگر نتوان ارزش گمرکی کالای وارداتی را طبق زیربخش (۶) تعیین کرد، با رعایت قواعد حاضر، ارزش گمرکی به شرح زیر تعیین خواهد شد:

(الف) اگر کالای وارداتی یا کالای وارداتی همسان یا مشابه به همان وضعی که وارد شده در پاکستان به فروش برسد، ارزش گمرکی کالای وارداتی بر قیمت واحدی از کالای وارداتی یا کالای وارداتی همسان یا مشابه مبتنی خواهد بود که به آن قیمت در همان زمان یا حدوداً در همان زمان وارد شدن کالای موضوع ارزشگذاری در بیشترین مقدار از مجموع فروش به اشخاصی فروخته می‌شود که با اشخاصی که از آن‌ها چنین کالایی را می‌خرند ارتباطی ندارند، مشروط به کسر موارد زیر:

(یک) حق العمل‌هایی که معمولاً پرداخت می‌شود یا توافق می‌شود که پرداخت گردد یا افزایش‌هایی که معمولاً برای سود یا هزینه‌های عمومی در مورد فروش کالای وارداتی متعلق به همان طبقه یا نوع در پاکستان صورت می‌گیرد؛

(دو) هزینه‌های معمول حمل و نقل و بیمه و هزینه‌های مرتبط که در پاکستان تقبل شده است؛

(سه) [حذف شده] است^۱

^۱ - این شق در موافقتنامه به قرار زیر است: "در صورت اقتضاء، هزینه‌ها و خارج اشاره شده در بند ۲ ماده ۸ (هزینه حمل و نقل کالای وارداتی به بندر یا محل ورود، خارج بارگیری، تخلیه و جابه‌جایی مرتبط با حمل و نقل کالای وارداتی به بند یا محل ورود، و هزینه بیمه)." "

(چهار) حقوق گمرکی و عوارض و دیگر مالیات‌هایی که در پاکستان به دلیل وارد شدن یا فروش کالا قابل پرداخت است.

(ب) اگر در همان زمان یا حدوداً در همان زمان وارد شدن کالای موضوع ارزشگذاری، کالای وارداتی یا کالای وارداتی همسان یا مشابه فروخته نشده باشد، ارزش گمرکی به شرط آن که از جهات دیگر تابع مقررات شق (الف) این زیر بخش باشد، بر قیمت واحدی از کالای وارداتی یا کالای وارداتی همسان یا مشابه مبتنی خواهد بود که در نزدیک‌ترین تاریخ پس از وارد شدن کالای موضوع ارزشگذاری، اما پیش از انقضای نود روز پس از ورود، به همان وضعی که وارد شده است، در پاکستان فروخته شود.

(ج) اگر کالای وارداتی یا کالای وارداتی همسان یا مشابه به همان وضعی که وارد شده است در کشور واردکننده فروخته نشود، آن گاه در صورت درخواست واردکننده، ارزش گمرکی بر قیمت واحدی از کالای وارداتی مبتنی خواهد بود که پس از پردازش بیشتر، به آن قیمت در بیشترین مقدار از مجموع فروش به اشخاصی در کشور واردکننده فروخته می‌شود که با اشخاصی که از آن‌ها چنین کالایی را می‌خرند ارتباطی ندارند، و در آن قیمت، تخفیف لازم به خاطر ارزش افزوده ناشی از چنین پردازشی و کسور پیش‌بینی شده در شق (الف) منظور می‌شود.

(۸) ارزش محاسباتی: اگر نتوان ارزش گمرکی کالای وارداتی را طبق زیر بخش (۷) تعیین کرد، با رعایت قواعد حاضر، ارزش گمرکی بر پایه ارزش محاسباتی مبتنی خواهد بود که مرکب از مبالغ زیر می‌باشد:

(الف) قیمت یا ارزش مواد و ساخت یا پردازش دیگری که در تولید کالای وارداتی به کار گرفته شده است؛

(ب) مقداری بابت سود و هزینه‌های عمومی معادل آن چه معمولاً در فروش کالای متعلق به همان طبقه یا نوع از کالای موضوع ارزشگذاری منعکس می‌گردد و تولیدکنندگان در کشور صادرکننده برای صدور به پاکستان منظور می‌کنند؛ و

(ج) قیمت یا ارزش همه هزینه‌های دیگر، آن گونه که در شق (الف) زیر بخش (۲) مشخص شده است.

(۹) استفاده از روش‌های قبلی: اگر نتوان ارزش گمرکی کالای وارداتی را طبق زیربخش‌های (۱)، (۵)، (۶)، (۷) و (۸) تعیین کرد، ارزش گمرکی، با رعایت قواعد حاضر بر مبنای ارزش به دست آمده از میان روش‌های ارزشگذاری مقرر در زیر بخش‌های (۱)، (۵)، (۶)، (۷) و (۸) تعیین و تا جایی که برای رسیدن به ارزش گمرکی ضرورت داشته باشد به انعطاف لازم اعمال خواهد شد.

(۱۰) زیر بخش‌های (۱)، (۵)، (۶)، (۷)، (۸) و (۹) چگونگی تعیین ارزش گمرکی کالای وارداتی را به موجب این قانون مشخص می‌کنند. روش‌های ارزشگذاری گمرکی لازم است به دنبال هم به اجرا گذاشته شوند، مگر روش‌های (۷) و (۸) که در صورت درخواست واردکننده و موافقت تحصیلدار گمرک، ترتیب اجرای آن‌ها برعکس خواهد شد.

(۱۱) هیچ چیز در این بخش یا قواعد به گونه‌ای تفسیر نخواهد شد که حقوق مامور مربوط در گمرک را در این که باید در مورد صحت یا دقت هرگونه بیان، اطلاعات، سند یا اظهارنامه ارائه شده برای مقاصد گمرکی متقاعد شود، محدود کند یا زیر سؤال ببرد.

(۱۲) مامور مربوط گمرک که بنا به حکم کتبی، بعنوان هیات رئیسه یا تحصیلدار گمرک منصوب می‌شود در هر مورد اجازه دسترسی آزاد به اماکن تجاری، دفاتر ثبت شده، انبارها یا هر محل دیگری متعلق به یک شخص، که ذخایر، سوابق یا اسناد تجاری لازم به موجب این قانون در آن جا ضبط یا نگهداری می‌شوند، پس از اطلاع به چنین شخصی، که فعالیت‌های تجاری او مشمول این قانون است، را دارد یا ممکن است از این مامور خواسته شود که در مورد هرگونه جرم ارتكابی چنین شخصی، نماینده‌اش یا هر شخص دیگر به موجب این قانون بررسی، بازرسی و تحقیق لازم را به عمل آورد. این مامور می‌تواند در هر زمانی طی ساعات کاری، کالاها، ذخایر، سوابق، اطلاعات، اسناد، مکاتبات، حساب‌ها و صورت‌جلسه‌ها و هرگونه سابقه یا سندی دیگر را بررسی نماید و در مقابل امضاء نسخه اصلی یا کپی آن‌ها را کلاً یا جزئاً بگیرد. هیات یا تحصیلدار گمرک همچنین می‌تواند به منظور حصول اطمینان از صحت اظهارنامه‌ها، سوابق اسناد و ارزش کالای وارداتی، دستور لازم را صادر کند. تمام موارد تحقیقات و ضبط اسناد به موجب این زیربخش بسته به اوضاع و احوال، طبق مقررات قانون آیین دادرسی کیفری صورت خواهد گرفت.

(۱۳) در این بخش:

(الف) "ارزش گمرکی کالای وارداتی" به معنای ارزش کالا از جهت تعلق حقوق گمرکی و عوارض و سایر مالیات‌های متعلق به کالای وارداتی است؛

(ب) "کالای همسان" به معنای کالایی است که از همه جهات از جمله خصوصیات فیزیکی، کیفیت و شهرت همسان می‌باشد. اختلافات جزئی ظاهری مانع از آن نمی‌گردد که کالایی که از دیگر جهات با این تعریف انطباق دارد همسان تلقی شود؛

(ج) "کالای مشابه" به معنای کالایی است که گرچه از همه جهات همانند نیست، خصوصیات همانند و مواد تشکیل دهنده همانندی دارد که آن را قادر می‌سازد وظایف مشابهی را انجام دهد و از نظر تجاری قابلیت جانشینی داشته باشد. کیفیت کالا، شهرت آن و وجود یک علامت تجاری از جمله عواملی هستند که در تشخیص این که آیا کالا مشابه است یا نه مورد ملاحظه قرار می‌گیرد؛

(د) اصطلاحات "کالای همسان" و "کالای مشابه" بسته به مورد، شامل کالاهایی نمی‌شود که کارهای مهندسی، تکمیلی، هنری، طراحی، طرح‌ها و نقشه‌هایی را با هم ترکیب می‌کنند یا مجسم می‌نمایند که در مورد آن‌ها به این دلیل که چنین عناصری در کشور واردکننده تقبل شده هیچ تعدیلی طبق جزء (۴) شق (ج) از زیر بخش (۲) صورت نگرفته است؛

(هـ) کالا در صورتی "کالای همسان" یا "کالای مشابه" تلقی خواهد شد که در همان کشوری تولید شده باشد که کالای موضوع ارزشگذاری در آن جا تولید شده است؛

(و) کالایی که شخص دیگری تولید کرده است تنها هنگامی در نظر گرفته خواهد شد که بسته به مورد کالای همسان یا کالای مشابهی یافت نشود که همان شخص به عنوان کالای موضوع ارزشگذاری تولید کرده باشد؛

(ز) "کالای متعلق به همان طبقه یا نوع" به معنای کالایی است که در گروه یا دسته کالاهایی قرار می‌گیرد که در یک صنعت یا بخش صنعتی خاص تولید و شامل کالای همسان یا مشابه می‌شود.

مقررات فوق هر از جهت با مفاد موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی انطباق دارد و حتی قالب‌های شکلی موجود در این موافقت‌نامه عمدتاً حفظ شده است.

۲- مقررات گمرکی ترکیه راجع به ارزشگذاری

دولت ترکیه نیز به عنوان عضو گات سابق، از اول ژانویه ۱۹۹۵، با تاسیس سازمان جهانی تجارت به طور خودکار به عضویت این سازمان درآمد. این کشور نیز به عنوان یک کشور در حال توسعه ۵ سال فرصت داشت که قواعد ارزشگذاری گمرک خود را با موافقت‌نامه هماهنگ کند. براین اساس ابتدا در ۲۶ آوریل سال ۲۰۰۰، مقررات ارزشگذاری گمرکی خود را که طی قانون شماره ۴۴۵۸ از تاریخ ۵ فوریه این سال به اجرا در آمد تسلیم کمیته ارزشگذاری گمرکی کرد^۱ و مجدداً در ۲۰ آوریل سال بعد (۲۰۰۱) اصلاحات وارد بر آن را نیز به سازمان جهانی تجارت ارائه داد. مقررات مذکور ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرند:

ماده ۲۳

مقررات این فصل ارزش گمرکی کالا را به منظور اعمال تعرفه گمرکی و تدابیر غیرتعرفه‌ای که در موارد خاص در ارتباط با تجارت کالا وضع می‌شود تعیین می‌کند.

ماده ۲۴

۱- ارزش گمرکی کالای وارداتی ارزش معاملاتی خواهد بود، یعنی قیمت واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت برای کالا که به هنگام فروخته شدن برای صدور به ترکیه، در صورت لزوم، مطابق مواد ۲۷ و ۲۸ تعدیل یافته است، مشروط بر این که:

الف) محدودیت‌هایی در مورد واگذاری کالا به خریدار یا استفاده او از آن وجود نداشته باشد، غیر از محدودیت‌هایی که:

(۱) قوانین و آیین‌نامه‌های جمهوری ترکیه یا مراجع عمومی تعیین شده توسط آن‌ها، وضع یا مقرر کرده‌اند ؛

(۲) منطقه جغرافیایی که می‌توان کالا را در آن مجدداً فروخت، محدود می‌کنند؛

^۱- G/VAL/ N/ I/ TUR/ 1 AND VAL/ I/ ADD. I.

(۳) بر ارزش کالا به طور اساسی اثر نمی‌گذارند.

ب) فروش یا قیمت تابع برخی شرایط یا ملاحظات نباشد که به خاطر آن‌ها نتوان ارزش کالای موضوع ارزشگذاری را تعیین کرد.

ج) هیچ بخش از عایدات حاصل از فروش مجدد، واگذاری یا استفاده بعدی خریدار از کالا به طور مستقیم یا غیرمستقیم به فروشنده تعلق نگیرد. طبق ماده ۲۷ مبالغی می‌تواند به قیمت واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت کالا افزوده گردد.

د) خریدار و فروشنده با یکدیگر مرتبط نباشند. در مواردی که خریدار و فروشنده با یکدیگر مرتبط هستند، ارزش معاملاتی طبق بند (۲) به عنوان ارزش گمرکی قابل قبول باشد.

۲ الف) در تشخیص این که آیا ارزش معاملاتی از لحاظ بند (۱) قابل قبول است یا نه، این واقعیت که خریدار و فروشنده با یکدیگر مرتبط‌اند به خودی خود دلیلی کافی برای غیرقابل قبول تلقی کردن ارزش معاملاتی نخواهد بود. در چنین موردی، در صورت ضرورت، اوضاع و احوال ناظر بر فروش بررسی و ارزش معاملاتی به شرطی پذیرفته می‌شود که ارتباط مزبور بر قیمت اثر نگذاشته باشد. اگر با توجه به اطلاعاتی که اظهارکننده ارائه کرده یا به طریقی دیگر فراهم آمده، اداره گمرک دلایلی در اختیار داشته باشد که چنین تلقی کند که ارتباط مزبور بر قیمت اثر داشته، دلایل خود را کتباً به اظهارکننده ابلاغ خواهد کرد. اظهارکننده دارای این حق خواهد بود که ظرف مهلتی معقول پاسخ دهد.

ب) در فروش میان اشخاص مرتبط، هرگاه اظهارکننده ثابت کند که ارزش معاملاتی کاملاً به یکی از ارزش‌های زیر در همان زمان یا حدوداً در همان زمان نزدیک است، چنین ارزشی قبول و کالا مطابق بند (۱) ارزشگذاری خواهد شد.

(۱) ارزش معاملاتی در فروش کالاهای همسان یا مشابه فروخته شده جهت صدور به ترکیه میان خریداران و فروشندگانی که در آن مورد خاص مرتبط نیستند؛

(۲) ارزش گمرکی کالای همسان یا مشابهی که طبق شق (ج) بند (۲) ماده ۲۵ تعیین شده است؛

(۳) ارزش گمرکی کالای همسان و مشابهی که طبق شق (د) بند (۲) ماده ۲۵ تعیین شده است.

در اجرای معیارهای بالا به تفاوت‌های محرز در سطوح تجاری، سطوح مقداری، عناصر برشمرده شده در ماده ۲۷ و هزینه‌هایی که فروشنده در فروش‌هایی متقبل می‌شود که در آن‌ها او و خریدار غیر مرتبطاند و در فروش‌هایی متقبل نمی‌شود که او و خریدار مرتبطاند، توجه مقتضی خواهد شد.

(ج) ارزش‌های مقرر در بند (ب) به ابتکار اظهار کننده و فقط به منظور مقایسه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ارزش‌های جانشین نمی‌تواند طبق بند مزبور تعیین شود.

۳ الف) قیمتی که عملاً پرداخت می‌شود یا قابل پرداخت است شامل کل پرداختی‌هایی است که خریدار به فروشنده یا به نفع فروشنده از بابت کالای وارداتی به عمل می‌آورد یا باید به عمل آورد. این قیمت شامل همه پرداختی‌هایی می‌شود که به عنوان شرط فروش کالای وارداتی، توسط خریدار به فروشنده یا به شخص ثالثی به منظور انجام تعهدی در قبال فروشنده، به عمل می‌آید. این پرداخت‌ها می‌تواند به شکل انتقال وجه یا به طریق گشایش اعتبار اسنادی یا اسناد قابل انتقال یا به صورت مستقیم یا غیرمستقیم باشد.

ب) هزینه فعالیت‌ها، از جمله فعالیت‌های بازاریابی خریدار به حساب خودش، غیر از فعالیت‌هایی که در مورد آن‌ها تعدیل طبق ماده ۲۷ پیش‌بینی شده است، پرداخت غیرمستقیم به فروشنده محسوب نمی‌شوند، حتی اگر به نفع فروشنده تلقی گردند یا طبق موافقت‌نامه منعقد با فروشنده صورت گرفته باشند. هزینه این فعالیت‌ها به قیمت واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت در تعیین ارزش گمرکی کالای وارداتی اضافه نخواهد شد.

ماده ۲۵

۱- در مواردی که نتوان ارزش گمرکی را طبق ماده ۲۴ تعیین کرد این ارزش با دنبال کردن توالی مقرر در شق‌های (الف)، (ب)، (ج) و (د) بند ۲ تعیین می‌شود. تنها هنگامی که نتوان چنین ارزشی را طبق شق دیگری تعیین کرد آنگاه مقررات شق بعدی براساس توالی مذکور در این بند اعمال خواهد شد. ترتیب

اجرای شق‌های (ج) و (د) در صورت درخواست کتبی اظهارکننده و مناسب تشخیص دادن آن توسط گمرک، جا به جا خواهد شد.

۲- ارزش گمرکی آنگونه که در این ماده تعیین شده است عبارت از:

الف) ارزش معاملاتی کالای همسانی خواهد بود که برای صدور به ترکیه فروخته شده و در همان زمان یا حدوداً در همان زمان کالای موضوع ارزشگذاری صادر شده است.

ب) ارزش معاملاتی کالای مشابهی خواهد بود که برای صدور به ترکیه فروخته شده و در همان زمان یا حدوداً در همان زمان کالای موضوع ارزشگذاری صادر شده است.

ج) ارزش مبتنی بر قیمت واحدی از کالای وارداتی همسان یا مشابهی خواهد بود که به آن قیمت در بیشترین مقدار از مجموع فروش به اشخاص غیرمرتبط با فروشنده، در ترکیه فروخته شده است.

د) ارزش محاسباتی مرکب از مجموع قیمت یا ارزش مواد و ساخت یا دیگر پردازش مورد استفاده در تولید کالای وارداتی، و مقداری از بابت سود عادی و هزینه‌های عمومی، معادل آن چه معمولاً در فروش کالای متعلق به همان طبقه یا نوع از کالای موضوع ارزشگذاری که تولیدکنندگان در کشور صادرکننده برای صدور به ترکیه منظور می‌کنند و همچنین قیمت یا ارزش اقلام مذکور در شق (ه) بند ۱ ماده ۲۷ خواهد بود.

۳- هرگونه روش‌ها و اصول دیگر برای اجرای بند ۲ فوق طبق آیین‌نامه تعیین خواهد شد.

ماده ۲۶

۱- در مواردی که نتوان ارزش گمرکی کالای وارداتی را طبق مواد ۲۴ و ۲۵ تعیین کرد، این ارزش بر مبنای داده‌های موجود در ترکیه با استفاده از وسایل معقول سازگار با مقررات عمومی زیر تعیین خواهد شد:

الف) موافقت‌نامه اجرای ماده ۷ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت؛

ب) ماده ۷ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت؛

ج) مقررات این فصل.

۲- طبق بند (۱)، هیچ ارزش گمرکی بر مبنای موارد زیر تعیین نخواهد شد:

الف) قیمت فروش در ترکیه برای کالای تولید شده در ترکیه؛

ب) سیستمی که قبول ارزش بالاتر از میان دو ارزش بدیل را مقرر می‌دارد؛

ج) قیمت کالا در بازار داخلی کشور صادرکننده؛

د) هزینه تولید نیز از ارزش محاسباتی که مطابق شق (د) بند (۲) ماده ۲۵ برای کالاهای همسان یا مشابه تعیین شده است؛

ه) قیمت کالا برای صدور به کشوری غیر از ترکیه؛

و) حداقل ارزش گمرکی؛ یا

ز) ارزش‌های دلبخواه یا ساختگی.

ماده ۲۷

۱- در تعیین ارزش گمرکی طبق ماده ۲۴، موارد زیر به قیمت واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت برای کالای وارداتی، افزوده خواهد شد:

الف) مبالغ زیر، تا اندازه‌ای که خریدار متقبل شده اما در قیمت واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت برای کالا منظور نشده است:

(۱) حق‌العمل و دلالی، جز دلالی خرید؛

(۲) هزینه بسته‌هایی که برای مقاصد گمرکی، با کالای مورد بحث، یک کاسه است؛

(۳) هزینه بسته‌بندی، شامل هزینه نیروی کار یا مواد مورد استفاده.

ب) ارزش کالاها و خدمات زیر که به نحو مناسب سرشکن شده‌اند، در موردی که خریدار به صورت رایگان یا به قیمت تخفیفی برای استفاده در تولید و فروش صادراتی کالای وارداتی به طور مستقیم یا غیرمستقیم عرضه می‌کند، تا آن اندازه که چنین ارزشی در قیمت واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت منظور نشده باشد:

(۱) مواد، اجزاء تشکیل دهنده، قطعات و اقلام مشابهی که در کالای وارداتی ترکیب گردیده است؛

(۲) ابزارها، حدیده‌ها، قالب‌ها و اقلام مشابهی که در تولید کالای وارداتی مورد استفاده قرار گرفته است؛

(۳) موادی که در تولید کالای وارداتی مصرف شده است؛

(۴) کارهای مهندسی، تکمیلی، هنری، طراحی و نقشه‌ها و طرح‌هایی که در جای دیگری غیر از کشور واردکننده کالا برعهده گرفته شده و برای تولید کالای وارداتی لازم است؛

(ج) حق امتیازها و وجوه اخذ پروانه مربوط به کالای موضوع ارزشگذاری که خریدار باید به عنوان یک شرط فروش کالای موضوع ارزشگذاری، آن‌ها را به طور مستقیم یا غیرمستقیم پرداخت کند، تا آن اندازه که این حق امتیازها و وجوه در قیمت واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت، منظور نشده باشد؛

(د) ارزش هر بخشی از عایدات فروش مجدد، واگذاری یا استفاده بعدی از کالای وارداتی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به فروشنده تعلق می‌گیرد؛

(ه) مخارج تشریفات حمل و نقل و بیمه کالای وارداتی که به بندر یا محل ورود در ترکیه حمل شده است.

۲- افزایش موارد مذکور به قیمت واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت طبق این ماده، بر مبنای داده‌های واقعی و کمیت‌پذیر صورت خواهد گرفت.

۳- در تعیین ارزش گمرکی، جز در موارد مقرر در این ماده، هیچ چیز به قیمت واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت افزوده نخواهد شد.

۴- در این فصل، اصطلاح "حق‌العمل‌های خرید" به معنای وجوهی است که توسط واردکننده به نماینده‌اش از بابت خدمات نمایندگی او در خارج برای خرید کالای موضوع ارزشگذاری پرداخت می‌شود.

۵- در تعیین ارزش گمرکی کالای وارداتی پرداخت‌های زیر در محدوده شق (ج) بند (۱) تلقی نخواهد شد یا به قیمت واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت برای کالای وارداتی افزوده نخواهد گردید:

الف) پرداخت از بابت حق تکثیر (تولید مجدد) کالای وارداتی در ترکیه؛ و

ب) پرداخت‌های خریدار از بابت حق توزیع یا فروش مجدد کالای وارداتی، مشروط بر این که در مورد فروش صادراتی کالا به ترکیه وجود نداشته باشد.

ماده ۲۸

هزینه‌های زیر جزو ارزش گمرکی منظور نخواهد شد، مشروط بر این که معلوم شود که آن‌ها جدای از قیمت واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت هستند.

الف) هزینه‌های حمل و نقل کالا و بیمه پس از رسیدن به محل ورود به قلمرو گمرکی جمهوری ترکیه یا به محل ورود قلمروهای گمرکی یک اتحادیه گمرکی که ترکیه با انعقاد موافقت‌نامه به عضویت آن درآمده است؛

ب) هزینه‌های ساخت، برپاکردن، سرهم کردن، حفظ و نگهداری یا کمک فنی که پس از ورود کالاهای وارداتی مانند کارخانه‌های صنعتی، ماشین آلات و تجهیزات برعهد گرفته شده است؛

ج) هزینه‌های بهره تقبل شده توسط خریدار به موجب ترتیبات مالی مرتبط با خرید کالای وارداتی؛

د) هزینه‌های حق تکثیر کالای وارداتی در ترکیه؛

ه) حق‌العمل‌های خرید؛

و) حقوق گمرکی و عوارض قابل پرداخت در ترکیه به دلیل ورود یا فروش کالا.

در شرایط مذکور در شق (ج)، چگونگی تامین مالی اعم از این که توسط فروشنده یا شخص دیگری فراهم شده باشد، در نظر گرفته نخواهد شد. مع‌هذا ترتیبات مربوط به تامین مالی باید به صورت کتبی بوده و در صورت نیاز، خریدار اثبات نماید که:

(۱) این کالاها واقعاً به قیمت اعلامی و به عنوان قیمت واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت فروخته شده است؛ و

(۲) نرخ مطالبه شده برای بهره از سطح متداول برای چنین معاملاتی در کشور محل عرضه این تامین مالی و در زمان عرضه آن، فراتر نرفته است.

ماده ۲۹

قواعد و اصول خاصی در آیین‌نامه برای تعیین ارزش گمرکی رسانه‌های حامل برای استفاده در تجهیزات پردازش داده و داده‌ها یا دستورالعمل‌های موضوع این رسانه‌ها وضع خواهد شد.

ماده ۳۰

مبنای اولیه ارزش گمرکی کالا به لیتر ترک اظهار خواهد شد. ارزشهای خارجی مذکور در سیاهه‌های تجاری و سایر اسناد، طبق نرخ مبادله بانک مرکزی جمهوری ترکیه در تاریخ تعیین بدهی به گمرک به لیتر ترک تبدیل خواهد شد.

ماده ۳۱

۱- مقررات این فصل بر مقررات خاص ناظر بر تعیین ارزش گمرکی کالاهایی که به منظور توزیع رایگان ترخیص می‌گردند، تاثیر نخواهد گذاشت، مشروط بر این که در این ترخیص به رفتار یا استفاده متفاوتی که به تصویب گمرک رسیده است ارجاع داده شده باشد.

۲- با عدول از مواد ۲۴، ۲۵ و ۲۶، تعیین ارزش گمرکی کالای فاسد شدنی که به طور معمول، به صورت محموله فوری ترخیص می‌شوند، در صورت درخواست اظهارکننده می‌تواند طبق قواعد ساده شده تنظیمی توسط اداره گمرک، انجام پذیرد.

مقررات گمرکی کشور ترکیه در مورد ارزشگذاری گمرکی نیز، علیرغم تفاوت در بیان و شکل ارائه مطالب در برخی موارد، در واقع منعکس کننده قواعد پیش‌بینی شده در موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی سازمان جهانی تجارت است. برخی مواد دیگر نیز به آن افزوده شده که به لحاظ عضویت این کشور در پیمان‌های منطقه‌ای از جمله همکاری با اتحادیه اروپایی است.

۳- مقررات ارزشگذاری گمرکی در چین^۱

متعاقب عضویت چین در سازمان جهانی تجارت در اواخر سال ۲۰۰۱، در نشست اجرایی شورای دولتی این کشور در ۲۹ اکتبر ۲۰۰۳ "آیین‌نامه جمهوری خلق چین در مورد حقوق و عوارض متعلق به ورود و صدور کالا" به تصویب رسید^۲ و از اول ژانویه ۲۰۰۴ لازم الاجرا گردید. این آیین‌نامه در تاریخ سوم ژوئن ۲۰۰۴ به اطلاع کمیته ارزشگذاری گمرکی رسید. بخشی از آن به موضوع ارزشگذاری گمرکی کالاهای صادراتی و وارداتی اختصاص دارد که مقررات مربوط به ارزشگذاری گمرکی برای کالاهای وارداتی ذیلاً تشریح می‌گردد:

^۱ - Regulation Of The Peoples Republic Of China On Import and Export Dutiesg.

^۲ - G/VAL/N/۱/CHN/ 4, 7 June 2004.

ماده ۱۸: ارزش گمرکی کالای وارداتی توسط گمرک و بر مبنای ارزش معاملاتی با رعایت بند ۳ این ماده و با در نظر گرفتن هزینه‌های حمل و نقل، مخارج مرتبط با حمل و هزینه بیمه، قبل از تخلیه این کالا در بندر یا محل ورود در قلمرو گمرکی جمهوری خلق چین تعیین خواهد شد.

ارزش معاملاتی کالای وارداتی، قیمت واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت برای کالای مزبور توسط خریدار به هنگام فروش توسط فروشنده جهت صدور به قلمرو گمرکی جمهوری خلق چین است که مطابق مقررات مواد ۱۹ و ۲۰ این آیین‌نامه از جمله قیمت پرداختی، به طور مستقیم و غیرمستقیم، تعدیل یافته است.

ارزش معاملاتی کالای وارداتی منطبق با شرایط زیر خواهد بود:

(۱) محدودیت‌هایی در مورد واگذاری کالا به خریدار یا استفاده او از آن، وجود نداشته باشد، غیر از محدودیت‌هایی که به موجب قوانین یا مقررات اداری وضع می‌شود، محدودیت‌های ناظر بر منطقه جغرافیایی که می‌توان کالا را در آن مجدداً فروخت، یا محدودیت‌هایی که بر ارزش کالا به طور اساسی اثر نمی‌گذارند.

(۲) ارزش معاملاتی چنین کالایی مشمول برخی شرایط یا ملاحظات مانند ارتباط در فروش نباشد که به خاطر آن‌ها نتوان ارزش کالای موضوع ارزشگذاری را تعیین کرد.

(۳) هیچ بخشی از عایدات حاصل از فروش مجدد، واگذاری یا استفاده بعدی خریدار از کالای وارداتی به طور مستقیم و غیرمستقیم به فروشنده تعلق نگیرد، مگر این که بتوان در صورت امکان مطابق مقررات مواد ۱۹ و ۲۰ این آیین‌نامه تعدیل مناسبی در عایدات مزبور به عمل آورد.

(۴) خریدار و فروشنده با یکدیگر مرتبط نباشند یا در مواردی که خریدار و فروشنده با یکدیگر مرتبط هستند، این رابطه بر ارزش معاملاتی تأثیر نداشته باشد.

ماده ۱۹: هزینه‌های زیر به ارزش گمرکی کالای وارداتی افزوده خواهد شد:

- (۱) حق‌العمل و دلالی پرداختی توسط خریدار، به جز دلالی خرید؛
- (۲) هزینه محفظه‌هایی که توسط خریدار تقبل می‌شود و برای مقاصد گمرکی چنان تلقی می‌گردد که با کالای موضوع بحث، یک کاسه است؛

(۳) هزینه بسته‌بندی پرداختی توسط خریدار، چه از لحاظ نیروی کار یا مواد مورد استفاده؛

(۴) ارزش کالاهایی مانند مواد، اجزاء تشکیل دهنده، قطعات، ابزارها، حدیده‌ها، قالب‌ها، مواد مصرفی و اقلام مشابه، و خدماتی مانند خدمات تکمیلی، طراحی و خدمات مرتبط که در هر کجای دیگری غیر از قلمرو گمرکی جمهوری خلق چین تقبل شده، در موردی که توسط خریدار به طور رایگان یا به قیمت تخفیفی برای استفاده در زمینه تولید و فروش صادراتی کالای وارداتی به قلمرو گمرکی جمهوری خلق چین عرضه می‌شود؛

(۵) حق‌الامتيازها و وجوه اخذ پروانه مربوط به کالای وارداتی که خریدار باید به عنوان یک شرط فروش چنین کالایی به قلمرو گمرکی جمهوری خلق چین بپردازد.

(۶) ارزش هر بخشی از عایدات فروش مجدد، واگذاری یا استفاده بعدی از کالای وارداتی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به فروشنده تعلق بگیرد.

ماده ۲۰: ارزش گمرکی کالای وارداتی شامل مالیات‌ها و هزینه‌های زیر نمی‌شود که در زمان ورود جزو قیمت آن ذکر شده‌اند:

(۱) هزینه ساخت، برپاکردن، سرهم کردن، حفظ و نگهداری یا کمک فنی که پس از ورود کالای وارداتی مانند کارخانه‌های صنعتی، ماشین‌آلات و تجهیزات برعهده گرفته می‌شود؛

(۲) هزینه حمل و نقل، مخارج مرتبط با حمل و نقل، و هزینه بیمه پس از تخلیه کالای وارداتی در بندر یا محل ورود در قلمرو گمرکی ؛

(۳) حقوق و عوارض وارداتی و سایر مالیات‌های داخلی .

ماده ۲۱: اگر نتوان ارزش معاملاتی کالای وارداتی را با رعایت شرایط مقرر در بند ۳ ماده ۱۸ این آیین نامه تعیین کرد یا تعیین آن غیر ممکن باشد، گمرک پس از آگاهی از اطلاعات مربوط و مشورت در مورد قیمت با پرداخت کننده حقوق و عوارض، ارزش گمرکی کالای وارداتی را مطابق ارزش‌های زیر برحسب ترتیب آن‌ها تعیین خواهد کرد:

- (۱) ارزش معاملاتی کالای همسانی که برای صدور به قلمرو گمرکی جمهوری خلق چین فروخته شده و در همان زمان یا حدوداً در همان زمان صدور کالای موضوع ارزشگذاری صادر شده است؛
- (۲) ارزش معاملاتی کالای مشابهی که برای صدور به قلمرو گمرکی جمهوری خلق چین فروخته شده و در همان زمان یا حدوداً در همان زمان صدور کالای موضوع ارزشگذاری صادر شده است؛
- (۳) قیمت واحدی از کالای وارداتی یا کالای وارداتی همسان یا مشابه که به آن قیمت در همان زمان یا حدوداً در همان زمان وارد شدن کالای موضوع ارزشگذاری، در بیشترین مقدار از مجموع (فروش) به یک خریدار غیرمرتبط در نخستین فروش، با کسر تمام اقلام مذکور در ماده ۲۲ این آیین نامه فروخته می‌شود.
- (۴) ارزش محاسباتی که مرکب از مجموع اقلام زیر خواهد بود: قیمت یا ارزش مواد، اجزاء تشکیل دهنده و قطعات، و ساخت یا پردازش‌های دیگری که در تولید کالای وارداتی صورت می‌گیرد؛ مقداری بابت سود و هزینه‌های عمومی معادل آن چه که معمولاً در فروش کالای متعلق به همان طبقه یا نوع کالای موضوع ارزشگذاری، به قلمرو گمرکی جمهوری خلق چین منعکس می‌گردد، هزینه‌های حمل و نقل، مخارج مرتبط با حمل و نقل، و هزینه بیمه کالای وارداتی قبل از تخلیه در بندر یا محل ورود در قلمرو گمرکی؛
- (۵) ارزش بر مبنایی معقول تعیین می‌شود.
- پرداخت کننده حقوق و عوارض می‌تواند پس از ارائه اطلاعات یا داده‌های مربوط به گمرک، از آن درخواست نماید که ترتیب اجرای بندهای (۳) و (۴) فوق‌جا به‌جا شود.
- ماده ۲۲:** در تعیین ارزش گمرکی کالای وارداتی مطابق شق (۳) بند (۱) ماده ۲۱ این آیین نامه، اقلامی که کسر می‌کردند به قرار زیر می‌باشند:
- (۱) سود و هزینه عمومی یا حق‌العمل‌هایی که معمولاً در نخستین فروش کالای وارداتی از همان طبقه یا نوع در قلمرو گمرکی جمهوری خلق چین پرداخت می‌شود.

(۲) هزینه حمل و نقل، مخارج مرتبط با حمل و نقل، و هزینه بیمه پس از تخلیه کالای وارداتی در بندر یا محل ورود در قلمرو گمرکی.

(۳) حقوق و عوارض متعلق به واردات و مالیات‌های داخلی.

ماده ۲۳: ارزش گمرکی کالای وارداتی بر مبنای اجاره، کرایه‌ای خواهد بود که توسط گمرک تعیین خواهد شد.

در مواردی که پرداخت‌کننده حقوق و عوارض مایل باشد حقوق و عوارض را به طور مقطوع بپردازد، یا می‌تواند بخواهد که ارزش گمرکی مطابق مقررات ماده ۲۱ این آیین‌نامه تعیین گردد و این که کل مبلغ اجاره توسط گمرک به عنوان ارزش گمرکی تعیین گردد.

آیین‌نامه ارزشگذاری گمرکی جمهوری خلق چین نیز در حوزه کالاهای وارداتی ضمن این که با اجمال بسیار تهیه و تنظیم شده است به طور کامل با مفاد موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی مطابقت دارد چرا که به موجب ماده ۲۲ موافقت‌نامه مزبور "هر عضو تضمین خواهد کرد که حداکثر تا تاریخ اجرای مقررات این موافقت‌نامه در مورد آن، قوانین، آیین‌نامه‌ها و رویه‌های اداری خود را با مقررات موافقت‌نامه حاضر تطبیق دهد".

فصل سوم: ارزشگذاری گمرکی در قانون امور گمرکی

و مقررات لایحه پیشنهادی

همانطور که در فصل اول اشاره شد، رعایت مقررات موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی برای تمام اعضای سازمان جهانی تجارت و کشورهایی که به آن ملحق می‌شوند، در قالب یک بسته واحد از تعهدات که اعضا در قبال سازمان می‌پذیرند، جنبه الزام آور دارد و لذا بر همین اساس کشورهای عضو موظف هستند حداکثر تا تاریخ اجرای موافقت‌نامه در مورد آن‌ها، قوانین و سایر مقررات و رویه‌های مربوط را با مقررات ارزشگذاری

کالای وارداتی در این موافقتنامه سازگار کنند و مراتب را به اطلاع "کمیته ارزشگذاری گمرکی"^۱ برسانند.^۲ البته کشورها در اعلام برای تطبیق مقررات ارزشگذاری گمرکی خود با مفاد موافقتنامه می‌توانند از نهاد دیگری موسوم به "کمیته فنی ارزشگذاری گمرکی"^۳ که طبق موافقتنامه تشکیل شده و به موجب ضمیمه ۲ موافقتنامه زیر نظر سازمان جهانی گمرک فعالیت می‌کند، بهره گیرند.^۴ سرانجام اعضاء برطبق موافقتنامه فوق باید هرگونه تغییرات یا وضع مقررات جدید در خصوص ارزشگذاری گمرکی را به کمیته ارزشگذاری گمرکی اطلاع دهند.^۵

با توجه به مراتب فوق جمهوری اسلامی ایران در صورت عضویت در سازمان جهانی تجارت ملزم است مقررات ارزشگذاری گمرکی خود را با مقررات موافقتنامه مذکور هماهنگ نماید. از سوی دیگر مهلت پیش بینی شده برای کشورهای در حال توسعه، یعنی برخورداری از یک فرصت ۵ ساله از تاریخ اجرای موافقتنامه که از سال ۱۹۹۵ با تاسیس سازمان جهانی تجارت آغاز گردید و در سال ۲۰۰۰ به سرآمد، فرصت دیگری برای کشورهای در حال توسعه جدیدالورود به سازمان جهانی تجارت برای تطبیق مقررات گمرکی خود با موافقتنامه مزبور وجود ندارد و لذا اجباراً این سازگاری باید قبل از آغاز مذاکرات با سازمان جهانی تجارت، در جریان این مذاکرات و حداکثر بلافاصله متعاقب الحاق در قالب یک الزام حقوقی انجام پذیرد.

لایحه جدید قانون امور گمرکی کوشیده است ضمن برطرف کردن خلاءهای قانونی و نارسایی‌های موجود در قانون کنونی امور گمرکی که متجاوز از ۳۵ سال از تصویب آن می‌گذرد، مقررات آن را از جمله با الزامات موافقتنامه ارزشگذاری گمرکی سازمان جهانی تجارت هماهنگ نماید تا در جریان مذاکرات که

¹ - Committee on Customs Valuation

این کمیته طبق ماده ۱۸ موافقتنامه تشکیل شده است و مرکب از نمایندگان اعضای سازمان جهانی تجارت است که به طور عادی سالی یکبار به منظور مشورت میان اعضاء راجع به مسائل مربوط به اجرای سیستم ارزشگذاری گمرکی و پیگیری اهداف موافقتنامه تشکیل جلسه می‌دهد. دبیرخانه کمیته مزبور همان دبیرخانه سازمان جهانی تجارت است.

² - موافقتنامه ارزشگذاری گمرکی، ماده ۲۲.

³ - Technical Committee on customs Valuation.

این کمیته نیز طبق ماده ۱۸ موافقتنامه تشکیل شده که زیر نظر سازمان جهانی گمرک فعالیت می‌کند. مشروح و طایف این کمیته در ضمیمه ۲ موافقتنامه آمده است.

⁴ - World Customs Organization (WCO)

⁵ - موافقتنامه ارزشگذاری گمرکی، بند ۲ ماده ۱۸.

قاعدتاً طی آن باید مقررات گمرکی کشور، تسلیم گروه کاری تشکیل شده برای ایران گردد، مغایرت‌های جدی در این زمینه وجود نداشته باشد.

در این فصل از بررسی تطبیقی مقررات ارزشگذاری گمرکی سازمان جهانی تجارت ابتدا این مقررات در قانون امور گمرکی فعلی مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس مقررات لایحه با توجه به مفاد موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی و قوانین و مقررات کشورهای مورد مطالعه، یعنی پاکستان، ترکیه و چین ارزیابی می‌شود تا بر این پایه بتوان برآورد علمی دقیق‌تری از مقررات لایحه به عمل آورد.

الف- تعریف ارزش گمرکی در قانون امور گمرکی ۱۳۵۰

در قانون امور گمرکی و آیین نامه اجرایی آن، تعریف ارزش گمرکی در کشور در دو بخش واردات و صادرات به تفکیک عنوان گردیده که طبق همین قوانین و آیین نامه علی‌الاصول تعیین ارزش با گمرک ایران است^۱، که البته در سنوات گذشته و حتی در حال حاضر عمدتاً تعیین ارزش کالای صادراتی به سازمان توسعه و کمیته یا کمیسیون محول شده که تقریباً مبنای تعیین ارزی، همان عوامل موضوع ماده ۲۱۳ آیین نامه گمرکی به علاوه معیار بازارهای هدف و پذیرش تاثیر عواملی است که قیمت‌ها را در سطح بین المللی دچار نوسان می‌کند. در این قانون تعریف زیر از "ارزش گمرکی" که مبنای محاسبه حقوق و عوارض متعلق به کالای وارداتی برای ورود قطعی و سایر روش‌های گمرکی^۲ (ورود موقت، ترانزیت خارجی، ترانزیت داخلی، کالای مرجوعی) به عمل آمده است:

«ارزش کالای ورودی در گمرک در همه موارد عبارت است از بهای CIF^۳ (بهای خرید کالا در مبدا به اضافه هزینه بیمه و حمل و نقل و باربندی) و کلیه هزینه‌های مربوط به افتتاح اعتبار یا واریز بروات و همچنین حق استفاده از امتیاز نقشه، مدل و علامت بازرگانی و سایر حقوق مشابه مربوط به کالا و سایر هزینه‌هایی که به آن کالا تا ورود به اولین دفتر گمرکی تعلق می‌گیرد که از روی سیاهه خرید یا سایر اسناد

^۱ - ماده ۱۰ قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۰ و ماده ۲۱۳ آیین نامه اجرایی قانون امور گمرکی مصوب فروردین ماه ۱۳۵۱

^۲ - Customs Procedures

^۳ - Cost, Insurance and Freight (CIF)

برای مطالعه بیشتر در مورد بهای CIF کالا مراجعه کنید به: اتاق بازرگانی بین‌المللی، انیکوترمز ۲۰۰۰، ترجمه مسعود طارم سري، چاپ هفتم (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۵).

تسلیمی صاحب کالا تعیین و براساس نرخ ارز و برابری‌های اعلام شده از طرف بانک مرکزی ایران در روز تسلیم اظهارنامه خواهد بود"^۱. برای کالای خروجی یا صادرات چون حقوق گمرکی و عوارض وصول نمی‌شود، بر خلاف کالای ورودی "ارزش گمرکی" بر حسب نوع قرارداد فروش هریک از شرایط مندرج در "اینکوترمز" یعنی گروه (F)، (C) و حتی (D) می‌تواند برای هر محموله صادراتی معرفی و به همان شکل نیز مثبت شود، به عبارت دیگر کالای صادراتی می‌تواند مثلاً FOB، CIF یا حتی حقوق و عوارض پرداخت شده باشد. از همین روست که در موافقت نامه ارزش گذاری هم، الزامی برای کشورها در این زمینه وجود ندارد. هر چند در ماده ۲۱۳ موصوف اشاره ای هر چند مختصر در مورد کالای صادراتی و نحوه تعیین آن به عمل آمده که همین اندازه نیز کفایت دارد.

در مورد ارزش کالای ورودی عناصری در این تعریف وجود دارند که احراز آنها لازمه تعیین ارزش گمرکی در حال حاضر است. این عناصر عبارتند از:

۱- مفهوم کالای ورودی در تعریف "ارزش گمرکی"

طبق مقرر فوق، در تعریف ارزش فقط کالاهای وارده را پوشش می‌دهد. کالاهای صادره همان مدلول ماده ۲۱۳ ملاک است. اصطلاح "کالاهای وارد" به کشور شامل کلیه تقسیمات واردات طبق مفاد ماده ۱۹ قانون گمرک است یعنی: ورود موقت، صدور مجدد (مرجوعی) و ترانزیت اعم از خارجی یا داخلی که موضوع این ارزش گذاری هستند. بدیهی است جز در مورد واردات قطعی که هدف از ارزش‌گذاری گمرکی، محاسبه حقوق و عوارض متعلق به کالای وارداتی است، در سایر موارد اهداف دیگری مانند محاسبه رقم وثایق یا تضمینات گمرکی مد نظر قرار دارند که بر مبنای این ارزش گمرکی می‌باشند.^۲

۲- تعیین ارزش کالای ورودی برپایه بهای CIF

به موجب ماده فوق یکی از اقلام مهم و در واقع بخش اصلی تشکیل دهنده ارزش گمرکی کالا، همان CIF کالا است که شامل سه جزء به قرار زیر می‌باشد:

^۱ - قانون امور گمرکی ۱۳۵۰، ماده ۱۰.
^۲ - همان، ماده .

الف) بهای خرید کالا در مبدا

بهای خرید در مبدا بهایی است که فروشنده به تمام خریداران عرضه می‌کند، مگر این که بین مناطق مختلف جهان تفاوت‌هایی قائل شده باشد که قهراً در این صورت قابل پذیرش است. بنابراین آن چه نباید متفاوت باشد بهای کالا برای همه خریدارانی است که از مبدا سفارش خرید کالایی را داده‌اند.^۱ در این صورت هیچ ارتباط یا امتیاز خاص یا تغییراتی در قیمت کالا تأثیر نخواهد داشت، مگر آن که مشخصات کالا متفاوت باشد. این بهای خرید در مبدا می‌تواند برحسب تحویل کالا در محل کار فروشنده EXW، تحویل به حمل‌کننده FCA، تحویل در کنار کشتی FAS و بالاخره تحویل روی عرشه کشتی FOB متفاوت باشد که در هر حال با تعدیلاتی که نوعاً در شرایط EXW باید به عمل آید بهای خرید کالا در مبدا محسوب می‌شود.^۲

این بخش از ارزش گمرکی هنگامی از جانب گمرک قابل قبول است که در شرایط عادی تعیین شده و در آن هرگونه ارتباط و مناسبات دیگری که بر قیمت کالا اثر گذارد، غیر از آن چه به عنوان خریدار و فروشنده معمول است، دخیل نباشد.

ب) هزینه حمل و نقل و باربندی

بخش دیگری که در محاسبه بهای CIF کالا باید منظور گردد، هزینه حمل و نقل کالا از کشور مبدا به بندر مقصد است که منحصراً شامل کرایه حمل و نقل، و باربندی کالا تا حصول مقصد است، که در محاسبه قیمت CIF به بهای خرید کالا در مبدا اضافه می‌گردد.

ج) هزینه بیمه

جزء سوم از بهای CIF کالا را حق بیمه باربری کالا از مبدا تا مقصد تشکیل می‌دهد که علاوه بر کرایه، بموجب بیمه نامه مشخص می‌شود. با توجه به تعریف "ارزش گمرکی" کالای ورودی و قید عبارت "در همه موارد" بدیهی است در هر حال برای مقاصد گمرکی باید اجزاء تشکیل دهنده CIF اعم از اینکه

۱- رضا بنایی در " گزارش رژیم تجاری ایران " ، نخستین گزارش، ۱۳۷۵، ص ۱۴۸.
۲- برای آشنایی با اصطلاحات FOB, FCA, FAS, EXW و مبنای محاسبات قیمت در آن‌ها مراجعه کنید به: اتاق بازرگانی بین‌المللی، پیشین.

حقیقتاً در رابطه با ورودی کالا پرداخت شده باشد یا نشده باشد، فارغ از هرگونه تخفیف که به هر دلیل (جزء تخفیف‌های تجاری عمومی "General" اعطاء شده یا می شود، محاسبه، پردازش و نمایش داده شود حتی اگر کالا رایگان یا بدون دریافت هرگونه هزینه واگذار شده باشد. این نکات در موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی نیز در بیان قیمت CIF کالا برای مقاصد گمرکی عملاً ملحوظ شده است و لذا از این حیث مغایرتی در قانون فعلی مشاهده نمی‌شود.^۱

۳- سایر هزینه‌های قابل قبول در تعریف ارزش گمرکی

در تعریف ارزش گمرکی کالای وارده، به غیر از بهای CIF کالا لازم است هزینه‌های مربوط به افتتاح اعتبار یا واریز بروات اگر به صورت ارزی و توسط خریدار پرداخت شده، و در اعلامیه فروش ارز درج گردیده باشد، اضافه گردد، هزینه‌هایی تحت عنوان "حق ثبت سفارش" که در گذشته اضافه می گردید، بعد از یک کاسه کردن حقوق گمرکی و عوارض دیگر به بهای CIF کالا اضافه نمی شود.

هزینه دیگر که به بهای CIF کالای وارده افزوده می‌گردد حق امتیاز نقشه و حق امتیاز مدل و علامت بازرگانی است. منظور از امتیاز نقشه در حقیقت انتقال توانایی و تخصص برای استفاده از ماشین آلات و تجهیزات وارداتی مرتبط با پروژه‌های صنعتی است که اگر در سیاهه خرید آمده باشد قهراً جزء بهای معاملاتی است. هزینه‌ای است که از بابت قرار دادن نقشه‌های فنی یک محصول بخصوص در پروژه‌های صنعتی، جداگانه وصول می‌شود و در سیاهه تجاری درج می‌گردد. هزینه‌هایی مثل حق نظارت بر نصب ماشین‌آلات، کارآموزی و غیره اگر طبق سیاهه پرداخت شده باشد، محاسبه خواهد شد. حق امتیاز مدل و علامت یا جوهری که ممکن است از بابت استفاده از حقوق مالکیت فکری موجود در کالا بطور کلی در قالب پروانه‌های بهره‌برداری (لیسانس) جداگانه توسط واردکننده پرداخت گردد و در سیاهه منعکس نشده باشد در این صورت به بهای CIF کالای خریداری شده اضافه نمی شود.

در خصوص هزینه‌های موضوع این بند نیز باید خاطر نشان ساخت موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی تا آنجا که این هزینه‌ها در سیاهه درج شده و در حقیقت جزء ارزش معاملاتی پرداخت شده با ماده ۱۰ قانون

۳- موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی، بند ۲ ماده ۸.

گمرک مغایرت ندارد و به طور قطع هزینه هایی مثل ثبت سفارش، یا هر وجه دیگری که عملاً در اسناد مورد مبادله درج نگردیده در احتساب ارزش معاملاتی منظور نمی شود، زیرا ارزش معاملاتی فقط قیمت واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت به فروشنده^۱ را شامل می شود که البته مبالغ دیگری که در ماده ۸ موافقت نامه مورد بحث به آن ها اشاره شده، به دلیل پرداخت و مخصوصاً درج در سیاهه خرید به این قیمت اضافه می گردد. در این فهرست هزینه هایی در ارتباط با افتتاح اعتبار یا واریز بروات یا حق ثبت سفارش و سایر هزینه های مشابه مشاهده نمی گردد یا زیر عنوان کلی تری قرار نمی گیرند^۲ تا بتوان آن ها را در زمره ارزش گمرکی قرار داد اما هزینه هایی چون حق امتیازها و وجوه پرداختی برای دریافت پروانه بهره برداری صراحتاً در این ماده ذکر شده اند و از لحاظ تعیین ارزش معاملاتی مورد قبول هستند و لذا هزینه هایی در ارتباط با افتتاح یا واریز بروات یا حق ثبت سفارش و سایر هزینه های مشابه که اصولاً در موافقت نامه ارزش گذاری اشاراتی به آنها نشده پذیرفتنی نیست.

در تعریف ارزش گمرکی، همچنین سایر هزینه هایی که به کالا تا ورود به اولین دفتر گمرکی تعلق می گیرد در محاسبه ارزش گمرکی قابل قبول هستند. اما از آن جایی که این هزینه ها، حتی در آیین نامه اجرایی قانون امور گمرکی، احصاء نشده اند، از لحاظ مقررات موافقت نامه ارزش گذاری گمرکی تنها در صورتی در ارزش معاملاتی قابل قبول هستند که در زمره فهرست ماده ۸ به شرح فوق قرار داشته باشند. در هر حال قید این هزینه ها در ارزش گمرکی از آن رو است که هزینه هایی چون انبارداری در اماکن گمرکی کشور مقصد، هزینه های بندری، عوارض و حقوقی که ممکن است به کالا بعد از ورود به اولین دفتر گمرکی تعلق گیرند، نباید به قیمت CIF کالا اضافه گردد و فقط آن قسمت از هزینه ها که قبل از ورود به کالا تعلق گرفته است حتی اگر برای موارد مذکور یا در ارتباط با آنها باشد، طبق تعریف مورد بحث، پذیرفته می شوند. که البته به عنوان یک قاعده کلی مورد تأیید موافقت نامه ارزش گذاری گمرکی نیز می باشد.

۴- مدارک لازم برای محاسبه "ارزش گمرکی"

^۱ - همان، بند ۱ ماده ۱.

^۲ - جزئیات این فهرست قبلاً در فصل دوم مبحث ارزش گذاری گمرکی طبق موافقت نامه تشریح شده است.

در محاسبه ارزش گمرکی کالا (بهای "CIF") و سایر هزینه‌ها طبق مدلول ماده ۱۰ قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۰ که تا حدودی به "ارزش معاملاتی" کالای ورودی نزدیک است، لازم است اسناد و مدارک مثبت به مربوط به خرید و حمل این اقلام توسط واردکننده ارائه می‌گردد، (سیاهه خرید "فاکتور"، بارنامه و بیمه نامه) حسب مورد. گمرک در صورتی اسناد ابرازی را به عنوان مبنای محاسبه "ارزش گمرکی" قبول می‌کند که مبالغ مندرج در آن‌ها متناسب، صحیح و طبق معیارهایی که برای ارزشگذاری گمرکی تعیین شده قابل قبول باشد، در غیر این صورت با رد ارزش‌های اظهار شده و اسناد مربوطه، با تمسک به معیارهای تعیین شده در قانون و آیین نامه فعلی نسبت به تعیین "ارزش گمرکی" منطبق با "ارزش معاملاتی" اقدام می‌کند. این معیارها اجمالاً عبارتند از:

الف) سوابق موجود از کشور مبدا همزمان با خرید همان کالا یا مشابه آن؛

ب) فهرست‌ها و منابع دسترسی به فهرستهای بهای صادراتی یا عمده‌فروشی یا خرده‌فروشی کشور مبدا؛

ج) بهای عمده‌فروشی یا خرده‌فروشی در ایران.^۱

ضوابط فوق در قانون امور گمرکی برای تعیین ارزش گمرکی جنبه کلی دارد و می‌تواند به جای تشخیص ارزش معاملاتی چنانچه میسر نباشد، بر پایه ضوابط دقیق موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی، ارزش گمرکی را با استفاده از سایر طرق پیش‌بینی شده در موافقت‌نامه به دست دهد.^۲ لذا این روش‌ها که در موافقت‌نامه مذکور تحت ۵ گروه طبقه‌بندی شده‌اند در مقررات گمرکی ایران به طور مشخص مشاهده نمی‌گردد که در صورت الحاق به سازمان جهانی تجارت لازم است مقررات مربوط به هر گروه طبق موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی روشن باشد.

^۱ - قانون امور گمرگی، ماده ۱۱ و آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی (۱۳۵۱)، ماده ۱۲۱.

^۲ - توضیحاً این که از فهرست عمده‌فروشی کشور مبدا مبالغ زیر کسر می‌گردد: ۲۰ درصد سود عمده‌فروشی، بازپرداخت‌های مالیاتی، بازپرداخت‌های گمرکی، یارانه‌های احتمالی به صادرات و جوایز صادراتی (با ارائه مدارک). از فهرست خرده‌فروشی این کشورها نیز عوامل زیر کسر می‌شود: ۴۰ درصد سود، بازپرداخت‌های مالیاتی و گمرکی، یارانه‌های صادراتی و جوایز صادراتی (با ارائه مدارک). از فهرست عمده‌فروشی و خرده‌فروشی ایران نیز مبالغی کسر می‌گردد که به تفصیل در منبع زیر آمده است: بنایی، پیشین، صص ۵۳-۱۵۲.

سرانجام از آن جا که پرداختی‌ها بابت کالای وارده به ایران به فروشنده و سایر هزینه‌ها تا ورود کالا به اولین دفتر گمرکی در ایران اکثر موارد به پول خارجی است، پس از تعیین ارزش گمرکی باید مبلغ آن به ریال محاسبه گردد که نرخ آن بر مبنای نرخ اعلامی بانک مرکزی در روز تسلیم اظهارنامه به گمرک می‌باشد. (در حال حاضر نرخ ارز برای مقاصد گمرکی برای یک هفته از شنبه تا جمعه ثابت نگه داشته می‌شود هر چند مغایر قانون گمرک است و منطقاً نیز صحیح نمی‌باشد.) این ترتیبی رایج است که در قوانین سایر کشورهای مورد مطالعه نیز مشاهده می‌شود.^۱

با توجه به مراتب فوق، نظام ارزشگذاری گمرکی پیش‌بینی شده در قانون امور گمرکی به طور کلی مغایرت اساسی با روش ارزش معاملاتی که مبنای محاسبه ارزش گمرکی در موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی است ندارد، مگر برخی موارد جزئی که به آن‌ها اشاره شد، منتهای مراتب به عنوان یک الزام حقوقی لازم است که در صورت الحاق جمهوری اسلامی ایران به سازمان جهانی تجارت، همه جهات این موافقت‌نامه، به ویژه شیوه‌های مختلف ارزشگذاری گمرکی، در صورت عدم امکان استفاده از "ارزش معاملاتی"، دقیقاً در قانون داخلی مشخص و به سازمان جهانی تجارت اعلام گردد که قانون امور گمرکی کنونی نسبت به آن‌ها ساکت است یا بیانی بسیار کلی و مبهم دارد.

ب- مبنای ارزشگذاری گمرکی در لایحه

فصل سوم لایحه جدید قانون امور گمرکی تحت عنوان ارزش کالا طی دو بخش به کالاهای ورودی و کالاهای صدور و چگونگی ارزشگذاری آن‌ها در گمرک اختصاص دارد. بخش نخست آن شامل مواد ۲۹ الی ۳۸ در مورد ارزشگذاری کالاهای ورودی می‌باشد که در مبحث حاضر درجه انطباق آن‌ها با الزامات موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی سازمان جهانی تجارت که فقط ناظر بر کالاهای ورودی است، و همین طور با

^۱ - منظور از روز تسلیم اظهارنامه روزی است که صاحب کالا اظهارنامه گمرکی را به گمرک داده و وجوه محاسبه شده را پرداخت و در دفتر صندوق گمرک ثبت می‌کند. در حال حاضر که گمرکات عمدتاً مکانیزه شده اند و تشریفات ترخیص کالا به صورت یارانه‌ای انجام می‌شود، پس از اختصاص شماره ثبت به اظهارنامه، توسط رایانه و امضای آن به وسیله صاحب کالا یا نماینده قانونی وی، کالا اظهار شده تلقی می‌شود. " ماده واحده مصوب ۱۳۷۹/۸/۱۱ مجلس شورای اسلامی" بنابراین تغییرات بعدی در نرخ ارزیابی بهای صادراتی کالا و دیگر عوامل از این تاریخ به بعد در محاسبات ارزش گمرکی تأثیری نخواهد داشت.

مقررات کشورهای پاکستان، ترکیه و چین که مقررات گمرکی خود را در قالب اعضای سابق گات (پاکستان و ترکیه) و عضو جدید (چین) با موافقتنامه در عمل هماهنگ ساخته‌اند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- "ارزش معاملاتی" و شیوه محاسبه آن در لایحه

در ماده ۲۹ لایحه، مبنای اولیه و اصلی ارزشگذاری گمرکی کالای ورودی "ارزش معاملاتی" است که تعریف آن در ماده مذکور به شرح زیر می‌باشد: "قیمت واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت برای کالا در زمان فروش برای صدور به قلمرو گمرکی، براساس اسناد تسلیمی صاحب کالا که طبق شرایط و ضوابط مقرر در ماده ۳۵ تعدیل می‌شود، مشروط بر این که:

الف) هیچگونه قید و محدودیتی در حق تصرف یا استفاده از کالا برای خریدار وجود نداشته باشد، مگر محدودیت‌های قانونی یا آن‌هایی که در قیمت کالا اثری ندارد؛

ب) فروش یا قیمت کالا قابل شرایط یا ملاحظات نباشد که نتوان در ارتباط با کالای وارده برای آن تعیین ارزش کرد؛

ج) هیچ بخشی از وجوه حاصله از فروش مجدد یا واگذاری یا استفاده بعدی به وسیله خریدار، به طور مستقیم یا غیرمستقیم عاید فروشنده نشود مگر آن که طبق بند (د) ماده (۳۵) برای آن تعدیل مناسبی انجام شود؛

د) خریدار و فروشنده وابسته نبوده یا آن که وابستگی آن‌ها بر ارزش کالا اثری نداشته باشد." تعریف فوق اساساً با بند ۱ ماده موافقتنامه ارزشگذاری منطبق بوده و حتی بر شیوه نگارش این ماده مبتنی است. در مقررات گمرکی کشورهای مورد مطالعه نیز همین مفاد ملاحظه می‌گردد. اما سه تفاوت میان این متن و متون اشاره شده وجود دارد که عبارتند از:

الف) محدودیت‌های مجاز در مورد واگذاری کالا به خریدار در ارزش معاملاتی

در موافقتنامه این محدودیت‌ها ذیل شق (الف) در سه فقره احصاء شده است:

- (۱) محدودیت‌هایی که قانون یا مقامات دولتی (از کشور وارد کننده) وضع یا مقرر کرده‌اند؛
- (۲) محدودیت‌هایی که منطقه جغرافیایی که می‌توان کالا را در آن مجدداً فروخت، محدود می‌کنند؛

(۳) محدودیت‌هایی که بر ارزش کالا به طور اساسی اثر نمی‌گذارند.

از میان این سه محدودیت، بند الف ماده ۲۹ فوق به طور ناقص فقط به فقرات (۱) و (۳) اشاره دارد و از فقره (۲) سخنی به میان نمی‌آورد. پیشنهاد می‌شود برای حفظ هماهنگی با موافقت‌نامه ارزش‌گذاری همه جهات دیده شود لذا در این بخش علاوه بر تکمیل فقره (۱) فقره (۲) نیز به شرح فوق به بند (الف) ماده ۲۹ افزوده گردد.

ب) تاثیر وابستگی خریدار و فروشنده بر محاسبه ارزش معاملاتی

به عنوان یک اصل کلی، خریدار و فروشنده نباید با یکدیگر مرتبط باشند. مصادیق این ارتباط در موافقت‌نامه ارزش‌گذاری گمرکی ذکر شده است، لکن در قوانین گمرکی کشورهای مورد مطالعه صراحتاً ذکری از آن به میان نیامده است. لذا عدم اشاره به مصادیق در لایحه نیز بر همین اساس توجیه‌پذیر است، منتهای مراتب این موارد ارتباط باید در لایحه منعکس شود زیرا احتمالاً ممکن است در آیین‌نامه اجرایی قانون جدید، نیز مغفول بماند، لذا در بیان مصادیق ارتباط بین خریدار و فروشنده (صادرکننده و واردکننده) مواردی از لحاظ گمرکی مرتبط در نظر گرفته می‌شوند و شامل موارد زیر هستند که می‌بایست در لایحه ملحوظ شود.

(۱) اعضای ارشد یا مدیران کسب و کار یکدیگر باشند؛

(۲) قانوناً شریک در کسب و کار یکدیگر شناخته شده باشند؛

(۳) کارفرما و مستخدم باشند؛

(۴) شخصی به طور مستقیم یا غیرمستقیم ۵ درصد یا درصد بیشتری از رای تعیین‌کننده، مبتنی بر

سرمایه یا سهام هر دو را در تملک داشته یا کنترل کند؛

(۵) یکی از آنان به طور مستقیم یا غیرمستقیم دیگری را کنترل کند؛

(۶) هر دو به طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت کنترل شخص ثالثی باشند؛

(۷) با یکدیگر شخص ثالثی را به طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت کنترل داشته باشند؛

(۸) اعضای یک خانواده باشند.^۱

ج) استثنائات مربوط به قبول ارزش معاملاتی از خریدار و فروشنده وابسته

در موافقتنامه ارزشگذاری گمرکی وجود وابستگی و ارتباط فوق فی نفسه دلیلی برای غیرقابل قبول تلقی کردن ارزش معاملاتی نخواهد بود و چنانچه دلایل زیر وجود داشته باشد، علی‌رغم وابستگی صادرکننده و واردکننده، می‌توان مقررات مربوط به تعیین ارزش معاملاتی را در معامله فی ما بین آن‌ها اعمال نمود، در حالی که این نکات در لایحه اشاره نشده است:

(۱) "اوضاع و احوال حاکم بر فروش کالای ورودی براساس مدارک ارائه شده توسط

واردکننده نشان دهد که رابطه (وابستگی) مزبور تاثیری بر قیمت نداشته است؛

(۲) واردکننده ثابت کند که ارزش معاملاتی کاملاً به یکی از ارزش‌های زیر، موجود در

همان زمان یا حدود همان زمان، نزدیک است:

(الف) ارزش معاملاتی و فروش کالاهای همسان یا مشابه به خریداران غیروابسته (غیرمرتبط) جهت صدور

به همان کشور واردکننده (مثلاً: جمهوری اسلامی ایران)؛

(ب) ارزش گمرکی کالای همسان یا مشابهی که طبق مقررات ماده (مربوط به تعیین ارزش قیاسی که در

لایحه زیر عنوان ماده ۳۲ آمده است) تعیین شده است؛

(ج) ارزش گمرکی کالای همسان یا مشابهی که طبق مقررات ماده (مربوط به تعیین ارزش محاسباتی که

در لایحه زیر عنوان ماده ۳۳ آمده است) تعیین شده است.

در اعمال معیارهای بالا، به تفاوت‌های محرز در سطوح تجاری، سطوح مقداری، عناصر برشمرده شده در

ماده (مربوط به تعدیلات قیمتی که در لایحه زیر عنوان ماده ۳۵ آمده است) و هزینه‌هایی که فروشنده در

فروش‌هایی متقبل می‌شود که در آن‌ها او و واردکننده غیرمرتبط‌اند و در فروش‌هایی متقبل نمی‌شود که او و

خریدار مرتبط‌اند توجه مقتضی خواهد شد.^۲

^۱ - موافقتنامه ارزشگذاری گمرکی، بند ۴ ماده ۱۵.

^۲ - موافقتنامه ارزشگذاری گمرکی، شق‌های (الف) و (ب) بند ۲ ماده ۱.

بند (د) ماده ۲۹ لایحه در این ارتباط فقط تصریح می‌کند که خریدار و فروشنده نباید وابسته بوده یا آن که وابستگی آن‌ها بر ارزش کالا اثری داشته باشد. ضمن این که اصل مزبور به طور کلی مورد تایید موافقت‌نامه است، اما هم در این سند و همین طور در قوانین هر سه کشور مورد مطالعه مشخصاً به مواردی اشاره شده است که ارتباط یا وابستگی طرفین تحت شرایطی می‌تواند بر محاسبه ارزش معاملاتی تأثیری نداشته باشد که در بندهای (الف) و (ب) فوق آمده‌اند، اما بند (د) ماده ۲۹ فقط به طور اجمالی به بند (۱) اشاره دارد و در آن از بند (۲) و شق‌های (الف)، (ب) و (ج) آن ذکری به میان نیامده است که لازم است در ادامه این بند براساس الگوی فوق‌الذکر به طور کامل اضافه گردند. همچنین موارد استثنایی (یعنی بندهای الف و ب فوق) می‌توانند به عنوان یک امر شکلی در قالب بندهای جداگانه‌ای به دنبال بند (د) لایحه آورده شوند.

(د) مبالغ قابل افزایش به قیمت واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت در ارزش معاملاتی

مبالغی که در لایحه می‌توان طبق ماده ۲۹ به قیمت واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت افزود در ماده ۳۵ آن احصاء شده است که عبارتند از:

"(الف) هر یک از موارد زیر و به مقداری که خریدار متقبل پرداخت آن شده اما در قیمت واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت کالا منظور نشده است:

اول: کرایه حمل و بیمه کالا تا ورود به اولین گمرک؛

دوم: هزینه‌های تخلیه، بارگیری و جابجایی مربوط به کالا قبل از ورود به اولین دفتر گمرکی؛

سوم: هزینه دلالی و کارمزد مربوط به کالا به استثنای کارمزد پرداخت شده به کارگزار از خریدار؛

چهارم: قیمت ظروفی که از نظر مقررات گمرکی جزو قیمت کالا منظور می‌شود و هزینه‌های بسته‌بندی کالا.

(ب) ارزش کالا و خدمات زیر که به رایگان یا با هزینه کم توسط خریدار برای تولید کالای وارده فراهم شده، به نسبتی که به کالای وارده اختصاص یافته و در قیمت واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت منظور نشده است:

(اول) مواد، قطعات و تجهیزاتی که در تولید کالای وارده به کار رفته است؛

(دوم) کارهای طراحی، مهندسی، هنری، تکمیلی و مانند آن مربوط به کالای وارده که در سایر کشورها انجام شده است.

(ج) حق امتیاز و حقوق مالکیت معنوی، اختراع و علامت تجاری مربوط به کالا که خریدار باید به عنوان شرط فروش کالا، آن‌ها را به طور مستقیم یا غیرمستقیم بپردازد، به نسبتی که به کالای وارده مربوط می‌شود و در قیمت واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت منظور نشده است.

(د) هر بخش از عواید فروش مجدد، عواید واگذاری یا استفاده بعدی کالای وارده که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به فروشنده تعلق می‌گیرد.

تبصره: در تعیین ارزش گمرکی کالا به جز آن چه که در این ماده پیش‌بینی شده است نباید مبلغ دیگری به قیمت واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت اضافه شود."

اقدام فوق که به عبارتی در ارزش گمرکی کالا منظور خواهند شد، جز با برخی تفاوت‌ها که ذیلاً توضیح داده خواهد شد، کلاً در ماده ۸ موافقت‌نامه و همین طور در قوانین گمرکی کشورهای مورد مطالعه آمده است و از این حیث اشکالی از لحاظ انطباق این مقررات با موازین سازمان جهانی تجارت در زمینه ارزشگذاری گمرکی به چشم نمی‌خورد. تفاوت‌های اندکی نیز که در تدوین این ماده مشاهده می‌گردد عبارتند از:

(۱) در جزء (۱) شق (ب) از بند ۱ ماده ۸ موافقت‌نامه، هزینه "مواد، اجزاء تشکیل دهنده، قطعات و اقلام مشابهی که در کالای وارده ترکیب گردیده است" به قیمت واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت اضافی می‌گردد. در حالی که در جزء (اول) بند (ب) ماده ۳۵ به شرح فوق، به جای لفظ "ترکیب" کلمه "به کار رفته" مورد استفاده قرار گرفته است که به نظر می‌رسد باید اصلاح شود. مضافاً این که در جزء (۳) شق ب از بند ۱ ماده ۸ ردیف دیگری تحت عنوان "موادی که در تولید کالای وارده مصرف شده است" وجود دارد که نادیده گرفته شده است. بنابراین موافقت‌نامه میان ترکیب مواد در کالا و مصرف مواد در تولید کالا تفاوت قائل شده است، حال آن که در لایحه این تمایز مشاهده نمی‌شود و در واقع این دو مطلب با

استفاده از فعل "به کار رفتن" در هم ادغام شده‌اند. بنابراین مقتضی است ضمن اصلاح جزء(اول) بند ب ماده ۳۵ به این صورت که "مواد، اجزاء، قطعات و اقلام مشابهی که در کالای وارده ترکیب گردیده است" جزء جدیدی با عبارت "موادی که در تولید کالای وارد شده مصرف شده است"، به اجزاء بند ب ماده ۳۵ افزوده گردد. به علاوه موضوع دیگری نیز در این بند حذف شده که مقتضی است به آن اضافه شود که عبارت است از "ابزارها، حدیده‌ها، قالب‌ها و اقلام مشابهی که در تولید کالای وارده مورد استفاده قرار گرفته است". بندهای فوق ضمن این که در موافقت‌نامه ارزشگذاری وجود دارند، در تمام قوانین گمرکی سه کشور مورد مطالعه مشاهده می‌گردد. لذا در صورت اضافه نکردن این موارد در قانون جدید ممکن است بعداً سوالاتی در این خصوص در گروه کاری تشکیل شده برای ایران در سازمان جهانی تجارت، مطرح گردد که می‌بایست پاسخ قانع‌کننده‌ای برای آن‌ها داشت.

(۲) عنوان بند ج ماده ۳۵، یعنی "حق امتیاز و حقوق مالکیت معنوی، اختراع و علامت تجاری مربوط به کالا" فاقد دقت حقوقی لازم است: اولاً حقوق مالکیت معنوی خود شامل اختراع و علامت تجاری می‌گردد که البته از هیچ یک از این موارد در شق (ج) بند ۱ ماده ۸ موافقت‌نامه ذکرى به میان نیامده است و ثانیاً آن چه مهم بوده و برای آن پرداخت صورت می‌گیرد، پروانه بهره‌برداری یا لایسانس Licence است که در قبال دریافت آن، حق امتیاز Royalty پرداخت می‌گردد. اشاره به این موضوع اساسی در بند (ج) ماده ۳۵ مورد غفلت قرار گرفته است که مقتضی است به شرح زیر اصلاح گردد:

"حق امتیازها و وجوه اخذ پروانه، مربوط به کالای موضوع ارزشگذاری (یا کالای وارده) که خریدار باید ..."

نکته مهم دیگری نیز که باید به آن توجه شود و موافقت‌نامه و قوانین کشورهای پاکستان و ترکیه و چین در زمینه ارزشگذاری گمرکی هر یک به بیانی به آن تصریح دارند این است که "افزایش موارد (فوق) به قیمت پرداخت شده یا قابل پرداخت تنها بر مبنای داده‌های واقعی و کمیت پذیر صورت خواهد گرفت" یعنی "اگر اطلاعات کافی به هر دلیلی در مورد تعدیلات قیمتی فوق در دسترس نباشد، روش ارزش

معاملاتی در مورد کالای وارده قابل اعمال نخواهد بود". بنابراین ضرورت دارد عبارتی با این مضمون در انتهای ماده ۳۵ آورده شود.

ه) مبالغی که در ارزش معاملاتی منظور نمی‌شوند

ضمن این که طبق موافقت‌نامه لازم است تعدیلاتی در مورد قیمت واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت صورت گیرد، که شرح آن در بند فوق گذشت، اقلام دیگری نیز وجود دارند که نمی‌توان آن‌ها را به قیمت واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت اضافه کرد، مشروط بر این که از قیمت‌های واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت کالا متمایز باشند. این موارد که در ماده ۳۸ لایحه به آنها اشاره شده است عبارتند از:

"الف) هزینه ساختن، برپا کردن، سوار کردن، نگهداری یا کمک فنی در مورد کالاهایی مانند دستگاه‌ها، ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی که پس از ورود آن‌ها انجام می‌شود.

ب) هزینه حمل و نقل پس از ورود کالا.

ج) هزینه بهره مربوط به تامین مالی خرید کالای وارده، اعم از این که توسط فروشنده یا شخص ثالثی صورت گرفته باشد، مشروط به این که تامین مالی مستند بوده و نرخ بهره آن از نرخ بهره متداول در معاملات مشابه در زمان و محلی که تامین انجام شده است، بیشتر نباشد.

د) هزینه اقداماتی که خریدار انجام می‌دهد و جزو شرایط انجام معامله نباشد، مانند فعالیت‌های بازاریابی برای کالا.

ه) حق تکثیر و تولید داخلی کالای وارده.

و) ارزش یا هزینه اطلاعات و دستورالعمل‌های ضبط شده (نرم‌افزار) روی حاملین اطلاعات (نوار، صفحه، ...) برای به کارگیری در رایانه. در این موارد ارزش حامل خام محاسبه می‌شود. در اجرای این بند:

اول: اطلاعات و دستورالعمل‌ها شامل ضبط‌های صدائی، سینمایی و ویدئویی نمی‌باشد

دوم: حاملین اطلاعات شامل مدارهای مجتمع، نیمه‌هادی‌ها و وسایل مشابه یا وسایل تشکیل شده از این مدارها و دستگاه‌ها نخواهد بود."

ذکر موارد فوق مبتنی بر این اصل است که در محاسبه ارزش گمرکی کالای وارده قیمت و کلیه هزینه‌های کالا تا اولین دفتر گمرکی که کالا به آن جا وارد می‌شود، مدنظر قرار خواهد گرفت که به حساب فروشنده است و سایر هزینه‌های بعدی اگر جزء قیمت نباشند و جداگانه تعیین شده باشند (بندهای (الف) تا (و) فوق) جزء ارزش گمرکی نیستند زیرا به حساب خریدار بوده‌اند. این موارد در یادداشت ماده ۱ موافقت نامه ارزش گذاری راجع به "قیمت واقعاً پرداخت شده یا قابل پرداخت" به شرح زیر احصاء شده‌اند:

(الف) مخارج ساختن، برپاداشتن، سوارکردن، نگهداری یا کمک فنی که در مورد کالای وارد شده مانند دستگاه‌ها، ماشین‌آلات یا تجهیزات صنعتی، پس از ورود، برعهده گرفته می‌شود.

(ب) هزینه حمل و نقل پس از ورود.

(ج) حقوق و مالیات‌های کشور واردکننده.

در قوانین کشورهای مورد مطالعه، یعنی پاکستان، ترکیه و چین نیز به این موارد تصریح شده و نکات دیگری نیز به آن افزوده شده است که عبارتند از:

(۱) هزینه‌های بهره تقبل شده توسط خریدار به موجب ترتیبات مالی مرتبط با خرید کالای وارداتی

(قانون امور گمرکی ترکیه)

(۲) هزینه‌های حق تکثیر کالای وارداتی در ترکیه (قانون امور گمرکی ترکیه)

(۳) حق‌العمل‌های خرید (قانون امور گمرکی ترکیه)

(۴) حقوق گمرکی و عوارض قابل پرداخت در ترکیه به دلیل ورود یا فروش کالا (قانون امور گمرکی

ترکیه)

(ه) هزینه حمل و نقل، مخارج مرتبط با حمل و نقل و هزینه بیمه پس از تخلیه کالای وارداتی در بندر یا

محل ورود در قلمرو گمرکی (آیین نامه گمرکی چین)

(۵) قواعد و اصول خاصی در آیین‌نامه در تعیین ارزش گمرکی رسانه‌های حامل برای استفاده در

تجهیزات پردازش داده، و داده‌ها یا دستورالعمل‌های موضوع این رسانه‌ها وضع خواهد شد (قانون امور

گمرکی ترکیه)

مقایسه این دو دسته از مقررات با مفاد ماده ۳۸ لایحه نشان می‌دهد که این مقررات کوشیده است آن‌ها را با یکدیگر جمع کند، که از این جهت با لحاظ مغایرتهایی منطبق با موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی و مقررات داخلی چند کشور مورد مطالعه می‌باشد، اما در عین حال در تدقیق متن ماده ۳۸ پیشنهادهای زیر قابل ارائه است :

- (۱) افزودن "حق بیمه" به بند (ب) یعنی "هزینه حمل و نقل و بیمه کالا پس از ورود"
- (۲) ارجاع مطالب تفصیلی راجع به چگونگی تعیین قیمت مذکور در شق‌های اول و دوم بند (و) به آیین نامه اجرایی قانون که به طور شفاف نکات لازم را ارایه و اجازه ندهد در عمل دستخوش تفسیرهای گوناگون ارجاع داده شود.

سرانجام در خاتمه بحث راجع به ارزش معاملاتی و چگونگی محاسبه آن مقتضی است در تعریف ارزش معاملاتی و در صدر ماده ۲۹ لایحه، عبارت "صدور به قلمرو گمرکی" به عبارت "صدور به قلمرو گمرکی اسلامی ایران" تغییر یابد، تا اولاً در تداخل با مناطق آزاد در قلمرو جمهوری اسلامی ایران قرار نگیرد، ثانیاً با توجه به اینکه مقصد کالای ورودی مشخصاً جمهوری اسلامی ایران است، از اطلاق عنوان کلی پرهیز شود. این اصلاح در سایر بندهای ماده مورد بحث نیز ضرورت دارد که بسته به مورد به آن‌ها اشاره شده یا خواهد شد.

۲- سایر شیوه‌های ارزشگذاری گمرکی در لایحه

به جز روش ارزش معاملاتی که در ماده ۲۹ لایحه آمده است، به پنج روش دیگر در این لایحه پرداخته می‌شود که لازم است انطباق آن‌ها با موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی و قوانین سه کشور مورد بررسی در این تحقیق، ارزیابی گردد:

الف) ارزش معاملاتی کالای همسان

این شیوه از تعیین ارزش گمرکی در ماده ۳۰ لایحه منعکس است: "هرگاه نتوان ارزش گمرکی کالای ورودی را طبق شرایط ماده ۲۹ تعیین کرد، ارزش آن براساس ارزش معاملاتی کالای "یکسان" و ساخت

همان کشور که همزمان با کالای مزبور برای صدور به "قلمرو گمرکی" فروخته شده و مورد قبول گمرک قرار گرفته است، با رعایت ضوابط تعدیل موضوع ماده ۳۵ تعیین خواهد شد."

موضوع ماده ۳۰ در معرفی ارزش معاملاتی کالای همسان تفاوتی با تعریف آن در موافقتنامه و قوانین کشورهای مورد مطالعه در این تحقیق ندارد. اما توجه به دو نکته جزئی در متن این ماده می‌تواند به تدقیق آن کمک کند.

اولاً: بهتر است به جای اصطلاح کالای یکسان از اصطلاح "کالای همسان" Identical استفاده کرد، چرا که کلمه یکسان در مقام مقایسه میان دو کالا هنگامی به کار می‌رود که هیچ‌گونه تفاوت جزئی هم میان آن دو وجود نداشته باشد در حالی که تعریف این اصطلاح (در بند الف ماده ۳۷ و همین طور در موافقتنامه) تصریح به این نکته دارد که "اختلافات جزئی ظاهری" قابل چشم پوشی است.

ثانیاً: فروش کالای همسان به کشور واردکننده می‌تواند همزمان یا حدوداً همزمان با صدور کالای وارده باشد، بنابراین بهتر است در کنار کلمه "همزمان"، عبارت "حدوداً همزمان" نیز اضافه گردد. علاوه بر موافقتنامه رعایت این نکات در مقررات گمرکی کشورهای مورد مطالعه در این تحقیق نیز مزید بر تائید این موضوع می‌باشد.

ثالثاً: همان طور که در ماده ۲۹ لایحه در بحث قبلی اشاره شد، در بیان واژه "قلمرو گمرکی" باید قید عبارت "جمهوری اسلامی ایران" به عمل آید تا از اطلاق کلی احتراز شود که در قوانین گمرکی کشورهای پاکستان، ترکیه و چین نیز با همین سیاق انشاء شده است.

رابعاً: توضیحات تبصره‌های (۱) ماده ۳۱ نیز که ناظر بر ماده مورد بحث نیز می‌باشد مکفی به نظر نمی‌رسد. این تبصره در واقع مطالب شق (ب) بند ۱ و بندهای ۲ و ۳ ماده ۲ موافقتنامه و همین طور ماده ۳ (راجع به ارزش معاملاتی کالای مشابه) را با رعایت کامل اختصار که در عین حال موجب بروز ابهامات در اجرا خواهد شد ادغام کرده است که البته از نظر شکلی قابل توجیه باشد ممکن است ولی نکته‌ای مهم از شق (ب) بند ۱ موافقتنامه نادیده گرفته شده است به این معنا که این شق ضمن در نظر گرفتن شرایط و سطح تجارت و همچنین مقدار خرید کالای همسان (یا مشابه در ماده بعدی) این حالت را نیز در نظر گرفته

است که "اگر چنین فروشی یافت نشود، ارزش معاملاتی کالای همسان فروخته شده در سطح تجارت متفاوت و یا در مقادیر متفاوت که جهت در نظر گرفتن تفاوت‌های قابل انتساب از لحاظ تجاری و مقدار تعدیل شده است، مورد استفاده قرار خواهد گرفت". در حالی که تبصره ۱ ماده ۳۱ به چنین نکته‌ای اشاره نمی‌کند که ارجح است به آن اضافه شود، گر چه قوانین داخلی برخی کشورهای مورد مطالعه مانند ترکیه و چین برخلاف پاکستان این روش را به طور کلی مورد توجه قرار داده‌اند. تبصره (۲) این ماده نیز عیناً در موافقت‌نامه و قوانین سه کشور مذکور مشاهده می‌شود.

(ب) ارزش معاملاتی کالای مشابه

به این شیوه نیز متعاقب شیوه فوق در ماده ۳۱ لایحه پرداخته شده است که در واقع بیانی از ماده ۳ موافقت‌نامه است که در عین حال با مقررات گمرکی کشورهای مورد مطالعه در این تحقیق تطبیق کامل دارد. به موجب این ماده: "ارزش کالایی را که نمی‌توان براساس مواد ۲۹ و ۳۰ (روش ارزش معاملاتی و ارزش معاملاتی کالای همسان) تعیین نمود، ارزش آن براساس ارزش معاملاتی کالای مشابه، ساخت همان کشور که همزمان با کالای مزبور برای صدور به "قلمرو گمرکی" فروخته شده و مورد قبول گمرک قرار گرفته است، با رعایت ضوابط تعدیل موضوع ماده (۳۵) تعیین خواهد شد".

در خصوص این روش از تعیین ارزش گمرکی، توضیحات فوق راجع به ارزش معاملاتی کالای همسان، عیناً مصداق دارد و مقتضی است مورد توجه قرار گیرد.

(ج) ارزش قیاسی

روش بعدی که در لایحه از آن در صورت عدم امکان اعمال روش‌های فوق نام برده شده است، موسوم به روش قیاسی یا استنتاجی می‌باشد. براساس این روش در ماده ۳۲ لایحه، ارزش گمرکی کالای وارده:

"الف) براساس قیمت فروش هر واحد کالای وارده یا یکسان یا مشابه آن در بازار داخلی که همزمان با کالای مورد ارزشگذاری در بیشترین مقدار کل به افراد غیر وابسته به فروشنده فروخته می‌شود، با کسر موارد زیر تعیین خواهد شد:

(۱) سود و مخارج کلی معمول برای فروش آن نوع کالا (شامل هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم بازاریابی).

(۲) هزینه‌های متداول بعد از ترخیص کالا مانند کرایه حمل، بیمه، دلالتی و غیره.

(۳) حقوق ورودی سایر پرداخت‌هایی که به ورود یا فروش کالا تعلق گرفته است.

تبصره: در صورت عدم وجود و سابقه فروش داخلی همزمان، براساس قیمت فروش کالای وارده یکسان یا مشابه آن در نزدیک‌ترین تاریخ پس از ورود کالای مورد ارزشگذاری و حداکثر به فاصله ۹۰ روز تعیین خواهد شد.

(ب) چنانچه کالای وارده یا یکسان یا مشابه آن به همان وضعیت ورود به فروش نرسد، براساس قیمتی که پس از پردازش، در بیشترین مقدار کل به اشخاص غیر وابسته فروخته می‌شود، پس از کسر ارزش افزوده بابت پردازش و کسر موارد مندرج در ذیل بند (الف) این ماده تعیین خواهد شد."

شرایط و الزامات مقرر در ماده ۳۲ عیناً با مقررات ماده ۵ موافقت‌نامه تطبیق دارد و کلاً با مقررات مربوط در قوانین گمرکی کشورهای مورد مطالعه در این تحقیق سازگار است. منتهای مراتب در اجرای ترتیبات مقرر در بند (ب) این ماده در اصل موکول به درخواست واردکننده یا خریدار است و در غیر این صورت گمرک نمی‌تواند راساً آن را به مورد اجرا گذارد، ولی در عین حال بند چهارم ضمیمه ۳ موافقت‌نامه به کشورهای در حال توسعه اجازه داده است که این شیوه را صرف نظر از این که چنین اقدامی از جانب واردکننده تقاضا شده یا نشده باشد، به اجرا گذارند. تدوین این بند نیز ظاهراً با توجه به این مقررره صورت گرفته است که در واقع تسهیلی در اعمال این روش ارزشگذاری گمرکی است. به علاوه طبق موافقت‌نامه و مقررات گمرکی کشورهای مورد مطالعه، فروش کالای وارده یا یکسان یا مشابه می‌تواند "حدوداً همزمان" با

ورود کالای موضوع ارزشگذاری به ایران باشد. لذا این عبارت می‌تواند به متن ماده در کنار کلمه "همزمان" اضافه گردد.

د) ارزش محاسباتی

به هر حال اگر نتوان ارزش گمرکی کالای وارده را طبق روش‌های فوق به دست آورد، تعیین ارزش محاسباتی آن، روش دیگری است که طبق موافقت‌نامه ارزشگذاری در اختیار مقامات گمرکی قرار دارد. در این زمینه لایحه طی ماده ۳۳ مقرر می‌دارد:

"ارزش کالایی را که نمی‌توان براساس مواد ۲۹ لغایت (۳۲) تعیین نمود، ارزش آن براساس "ارزش محاسباتی" که از جمع اقلام زیر تشکیل می‌شود، تعیین خواهد:

- ۱- ارزش مواد و کلیه هزینه‌های ساخت یا پردازش که در تولید یا ساخت کالا به کار رفته است.
- ۲- سود و مخارج کلی که صادرکننده در قیمت فروش کالا منظور نموده است.
- ۳- سایر اقلامی که طبق ماده ۳۵ (تعدیلات) باید به قیمت واقعاً پرداختی شده یا قابل پرداخت افزوده شود.

تبصره: ۱- منظور از مخارج کلی فوق‌الاشاره هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم مربوط به تولید و فروش کالای مورد ارزشگذاری است که در بند اول منظور نشده است.

تبصره ۲: انتخاب اولویت در اجرای روش‌های تعیین ارزش براساس مواد (۳۲) و (۳۳) می‌تواند براساس تقاضای واردکننده باشد."

مفاد این ماده من حیث المجموع منطبق با مقررات موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی سازمان جهانی تجارت است و با مقررات گمرکی کشورهای مورد مطالعه در مورد روش مورد بحث تفاوتی ندارد. اما توجه به یک نکته ضروری است که منظور از سود و مخارج کلی که صادرکننده در قیمت فروش کالا منظور نموده است (شق ۳ فوق) سود و مخارجی است که صادرکننده در ارتباط با همان نوع یا طبقه از کالا برای صدور به کشور جمهوری اسلامی ایران منظور می‌نماید و نه صدور همان کالا به هر کشور دیگر. به علاوه کشورهای در حال توسعه به موجب بند سوم از ضمیمه ۳ موافقت‌نامه می‌توانند در قالب یک حق شرط، اجازه جابه‌جایی

روش‌های موضوع مواد ۳۲ و ۳۳ (ارزش قیاسی و ارزش محاسباتی) را به واردکننده ندهند و روش‌های پیش‌بینی شده به ترتیب خود برای تعیین ارزش گمرکی اعمال گردند، در حالی که لایحه همانند کشورهای مورد مطالعه در این تحقیق این اجازه را به واردکننده داده است.

ه) استفاده از روش‌های قبلی به طور کلی

به عنوان آخرین روش برای محاسبه ارزشی گمرکی کالا، گمرک در صورتی که نتواند این روش را طبق روش‌های مستقل فوق تعیین کند، ارزش گمرکی آن را بر مبنای مدارک و اطلاعات موجود و با انعطاف در به کارگیری مقررات مواد فوق الذکر تعیین خواهد کرد. در هر حال به موجب ماده ۳۴ لایحه، در این روش "ارزش گمرکی" براساس موارد زیر تعیین نمی‌شود:

"الف- قیمت صادراتی کالا برای فروش به کشورهای دیگر.

ب- قیمت فروش کالا در بازار داخلی کشور صادرکننده.

ج- قیمت فروش در بازار سایر کشورها.

د- قیمت فروش کالاهای یکسان و مشابه تولید شده در قلمرو گمرکی .

ه- تعیین حداقل ارزش قابل قبول برای کالا.

و- ارزش‌های غیرواقعی و موهوم."

در مقایسه مفاد ماده ۳۴ با مقررات موافقت‌نامه و قوانین کشورهای مورد مطالعه متذکر می‌شود که فهرست فوق کامل نیست و موارد زیر را می‌توان به آن افزود یا برخی از بندهای آن را به طور دقیق‌تری تنظیم نمود. بندهای تکمیلی به قرار زیر پیشنهاد می‌گردند:

(۱) قیمت فروش کالای تولید داخلی در جمهوری اسلامی ایران

(۲) هزینه تولیدی که برای کالای همسان یا مشابه تعیین شده است (غیر از روش محاسباتی)

اصلاحات زیر نیز در مورد برخی از بندهای فوق پیشنهاد می‌گردند:

(۱) بند ج در مورد "قیمت فروش در بازار سایر کشورها" با بند الف راجع به "قیمت صادراتی کالا

برای فروش در کشورهای دیگر" تداخل دارند که مقتضی است در راستای شق (ه) از بند ۲ ماده ۷

موافقت‌نامه اصلاح گردند. به موجب این بند "قیمت کالا برای صدور به کشوری غیر از کشور واردکننده" باید ملاک عمل واقع نگردد.

(۲) بند (د) ناظر بر هزینه تولید است نه فروش (با توجه به شق (۲) فوق).

با توجه به مراتب بالا پنج روش محاسبه ارزش گمرکی کالا که در صورت عدم امکان تعیین آن براساس ارزش معاملاتی باید به ترتیب در گمرک دنبال شوند، در لایحه پیش‌بینی شده است که در کل و با برخی اصلاحات، به شرح پیش گفته، با مقررات موافقت‌نامه و قوانین چند کشور عضو سازمان جهانی تجارت که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته‌اند هماهنگ است. البته طبق ماده ۳۶ لایحه این ارزش گمرکی کالای ورودی بر مبنای نرخ ارز و برابری‌های اعلام شده از طرف بانک مرکزی در روز اظهار محاسبه و تعیین می‌شود که در ماده ۹ موافقت‌نامه و در مقررات سه کشورها مورد مطالعه در این تحقیق نیز آمده است.

۳- مفاهیم اصطلاحات به کار رفته در لایحه

به منظور جلوگیری از هرگونه برداشت نادرست و داشتن درکی دقیق از اصطلاحات، در لایحه همچون موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی، تعاریفی از این اصطلاحات در ماده ۳۷ ارائه شده است که به شرح زیر می‌باشند:

"الف) کالای "یکسان" (همسان) کالایی است که از همه جهات، از جمله خصوصیات مادی، کیفیت و شهرت یکسان باشد. در اجرای این بند، اختلافات جزئی ظاهری در صورت احراز سایر شرایط قابل چشم پوشی است.

ب) "کالای مشابه" کالایی است که گرچه از همه جهات همانند نیست ولی خصوصیات و مواد تشکیل دهنده مشابهی دارد که آن را قادر می‌سازد عملکرد یکسانی را انجام دهد و از نظر تجاری قابلیت جانشینی داشته باشد. کیفیت کالا، شهرت آن وجود یک علامت تجاری از جمله عواملی هستند که در تشخیص این که کالا مشابه است یا خیر، مورد ملاحظه قرار می‌گیرد.

ج) "همزمان" زمانی است که در آن مدت، قیمت فروش کالا به جمهوری اسلامی ایران در کشور مبدا ثابت بوده است.

د) "سطح تجاری" مرحله‌ای از تجارت است که معامله فروش در آن انجام شده است. از قبیل فروش بین تولیدکننده و عمده‌فروش یا عمده‌فروش و خرده‌فروش یا خرده‌فروش و مصرف‌کننده."

در موافقت‌نامه (ماده ۱۵) نیز تعاریف این اصطلاحات، به همین ترتیب مذکور در لایحه (به جز بندهای ج و د) عیناً آمده است، اما در آن "کالاهای متعلق به همان طبقه یا نوع" نیز تعریف شده است و مقصود کالاهایی هستند که در گروه یا دسته کالاهایی قرار می‌گیرند که یک صنعت یا بخش صنعتی خاص تولید می‌کند و شامل کالاهای همسان و مشابه می‌شود. همین طور تعاریفی از "ارزش گمرکی کالای واردشده" و "تولید شده" در این ماده ملاحظه می‌گردد که می‌تواند به تعاریف مذکور در ماده ۳۷ افزوده گردد.

در قوانین برخی از کشورهای مورد مطالعه مانند پاکستان نیز اصطلاحات فوق تعریف شده‌اند ولی در قوانین کشورهای چین و ترکیه چنین تعاریفی مشاهده نمی‌گردد. بنابراین به نظر می‌رسد از نقطه نظر موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی الزامی به ارائه تعاریف در قوانین داخلی وجود ندارد، سرانجام در مورد تعاریف ارائه شده در ماده ۳۷ لایحه متذکر می‌شود که این تعاریف در برگیرنده همه اصطلاحات کلیدی به کار رفته در موافقت‌نامه نیستند مثلاً در صورت اضافه شدن قید "حدوداً همزمان" در مواد مربوط که اشاره شد لازم است تعریفی از آن ارائه گردد. یا حتی تعریف کالای مشابه یا همسان نیاز به توضیحات تکمیلی دارد که در ماده ۱۵ به آن‌ها اشاره می‌شود. به این ترتیب با توجه به متن نهایی لایحه می‌توان تعاریف دیگری را نیز ارائه داد.

در خاتمه این فصل راجع به چگونگی ارزشگذاری گمرکی در مقررات فعلی و در لایحه ذکر چند نکته ضروریست. اولاً این مقررات همانند قانون امور گمرکی فعلی، فقط شامل کالاهای وارده، اعم از ورود قطعی، ترانزیت، صدور مجدد و ورود موقت است و تعیین ارزش کالای صدور با استفاده از روش‌های دیگری صورت می‌گیرد که در قانون فعلی به موجب ماده ۲۱۳ نقل شده که تقریباً عیناً همان مراتب در لایحه نیز آمده است. ثانیاً این مقررات فقط ناظر بر آن دسته از کالاهای وارداتی است که حقوق و عوارض متعلق به ورود آن‌ها بر مبنای ارزش محاسبه می‌گردد و لذا تعیین ارزش گمرکی کالا، پیش نیاز چنین محاسبه‌ای است. بنابراین وجود مقررات ارزشگذاری گمرکی مانع از آن نیست که حقوق و عوارض متعلق به ورود کالا

برمنبای واحد یا ترکیبی از ارزش و واحد وصول گردند. ثالثاً، علی‌رغم مشخص بودن روش‌های مختلف برای ارزشگذاری گمرکی، در هر حال این حق برای مقامات گمرکی محفوظ است که نسبت به صحت و دقت مدارک تسلیمی توسط صاحب کالا تردید کنند و از وی توضیحات و مدارک تکمیلی طلب نمایند^۱ و متقابلاً صاحب کالا نیز باید از این حق برخوردار باشد که نسبت به ارزش گمرکی تقدیمی در مراجعه اداری (گمرک) یا قضایی تقاضای تجدید نظر کند که در ذیل ضوابط ارزش گذاری ذکری به میان نیامده هر چند در مقررات عمومی لایحه تحت عنوان اختلافات گمرکی در استیناف پیش‌بینی شده است که در این مقررات با تعیین نصاب معینی حق تجدیدنظر خواهی برای صاحبان کالا را به رسمیت شناخته، در حالی که طبق بند ۲ ماده ۱۱ موافقت‌نامه در نظر گرفتن حق تجدید نظر برای صاحب کالا، بدون هرگونه محدودیتی از لحاظ مبالغ مورد ادعا از سوی گمرک یا اعتراض واردکننده است. همچنین به موجب موافقت‌نامه تجدید نظر خواهی می‌تواند در مراجع قضایی طرح شده که در لایحه، منحصراً دیوان عدالت اداری را برای این منظور پیش‌بینی نموده اند که با ایت ترتیب ایجاد محدودیت می‌کند و واردکننده را از حق انتخاب مرجع دادرسی، غیر از یک مرجع تحت عنوان "دیوان عدالت اداری" محروم می‌کند، هر چند قاعداً تشخیص صلاحیت با محکمه بوده و در حال حاضر هم اگر واردکننده ای به عوض دیوان عدالت دادخواست رسیدگی به محاکم عمومی حقوقی تسلیم نماید منعی وجود ندارد و محاکم رسیدگی و رای صادر می‌نمایند.^۲ رابعاً برخلاف قانون امور گمرکی فعلی، مقررات لایحه، در صورت تصویب در مجلس شورای اسلامی، به دلیل تقاضای عضویت در سازمان جهانی تجارت باید با الزامات موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی در این سازمان هماهنگ باشد تا در جریان مذاکرات مشکلی پدید نیاید یا بتوان به سؤالات مربوط پاسخ گفت. در غیر این صورت ناگزیر باید در طول مذاکرات اقدام به تطبیق آن با الزامات فوق نمود. خامساً: پس از الحاق جمهوری اسلامی ایران به سازمان جهانی تجارت متن کامل این مقررات باید منتشر^۳ و از طریق دبیرخانه سازمان باید در

^۱ - موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی، ماده ۱۷.

^۲ - قسمت یازدهم لایحه، مراجع رسیدگی به اختلافات گمرکی مواد ۳۴۵ الی ۳۶۰.

^۳ - موافقت‌نامه ارزشگذاری گمرکی، ماده ۱۲.

اختیار کمیته ارزشگذاری گمرکی قرار گیرد و در مورد هر گونه تغییرات و اصلاحات بعدی نیز به همین سان عمل شود.^۱

بنابراین گزینه ای که می تواند از ایجاد توقف در مراحل قانون گذاری و تصویب، یا الزامات در رابطه با اصلاحات آتی موافقت نامه ارزش گذاری که قهراً اصلاح در ضوابط ارزش گذاری در لایحه را ایجاد می نماید که مستلزم طی مراحل مشکل و زمان بر قانون گذاری است که در لایحه به لحاظ جنبه فنی و تخصصی موضوع ارزش گذاری طی ماده مستقل مبنای ارزش گذاری کالای ورودی در گمرک را صریحاً موافقت نامه های مربوط ارزش گذاری سازمان جهانی تجارت قرار دهند و نقل جزئیات به شکلی که در مواد ۲۹ تا ۳۸ لایحه آمده با اعمال اصلاحات به شرحی که در گزارش اشاره شده به آیین نامه اجرایی آن حواله داده شود که در عین حال تغییرات در موافقت نامه و ضوابط ارزش گذاری در آن هر آیینیه با سهولت و زمان کمتری امکان پذیر خواهد بود.

^۱ - همان، ماده ۲۲.

بخش دوم: قواعد مبداً

مقدمه

امروزه جریان بین‌المللی شدن تولید و تقسیم بین‌المللی کار سبب شده است که فرآیند تولید کالا در مناطق و کشورهای گوناگون شکل گیرد و در این فرآیند مواد و عناصری از کشورهای مختلف دخیل باشند. این امر سبب می‌شود که واردکنندگان در تشخیص مبدا کالا با مشکلات و دشواری‌های بسیاری روبه‌رو شوند. از این رو به تدریج در سطح بین‌المللی مقرراتی برای تعیین مبدا کالا برای اهداف مورد نظر شکل گرفته است که نمود بارز آن را می‌توان در موافقت‌نامه قواعد مبدا به عنوان یکی از اسناد سازمان جهانی تجارت ملاحظه کرد. ابعاد مختلف این موضوع ذیلاً طی سه فصل مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

فصل اول: قواعد مبدا و دامنه کاربرد آن

الف- تعریف و اهمیت قواعد مبدا

قواعد مبدا^۱ مجموعه ضوابط و معیارهایی هستند که برای تعیین مبدا ساخت یا تولید کالا مورد استفاده قرار می‌گیرد. قواعد مبدا برای اجرای تدابیر و اقدامات ویژه کشوری در زمینه تجارت و همچنین جمع‌آوری آمارهای اقتصادی و بازاریابی یک محصول جنبه اساسی دارد. این قواعد در زمره ابزارهای سیاست تجاری هستند که مهم‌ترین وظیفه آن تضمین این امر است که سیاست‌های ترجیحی یا تدابیر و اقدامات محدود کننده تنها به کشورهای هدف اختصاص یابد. به مجرد این که مبدا محصولی شناخته شود، کشور واردکننده می‌تواند ترجیحات یا محدودیت‌های تجاری خاص را اعمال کند، مانند ورود بدون پرداخت حقوق

^۱ - Rules of origin

و عوارض کالایی^۱ که مبدأ آن‌ها منطقه تجارت آزاد^۲ است یا وضع محدودیت‌های مقداری در مورد کالاهایی با مبدأ یک کشور مشمول سهمیه و یا همین طور اعمال عوارض ضد دامپینگ در مورد کالاهای یک شرکت مشخص که مبدأ آن، کشور هدف است.

به رغم بسیاری از کشورهای در حال توسعه الزامات قواعد مبدأ، پیچیده و حتی در مواردی طاقت فرسا است. در هر حال، تنوع و گوناگونی در مقررات مبدأ می‌تواند به مشکلات جدی در زمینه دسترسی به بازار منجر شود. به علاوه بسیاری از این کشورها تحت تاثیر منفی تغییرات قواعد مبدأ در کشورهای توسعه یافته، به ویژه در حوزه محصولات کشاورزی و پوشاک و منسوجات قرار داشته‌اند. بنابراین کشورهای مذکور نفعی اساسی در هماهنگ‌سازی قواعد مبدأ دارند.

از لحاظ کشورهای در حال توسعه، مشکلات در اجرای قواعد مبدأ که اغلب می‌خواهد درصد بالایی از ارزش کالا از طریق پردازش در کشور صادرکننده اضافه گردد، و همچنین محدودیت‌های جاری و مورد عمل (مانند سهمیه‌های تعرفه‌ای) سبب شدند که صادرکننده آن نتوانند از مزیت‌های نظام عمومی ترجیحات GSP^۳ استفاده چندانی بنمایند.

ب- انواع قواعد مبدأ

قواعد مبدأ به دو نوع اساسی تقسیم می‌شوند:

۱- قواعد مبدأ غیر ترجیحی^۴

۲- قواعد مبدأ ترجیحی^۵

قواعد مبدأ غیر ترجیحی به عنوان وسیله‌ای برای تعیین مبدأ کالا در چارچوب ابزارهای سیاست تجاری سازمان جهانی تجارت، در مورد تجارت مبتنی بر اصل دولت کامله الوداد^۶ اعمال می‌شود، مانند ترتیبات و

^۱ - Duty free entry

^۲ - Free trade area (FTA)

^۳ - General System of Preferences (GSP)

^۴ - Non – preferential rules of origin

^۵ - Preferential rules of origin

^۶ - Most Favoured Nation (MFN)

روش‌های مربوط به عوارض ضد دامپینگ، محدودیت‌های مقداری در موافقت‌نامه پوشاک و منسوجات^۱ و سهمیه‌هایی که شامل ترتیبات ترجیحی نیستند.

قواعد مبدا ترجیحی در چارچوب رژیم‌های تعرفه ترجیحی مانند GSP، مناطق تجارت آزاد، و گروه‌بندی‌های اقتصادی منطقه‌ای اعمال می‌گردد. هدف از قواعد مبدا ترجیحی اعطای رفتار ترجیحی، مانند حقوق و عوارض ترجیحی، سهمیه‌های خاص و مواردی از این نوع به کالاهای وارداتی است.

قواعد مبدا ترجیحی بر دو قسم‌اند: قراردادی^۲ و داوطلبانه^۳ (مستقل)

قواعد مبدا قراردادی غالباً از مذاکرات دو جانبه ناشی می‌شوند و هدف آن‌ها تنظیم الگوهای تجاری طرف‌های متعاقد و جلوگیری از کسب امتیاز کشورهای ثالث از موافقت‌نامه آنان است. این مقررات مثلاً در مورد انتقال کالا از یک وسیله به وسیله نقلیه دیگر^۴ در قالب این‌گونه موافقت‌نامه‌ها اعمال می‌گردد.

قواعد مبدا داوطلبانه که عمدتاً در قواعد مبدا GSP تبلور یافته است، جلوه‌ای از خصوصیت داوطلبانه امتیازات GSP به عنوان یک کل است. این ماهیت داوطلبانه در اعلامیه عمومی منضم به موافقت‌نامه قواعد مبدا سازمان جهانی تجارت مورد شناسایی قرار گرفته است.

ج- نظام عمومی ترجیحات و قواعد مبدا

با تصویب قطعنامه شماره ۲۱ مورخ ۲۶ مارس ۱۹۶۸ در اجلاس دوم کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد) تحت عنوان "ورود آزادانه یا ترجیحی کالاهای صادراتی ساخته و نیمه ساخته کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته"، کشورهای در حال توسعه امکان یافتند مقادیر زیادی از کالاهای ساخته و نیمه ساخته و همین‌طور محصولات کشاورزی خود را با شرایط ترجیحی به کشورهای صنعتی صادرکنند. به موجب همین قطعنامه حقوق گمرکی متعلق به ورود مصنوعات و محصولات یاد شده کاهش

^۱ - Agreement on Textiles and clothing

^۲ - Contractual

^۳ - Autonomous

^۴ - Trans-shipment

یافته یا حذف شدند.^۱ بنابراین، آگاهی از این "ترجیحات تعرفه‌ای" برای صادرکنندگان به هنگام ارائه پیشنهاد و عقد قرارداد اهمیت دارد.

لازمه ورود به جرگه کشورهای اعطا کننده ترجیحات با نرخهای حقوق و عوارض GSP آن است که مبدا کالا در یک کشور دریافت کننده ترجیحات طبق قواعد مبدا مقرر توسط کشور واردکننده باشد. اهداف این قاعده کلی عبارتند از:

۱- جلوگیری یا تحدید "انحراف تجارت"^۲ احتمالی، یعنی تضعیف و سست کردن نظام تعرفه گمرکی کشور اعطا کننده ترجیح. بنابراین چنانچه ترجیحات به کالاهای کشور ثالثی اعطا شود صرفاً به این دلیل که کالاها از کشور دریافت کننده ترجیحات، ترانزیت شده یا تنها به طور صوری در این کشور پردازش گردیده است می‌تواند مساله ساز باشد. تمام کشورهای اعطا کننده ترجیحات براین الزام تاکید دارند که کالاهای برخوردار از ترجیحات یا تماماً در کشور دریافت کننده ترجیحات تولید شوند^۳ و یا در صورتی که از مواد وارداتی از سایر کشورها ساخته می‌شوند، در کشور دریافت کننده ترجیحات که اقدام به صدور کالا می‌کند، "تغییر اساسی"^۴ پیدا کرده باشند.

۲- تشویق ساخت واقعی در کشورهای دریافت کننده ترجیحات به گونه‌ای که صادرات آنها و در نتیجه درآمد ارزی این کشورها افزایش یابد و به این ترتیب به جریان صنعتی شدن و اشتغال آنها کمک گردد. گر چه مبدا کالا اصولاً باید تنها در یک کشور دریافت کننده ترجیحات باشد، برخی از کشورهای اعطاکننده ترجیحات "جمع کردن - متراکم کردن"^۵ مواد عرضه شده توسط سایر کشورهای دریافت کننده ترجیحات را در محدوده زیر گروه‌های منطقه‌ای اجازه داده‌اند. به علاوه در بعضی از نظام‌های مبدا مواد عرضه شده توسط کشور اعطاء کننده ترجیحات می‌تواند در یک کشور دریافت کننده ترجیحات برای ساخت

^۱ - مسعود طارم سري، حقوق بازرگانی بین‌المللی، چاپ هفتم، (تهران: شرکت چاپ و

نشر بازرگانی، ۱۳۸۵) صص ۶۴-۲۶۳.

^۲ - Deflection of trade

^۳ - Wholly obtained in a country

^۴ - Substantial transformation

^۵ - Cumulation

یک محصول مورد استفاده قرار گیرد که بعداً به همین کشور عرضه‌کننده صادر می‌گردد. این ترتیبات در قالب مفهوم "استفاده از محتوای متعلق به کشور اعطاء‌کننده"^۱ قرار می‌گیرد.

در نظام فوق اصطلاح "تغییر اساسی"، یا برحسب "معیار درصد"^۲ (کشورهای استرالیا، نیوزلند و آمریکا) یا برحسب "معیار پردازش"^۳ تعریف می‌شود. هر دو معیار محدودیت‌هایی را به طور مستقیم یا غیرمستقیم در استفاده از مواد وارداتی وضع می‌کنند. معیار پردازش از طریق این قاعده اساسی تعریف می‌گردد که مواد وارداتی در جریان ساخت در کشور دریافت‌کننده ترجیحات تغییر طبقه‌بندی کالایی در سطح چهاررقمی بدهند. در مورد کالاهای برخوردار از معافیت، قواعد جداگانه خاصی در مورد آن‌ها اعمال می‌شود. بسیاری از این قواعد یک نوع محدودیت درصدی را در مورد استفاده از مواد وارداتی اعمال می‌کنند. در آغاز اجرای GSP، کشورهای اعطاء‌کننده ترجیحات تصمیم گرفتند مقررات ملی خود را مستقلاً به اجرا گذارند. از آن جا که ترجیحات به طور یک جانبه و همین طور غیر قراردادی اعطاء می‌گردد، کشورهای اعطاء‌کننده این اصل کلی را حفظ کردند که مختارند در مورد قواعد مبدایی که فکر می‌کنند برای کشورهای استفاده‌کننده از این ترجیحات مناسب است، خود تصمیم بگیرند. این امر منجر به تعداد زیادی از مجموعه قواعد مبدا شد که مورد عمل می‌باشد. به علاوه ماهیت فنی و تنوع قواعد مبدا، پیچیدگی‌ها و مشکلات جدیدی را برای GSP و استفاده از آن به وجود آورد.

در طول بیش از سه دهه اجرای GSP، کشورهای دریافت‌کننده به نقائص متعددی در نظام مبدا و مشکلات بعدی آن برای استفاده از GSP، پی برده‌اند. لذا برخی اصلاحات از این حیث صورت گرفت ولی مشکلات اصلی در مورد هماهنگ‌سازی، آزادسازی و ساده‌سازی قواعد پا برجا است. مهم‌ترین، نارسایی‌های نظامات مختلف مبدا در مورد GSP که کشورهای دریافت‌کننده ترجیحات با آن‌ها مواجه شده‌اند عبارتند از:

۱- معیار مبدا بسیار محدود کننده در مورد استفاده از مواد و اجزاء و قطعات وارداتی.

^۱ - Donor country content

^۲ - Percentage criterion

^۳ - Process criterion

۲- الزامات معمولاً اضافی که استفاده از نهاده‌های کشورهای ثالث را برای معیار پردازش و درصد محدود می‌کند، مانند الزام به "پرش دوباره یا سه باره تعرفه‌ای" به جای تغییر ساده در جایگاه تعرفه‌ای، و مشخص کردن اجزاء یا نهاده‌های اضافی که مبداء آن کشور ذینفع است.

۳- تنوع قواعدی که توسط کشورهای اعطاء کننده ترجیحات در مورد معیارهای اصلی یعنی معیارهای پردازش و درصد اعمال می‌گردد و وجود نسخه‌های گوناگون از معیارها یا الزامات درصد، در همه نظام‌های مبدایی که در مورد GSP اعمال می‌شود و همچنین تفاوت‌های فاحش میان طرح‌ها در زمینه الزامات مبدا اضافی. این تعدد و تنوع مشکلاتی را برای صادرکنندگان پدید آورده است، چرا که محصولات ممکن است در یک کشور اعطاء کننده ترجیحات واجد شرایط تشخیص داده شوند اما مثلاً در بازار یک کشور مجاور به تعدیل‌های اجرایی بیشتری نیاز باشد.

۴- معیارهای مبدا مکمل پیچیده و مفصل، الزامات حمل مستقیم، مدیریت و اداره، مستندسازی و واریسی در اجرای GSP می‌تواند متضمن هزینه‌های اضافی قابل توجهی برای مبادلات در چارچوب این نظام باشد.

فصل دوم: مقررات موافقت‌نامه قواعد مبدا

سازمان جهانی تجارت WTO^۱ به عنوان مجری موافقت‌نامه قواعد مبدا در واقع وارث موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات^۲) است که از سال ۱۹۴۷ تا تاسیس این سازمان در ۱۹۹۵ وظیفه آزادسازی، تنظیم و تسهیل تجارت بین‌المللی را به عهده داشت. بنابراین پیش از ورود به مباحث قواعد مبدا در موافقت‌نامه فوق لازم است پیشینه امر در گات مورد بررسی قرار گیرد.

الف- گات و قواعد مبدا

^۱ - World Trade Organization (WTO)

^۲ - General Agreement On Tariffs and Trade (GATT)

در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت، قواعد و ضوابط ویژه‌ای برای چگونگی تعیین مبدا کالاها در تجارت بین‌المللی وجود نداشت و از این رو هر یک از طرف‌های متعاقد در این سند مخیر بودند که قواعد مبدا خاص و مورد نظر خود را اختیار کنند و در این راستا حتی ضوابط گوناگونی را که شرح آن گذشت، بسته به اهداف خود، مورد استفاده قرار دهند. تنها نکته‌ای که امضا کنندگان این سند در خصوص قواعد مبدا ملزم به رعایت آن بودند، از این قرار است که قواعد مذکور در قلمرو هر یک از کشورهای واردکننده منطبق با شرایط حقوقی- قانونی آن‌ها باشد و برپایه اصل دول کامله‌الوداد در مورد سایر کشورهای عضو گات به گونه‌ای یکسان اعمال شود.

در این ارتباط شق ج بند ۱ ماده ۸ گات تحت عنوان "عوارض و تشریفات مربوط به واردات و صادرات" مقرر می‌دارد که "طرف‌های متعاقد همچنین لزوم به حداقل رساندن حدود و پیچیدگی تشریفات ورود و صدور و کاهش و تسهیل الزامات صدور اسناد ورود و صدور را تایید می‌کنند"^۱ طبق بند دوم ماده ۸ الحاقی نیز "اگر به هنگام ورود محصولات از سرزمین یک طرف متعاقد به سرزمین طرف متعاقد دیگر، ارائه گواهی‌های مبدا در آن حد الزامی باشد که کاملاً اجتناب‌ناپذیر گردد، این امر در انطباق با بند ۱ خواهد بود"^۲ که اشاره به اعمال عوارض چندگانه برای تسعیر ارز، به شرط تایید صندوق بین‌المللی پول، دارد که مستلزم ارائه گواهی مبدا کالا است.

با توجه به این که کشورها در طول فعالیت گات در تعیین ضوابط و قواعد مبدا مخیر بودند به تدریج این نیاز احساس شد که هماهنگ سازی قواعد مبدا و ارائه تعریفی یکنواخت از آن به نحوی که توسط تمامی کشورها یکسان به کار گرفته شود، به یک ضرورت بدل شد که سبب تسهیل تجارت می‌گردد. این امر به علاوه حکایت از آن داشت که سوء استفاده از قواعد مبدا می‌توانست این قواعد را به ابزاری در راستای اعمال سیاست‌های خاص تجاری کشورها درآورد که در هماهنگی با اصول و اهداف گات نباشد، ولی از آن جا که این قواعد متنوع و متعدد بودند، هماهنگ سازی آن‌ها بسیار پیچیده و دشوار می‌نمود.

^۱ - اسفندیار امیدبخش و مسعود طارم سري، آشنایی با موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت "گات" و بررسی تبعات الحاق جمهوری اسلامی ایران به آن (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۲)، ص ۲۲۲.

^۲ - همان.

با پیدایی چنین درکی از قواعد مبدا، برای اولین بار در سال ۱۹۸۱ دبیرخانه گات یادداشتی را در خصوص قواعد مبدا تهیه و تنظیم کرد. در سال بعد وزرای طرف‌های متعاقد در این سازمان موافقت خود را در مورد بررسی قواعد مبدا به گونه‌ای که توسط همه طرف‌ها به طور یکسان به کار گرفته شود، اعلام داشتند. با این حال تا برگزاری آخرین دور تجاری گات موسوم به دور اروگوئه (۹۳-۱۹۸۶) کاری جدی در این خصوص انجام نگرفت.^۱

از سوی دیگر، در اواخر دهه ۱۹۸۰ توسعه و گسترش بیش از حد سه حوزه مهم در تجارت بین‌الملل منجر به توجه بیشتر به مسائل و مشکلات ناشی از قواعد مبدا شد:

۱- افزایش و ازدیاد قابل توجه موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی، اعم از ترتیبات تجاری منطقه‌ای، دو جانبه یا چند جانبه که در آن‌ها روش‌های کاربرد قواعد مبدا متفاوت و مختلفی وجود داشت.

۲- افزایش شمار دعاوی تجاری ناشی از نحوه اعمال ترتیبات مربوط به سهمیه‌ها که به مبدا کالا مربوط شد، از جمله در ترتیبات الیاف چندگانه^۲ راجعه به منسوجات و اعمال محدودیت‌های داوطلبانه صادراتی^۳ در مورد فولاد.

۳- افزایش بی‌رویه قوانین ضد دامپینگ در کشورها و به کارگیری آن‌ها در عرصه تجارت بین‌الملل که منجر به استفاده از راه‌های فرار از جمله استفاده از کشورهای ثالث به عنوان مبدا تولید یا صدور کالا برای مقابله با پدیده مذکور می‌گشت.^۴

تمامی این اتفاقات و اهمیت روز افزون قواعد مبدا در پیشرفت آزاد سازی تجاری، سبب شد که در مذاکرات دوراروگوئه این قبیل مشکلات در تعاریف و شیوه‌های به کارگیری قواعد مبدا مورد توجه قرار گیرد و کشورهای شرکت کننده بکوشند آن‌ها را از طریق تنظیم و هماهنگ سازی قواعد مذکور برای تمامی کشورها در قالب یک موافقت‌نامه، که امروزه موافقت‌نامه مبدا خوانده می‌شود و رعایت آن برای کلیه اعضای سازمان جهانی تجارت الزام آور است، حل و فصل کنند.

^۱ - علی زاهد طلبان، سازمان جهانی تجارت: ساختار، قواعد و موافقت‌نامه‌ها (تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۵)، ص ۳۰۹.

^۲ - Multi Fibre Arrangement (MFA)

^۳ - Voluntary Export Restraints (VERs)

^۴ - همان، ص ۳۱۰.

ب- قواعد مبدا در سازمان جهانی تجارت

موافقت‌نامه قواعد مبدا^۱ حاصل مذاکرات تجاری دور اروگوئه است و یکی از موافقت‌های تجاری چندجانبه تشکیل دهنده سازمان جهانی تجارت به شمار می‌آید که در ضمیمه الف موافقت‌نامه تاسیس این سازمان آمده است. قبول تمامی این موافقت‌نامه‌ها برای کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت جنبه "اجباری" دارد. اسناد مزبور تعهدات الزام‌آوری را برای همه اعضای این سازمان در قالب یک بسته واحد ایجاد می‌نماید،^۲ به این معنا که کشورهایی که نتایج دور اروگوئه را می‌پذیرند باید کل بسته (به جز معدودی استثناء) را قبول کنند و بنابراین دیگر رویکرد ادوار قبلی در گات، خصوصاً دور توکیو مبنی بر تنظیم مجموعه قواعد جنبی که در آن برای اعضا حق انتخاب وجود داشت، در سازمان جهانی تجارت کنار گذاشته شد.

۱- دامنه و اهداف موافقت‌نامه قواعد مبدا

این موافقت که در ۹ ماده و دو ضمیمه تنظیم شده است منحصراً ناظر بر سیاست‌های تجاری غیر ترجیحی بوده و فقط در این حوزه کاربرد دارد، یعنی که سند مذکور شامل موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی نمی‌شود و این گونه ترتیبات تجارت ترجیحی مشمول قواعد خاص خود در این زمینه هستند. بند ۱ ماده ۱ موافقت‌نامه در تعیین حوزه مشمول این سند تصریح می‌کند که "قواعد مبدا به عنوان قوانین، مقررات و تصمیمات اداری دارای کاربر عامی تعریف خواهد شد که هر عضوی آن‌ها را برای تشخیص کشور مبدا کالاها به اجرا می‌گذارد، مشروط بر این که قواعد مبدا مزبور به آن دسته از رژیم‌های تجاری قراردادی یا مستقل (داخلی) مربوط نباشد که به اعطای ترجیحات تعرفه‌ای خارج از قلمرو اجرای بند ماده ۱ گات ۱۹۹۴ منجر می‌شوند" و در بند ۲ ادامه می‌دهد که تمام قواعد مبدا مورد استفاده در ابزارهای سیاستگذاری تجاری غیر ترجیحی موارد زیر را شامل می‌شود:

(۱) اعمال رفتار مبتنی بر شرط دول کامله الوداد؛

^۱ - Agreement on Rules of Origin

^۲ - کمیته حقوق تجارت بین‌الملل، مدیریت پژوهش‌های اقتصادی بین‌الملل، سینار بررسی جنبه‌های حقوقی سازمان جهانی تجارت (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۵)، صص ۸-۶.

(۲) وضع عوارض ضد دامپینگ و جبرانی؛

(۳) اتخاذ اقدامات حفاظتی؛

(۴) تعیین شرایط علامت‌گذاری مبدا؛

(۵) اعمال هرگونه محدودیت‌های مقداری تبعیضی یا سهمیه‌های تعرفه‌ای.

موافقت‌نامه قواعد مبدا غیر ترجیحی همچنین می‌تواند در خرید دولتی و آمارهای تجاری مورد استفاده قرار گیرد^۱ به همین سان موافقت‌نامه جایگاه قواعد مبدا ترجیحی را مشخص می‌کند. در این خصوص ضمیمه شماره ۲ موافقت‌نامه تحت عنوان "اعلامیه مشترک راجع به قواعد مبدا ترجیحی" مقرر می‌دارد که "قواعد مبدا ترجیحی، آن دسته از قوانین، مقررات و تصمیمات اداری دارای کاربرد عام تعریف خواهد شد که هر عضوی برای تشخیص این که آیا کالایی طبق رژیم‌های تجاری قراردادی یا مستقل (داخلی) که به اعطای ترجیحات تعرفه‌ای ... منجر شده، واجد شرایط برخورداری از رفتار ترجیحی هستند یا نه، آن‌ها را اعمال می‌کند".^۲ همچنین به موجب همین ضمیمه، اعضا توافق می‌کنند فوراً قواعد مبدا ترجیحی خود را به دبیرخانه سازمان جهانی تجارت ارائه دهند و در مورد قواعد مبدا ترجیحی جدید یا تغییرات در این قواعد نیز چنین کنند. دبیرخانه نیز موظف شد فهرست اطلاعات دریافتی را در اختیار اعضا قرار دهد. کشورهای عضو سازمان همچنین نباید قواعد مبدا جدید یا تغییرات ایجاد شده را عطف بما سبق کنند.

موافقت‌نامه در عین حال که قواعد مبدا ترجیحی را از حوزه شمول خود خارج می‌کند اصول به کارگیری این دسته از قواعد مبدا را نیز متذکر می‌شود که به قرار زیر هستند:

(۱) در مواردی که معیار تغییر طبقه‌بندی تعرفه اعمال می‌گردد، باید در این قاعده، مبدا ترجیحی و هرگونه استثنائات وارد بر آن، عناوین فرعی یا عناوین نمائکلاتور گمرکی که مورد نظر قاعده مزبور هستند به وضوح تعیین شوند.

(۲) در مواردی که معیار درصد ارزشی اعمال می‌گردد، همچنین باید در قواعد مبدا ترجیحی، روش محاسبه این درصد مشخص شود.

^۱ - موافقت‌نامه قواعد مبدا، ماده ۱.
^۲ - همان، ضمیمه دوم.

(۳) در مواردی که معیار ساخت یا عملیات پردازش توصیه می‌گردد، باید عملیاتی که مبدا ترجیحی را تعیین می‌کنند، بدقت معلوم شوند.

در ارتباط با قواعد مبدا غیرترجیحی که موضوع اصلی موافقت‌نامه را تشکیل می‌دهد، هدف اصلی آن هماهنگ سازی قواعد مبادر این دسته از مقررات است، به نحوی که معیار، واحد مشابهی را جهت استفاده تمامی اعضای سازمان جهانی تجارت، صرف نظر از این که این قواعد غیرترجیحی به چه منظور مورد استفاده قرار گیرند، در اختیار گذارد. اهم اهداف موافقت‌نامه در مقدمه این سند به شرح زیر آمده است:

(۱) پیشبرد اهداف گات ۱۹۹۴؛

(۲) تسهیل تجارت بین‌المللی از طریق قواعد مبدا روشن و قابل پیش‌بینی؛

(۳) تضمین این که قواعد مبدا موانعی غیر فنی بر سر راه تجارت ایجاد نکند؛

(۴) تضمین این که قواعد مبدا حقوق اعضا به موجب گات ۱۹۹۴ را از میان نبرد یا به آن لطمه

وارد نیاورد؛

(۵) تامین این امر که شفافیت قوانین، مقررات و رویه‌های مربوط به قواعد مبدا مطلوب است؛

(۶) تضمین این که قواعد مبدا به گونه‌ای منصفانه، شفاف، قابل پیش‌بینی، منطقی و بی‌طرفانه تهیه

و اعمال شوند.^۱

۲- برنامه هماهنگ سازی قواعد مبدا

در مذاکرات تجاری دور اروگوئه به منظور تحقق هماهنگ سازی قواعد مبدا غیرترجیحی میان کشورها، اصولی به عنوان راهنما و نهادهایی برای انجام این مقصود و برنامه‌ای برای اجرا در نظر گرفته شده است که ذیل آن‌ها پرداخته خواهد شد.

گرچه کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت، آزاد هستند که تا هماهنگ سازی قواعد مبدا غیرترجیحی، قواعد مبدا خاص خود را اعمال کنند، اما در عین حال موافقت‌نامه نظاماتی را برای این دوره

^۱ - همان، مقدمه.

انتقالی تعیین کرده است که کشورهای عضو ملزم به رعایت آن‌ها هستند. به موجب ماده ۲ موافقت‌نامه این الزامات به شرح زیر هستند:

(۱) در مواردی که معیار تغییر طبقه‌بندی تعرفه اعمال می‌گردد، در این قاعده مبدا و هرگونه استثنائات وارد بر آن، باید عناوین فرعی و عناوینی در نمائکلاتور گمرکی که مورد نظر قاعده مزبور هستند، به وضوح تعیین شوند.

(۲) در مواردی که معیار درصد ارزش اعمال می‌گردد، همچنین باید در قواعد مبدا، روش محاسبه این درصد مشخص شود.

(۳) در مواردی که معیار ساخت یا عملیات پردازش توصیه می‌گردد، باید عملیاتی که سبب تعیین مبدا برای کالای ذیربط می‌گردد، بدقت معلوم شوند.

(۴) قطع نظر از اقدام یا ابزار سیاست تجاری که قواعد مبدا در پیوند با آن‌ها می‌باشند، قواعد مبدا نباید به عنوان ابزارهای تعقیب مستقیم یا غیرمستقیم هدف‌های تجاری مورد استفاده قرار گیرد.

(۵) قواعد مبدا خود نباید اثرات محدودکننده، منحرف کننده یا اخلاص کننده بر تجارت بین‌الملل داشته باشد.

(۶) قواعد مبدایی که در مورد واردات و صادرات اعمال می‌گردند نباید شاق‌تر از قواعد مبدایی باشند که برای تشخیص داخلی بودن کالا به کار می‌رود. همچنین در به کارگیری قواعد مبدا نباید هیچگونه تبعیضی میان اعضا قائل شد.

(۷) قواعد مبدا باید به گونه‌ای نامتناقض، یکنواخت و بیطرفانه و معقول به اجرا درآید.

(۸) قواعد مبدا باید بر استانداردهای مثبت مبتنی باشد.

(۹) کلیه قوانین و مقررات و تصمیمات قضایی و احکام اداری دارای کاربرد عام در خصوص قواعد مبدا باید منتشر شوند و در دسترس همگان قرار گیرند.

(۱۰) درخواست‌های مربوط به تعیین مبدا کالا باید در اسرع وقت و حداکثر ظرف ۱۵۰ روز ارزیابی شوند و این ارزیابی حداقل سه سال اعتبار داشته باشد.

(۱۱) در صورت ایجاد تغییراتی در قواعد مبدا یا وضع قواعد مبدا جدید، چنین تغییرات یا قواعدی نباید عطف بما سبق شوند.

(۱۲) در نظام اداری و قضایی برای تشخیص مبدا باید فرصت تجدید نظر وجود داشته باشد.

(۱۳) مقامات ذربط باید تمام اطلاعاتی را که ماهیتاً محرمانه هستند یا به منظور اعمال قواعد مبدا به صورت محرمانه تهیه شده‌اند، اکیداً محرمانه تلقی کنند.^۱

بنابراین تا زمانی که برنامه هماهنگ سازی قواعد مبدا در سازمان جهانی تجارت خاتمه نپذیرد اصول فوق الذکر کماکان حاکم بر قواعد مبدا کشورهای عضو سازمان است و کشورهای متقاضی عضویت نیز در صورت الحاق باید آن‌ها را در مقررات قواعد مبدا خود رعایت نمایند.

موافقت‌نامه علاوه بر نظامات فوق، اصولی را برای هماهنگ‌سازی قواعد مبدا معین می‌کند که می‌بایست راهنمای کار قرار گیرد. این اصول که در عین حال شباهت‌های زیادی با اصول حاکم در دوره انتقالی دارند، عبارتند از :

(۱) قواعد مبدا باید در همه موارد (موارد مندرج در ماده ۱) به طور یکسان اعمال شوند.

(۲) کشوری که به عنوان مبدا کالایی خاص تعیین می‌شود، باید کشوری باشد که کالا کلاً در آن جا به دست آمده یا چنانچه بیش از یک کشور در تولید آن کالا دخالت داشته باشند، کشوری باشد که آخرین تغییر اساسی در آن جا صورت گرفته است.

(۳) قواعد مبدا باید عینی، قابل فهم و قابل پیش‌بینی باشد.

(۴) قطع نظر از اقدام یا ابزاری که قواعد مبدا ممکن است در پیوند با آن‌ها باشد، از قواعد مزبور نباید به عنوان ابزارهای تعقیب مستقیم یا غیرمستقیم هدف‌های تجاری استفاده کرد. این قواعد خود نباید اثرات محدودکننده، منحرف کننده یا اخلاص کننده بر تجارت داشته باشد. قواعد مبدا نباید شرایط سخت غیر لازمی برقرار کند یا به عنوان پیش شرط تعیین کشور مبدا، خواستار تحقق برخی شرایط بی‌ارتباط با ساخت یا پردازش گردد.

^۱ - موافقت‌نامه قواعد مبدا، ماده ۲

(۵) قواعد مبدا باید به گونه‌ای نامتناقض، یکنواخت، بی‌طرفانه و معقول قابل اجرا باشند.

(۶) قواعد مبدا باید منسجم باشد.

(۷) قواعد مبدا باید بر استانداردهای مثبت مبتنی باشد. از استانداردهای منفی می‌توان برای تصریح

یک استاندارد مثبت یا مواردی که مبدا به شکل مثبت ضرورت ندارد استفاده کرد.^۱

موافقت‌نامه برای مذاکرات مربوط به هماهنگ سازی قواعد مبدا ترجیحی دو نهاد را تعیین می‌کند.

یکی کمیته قواعد مبدا^۲ مستقر در ژنو، یعنی در سازمان جهانی تجارت و دیگری کمیته فنی بر قواعد مبدا^۳

که در بروکسل یعنی مقر سازمان جهانی گمرک^۴ واقع است. کمیته قواعد مبدا از نمایندگان هر یک از

اعضای سازمان جهانی تجارت تشکیل می‌گردد و در صورت لزوم و حداقل سالیانه یکبار در مورد پیشبرد

هدف‌های موافقت‌نامه و ایفای سایر مسئولیت‌ها محوله به موجب این سند یا توسط شورای تجارت کالای

WTO تشکیل جلسه می‌دهد. کمیته در صورت اقتضاء اطلاعات و مشورت‌هایی را از کمیته فنی در مورد

مسائل مربوط به موافقت‌نامه درخواست خواهد کرد. در کنار این کمیته، کمیته فنی قواعد مبدا تحت نظارت

سازمان جهانی گمرک تشکیل شده است. هر یک از اعضای سازمان جهانی تجارت می‌توانند در این کمیته

نماینده داشته باشند. وظایف کمیته مزبور عبارتند از بررسی مسائل فنی خاص ناشی از اجرای روزمره قواعد

مبدا اعضا به درخواست هر عضو و ارائه نظر مشورتی، تهیه اطلاعات و توصیه در مورد هرگونه مسائل مربوط

به تعیین مبدا کالاها که ممکن است هر عضو درخواست کند، تهیه و توزیع گزارش‌های ادواری در خصوص

جنبه‌های فنی عملکرد و وضعیت موافقت‌نامه قواعد مبدا و بررسی سالیانه جنبه‌های فنی اجرای آن. بر این

اساس، کمیته فنی قواعد مبدا بر جنبه‌های فنی گمرکی مذاکرات هماهنگ‌سازی متمرکز است و تفاسیر و

نقطه نظرات خود را به کمیته قواعد مبدا عرضه می‌دارد که آن نیز به نوبه خود مذاکراتی را برای حل مسائل

و بخش‌های کالایی که در مورد آن‌ها توافقی در کمیته فنی قواعد مبدا حاصل نشده است، انجام می‌دهد.

^۱ - همان، ماده ۹.

^۲ - Committee on Rules of Origin (CRO)

^۳ - Technical Committee on Rules of Origin (TCRO)

^۴ - World Customs Organization (WCO)

برنامه مذاکرات برای هماهنگ‌سازی قواعد مبدا غیرترجیحی براساس سه موضوع زیر به سه مرحله تقسیم می‌گردند:

(۱) تعریف کالای کلاً به دست آمده در یک کشور و حداقل عملیات و پردازش‌هایی که فی‌نفسه تعیین مبدا نمی‌کنند. در این ارتباط کمیته فنی باید تعاریفی هماهنگ در موارد زیر ارائه کند:

(الف) کالاهایی که قرار است به عنوان کلاً به دست آمده در یک کشور تلقی شوند. چنین کاری حتی‌الامکان باید با شرح جزئیات همراه باشد.

(ب) حداقل عملیات یا پردازش‌هایی که به خودی خود سبب تعیین مبدا برای کالا نمی‌گردند.

(۲) تعیین ضوابط "تغییر اساسی کالا" از طریق تغییر در طبقه‌بندی تعرفه‌ای، آن گونه که در نظام هماهنگ کدگذاری و توصیف کالا^۱ تعریف شده است. در این ارتباط کمیته فنی باید اقدامات زیر به عمل آورد:

(الف) کمیته فنی بر مبنای تغییر اساسی، استفاده از تغییر در ردیف فرعی یا ردیف تعرفه را در مواردی که برای کالاها یا بخش‌های کالایی خاص، قواعد مبدا ارائه می‌دهد، و در صورت اقتضاء حداقل تغییر در نما نکلاتوری را که با این معیار انطباق دارد، بررسی و تنظیم خواهد کرد.

(ب) کمیته فنی کار فوق را با در نظر گرفتن فصول و بخش‌های نما نکلاتور نظام هماهنگ، بر مبنای کالایی تقسیم خواهد کرد، به گونه‌ای که نتایج کار خود را حداقل به صورت فصلی (فصول طبقه بندی) تسلیم کمیته کند.

(۳) ارائه معیارهای "تغییر اساسی کالا" از طریق معیارهای مکمل مانند درصد ارزش یا عملیات ساخت یا پردازش، برای مواردی که توضیح در مورد تغییر اساسی کالا تنها با استفاده از نمائکلاتور نظام هماهنگ میسر نباشد. وظایف کمیته فنی در این حوزه عبارتند از:

(یک) استفاده مکمل یا انحصاری از شرایط دیگر، از جمله درصد ارزشی یا عملیات ساخت یا پردازش، به عنوان معیار تغییر اساسی به هنگام ارائه قواعد مبدا برای کالاها یا بخش‌های کالایی خاص.

^۱- Harmonized Commodity Description And Coding System (HS)

(دو) ارائه توضیحاتی در مورد پیشنهادهای خود در این زمینه.

(سه) تقسیم کار فوق با در نظر گرفتن فصول و بخش‌های نمائکلاتور نظام هماهنگ، بر مبنای کالایی.

این برنامه هماهنگ‌سازی و مذاکرات مربوط که همراه با زمان‌بندی دقیق هر یک از مراحل فوق می‌بایست ظرف سه سال تا ژوئیه ۱۹۹۸ خاتمه یابد، هیچ‌گاه تحقق نیافت. گرچه پیشرفت‌های خوبی در این زمینه حاصل شد اما به دلیل پیچیدگی و دشواری کار، برنامه مذکور نتوانست ضرب الاجل اولیه را رعایت کند. در نتیجه شورای عمومی سازمان جهانی تجارت در ژوئیه ۱۹۹۸ ضرب‌الاجل جدیدی را تعیین کرد که به موجب آن تمام اعضای سازمان متعهد شدند کوشش کنند که برنامه کار هماهنگ‌سازی قواعد مبدا تا نوامبر ۱۹۹۹ پایان یابد. اما تاکنون این هدف تأمین نشده است و برنامه کار مذکور همچنان ادامه دارد.^۱

ج- اجرای مقررات موافقت‌نامه قواعد مبدا میان چند کشور در حال توسعه منتخب عضو سازمان جهانی

تجارت

کشورهای در حال توسعه از تغییرات قواعد مبدا در کشورهای توسعه یافته، به ویژه قواعد مربوط به تعیین مبدا محصولات نساجی زیان دیده‌اند. به همین دلیل در مذاکرات دور اروگوئه خواستار بهبود قواعد مبدا در مورد نظام عمومی ترجیحات GSP شدند. از این رو شماری از اهداف منعکس در موافقت‌نامه در پاسخ به این تقاضای کشورهای در حال توسعه بوده است. برای مثال لزوم تضمین این که قواعد مبدا به گونه‌ای بی‌غرضانه، شفاف، قابل پیش‌بینی، سازگار و بی‌طرفانه تهیه و اعمال شود و الزامات دقیق غیرضروری ایجاد نکنند. به علاوه اعلامیه مشترک در مورد قواعد مبدا ترجیحی، منضم به موافقت‌نامه نیز از کشورهای اعطاءکننده ترجیحات می‌خواهد که معیارهای مبدا را به روشنی تعریف کنند یا شفافیت و قابلیت پیش‌بینی اجرای قواعد مبدا را تضمین نمایند یا قواعد مبدا ترجیحی خود و تغییرات حاصله در آن را به دبیرخانه سازمان جهانی تجارت اطلاع دهند. گرچه اکثر کشورهای در حال توسعه، به عنوان دریافت‌کننده ترجیحات، بیشتر به قواعد مبدا ترجیحی توجه دارند، لکن امروزه ناگزیر در هماهنگ‌سازی قواعد مبدا غیرترجیحی که بیشتر مورد علاقه کشورهای توسعه یافته است، سهیم می‌باشند. زیرا چنانچه قواعدی در این زمینه، بدون

^۱ - زاهد طلبان، پیشین، ص ۳۱۵.

در نظر گرفتن کامل منافع این گروه از کشورها شکل گیرد، دسترسی کالاهای آنها را به بازارهای بین‌المللی با مانع روبه‌رو خواهد کرد. به علاوه با توجه به فرسایش حاشیه‌های ترجیح متعاقب مذاکرات دور اروگوئه، ساده سازی و بهبود قواعد مبدا GSP اجتناب ناپذیر است. در چنین معنای حقوقی-اقتصادی، کشورهای در حال توسعه اقداماتی برای تطبیق معیارها و ضوابط تعیین مبدا خود با مفاد ماده ۲ که ناظر بر نظامات دوران انتقالی است به عمل آورده‌اند، زیرا همان گونه که اشاره شد رعایت این اصول تا دستیابی به مقررات هماهنگ در مورد قواعد مبدا غیرترجیحی برای کلیه کشورهای عضو سازمان الزام آور است، هرچند کشورهای مزبور تعیین قواعد مبدا ترجیحی دو یا چند جانبه میان خود از آزادی عمل کامل برخوردارند و تنها تعهد اصلی آنان در این حوزه اطلاع رسانی است^۱ که چگونگی آن در بندهای ۱ و ۲ ماده ۵ و بند ۴ ضمیمه دوم موافقت‌نامه قواعد مبدا مشخص شده است. طبق ماده ۵ موافقت‌نامه هر عضو باید ظرف ۹۰ روز پس از تاریخ لازم الاجرا شدن موافقت‌نامه برای آن، قواعد مبدا، تصمیمات قضائی و احکام اداری دارای کاربرد عام خود در مورد قواعد مبدا مجری در این تاریخ را به دبیرخانه سازمان جهانی تجارت ارائه دهد (بند ۱) و اعضایی که به جز تغییرات جزئی و در حد قابل اغماض، تغییراتی را در قواعد مبدا خود ایجاد کنند یا قواعد مبدا جدیدی وضع نمایند، حداقل ۶۰ روز قبل از لازم الاجرا شدن قاعده تغییر یافته یا جدید باید اطلاعیه‌ای بدین منظور صادر کنند، به گونه‌ای که طرف‌های ذینفع بتوانند از هدف تغییر یک قاعده مبدا یا وضع یک قاعده مبدا جدید آگاهی یابند، مگر این که برای آن عضو اوضاع و احوال استثنایی به وجود آید یا خطر بروز آن برود (بند ۲). علاوه بر الزام ماده ۵ در مورد اطلاع رسانی قواعد مبدا غیرترجیحی به طور کلی، اعضا مکلفند فوراً قواعد مبدا ترجیحی خود را به دبیرخانه سازمان جهانی تجارت ارائه دهند. این اطلاع رسانی باید در مورد تغییرات این قواعد و یا وضع مقررات جدید در این زمینه نیز صورت گیرد (بند ۴ ضمیمه شماره ۲ موافقت‌نامه قواعد مبدا).

با توجه به مراتب فوق اینک وضعیت قواعد مبدا در کشورهای پاکستان، چین و ترکیه به عنوان سه کشور منتخب در تحقیق حاضر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

^۱ - UNCTAD, Future Multilateral Trade Negotiations (Geneva :UNCTD, 2004), PP. 111- 118.

۱- قواعد مبدا پاکستان

در مقررات گمرکی این کشور قواعد مبدایی در خصوص اعمال رفتار دول کامله الوداد، که در واقع به اعمال قواعد مبدا غیرترجیحی مربوط می‌گردد، وجود ندارد تا آن‌ها را طبق ماده ۵ موافقت‌نامه به شرح مذکور در فوق از طریق دبیرخانه سازمان جهانی تجارت به اطلاع کمیته قواعد مبدا برساند. اما در مورد قواعد مبدا ترجیحی، این کشور طبق الزام بند ۴ ضمیمه ۲ موافقت‌نامه اطلاعات مربوط در مورد قواعد مبدا ترجیحی خود به اطلاع کمیته قواعد مبدا رساند که به قرار زیر هستند:^۱

(۱) پروتکل مربوط به مذاکرات تجاری میان کشورهای در حال توسعه (اطلاعیه قواعد مبدا مورخ ۱۹۷۳)

(۲) نظام جهانی ترجیحات تجاری (قواعد مبدا (GSTP)

(۳) ترتیبات تجارت ترجیحی اتحادیه کشورهای جنوب آسیا برای همکاری منطقه‌ای SAARC
۲ (قواعد مبدا ترتیبات تجاری ترجیحی آسیای جنوب شرقی SAPTA^۳ به شماره SRO ۹۵ (۱) ۱۰۷۹ مورخ ۶ نوامبر ۱۹۹۵).

(۴) سازمان همکاری اقتصادی ECO^۴ (قواعد مبدا اکو به شماره SRO ۹۴ (۱) ۵۱۰ مورخ ۹ ژوئن ۱۹۹۴).

(۵) ترتیبات تجاری ترجیحی با برزیل، اسپانیا، ترکیه، مصر، یوگوسلاوی، تونس و غیره (شماره SRO ۸۸/۱) ۴۹۲ مورخ ۲۶ ژوئن ۱۹۸۸)

اطلاعیه فوق اینک در بخش دسترسی به بازار در دبیرخانه سازمان جهانی تجارت موجود می‌باشد.

۲- قواعد مبدا ترکیه

^۱ - [http://docsonline.wto.org/6EN/highLightBottom.asp?qu=%28+%40meta%5Fsymbol%20%20F%20\(12007/03/17\).](http://docsonline.wto.org/6EN/highLightBottom.asp?qu=%28+%40meta%5Fsymbol%20%20F%20(12007/03/17).)

^۲ - South Asian Association for Regional Co-operation (SAARC)

^۳ - South Asian Preferential Trading Arrangements (SAPTA)

^۴ - Economic Co-operation Organization (ECO)

این کشور هم دارای قواعد مبدا غیر ترجیحی و هم ترجیحی در مجموعه مقررات گمرکی خود است که آن‌ها را به شرح زیر و طبق مقررات مذکور در فوق به اطلاع دبیرخانه سازمان جهانی تجارت و کمیته قواعد مبدا رسانده است:

الف) قواعد مبدا غیرترجیحی

ماده ۱۷: مواد ۱۸ تا ۲۱ مبدا غیرترجیحی کالا را برای مقاصد زیر تعیین می‌کنند

- (۱) اعمال تعرفه گمرکی به استثناء تدابیر مذکور در شق‌های (d) و (e) بند ۳ ماده ۱۵.
- (۲) اعمال تدابیر مقرر توسط شورای وزیران به جز تدابیر تعرفه‌ای مربوط به تجارت کالایی.
- (۳) تهیه و صدور گواهی مبدا.

ماده ۱۸:

- ۱- کالاهایی که مبدا آن یک کشور است باید کلاً در آن کشور به دست آمده یا تولید شده باشد.
- ۲- عبارت "کلاً به دست آمده در یک کشور" به معنای زیر است:
 - مواد معدنی که در آن کشور استخراج شوند.
 - محصولات نباتی که در همان کشور برداشت می‌شوند
 - حیوانات زنده که در همان کشور به دنیا آمده، پرورش می‌یابند.
 - محصولاتی که از حیوانات زنده در همان کشور به دست می‌آیند.
 - محصولاتی که از صیادی یا شکار در همان کشور به دست می‌آیند.
 - محصولاتی که از صیادی در دریا یا سایر محصولاتی که از دریای خارج از آب‌های سرزمینی به وسیله کشتی‌های ثبت شده در همان کشور به دست می‌آیند.
 - محصولاتی که از کارخانه‌های مستقر بر روی عرشه کشتی‌های همان کشور منحصرأ از محصولات بند فوق به دست می‌آیند، مشروط بر این که چنین کشتی‌های دارای کارخانه در همان کشور به ثبت رسیده و حامل پرچم آن باشند.

- محصولاتی که از دریا یا اعماق آن در خارج از آب‌های سرزمینی همان کشور استخراج می‌شوند، مشروط بر این که کشور مزبور حق انحصاری در آن آب‌ها یا اعماق آن داشته باشد.
 - قراضه و ضایعات حاصل از عملیات ساخت و همچنین اشیاء مستعمل که در همان کشور جمع‌آوری شده و فقط مناسب بازیافت مواد خام باشند.
 - کالاهایی که در همان کشور منحصراً از محصولات یا مشتقات کلیه بندهای فوق در هر مرحله‌ای تولید شوند.
- ماده ۱۹: کالاهایی که در تولید آن بیش از یک کشور دخالت دارند، مبدا آن‌ها کشوری خواهد بود که در آن جا محصول جدیدی ساخته شده یا از نظر اقتصادی توجیه می‌شود که آخرین تغییر اساسی و مرحله مهمی از ساخت در آن جا صورت گرفته است.
- ماده ۲۰: هرگونه پردازش یا کار که در مورد آن محرز گردد یا واقعیات نشان دهد که تنها هدف، طفره رفتن از مقررات مجری در ترکیه در مورد کالاهایی از کشورهای خاص است، چنین پردازش یا کاری مبدا کشوری را که به مفهوم ماده فوق، دارای آن است، به آن اعطاء نمی‌کند.
- ماده ۲۱:
- ۱- ارائه گواهی مبدا اختیاری خواهد بود. البته چنانچه مبدا کالا یک کشور متعاقد در یک موافقت‌نامه باشد یا کالا به علت تغییر شکل یا اجرای عملیات در آن کشور می‌توانسته است براساس یک گواهی مبدا طبق مقررات موافقت‌نامه‌های بین‌المللی و دو جانبه، از تخفیف تعرفه‌ای برخوردار باشد، ارائه گواهی مبدا اجباری خواهد بود.
 - ۲- در سایر موارد و غیر از آن‌هایی که در بند ۱ فوق ذکر شده‌اند، قواعد و اصول مربوط به ارائه گواهی مبدا، در مورد ارزش، مبدا، توصیف و ماهیت کالا، بدون این که گواهی مبدا درخواست گردد، به موجب آیین‌نامه - تعیین خواهد شد.
 - ۳- فرم و محتوای گواهی مبدا با در نظر گرفتن ترتیبات بین‌المللی در آیین‌نامه تعیین خواهد شد.

۴- قطع نظر از ارائه گواهی مبدا، اداره گمرک در صورت تردید جدی می‌تواند خواستار دلایل اضافی گردد.

(ب) قواعد مبدا ترجیحی

ماده ۲۲- قواعد مبدا ترجیحی کالاهای منتفع از تدابیر تعرفه‌ای ترجیحی، مذکور در ماده ۱۵: (الف) در مورد کالاهای مشمول موافقت‌نامه‌های مذکور در شق (d) بند ۳ ماده ۱۵ براساس آن موافقت‌نامه‌ها احراز خواهد شد.

(ب) در مورد کالاهای برخوردار از تدابیر تعرفه‌ای ترجیحی مذکور در شق (e) بند ۳ ماده ۱۵ براساس فرمان شورای وزیران احراز خواهد شد.^۱

(۳) قواعد مبدا چین

دولت چین تا مدت مدیدی فاقد قواعد مبدا ترجیحی بود زیرا این کشور هیچگونه "موافقت‌نامه تجارت آزادی"^۲ را با سایر کشورها امضا نکرده بود.

(الف) قواعد مبدا غیر ترجیحی

در خصوص واردات و صادرات دو نوع قواعد مبدا غیرترجیحی وجود دارد. در مورد واردات "آیین‌نامه موقتی در خصوص قواعد مبدا اداره کل گمرک جمهوری خلق چین"^۳ که توسط این اداره تدوین شد در سال ۱۹۸۶ به اجرا درآمد. برای صادرات نیز "قواعد مبدا در مورد صادرات جمهوری خلق چین"^۴ وجود دارد که توسط شورای دولتی اعلام شد و در سال ۱۹۹۲ قدرت اجرایی یافت.

در مورد قواعد اصلی و اولیه، این دو مجموعه مقررات با یکدیگر شباهت ندارند. مهم‌ترین تفاوت آن دو بدین قرار است که برای واردات معیارهای مبدا، ضابطه "کلاً به دست آمده" و "تغییر در طبقه‌بندی نظام هماهنگ در سطح چهار رقمی" یا "حداقل ارزش افزوده ۳۰ درصدی" است. در این زمینه قواعد خاص

^۱- http://docsonline.wto.org/GEN_highLight_Bottom.asp?ou=%28+%40meta%5Fsymbol+GY.FCROY F ... (2007/ 02/07).

^۲ - Free Trade Agreement (FTA)

^۳- Provisional Rules of Origin for Imports of the General Administration of Customs of the Peoples Republic of China.

^۴- Proclamation of the General Administration of customs of the peoples Republic of China

کالایی وجود ندارد. برعکس در مورد صادرات معیارهای مبدا عبارتند از: "ارزش افزوده ۲۵ درصدی" و برای صدها قلم کالا قواعد خاص کالایی اعمال می‌گردد.

زمانی که این کشور در سال ۲۰۰۱ به سازمان جهانی تجارت ملحق شد متعهد گردید که موافقت‌نامه قواعد مبدا را از این پس به اجرا گذارد و قواعد مبدا غیر ترجیحی هماهنگ را به محض این که آماده شد اعمال نماید. به منظور ایفای این تعهد در قبال سازمان جهانی تجارت، چین اقدام به تدوین قواعد مبدا مشترک در مورد صادرات و واردات نمود، چرا که وجود دو نوع مقررات در خصوص قواعد مبدا صادرات و واردات خلاف اصل رفتار ملی بود. تهیه این مقررات اینک مراحل نهایی خود را طی می‌کند.

(ب) قواعد مبدا ترجیحی

چین قبل از الحاق به سازمان جهانی تجارت، شروع به مذاکره با اعضای موافقت‌نامه بانکوک نمود و در سال ۲۰۰۱ به عضویت این موافقت‌نامه تجارت آزاد درآمد. این نخستین موافقت‌نامه آزاد است که چین به آن ملحق شد و قواعد مبدا ترجیحی را به موجب این موافقت‌نامه از اول ژانویه ۲۰۰۲ به اجرا گذاشت. در اول ژانویه سال ۲۰۰۴ نیز کشور چین قواعد مبدا ترجیحی را در چارچوب موافقت‌نامه منعقد با اتحادیه ملت‌های جنوب شرقی آسیا^۱ (ASEAN) و همین‌طور موافقت‌نامه تعرفه ترجیحی موثر مشترک (CEPT)^۲ را با کشورهای هنگ‌کنگ و ماکائو به مرحله اجرا گذاشت. معیارهای قواعد مبدا در آ. سه. آن "کلاً به دست آمده" و "ارزش افزوده" (از جمله قواعد تراکمی یا تجمعی) است، اما به هنگام امضای این موافقت‌نامه قواعد خاص کالایی که از پیش وجود داشتند تماماً کنار گذاشته شدند. قواعد مبدا در هر دو موافقت‌نامه فوق با هنگ‌کنگ و ماکائو کلاً بر مبنای کالاها مشخص شده‌اند.

گرچه مقررات یکپارچه و جدید در مورد قواعد مبدا غیرترجیحی در چین تا این زمان منتشر نشده است، اما اطلاع از مفاد آیین‌نامه موقتی در خصوص قواعد مبدا کالاهای وارداتی که شرح آن گذشت، می‌تواند چارچوبی کلی به دست دهد.

^۱- Association of South East Asian Nations (ASEAN)

^۲- Common Effective Preferential Tariff Agreement (CEPT)

ماده ۱: بدین وسیله قواعد حاضر برای اجرا در مورد دو دسته از نرخ‌های حقوق گمرکی در خصوص واردات، یعنی نرخ عمومی و نرخ دولت کامله الوداد (MFN) تنظیم شده است، مشروط بر این که در مقررات تعرفه جمهوری خلق چین، تعریف کشور مبدا کالای وارداتی به درستی صورت گرفته باشد.

ماده ۲: کالاهایی که در یک کشور معین تولید یا ساخته شده‌اند دارای مبدا همان کشور هستند اصطلاحاً "کالاهای تماماً تولید یا ساخته شده در یک کشور معین" به معنای زیر است:

- (۱) محصولات معدنی که از خاک یا آب‌های سرزمینی همان کشور استخراج می‌شوند.
- (۲) محصولات نباتی که در همان کشور برداشت یا جمع‌آوری می‌شوند.
- (۳) حیوانات زنده که در همان کشور به دنیا آمده و در همان کشور پرورش یافته‌اند و محصولاتی که از حیوانات زنده در همان کشور به دست می‌آیند.
- (۴) محصولاتی که از شکار، تله‌گذاری یا صیادی در همان کشور به دست می‌آیند.
- (۵) محصولاتی که از صیادی در دریا یا سایر محصولاتی که از دریا به وسیله کشتی‌های همان کشور به دست می‌آیند.
- (۶) محصولاتی که از کارخانه‌های مستقر بر روی عرشه کشتی‌های همان کشور منحصراً از محصولات بند فوق به دست می‌آیند.
- (۷) قراضه و ضایعات جمع‌آوری شده در همان کشور و مناسب باز یافت مواد خام و اولیه.
- (۸) کالاهایی که در همان کشور منحصراً از محصولات اشاره شده در بندهای (۱) تا (۷) فوق تولید می‌شوند.

ماده ۳: هنگامی که بیش از یک کشور در تولید کالا دخالت دارند، مبدا آن کالا کشوری است که آخرین تغییر اساسی، از نقطه نظر اقتصادی در آن جا انجام یافته باشد.

اصطلاح "تغییر اساسی" به این معناست که پس از ساخت یا پردازش محصول به دست آمده در یک ردیف تعرفه‌ای چهاررقمی جدید متفاوت از ردیف‌های هر یک از مواد اولیه مورد استفاده، به موجب "تعرفه

گمرکی صادرات و واردات جمهوری خلق چین " قرار گیرد یا درصد ارزش افزوده محصول کمتر از ۳۰ درصد کل ارزش محصول نباشد.

ماده ۴: کشور مبدا محصولات نفتی کشوری است که در آن جا این محصولات خریداری می‌شوند.

ماده ۵: ملزومات، لوازم یدکی، ابزار آلات برای استفاده با ماشین، وسایل، دستگاه‌ها یا وسایل نقلیه، دارای همان مبدا ماشین، وسایل، دستگاه‌ها یا وسایل نقلیه خواهد بود، مشروط بر این که به همراه آن‌ها وارد شده و از نظر تعداد متناسب با آن‌ها باشد.

ماده ۶: واردکنندگان به هنگام اظهار کالا در گمرک مسئول صحت نام کشور مبدا یا نام فروشنده کالا طبق مقررات ۲ تا ۵ این آیین‌نامه هستند. چنانچه کالاهای یک محموله بیش از یک مبدا داشته باشند، این مبادی جداگانه اظهار خواهند شد.

ماده ۷: کشور مبدا کالاهای وارداتی توسط گمرک احراز خواهد شد. در صورت ضرورت، گمرک می‌تواند از واردکنندگان بخواهد که گواهی‌های مبدا صادره توسط مراجع ذیصلاح در کشورهای ذیربط را ارائه نمایند.

ماده ۸: گمرک در برخورد با اقداماتی چون اظهار خلاف در مورد مبدا کالا یا جعل کردن گواهی مبدا، طبق قوانین و مقررات مربوط عمل خواهد کرد.

ماده ۹: اداره کل گمرک چین تصمیم گیرنده نهایی برای اجرای قواعد حاضر خواهد بود.

فصل سوم: قواعد مبدا طبق مقررات موجود و از نظر لایحه قانون امور گمرکی

الف- قواعد مبدا در قانون امور گمرکی

در قانون امور گمرکی ۱۳۵۰ هیچگونه مقرراتی در خصوص قواعد مبدا غیر ترجیحی به چشم نمی‌خورد و گواهی‌های مبدا کالاهای وارداتی در واقع طبق قواعد مبدا در کشورهای صادرکننده کالا صادر

می‌گردد که به همراه اسناد معامله تسلیم واردکننده ایرانی می‌شود. این گواهی به هنگام ترخیص کالا از گمرک به ادارات گمرک ارائه می‌گردد. در مورد کالاهای صادراتی ایران، چنانچه واردکنندگان خارجی نیاز به گواهی مبدا کالاهای وارده از ایران داشته باشند، گواهی توسط اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و شعب در شهرستان‌ها صادر می‌گردد که در واقع تایید اظهار مبدا کالا توسط صادرکننده ایرانی است که گمرک جمهوری اسلامی ایران نیز آن را گواهی کرده است.

در خصوص قواعد مبدا ترجیحی نیز باید متذکر شد که این قواعد در موافقت‌های دو یا چند جانبه‌ای که ایران در آن‌ها عضویت دارد و هدف آن‌ها تجارت آزاد است مشخص می‌شود و گواهی‌های مبدایی که کشورهای عضو در تجارت فی‌ما بین صادر می‌کنند، برپایه این قواعد صورت می‌گیرد. مثلاً در تجارت میان اعضای سازمان همکاری اقتصادی (اگو) که جمهوری اسلامی ایران در آن عضویت دارد، استفاده از ترجیحات تعرفه‌ای مستلزم ارائه گواهی مبدا طبق مقررات مصوب در این زمینه میان اعضای اگو است. گرچه قواعد مبدا ترجیحی از حوزه شمول موافقت‌نامه قواعد مبدا خارج هستند، اما در عین حال در صورت عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان جهانی تجارت باید کلیه این قواعد مبدا ترجیحی، در روابط دو یا چند جانبه، طبق مقررات بند (۴) ضمیمه دوم موافقت‌نامه قواعد مبدا فوراً به اطلاع دبیرخانه سازمان جهانی تجارت برسد. همچنین در مورد هرگونه تغییر در این دسته قواعد یا وضع قواعد جدید در این زمینه باید اطلاع رسانی صورت گیرد. دبیرخانه نیز فهرست اطلاعات دریافتی را در اختیار اعضا قرار می‌دهد. در این خصوص نیز ضمیمه موافقت‌نامه تصریح دارد که قواعد مبدا جدید یا تغییرات ایجاد شده در قواعد مبدا ترجیحی نباید عطف بما سبق شوند. البته همان طور که قبلاً اشاره شد ضمیمه موافقت‌نامه اصولی را در به کارگیری این دسته از قواعد مبدا می‌دارد که طبعاً باید در قواعد مبدا ترجیحی که جمهوری اسلامی ایران به نوعی از آن‌ها در جریان واردات یا صادرات خود به صورت دو یا چند جانبه استفاده می‌کند، رعایت گردند. این اصول عبارتند از:

۱- به هنگام استفاده از معیار تغییر طبقه‌بندی تعرفه، باید مبدا ترجیحی و هرگونه استثنائات وارد

بر آن، عناوین فرعی یا عناوین نمائکلاتور گمرکی مورد نظر در قاعده مزبور، به روشنی تعیین شوند.

۲- در مواردی که معیار درصد ارزشی اعمال می‌گردد، همچنین لازم است در قواعد مبدا ترجیحی، روش محاسبات این درصد مشخص گردد.

۳- در مواردی که معیار ساخت یا عملیات پردازش توصیه می‌گردد، مقتضی است عملیاتی که مبدا ترجیحی را تعیین می‌کنند، به دقت معلوم شوند.

به هر حال رعایت این اصول و ضوابط در قواعد مبدا ترجیحی موضوع تحقیق حاضر نیستند، چرا که موافقت‌نامه قواعد مبدا صرفاً در راستای هماهنگ‌سازی قواعد مبدا غیرترجیحی است و اصول و ضوابط و برنامه عمل لازم برای تحقق چنین هدفی را مشخص می‌سازد.

ب- قواعد مبدا از منظر لایحه قانون امور گمرکی

برای نخستین بار در لایحه مقرراتی در مواد ۴۰ تا ۵۴ (طی بخش‌های اول و دوم فصل چهارم) برای قواعد مبدا غیرترجیحی پیش‌بینی شده است که قاعداً در صورت الحاق به سازمان جهانی تجارت باید در اعمال رفتار کامله الوداد، عوارض ضد دامپینگ و جبرانی، اقدامات حفاظتی، علامتگذاری مبدا و هرگونه محدودیت‌های مقداری تبعیضی یا سهمیه‌های تعرفه‌ای در موارد خاص در تجارت با سایر کشورهای عضو این سازمان برپایه اصل دولت کامله الوداد - یعنی عدم تبعیض میان طرح‌های خارجی - به کار رود. به علاوه در صدور گواهی‌های مبدا برای کالاهای صادراتی ایران نیز باید همین مقررات، در اجرای شرط رفتار ملی، عیناً اعمال گردد. به عبارت دیگر در اجرای مقررات مزبور نباید تفاوتی میان تجار داخلی و خارجی وجود داشته باشد.

البته به موجب موافقت‌نامه قواعد مبدا، کشورهای عضو عجلتاً تا وضع ضوابط و معیارهای هماهنگ برای قواعد مبدا در نهادهای ذیربط، یعنی کمیته فنی قواعد مبدا و کمیته قواعد مبدا، الزامی برای داشتن قواعد مبدا غیرترجیحی وجود ندارند. کما این که پاکستان به عنوان عضو این سازمان تاکنون اقدامی برای تدوین قواعد مبدا غیرترجیحی به عمل نیاورده است. اما در هر حال پیش‌بینی مقرراتی در لایحه قانون جدید امور گمرکی در واقع فراهم کردن مقدمات لازم در اجرای تعهدات آتی ناشی از عضویت در سازمان جهانی تجارت برپایه موافقت‌نامه قواعد مبدا است که در حال حاضر، کشورهای عضو در این خصوص آزادی عمل داشته و

می‌توانند قوانین خاص خود را وضع نمایند. بنابراین به موجب موافقت‌نامه، مفاد لایحه در مورد قواعد مبدا، تا زمانی که ضوابط و معیارهایی برای تعیین مبدا کالا در سازمان جهانی تجارت مورد توافق گیرد، ملزم به تبعیت از ضوابط و معیارهای از پیش تعیین شده و دقیقی در این زمینه نیست ولی موافقت‌نامه برای دوره انتقالی تا وضع نظامات هماهنگ در مورد قواعد مبدا، اصولی را برای قواعد مبدا ترجیحی تعیین کرده است که کشورها عضو باید آن‌ها را در وضع قواعد مبدا ترجیحی خود به طور کلی رعایت نمایند که قبلاً در مبحث برنامه هماهنگ سازی قواعد مبدا به آن‌ها اشاره شد. به موازات آن، اصولی نیز در مورد قواعد مبدا غیر ترجیحی در موافقت‌نامه پیش‌بینی شده است که ذیلاً به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۱- اصول قواعد مبدا در دوره انتقالی لازم‌الرعایه در مقررات لایحه

با توجه به نظامات حاکم در دوران انتقالی و برنامه هماهنگ‌سازی قواعد مبدا در سازمان جهانی تجارت، اهم نکاتی که از لحاظ فنی در حال حاضر در وضع قواعد مبدا غیرترجیحی باید در لایحه رعایت گردند و مطالعات تطبیقی براساس قواعد مبدا چین و ترکیه نیز آن‌ها را تایید می‌کند عبارتند از:

الف) در مواردی که معیار تغییر طبقه‌بندی تعرفه در تشخیص مبدا کالا اعمال می‌گردد، دراین قاعده مبدا و هرگونه استثنائات وارد بر آن، باید عناوین فرعی و عناوینی در نمائکلاتور گمرکی که مورد نظر قاعده مزبور هستند، به وضوح تعیین شوند.

لایحه در ارتباط با معیار "تغییر طبقه‌بندی تعرفه" مقررات زیر را پیش‌بینی می‌کند:

"ضابطه تغییر اساسی" با معیار ضابطه‌ای است که براساس آن مبدا کالا تعیین می‌شود و طبق آن کشوری مبدا کالا خواهد بود که در آن کشور آخرین عملیات اساسی پردازش یا ساخت انجام شده، به نحوی که این عملیات اساسی صفت و خاصیت اصلی خود را به کالا بدهد (بند ج ماده ۴۰).

در به کارگیری ضابطه تغییر اساسی، گمرک از کنوانسیون بین‌المللی سیستم هماهنگ توصیف و کدگذاری کالا و همچنین قواعد هماهنگ مبدا تدوین شده توسط شورای همکاری گمرکی استفاده خواهد نمود. (ماده ۴۳)

عملیاتی که نقشی در ایجاد صفت یا خاصیت اصلی کالاها ندارند یا نقش اندکی دارند و به خصوص عملیاتی که محدود به یک یا چند مورد از موارد زیر باشند، به عنوان عملیات اساسی پردازش یا ساخت تلقی نخواهند شد:

(الف) عملیاتی که برای حفظ کالا در جریان حمل یا انبار کردن لازم است؛

(ب) عملیاتی که در بهبود بسته‌بندی یا کیفیت ارائه به بازار کالا یا عملیاتی که برای آماده کردن کاری برای ارسال، از قبیل بسته‌بندی مجدد، درجه‌بندی و دخالت دارد؛

(ج) عملیات ساده سوار کردن؛

(د) مخلوط کردن کالاهای دارای مبدهای مختلف، مشروط بر این که صفت اصلی محصول به دست آمده از اختلاط اساساً مغایر با مشخصات کالاهایی که با یکدیگر مخلوط شده‌اند، نباشد. (ماده ۴۵).

در تعیین مبدا کالا، مبدا عواملی از قبیل نیروی برق، ماشین‌آلات یا ابزار آلاتی که در ساخت یا پردازش کالا مورد استفاده قرار گرفته منظور نشده و تاثیری در تعیین مبدا کالا ندارد (ماده ۴۸).

وقتی دو یا چند کشور در تولید کالا دخالت دارند (یعنی کالاهایی که تماماً در یک کشور تولید نشده)، مبدا آن کالا براساس ضابطه تغییر اساسی تعیین خواهد شد (ماده ۴۲)."

مقایسه مفاد مقررات فوق در لایحه قانون امور گمرکی با الزامات مذکور در بند (الف) فوق راجع به تغییر طبقه‌بندی تعرفه نشان می‌دهد که گمرک ایران با قبول معیار تغییر طبقه‌بندی تعرفه، هم به استثنائات مربوط اشاره می‌کند و هم نمائکلاتور گمرکی مورد نظر را دقیقاً مشخص می‌سازد. بنابراین الزامات فوق به طور کلی رعایت شده‌اند. براین اساس بند ج ماده ۴۰ لایحه، معیار تغییر طبقه‌بندی در نتیجه پردازش یا ساخت را می‌پذیرد. مواد ۴۵ و ۴۸، استثنائاتی را که در واقع نقشی در تغییر طبقه‌بندی ندارند، برمی‌شمارند و ماده ۴۳ نمائکلاتور گمرکی مبنای این تشخیص را مشخص می‌نماید. البته این تغییر باید در سطح چهاررقمی از نظام هماهنگ (HS) مشهود باشد که بدیهی است این امر در آیین‌نامه این قانون در تصویب تصریح خواهد شد. ماده ۴۲ نیز اعمال ضابطه تغییر شکل اساسی را هنگامی که دو یا چند کشور در تولید

کالا دخالت دارند، مشخص می‌سازد. علی‌رغم این انطباق کلی به نکاتی می‌توان در همین چارچوب اشاره کرد که رعایت آن‌ها می‌تواند به تدقیق این مواد کمک نماید. این نکات به شرح زیر هستند:

(۱) مقررات مربوط به یک موضوع اعمال ضابطه تغییر شکل اساسی مقتضی است که در کنار یکدیگر آورده شوند و نه در مواد پراکنده به شرح فوق.

(۲) شورای همکاری گمرکی CCC اینک به سازمان جهانی گمرک WCO تغییر نام داده است که بهتر است در ماده ۴۳ این جایگزینی صورت گیرد.

(۳) در ماده ۴۵ اولاً مقتضی است در کنار عملیات (Works) واژه پردازش‌ها (Processes) نیز به کار رود تا جامعیت بیشتری داشته باشد و ثانیاً ذکر نمونه در بند ب این ماده که ناقص نیز می‌باشد بهتر است در آیین نامه این قانون صورت گیرد.

ب) تعریف "کالای تماماً" به دست آمده "در یک کشور" و حداقل عملیات و پردازش‌هایی که فی‌نفسه تعیین مبدا نمی‌کنند"

این نکته در وضع قواعد مبدا غیر ترجیحی در برگیرنده دو مطلب است:

(۱) تعریف "کالای تماماً به دست آمده"

در لایحه امور گمرکی کالای تماماً به دست آمده در ماده ۴۱ به شرح زیر مشخص شده است:

(الف) محصولات معدنی که از خاک، آب‌های سرزمینی یا از بستر دریای همان کشور استخراج می‌شوند؛

(ب) محصولات نباتی که در همان کشور برداشت می‌شوند؛

(ج) حیوانات زنده که در همان کشور به دنیا آمده و در همان کشور پرورش داده می‌شوند؛

(د) محصولاتی که از حیوانات زنده در همان کشور به دست می‌آیند؛

(ه) محصولاتی که از صیادی یا ماهیگیری در همان کشور به دست می‌آیند

(و) محصولاتی که از صیادی در دریا یا سایر محصولاتی که از دریا به وسیله کشتی‌های همان کشور به

دست می‌آیند؛

(ز) محصولاتی که از کارخانه‌های مستقر بر روی عرشه کشتی‌های همان کشور منحصرأ از محصولات بند
(و) بالا به دست می‌آیند؛

(ح) محصولاتی که از دریا یا اعمال آن در خارج از آب‌های سرزمینی همان کشور استخراج می‌شود،
مشروط بر این که همان کشور حق انحصاری در آن آب‌ها یا اعماق آن را داشته باشد؛

(ط) قراضه و ضایعات حاصل از عملیات ساخت یا پردازش و همچنین اشیاء مستعمل، که در همان کشور
جمع‌آوری شده و فقط مناسب برای بازیافت مواد خام باشند؛

(ی) کالاهایی که در همان کشور منحصرأ از محصولات اشاره شده در بندهای (الف) تا (ط) بالا تولید
شوند.

با تطبیق تعاریف فوق از محصولات تماماً به دست آمده با قوانین کشورهای چین و ترکیه موارد زیر را
می‌توان به منظور تکمیل تعاریف مذکور، در آن‌ها گنجانند:

(۱) در بند هـ میان "صیادی" و "ماهیگیری" تفاوتی وجود ندارد در حالی که یکی از این دو
واژه "شکار" (Hunt) می‌باشد که برای صید برخی از ماهیان مانند نهنگ، به کار می‌رود. بنابراین توصیه
می‌شود به جای ماهیگیری کلمه "شکار" جایگزین شود (با توجه به بند ۲ ماده ۱۸ قانون گمرک ترکیه)

(۲) در بند (ج) بهتر است به "محصولاتی که از بستر دریا و زیر بستر (Seabed or
subsoil) استخراج می‌گردد، اشاره شود تا دقت بیشتری داشته باشد زیرا واژه "دریا" از نظر حقوقی ممکن
است فقط شامل آب گردد. (با استفاده از بند ۲ ماده ۱۸ قانون گمرک ترکیه).

(۳) در بند (ی) بهتر است علاوه بر محصولات به مشتقات آن‌ها نیز اشاره گردد تا جامعیت
بیشتری داشته باشد (با توجه به بند ۲ ماده ۱۸ ترکیه)

(۲) حداقل عملیات و پردازش‌هایی که فی‌نفسه تعیین مبدا نمی‌کنند

این حداقل عملیات و پردازش‌ها که استفاده از آن‌ها تاثیری در مبدا کالای تماماً به دست آمده ندارند قبلاً
طی ماده ۴۵ لایحه در بحث معیار تغییر طبقه‌بندی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که از ذکر مجدداً آن‌ها در
این جا خودداری می‌گردد.

ج) ارائه معیارهای "تغییر اساسی کالا" از طریق معیارهای مکمل مانند درصد ارزش یا عملیات ساخت یا پردازش برای مواردی که تنها با استفاده از نمائکلاتور نظام هماهنگ، توضیح در مورد تغییر شکل اساسی میسر نباشد

به این معیار در ماده ۴۴ لایحه قانون به شرح زیر اشاره می‌شود:

"در اجرای این قانون یا توافقات بین‌المللی وقتی که ضابطه تغییر اساسی بر مبنای شرط درصدی از ارزش تعیین می‌شود، ارزش‌ها باید طبق موازین زیر منظور گردد:

الف) برای مواد وارداتی، ارزشی که براساس آن به هنگام ورود حقوق ورودی وصول می‌شود و چنانچه این مواد مبدا مشخصی نداشته باشند، براساس اولین قیمت قابل اثبات پرداخت شده در قلمرو گمرکی کشوری که آن مواد در آنجا ساخته شده است.

ب) برای کالاهای تولید شده در داخل، براساس قیمت صادراتی آن کالا طبق ماده ۳۹"

با توجه به نظامات قواعد مبدا در دوره انتقالی که در موافقت‌نامه قواعد مبدا مندرج است، به نظر می‌رسد در اعمال ضابطه تغییر اساسی باید هم درصد و نحوه محاسبه آن، هر دو، مشخص گردند در حالی که در لایحه فقط نحوه محاسبه تعیین شده است (ماده ۲ موافقت‌نامه قواعد مبدا). از سوی دیگر معیار ارزش، بیشتر هنگامی به کار می‌رود که نتوان تغییر جایگاه محصول بر اثر پردازش یا عملیات را در نمائکلاتور نظام هماهنگ تشخیص داد. در این صورت اگر قانونگذار این درصد ارزش افزوده را برای تعیین مبدا کالا در نتیجه تغییر شکل اساسی تعیین نکند، این تشخیص چگونه صورت خواهد گرفت، مگر این که در قانون مقرر گردد که تعیین این رقم به عهده آیین‌نامه این قانون خواهد بود. مقررات گمرکی کشور چین نیز در حال حاضر میزان این ارزش افزوده را برای تعیین مبدا کالا، در مورد محصولات وارداتی ۳۰ درصد و کالاهای صادراتی ۲۵ درصد تعیین کرده است که البته طبق قانونی که در دست تدوین است قطعاً رقم واحدی برگزیده خواهد شد. قانون ترکیه اصولاً در مورد تعیین ارزش کالا به عنوان یک معیار مکمل در تشخیص مبدا کالا بر اثر تغییر شکل اساسی، ساکت است.

به علاوه تصریح به توافقات بین‌المللی در این ماده گرچه زمینه لازم را برای اجرای این معیار در معاهدات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، در اجرای مقررات هماهنگ قواعد مبدا طبق موافقت‌نامه مربوط در سازمان جهانی تجارت، آماده می‌کند. اما از لحاظ حقوقی لازم است محتوای این توافقات در لایحه حاضر آورده شود و لذا اشاره کلی به این توافقات، اعم از توافقات موجود یا آتی، تعهدات مهمی را پیش‌روی گمرک قرار می‌دهد که حتی در صورت روشن بودن یا روشن شدن آن‌ها در آینده، فی‌نفسه قابلیت اجرایی ندارند. بنابراین ارجح است از این الفاظ در انشاء قانون خودداری شود.

موافقت‌نامه قواعد مبدا الزامات دیگری را برای قواعد مبدا غیرترجیحی کشورها در دوران انتقالی - یعنی تا وضع قواعد مبدا هماهنگ در سطح بین‌المللی توسط سازمان جهانی تجارت - مشخص می‌کند که به نظر می‌رسد در مواد مربوط در لایحه مورد توجه قرار گرفته‌اند. اهم این الزامات عبارتند از:

(۱) قواعد مبدایی که در مورد واردات و صادرات اعمال می‌گردند نباید شاق‌تر از قواعد مبدایی باشند که برای تشخیص داخلی بودن کالا به کار می‌رود؛

(۲) در به کارگیری قواعد مبدا نباید هیچگونه تبعیضی میان اعضا قائل شد؛

(۳) قواعد مبدا باید به گونه‌ای نامتناقض، یکنواخت و بیطرفانه و معقول به اجرا درآیند؛

(۴) قواعد مبدا باید بر استانداردهای مثبت مبتنی باشند؛

(۵) در صورت ایجاد تغییراتی در قواعد مبدا یا وضع قواعد مبدا جدید، چنین تغییرات یا قواعدی نباید عطف بما سبق شوند؛

(۶) کلیه قوانین و مقررات و تصمیمات قضائی و احکام اداری دارای کاربرد عام در خصوص قواعد مبدا باید منتشر شوند و در دسترس همگان قرار گیرند؛

(۷) در نظام اداری و قضایی برای تشخیص مبدا باید فرصت تجدید نظر وجود داشته باشد.

در خصوص بندهای فوق باید خاطرنشان ساخت که اولاً در لایحه تمایزی میان مقررات قواعد مبدا برای محصولات صادراتی و وارداتی وجود ندارد و این مقررات به طور یکسان در مورد هر دو دسته محصولات اعمال می‌گردد؛ ثانیاً در این مقررات تمایزی میان کشورهای مختلف از حیث اجرای قواعد مبدا به چشم

نمی‌خورد که در واقع پایبندی به اصل دولت کامله الوداد به عنوان یک از اصول سازمان جهانی تجارت و همین طور به عنوان یک الزام در موافقت‌نامه قواعد مبدا است؛ ثالثاً تعارضی میان مقررات مواد مختلف در زمینه تعیین قواعد مبدا مشاهده نمی‌گردد و معیارها و ضوابط و تعاریف برگرفته از اصول شناخته شده در موافقت‌نامه (ماده ۲) و مجری در قوانین گمرکی سایر کشورها است (دست کم دو کشور مورد مطالعه)؛ رابعاً معیارها، ضوابط و تعاریف در تشخیص مبدا کالا به صورت مثبت و نه منفی بیان شده‌اند که مبتنی بر رعایت استانداردهای مثبت است؛ خامساً انتشار قواعد مبدا طبق مقررات عام صورت می‌گیرد و عطف بما سبق نشدن قواعد مبدا جدید یا تغییرات در قواعد مبدا جاری در ماده ۴۹ لایحه پیش‌بینی شده است که مقرر می‌دارد "تغییرات در قواعد مبدا یا رویه‌های بکارگیری آن، شامل کالاهای معامله شده قبل از آن تغییرات نخواهد شد این تغییرات باید اعلام و با در نظر گرفتن مهلت کافی به اجرا گذاشته شود." تقاضای تجدید نظر از مقامات گمرکی در مورد قواعد مبدا تعیین شده نیز در این لایحه در قالبی کلی وجود دارد.^۱

۲- اسناد مبدا و مرجع صدور گواهی مبدا در لایحه

در ماده ۵۱ لایحه مواردی که لازم است گواهی مبدا صادر شوند به طور کلی احصاء شده است که عبارتند از:

(الف) اعمال تعرفه‌های ترجیحی

(ب) اعمال ضوابط تجاری یا اقتصادی یک جانبه یا تحت موافقت‌نامه‌های دو یا چند جانبه

(ج) اعمال ضوابط بهداشتی یا عمومی

به نظر می‌رسد موارد اخذ گواهی مبدا هیچگونه مغایرتی با اهداف موافقت‌نامه گواهی مبدا که این گواهی را وسیله‌ای در اجرای سیاست‌های تجاری می‌دادند، اعم از ترجیحی یا غیر ترجیحی نداشته باشد. بدیهی است در مواردی که کالای وارداتی فاقد جنبه تجاری است، مانند کالای همراه مسافر یا نمونه‌ها، ارائه این گواهی ضرورت ندارد.

^۱ -فصل بیست و پنجم لایحه تحت عنوان مراجع رسیدگی به اختلافات گمرکی ترتیباتی را برای رسیدگی به اختلاف نظرهای مربوط به مبدا تعیین شده در گمرک (کمیسون رسیدگی به اختلافات گمرکی) و حتی امکان رسیدگی قضایی در دیوان عدالت اداری را مقرر می‌دارد. (مواد ۳۴۵ الی ۳۶۰).

در بسیاری از کشورها، مرجع صدور گواهی مبدا گمرک است ولی از این حیث الزامی در موافقتنامه گواهی مبدا مشاهده نمی‌شود. در جمهوری اسلامی ایران صدور گواهی مبدا به اتاق بازرگانی صنایع و معادن ایران محول شده است که اکنون نیز به همین ترتیب عمل می‌گردد و تغییر در این رویه صورت نگرفته است (ماده ۵۳). البته صدور گواهی مبدا بر مبنای اظهارنامه مبدایی است که توسط گمرک ایران گواهی شده است. در این اظهارنامه مبدا کالای صادراتی در سیاهه (فاکتور) یا هر سند دیگر مربوط به کالا که سازنده، تولیدکننده، عرضه کننده، صادرکننده یا اشخاص صلاحیتدار ارائه می‌دهند، مشخص می‌گردد که بی‌شک باید مبتنی بر مقررات تشخیص مبدا در این قانون باشد (ماده ۵۰). البته در مورد گواهی‌های مبدا صادره در سایر کشورها چنانچه گمرک در خصوص گواهی اسنادی مبدا تردید کند می‌تواند از مقامات صلاحیتدار کشور صادرکننده گواهی با ذکر دلایل تردید و مستندات، تایید گواهی اسنادی مبدا را مطالبه نماید (ماده ۵۲) این مقرر در نظامات قواعد مبدا کشورهای مورد مطالعه در این تحقیق مشاهده می‌شود.

در خاتمه باید متذکر شد که صرف نظر از برخی اصلاحات جزئی مقررات قواعد مبدا مذکور در فصل چهارم لایحه قانون امور گمرکی من حیث المجموع با ضوابط مجری در سطح بین‌المللی سازگاری دارد و تا زمانی که هنوز قواعد مبدایی به صورت هماهنگ توسط سازمان جهانی تجارت تدوین نشده است، اعضا از جمله ایران در صورت عضویت می‌توانند از قواعد مبدا خاص خود پیروی نمایند. از آن جا که مقررات مربوط در لایحه در واقع از قوانین چند کشور برگرفته شده و تعارضی با اصول موافقتنامه گواهی مبدا ندارد به نظر نمی‌رسد حتی در صورت تصویب مقررات هماهنگ برای تشخیص مبدا کالا در سازمان جهانی تجارت، تغییراتی اساسی در مقررات پیش‌بینی شده در لایحه راجع به قواعد مبدا حادث گردد.

بخش سوم: تدابیر مرزی در اجرای حقوق مالکیت فکری

مقدمه

در دهه‌های اخیر آزادسازی تجاری و جهان شدن اقتصادهای ملی به نحو چشمگیری در سطح جهان مطرح شده است و از آن جایی که سهم دانش در تولید کالاها و خدمات نیز افزایش یافته لذا فکر حمایت از

حقوق مالکیت معنوی در جهان به عنوان جزء لایتجزای نظام جدید تجارت بین‌الملل قوت بیشتری گرفته است.

امروزه به ندرت می‌توان تجارت را بدون جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت فکری یا معنوی تصور نمود. هم‌چنین متعاقب به وجود آمدن سازمان جهانی تجارت بسیاری از کشورهای عضو این سازمان سیاست توسعه صادرات را به عنوان جایگزین سیاست جایگزینی واردات برای هدف توسعه و رشد اقتصادی برگزیده‌اند و فکر تجارت به عنوان موتور رشد و توسعه اقتصادی بیشتر، تقویت شده است. از طرف دیگر توسعه و گسترش تجارت بین‌الملل و به تبع آن رشد و توسعه اقتصادی مستلزم حمایت از حقوق مالکیت فکری است و چون در عصر ما بر جنبه بین‌المللی تجارت افزوده شده بنابراین حمایت از حقوق مالکیت فکری نیز باید جنبه بین‌المللی داشته و کشورها در این زمینه تا حد مقدور متحدالشکل عمل نمایند. عدم حمایت از این حقوق به انگیزه آفرینش‌های فکری و خلاقیت‌ها لطمه می‌زند و سطح زندگی مردم را اعتلاء نمی‌بخشد و تجارت بین‌الملل را تحت تاثیر تبعات منفی خود قرار می‌دهد.

در واقع می‌توان گفت که مالکیت‌های غیر عینی و ناملموس مبتنی بر خلاقیت‌های فکری که دانش محتوای اصلی و اساسی آن را تشکیل می‌دهد به صورت با ارزش‌ترین و مهم‌ترین نوع از انواع مالکیت در قرن حاضر متجلی خواهد شد و یکپارچه شدن اقتصادهای ملی و ادغام آن‌ها در یکدیگر و نیز آزادسازی تجاری و استفاده از تجارت به عنوان محور رشد و توسعه و آثار سوء مترتب بر عدم حمایت از این خلاقیت‌ها ایجاب می‌نماید که از این آفرینش‌ها در سطح جهانی حمایت به عمل آید.^۱

در کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی قبل از دور مذاکرات اروگوئه درباره لزوم حمایت از این حقوق و نحوه آن مطالب زیادی وجود دارد ولی موضوع چگونگی اجرای این حقوق در سطح ملی و بین‌المللی در این کنوانسیون‌ها کمرنگ است. با توجه به این نقیصه در موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت

^۱ - سیفال‌ه صادقی یا زمه‌ی، سیستم مالکیت معنوی در جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه موافقت‌نامه TRIPS، سمینار ملی بررسی حقوق مالکیت صنعتی در جمهوری اسلامی ایران و جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی در تجارت بین‌الملل، سازمان ثبت اسناد و املاک جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۵.

معنوی (تریپس)^۱ که یکی از موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت است و کشورهای عضو سازمان مزبور بایستی آن را قبول و الزامات مندرج در آن را رعایت نمایند بخش مهمی به مقررات اجرایی مربوط به حمایت از حقوق مالکیت فکری اختصاص داده شده که اعضاء ملزم به رعایت آن مقررات هستند. قسمت مهمی از مقررات اجراء در موافقت‌نامه راجع است به الزامات خاص و ویژه تدابیر مرزی که گمرک کشورها در اجرای این تدابیر نقش آفرینی می‌نمایند لذا با توجه به اهداف تحقیق در این قسمت الزامات و تدابیر ویژه مرزی به نحو مندرج در مقررات مربوط به اجرا در موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت معنوی بررسی می‌گردد و ضمن تطبیق و انطباق این تدابیر با مقررات فعلی کشورمان و نیز با پیش نویس لایحه امور گمرکی و با در نظر گرفتن این موضوع که کشورها متعهد هستند که قوانین خود را به هنگام عضویت با این الزامات سازگار سازند، خلاءهای قانونی مربوط مشخص خواهند شد.

برای این منظور در فصل اول الزامات خاص درباره تدابیر مرزی به نحو مذکور در موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. از آن جایی که وقوف به کم و کیف تدابیر مرزی در سایر موافقت‌نامه‌ها و کنوانسیون‌ها برای اشراف کامل نسبت به موضوع و تصمیم‌گیری درباره انطباق قوانین داخلی با این تدابیر نیز مفید به نظر می‌رسد لذا در فصل دوم به این مطلب پرداخته می‌گردد. همچنین با عنایت به این موضوع که تجربیات سایر کشورها می‌تواند قرائن و اماراتی را برای دستیابی به نحوه برخورد با این الزامات و تهیه قوانین و مقررات مربوطه ارائه دهد در فصل سوم تجربیات چند کشور مورد بررسی قرار خواهد گرفت و برای رعایت یکپارچگی با سایر قسمت‌های این تحقیق اولاً این کشورها از میان کشورهای در حال توسعه گزینش شده و ثانیاً دو کشور نیز از میان همسایگان ایران که وجوه مشترک زیادی با کشورمان دارند انتخاب شده‌اند و بالاخره در فصل پایانی ضمن استفاده از مطالب سه فصل پیشین و بیان وضع فعلی مقررات مرزی کشورمان خلاءهای قانونی (الینه با مقایسه با الزامات و تدابیر خاص مرزی متبلور در قسمت اجرای موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت معنوی) مشخص و توصیه‌ها ارائه خواهند شد.

^۱- Trade Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPs)

فصل اول: الزامات خاص درباره تدابیر مرزی در موافقت‌نامه تریپس

یکی از اهداف اساسی و عمده گنجاندن بحث حمایت از حقوق مالکیت معنوی یا فکری در دستور کار دور مذاکرات اورگوئه نیل به هدف اجرای موثر مقررات مربوط به حمایت از این حقوق بود. زیرا عقیده بر این بود و هست که تنها داشتن قوانین حقوق مالکیت فکری کافی نیست. قوانین و استانداردهای ماهوی حمایت هر چند خوب و بالا باشد اگر با ضمانت اجرای موثر همراه نباشد نتایج مطلوب به بار نخواهد آمد. پس حقوق مالکیت فکری و در حد وسیعتر حقوق مالکیت به طور کلی موقعی دارای اهمیت خواهد بود که بتوان به سهولت آن‌ها را اجرا نمود.

تا قبل از دور مذاکرات اورگوئه عقیده غالب این بود که این حقوق فاقدساز و کاراً اجرایی کار و موثر است. در واقع مهمترین نقیصه کنوانسیون‌های چند جانبه بین‌المللی راجع به مالکیت معنوی و یا حقوق مالکیت فکری پیش از امضای موافقت‌نامه TRIPS این بوده که نسبت به موضوع اجرا که اعمال تدابیر اجرایی در مرز نیز جزء غیرقابل انفکاک آن است سکوت اختیار کرده و یا تنها به طور غیرمستقیم و در حد بسیار ناچیز به این مساله برخورد نموده‌اند.^۱

اما ویژگی‌های مهم موافقت‌نامه TRIPS در ارتباط با اجرا حول سه محور قرار دارد: اول تدوین استانداردهای حداقل برای حمایت دوم اجرای موثر این استانداردها در سطح داخلی و در مرزها و سوم تمهید یک سازگار حل اختلافات برای برخورد با اعضایی که مقررات را اجرا ننمایند. پیام قسمت اجرای موافقت‌نامه این است که کشورهای عضو متعهد هستند که یک نظام جامع را برای اجرای حقوق مالکیت فکری برقرار نمایند و به همین جهت از دولت‌ها خواسته شده است که زمینه اجرای آن حقوق را با تصویب قوانین و مقررات در نظام قانونی ملی خود فراهم نمایند. مقررات مربوط به اجرای موثر حقوق مالکیت معنوی از دو بعد قابل توجه و اهمیت است:

^۱ - مسعود طارم سري، اثرات موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوي و مقررات مربوط به اجراي حقوق مالکیت معنوي در ایران، سمينار ملي سازمان جهاني مالکیت معنوي در مورد حمايت از مالکیت صنعتي در جمهوري اسلامي ايران و جنبه‌های تجاري حقوق مالکیت معنوي در تجارت بين الملل، سازمان ثبت اسناد و املاك جمهوري اسلامي ايران، ۱۳۷۵.

اول از بعد جلوگیری از تجاوز به این حقوق در داخل کشورها و دوم ممانعت از ورود کالاهای ناقص این حقوق از سایر کشورها به داخل کشورهای عضو موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت فکری (معنوی) یا TRIPS. مقررات مندرج در ماده ۴۲ تا ماده ۵۰ موافقت‌نامه مزبور عمدتاً ناظر به مورد اول و مواد ۵۱ تا ۶۰ آن مربوط به مورد دوم است که اختصاصاً مربوط می‌شود به اقدامات مرزی برای مبارزه با نقض این حقوق. از آن جایی که در تدابیر مرزی گمرک نقش اساسی و محوری را ایفاء می‌نماید بنابراین با توجه به عنوان تحقیق هدف اساسی ما بررسی و تبیین الزامات مندرج در مواد ۵۱ تا ۶۰ موافقت‌نامه است و برای جلوگیری از اطاله کلام از بحث درباره مواد ۴۲ تا ۵۰ موافقت‌نامه مگر در موارد تبیین اصول کلی که حاکم بر تدابیر مرزی و غیرمرزی است، خودداری شده است.

ضمناً بایستی متذکر گردید که هر چند اقدامات مرزی برای جلوگیری از وقوع و گسترش تجاوز جزئی از اقدامات در جهت حمایت در حقوق مالکیت معنوی است و از بعد مبارزه با تولید کالاهای تقلبی دارای اثر اقداماتی نیست که در داخل کشورها می‌تواند برای جلوگیری از تولید کالاهای مزبور اتخاذ گردد ولی این مقررات مرزی لااقل سبب می‌گردد که از ورود این کالاها از منابع متعدد به داخل کشورهای عضو جلوگیری به عمل آید و با عنایت به این که مقررات مزبور باید در تمام کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت به اجرا درآید لذا به صورت غیرمستقیم سبب می‌گردد که انگیزه تولید کالاهای ناقض حق در سطح جهانی کاهش یابد و گام مهمی به سوی حمایت از این حقوق برداشته شود.

از طرف دیگر پر واضح است که ضبط یک محموله کالای تقلبی در مرز برای حمایت از حقوق مالکیت فکری بسیار موثرتر و عملی‌تر خواهد بود تا این که صبر شود تا کالای مزبور در بازار توزیع و آنگاه اقدام شود. به همین علت و صرف‌نظر از مقررات موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری مرتبط به حقوق مالکیت فکری بسیاری از نظام‌های حقوقی در دنیا اهمیت ترتیبات اجرایی در مرز را که بتواند به دارندگان حق این اجازه را بدهد که همکاری مامورین گمرکی را برای جلوگیری از ورود واردات ناقص حقوق مالکیت فکری به چرخه توزیع جلب نماید مورد تائید و تاکید قرار می‌دهند.

قبل از ورود به بحث و بررسی تفضیلی الزامات موافقت‌نامه TRIPS در مورد رعایت تدابیر مرزی به وسیله کشورهای عضو ذکر چند نکته کلی زیر خالی از وجه نیست:

۱- به طور کلی در اجرا خواه در ارتباط با اقداماتی که در داخل کشورها صورت می‌گیرد و یا در مورد اقدامات مرزی روش کار باید منصفانه باشد و در حد غیر لزوم پیچیده و هزینه بر نباشد. این روش‌ها نباید دارای مهلت‌های غیر معقول و یا تاخیرهای غیر موجه باشد همچنین طرف‌های درگیر و ذینفع بایستی از حق پژوهش نسبت به تصمیمات برخوردار باشند. به علاوه مقررات و روش‌ها در عین حال نبایستی مورد سوء استفاده قرار گیرد و یا در راه جریان عادی تجارت به صورت مانع و رادع عمل نماید (ماده ۴۱ و ۴۲)^۱

۲- قسمت اجرای موافقت‌نامه که مواد ۴۱ تا ۶۰ موافقت‌نامه TRIPS را در بر می‌گیرد و حاوی پنج قسمت به شرح زیر است:

(الف) تعهدات کلی کشورها

(ب) روش‌های اداری و مدنی و جبران خسارت

(ج) تدابیر موقتی

(د) الزامات خاص مربوط به تدابیر مرزی

(ه) روش‌های جزایی

همانطور که گفته شد هدف این تحقیق در این فصل فقط بررسی الزامات خاص مربوط به تدابیر مرزی (مواد ۵۱ تا ۶۰ موافقت‌نامه TRIPS است)^۲

۳- به موجب ماده ۴۱ موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت معنوی در ارتباط با تعهدات کلی کشورها، اعضاء موظف هستند که روش‌های اجرایی را که اتخاذ اقدام قانونی موثر برعلیه هرگونه عمل ناقص حقوق مالکیت معنوی را میسر سازد در قوانین خود پیش‌بینی نمایند. تعهدات کشورها حداقل تعهداتی است که اجباری است ولی آن‌ها می‌توانند تعهدات بیشتری را نیز پذیرا باشند. بنابراین آن چه مراد

^۱ - بند (۱) و (۲) ماده ۴۱ و ماده ۴۲ موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت فکری و معنوی () .

^۲ - الزامات خاص مربوط به اقدام در مرزها، بخش چهارم موافقت‌نامه TRIPS

و منظور است اتخاذ تدابیر قانونی موثر توسط کشورهای عضو در قبال نقض حقوق مالکیت فکری یا معنوی است. برای این اقدام قانونی موثر دو ویژگی در ماده ۴۱ عنوان شده است اول رعایت سرعت در رسیدگی و تعیین جبران ها با هدف ممانعت از نقض حقوق و دوم اقدامات جبرانی باید جنبه بازدارندگی داشته و از نقض بیشتر این حقوق جلوگیری نماید.

۴- همانطور که از عنوان بخش چهارم موافقت نامه پیدا است اتخاذ این اقدامات برای جلوگیری از ورود کالاهای ناقص حق به داخل کشورهای عضو است. بنابراین چون بنا به تعریف این کالاها در خارج از کشور اعمال کننده مقررات مرزی تولید شده است، مبارزه با تولید این کالاها در داخل کشورها از طریق اعمال مقررات بخش چهارم مورد نظر نیست. مگر این که کالاهای تقلبی کشف شده ابتدا صادر و سپس دوباره وارد کشور گردد. که تحقق این فرض بعید به نظر می رسد به علاوه به فرض وقوع باز هم مبارزه با تولید داخلی به صورت مستقیم صورت نمی پذیرد.

۵- تدابیر فوق ناظر به اقدامات مربوط به مبارزه با نقض حقوق پس از ترخیص کالا از گمرگ و قبل یا بعد از ورود به کانال های تجاری نمی گردد، و در این موارد بایستی در سایر مقررات اجرا در موافقت نامه TRIPS استفاده نمود.

۶- این اقدامات عمدتاً مربوط به کالاهای دارای علائم تجاری تقلبی و کپی رایت سرقتی است که تعهدآور و الزامی است،^۱ هر چند که به موجب مقررات این بخش کشورها مجاز هستند که در مورد تجاوز به سایر حقوق مالکیت فکری و مالکیت صنعتی از جمله اختراعات ثبت شده نیز تدابیر مشابهی را اتخاذ نمایند مشروط بر این که الزامات مربوطه را رعایت نمایند. به هر حال اقدام کشورها فراتر از دو مورد فوق اختیاری است. علت قائل شدن تفاوت بین دو دسته از حقوق مالکیت فکری در تدابیر مرزی ملاحظات عملی مربوط به امکان اجرای این مقررات است.^۲ به این معنا که احراز این مطلب که یک علامت تجاری تقلبی است یا

^۱ - ماده ۵۱ موافقت نامه TRIPS

^۲ - Michael Kirk, Enforcement of Industrial Property Rights and Related Provisions Under The TRIPs, WIPO Asian Regional Round Table on The Strengthening of The Industrial Property System in view of Recent Interamational Development, 1996.

خیر و یا مشابه با یک علامت تجاری ثبت شده می‌باشد یا نه یا این موضوع که آیا بدون اجازه صاحب واقعی علامت مورد استعمال قرار گرفته است یا خیر تقریباً سهل و ساده است.

همچنین احراز این مطلب که واردات شامل کالای حاوی حق کپی‌برداری و یا کالای حاوی کپی‌رایت سرقتی است نیز چندان مشکل نیست در حالی که تشخیص این مطلب که آیا تجاوزی نسبت به حق صاحب اختراع صورت گرفته یا اسرار تجاری نقض شده به سادگی امکان‌پذیر نیست و مستلزم بررسی‌های زیاد و وقت‌گیر است^۱ که با طبیعت تعلیق ترخیص و کار گمرک سازگاری ندارد و به علاوه احراز این مسایل در توانایی مقامات گمرکی نیز قرار نداشته و با وظیفه گمرک نیز ملازمه ندارد زیرا تشخیص و تصمیم‌گیری درباره این مطالب در حیطه اختیارات مقامات قضائی است. مضافاً این که تسری این مقررات مرزی به انواع دیگر تجاوز به حقوق مالکیت فکری در صورتی که جامع‌الاطراف و حساب شده نباشد می‌تواند سبب سوء استفاده از مقررات اجرا در جریان تجارت آزاد کالاها و خدمات گردد که با اهداف سازمان جهانی تجارت مبنایت دارد.

۷- با عنایت به مطالب فوق و این موضوع که هدف اساسی ترتیبات مرزی عمدتاً جلوگیری از ورود کالاها با علایم تجاری تقلبی و کالاهای ناقص کپی‌رایت است و باید مصادیق کالاهای مزبور به دقت مشخص باشد لذا در زیرنویس شماره ۱۴ ماده ۵۱ که حاوی حکم کلی درباره اقدامات مرزی است این دو مورد به شرح زیر به دقت مشخص شده‌اند:

الف) کالاهای دارای علایم تجاری مجعول و تقلبی شامل هر نوع کالا یا بسته‌بندی کالا است که بدون مجوز دارای یک علامت تجاری مشابه ثبت شده و معتبر برای آن کالا باشد، یا این که علامت تجاری مجعول استعمال شده از لحاظ عناصر اصلی تشکیل دهنده شبیه علامت ثبت شده باشد و قابل تمایز در آن نباشد و به علاوه به موجب قانون کشور واردکننده نیز تجاوز به حقوق صاحب علامت تجاری محسوب گردد.

ب) کالاهای حاوی حق کپی‌برداری مسروقه عبارتند از کپی هر کالایی که بدون رضایت صاحب حق و یا هر شخص مجاز از طرف او در کشور تولیدکننده ساخته شده باشد. همچنین کالای مزبور شامل کپی

^۱- Ibidp

کالاهایی است که به صورت مستقیم و غیرمستقیم از چیزی ساخته شده باشند که ساخت آن کپی بر طبق قانون کشور واردکننده حق کپی برداری یا حقوق جانبی آن محسوب گردد.

۸- مقررات تدابیر ویژه مرزی طبق زیرنویس شماره ۱۲ ماده ۵۱ موافقتنامه جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت معنوی در مواردی که یک کشور عضو تمام کنترل‌های مربوط به جابجایی کالا در مرزهای خود را در قالب ترتیبات اتحادیه گمرکی^۱ با عضو دیگر به نحو قابل توجهی از میان بردارد قابل اعمال نیست و میل این امر واضح است زیرا سالبه به انتفاء موضوع است یعنی عملاً در حالت وجود یک اتحادیه گمرکی که یکی از مراحل ادغام اقتصادی به شمار می‌آید و در قالب آن موانع تعرفه‌ای فی‌ما بین اعضا برداشته می‌شود دیگر محملی برای دخالت گمرک وجود نخواهد داشت. بدیهی است همین مطالب درباره بازار مشترک و اتحادیه پولی و سیاسی که مراحل پیشرفته‌تر ادغام و همگرایی هستند نیز صادق است هر چند بالصرامه در موافقتنامه به آن اشاره نشده است چرا که در ترتیبات همگرایی اخیر عدم امکان اجرای مقررات حادث‌تر و شدیدتر است.

۹- مقررات موافقتنامه جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت فکری یا معنوی کشورهای عضو را در ارتباط با اتخاذ تدابیر مرزی در مورد صادرات^۲ و کالاهای ترانزیت متعهد^۳ نمی‌سازد. برخی این خلاء را نقیصه بزرگ در موافقتنامه قلمداد کرده‌اند و استدلال می‌نمایند که بدون لحاظ کردن ضوابط مرزی در خصوص کالاهای در حال ترانزیت و کالاهای صادراتی حمایت از حقوق مالکیت معنوی به صورت موثر انجام نخواهد گرفت. اینان برای مثال به تجربه اتحادیه اروپا که در آن اتحادیه مقامات گمرکی دارای اختیار تعلیق ترخیص کالاهای صادراتی یا کالاهای در حال ترانزیت تقلبی یا ناقص حق کپی برداری هستند استناد می‌نمایند که نشان می‌دهد که اکثر کالاهای ضبط شده توسط گمرک در آن اتحادیه کالاهای در حال

^۱ Customs Union یا اتحادیه گمرکی یکی از مراحل همگرایی است. در این ترتیبات کشورهای عضو موافقتنامه اتحادیه‌گیری توافق، می‌نمایند که موانع تعرفه‌ای فراروی نقل و انتقال کالا را کاهش یا حذف نمایند مراحل بعدی بازارمشترک و همگرایی پولی و همگرایی سیاسی است.

^۲ - مستنبط از قسمت اخیر ماده ۵۲ موافقتنامه TRIPS ولی به هر حال کشورها می‌توانند به صورت اختیاری صادرات کالاهای ناقص حقوق مالکیت معنوی را به حال تعلیق درآورند.

^۳ - زیرنویس شماره ۱۳ ماده ۵۱ موافقتنامه TRIPS.

ترانزیت هستند.^۱ با توجه به همین استدلال است که برخی از اعضاء این کالاها را هم مشمول اقدامات مرزی قرار داده‌اند زیرا موافقت‌نامه منعی را در این خصوص ایجاد نکرده ولی آن را اجباری ننموده است بنابراین بر طبق موافقت‌نامه الزامی برای کشورها در این باره وجود ندارد و هر کشوری می‌تواند بنا بر مقتضیات سیاسی و اقتصادی و اداری خود در این باره تصمیم‌گیری نماید. کما این که برخی از کشورها مقرراتی را در این زمینه اجرا می‌نمایند.

۱۰- به موجب زیرنویس شماره ۱۳ موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت فکری ورود موازی کالا از کشور دیگر به وسیله صاحب حق یا شخص مجاز از طرف وی مشمول مقررات تدابیر خاص مرزی (مواد ۵۱ تا ۶۰ موافقت‌نامه) نمی‌باشد. واردکردن موازی عبارتست از واردات یک محصول واجد حقوق مالکیت فکری از کشور دیگری که آن محصول به صورت قانونی از طرف مالک آن حق و یا با اجازه او به بازار آن کشور عرضه شده باشد. نتیجه چنین اقدامی این است که این چنین وارداتی با کالاهای مشابه تولید و توزیع شده در بازار داخلی که آن هم با اجازه صاحب حق صورت می‌پذیرد رقابت می‌نماید و این حالت زمانی اتفاق می‌افتد که بتوان کالاهای مورد بحث را به دلایل مختلف و از جمله وجود مزیت در نیروی کار یا هزینه و یا سایر عوامل تولید ارزانتر از آن چه در بازار داخلی است از کشور دیگر وارد نمود. واردات موازی و مبارزه یا عدم مبارزه با آن یک موضوع بحث انگیز است و نظام‌های حقوقی مختلف مواضع یکسانی در قبال آن ندارند. طرفداران اصل رقابت و افزایش رفاه مصرف‌کننده با آن موافق هستند چرا که رقابت باعث کاهش قیمت و بالا رفتن کیفیت می‌شود که نفع مصرف‌کننده را در پی دارد. مخالفین می‌گویند که این نحوه عمل با اساس فکر حمایت از حقوق مالکیت فکری سازگاری ندارد زیرا اعتلای خلاقیت و نوآوری را تشویق نمی‌نماید. به هر حال نه در موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت فکری و نه در معاهده کپی‌رایت سازمان جهانی مالکیت معنوی این نوع واردات منع نشده است.^۲

^۱ - Patrick Smith, The Role of The Judiciary in the Enforcement of Intellectual Property Rights, WIPO/ PR/ PM/ THR/ 98/8, 1998.

^۲ - سیف‌اله صادقی یارنندی، مسعود طارم سري، فرهنگ توصیفی اصطلاحات تجارت بین‌الملل و سازمان جهانی تجارت، (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۵)، ص ۳۰۸.

۱۱- اقدامات و تدابیر خاص مرزی جزء یک موضوع کلی تر مقررات مربوط به اجرا در موافقتنامه جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی است. مقررات اجرا و از جمله تدابیر مرزی هر چند کامل نیست ولی یک گام اولیه بسیار مهمی در حمایت از حقوق مالکیت فکری به شمار می‌آید زیرا تدوین یک سری تعهدات در حال و هوای بین‌المللی و با وجود رعایت اصل مالکیت در هر کشور که بتواند هم در کشورهای دارای نظام حقوقی عرفی (Common LAW) و هم در کشورهای دارای نظام حقوق مدون کاربرد داشته باشد کار ساده‌ای نیست. نکته حایز اهمیت دیگر این است که در این موافقت به صرف ذکر تعهدات اکتفا نشده و با ایجاد مکانیسم حل و فصل اختلافات و ارتباط برقرار شده در ماده ۶۴ موافقتنامه مواد ۲۲ و ۲۳ گات وضعیت کشورهایی که از زیر بار اجرای مقررات موافقتنامه طفره روند مشخص شده است.^۱ در بند ۱ ماده مزبور آمده است که مقررات مواد ۲۲ و ۲۳ گات ۱۹۹۴ آن گونه که در تفاهم نامه حل اختلافات تنظیم و اعمال شده است در مورد مشورت‌ها و حل اختلافات ناشی از موافقتنامه حاضر (موافقتنامه TRIPS) جز در مواردی که در این سند به طرز دیگری مقرر شده باشد قابل اجرا خواهد بود. مطالبه، با این ارتباط برقرار شده بین موافقتنامه و موضوع مکانیسم حل و فصل اختلافات این نتیجه عاید می‌شود که اولاً کشورها متعهد هستند که جنبه‌های الزام‌آور موافقتنامه را در قوانین خود پیش‌بینی نمایند و ثانیاً آن قوانین را اجرا سازند. عدم اجرای هر دو مورد موجب طرح موضوع از طرف ذینفعان در رکن حل اختلاف خواهد شد پس در این موافقتنامه هم الزام به پیش‌بینی مقررات اجرا در قوانین ملی کشورهای عضو مطرح شده و هم لزوم اجرای تدابیر مزبور.

۱۲- در بند ۱ فوق‌الاشعار به تعهدات کلی مندرج در ماده ۴۱ درباره اجرا که الزامات و تدابیر مرزی هم جزء آن است اشاره شد و خاطرنشان گردید که اقدامات جبرانی باید با سرعت انجام پذیرد زیرا روش‌های اجرایی نبایستی با تاخیرهای غیرموجه همراه باشد. منظور این است که زمان برای تمهید مقدمات آغاز دعوی، مجازات ناقض حقوق و تحصیل حکم جبران خسارت و صدور حکم کیفری نبایستی طولانی باشد قسمتی از این تعهدات درباره اقدامات مرزی نیز صادق است.

^۱ ۱۹۹۶- MICHAEL KIRK, پیشین.

۱۳- روش‌های اجرایی در حد غیر لزوم پیچیده و هزینه بر باشد. اهمیت این تعهد واضح است زیرا هزینه زیاد می‌تواند مانع از طرح دعوا شود که خود نقص غرض بوده و نقص حقوق مالکیت معنوی را بدون پاسخ می‌گذارد و مشوقی است برای تجاوزهای بعدی (بند ۲ ماده ۴۱ موافقت‌نامه)

۱۴- روش‌ها نباید دارای مهلت‌های غیر معقول یا تاخیرهای غیرموجه باشد. (بند ۲ ماده ۴۱ موافقت‌نامه)

۱۵- طرف‌های درگیر باید از این حق برخوردار باشند که بتوانند نسبت به تصمیمات اداری و دادگاه‌ها تقاضای تجدید نظر نمایند. (بند ۲ ماده ۴۱ موافقت‌نامه)

۱۶- مقررات نباید به نحوی باشد که جریان آزاد تجارت مشروع را مختل نماید. (بند ۲ ماده ۴۱ موافقت‌نامه)

۱۷- برای جلوگیری از سوء استفاده از مقررات و به ضرر واردکننده تضمین‌های خاص باید در نظر گرفته شود. (این قسمت به تفصیل در پی خواهد آمد)

۱۸- به موجب بند ۵ ماده ۴۱ موافقت‌نامه اعضا متعهد نمی‌شوند که در خصوص اجرای حقوق مالکیت معنوی که تدابیر مرزی نیز جزء آن است یک سیستم قضائی خاص و متمایز در نظام اجرای قوانین به طور عام را به وجود آورند.

پس از ذکر ملاحظات کلی فوق ساختار بقیه مطالب این فصل به شرح زیر عرضه می‌گردد:

با توجه به عنوان تحقیق یعنی ضرورت تبیین نقش گمرک پس از الحاق به سازمان جهانی تجارت و این که ده ماده از موافقت‌نامه TRIPS به تدابیر مرزی و همکاری‌های گمرکی اختصاص یافته و این خود به دلیل اهمیتی است که موافقت‌نامه برای گمرک قایل است لذا در بخش نخست به این سؤال پاسخ داده خواهد شد که آیا به موجب موافقت‌نامه نقش گمرک در اعمال قواعد خاص مرزی به صورت مستقیم اجرا می‌گردد و یا این که به صورت غیرمستقیم. به عبارت دیگر مشخص خواهد شد که صاحب حق می‌تواند مستقیماً به ادارات گمرک مراجعه و خواستار تعلیق ترخیص و اقدامات بعدی شود و یا انجام این کار بایستی تنها از طرف مقامات دیگر به گمرک احاله شود و در ادامه از آن جایی که هرگونه اقدام از طرف صاحب حق

مستلزم رعایت تشریفات و تسلیم تقاضانامه می‌باشد لذا در بخش دوم باین موضوع و الزامات مربوطه در این خصوص پرداخته می‌شود.

در بخش سوم الزامات مربوط به دوره یا مدت تعلیق مطرح خواهد شد. در بخش چهارم به موضوع اخذ تامین از صاحب حق که به منظور جلوگیری از سوء استفاده احتمالی از مقررات به وسیله مدعی و بر ضرر مدعی علیه یا واردکننده وضع شده می‌پردازیم در این بخش همچنین موارد اخذ تضمین و تامین از مدعی علیه نیز تبیین خواهد شد. در بخش پنجم موضوع حق بازرسی و دسترسی به اطلاعات بررسی خواهد شد. در بخش ششم باین پرسش پاسخ داده می‌شود که آیا غیر از افراد ذینفع، مقامات و از جمله گمرک نیز می‌تواند باعتبار سمت خود اقدام نمایند یا خیر. در بخش هفتم موضوع واردات قابل اغماض بررسی خواهد شد و بالاخره، در بخش پایانی، اقدامات جبرانی اشاره شده و وضع کالاهای ناقص حقوق توقیف شده و انهدام آن‌ها از منظر این موافقت‌نامه بیان خواهد شد.

الف- جایگاه کلی گمرک در ترتیبات خاص مرزی از منظر موافقت‌نامه تریپس

هر چند به موجب مواد بخش چهارم موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت فکری تحت عنوان الزامات خاص مربوط به اقدام در مرزها، وظایف اجرای این ترتیبات به عهده گمرک واگذار شده ولی به موجب این مقررات مگر در موارد استثنایی و آن هم براساس تفسیر موسع از این مقررات، اقدامات گمرک راساً نمی‌تواند صورت‌پذیرد مگر از طریق مقامات ذیصلاح اداری یا قضائی. ماده ۵۱ در ارتباط با تعلیق ترخیص توسط مقامات گمرکی چنین می‌گوید "اعضاء طبق مقررات مذکور در ذیل می‌توانند رویه‌هایی اختیار کنند تا دارنده حق را قادر سازند که در صورت داشتن دلایل معتبر در مورد وجود این ظن که کالاهای دارای علامت تجاری تقلبی یا کالاهای دارای حق کپی‌برداری مسروقه ممکن است وارد شوند درخواست کتبی به مقامات ذیصلاح اعم از اداری یا قضائی در مورد تعلیق ترخیص و جریان آزاد کالاهای مزبور توسط مقامات گمرکی تسلیم نمایند. همانطور که ملاحظه می‌شود به موجب نص صریح این ماده، خود گمرک نمی‌تواند راساً وارد عمل شود مگر این که با تفسیر موسع از این ماده گمرک را نیز یک مرجع اداری تلقی نماییم.

در کنوانسیون پاریس^۱ نیز وضع به همین منوال است بند ۱ ماده ۹ کنوانسیون می‌گوید هر محصولی که دارای علامت صنعتی یا تجارتي و یا نام تجارتي غير قانونی باشد هنگام ورود به کشورهای اتحادیه که در آن کشورها این علامت یا این نام تجارتي از حمایت قانونی برخوردار می‌باشد توقیف خواهد شد و در بند ۳ این ماده آمده است که توقیف خواه برحسب تقاضای کتبی دادسرا، خواه به موجب درخواست هر مقام صالح دیگر خواه به تقاضای شخص ذینفع اعم از حقیقی یا حقوقی طبق قوانین داخلی هر کشور صورت می‌گیرد. همانطور که ملاحظه می‌شود در این کنوانسیون نیز نامی از گمرک برده نشده است. هر چند به مقام صالح دیگر در عرض دادسرا اشاره شده است.

در قوانین فعلی ایران نیز چنانکه در فصل مربوط به تفصیل خواهیم دید این دیدگاه ملحوظ نظر قرار گرفته است. ماده ۶۳ آیین‌نامه اصلاحی اجرای قانون ثبت علائم تجارتي و اختراعات می‌گوید "مالک هر علامت تجارتي و همچنین صاحب هر ورقه اختراع و یا قائم مقام قانونی آن‌ها می‌توانند به موجب امر نزدیکترین دادگاه بخش محکمه‌ای که محصولات مورد ادعا در آن محل است صورت مشروحي از محصولات که بادعای آن‌ها یا حق حاصل از علامت تجارتي و یا اختراع آن‌ها مخالف است بردارند. اجرای امر فوق در صورتی که محصولات هنوز در گمرک باشد به وسیله مأمورین گمرکی والا به وسیله مأمور اجرا به محل خواهد آمد. توقیف محصولات مزبور وقتی ممکن است که امر دادگاه تصریح به آن داشته باشد. امر دادگاه در هر یک از دو صورت فوق بنابر درخواست مالک علامت یا صاحب ورقه اختراع و یا قائم مقام قانونی آنان صادر می‌گردد".

با این همه باید گفت که صرف نظر از بحث فوق به نظر می‌رسد در صورتی که برای گمرک نقش مستقیم قایل شویم این امر مبانی با موافقت‌نامه نداشته باشد. چرا که اولاً هدف موافقت‌نامه حمایت از حقوق است و آن چه برای موافقت‌نامه موضوعیت دارد نیل به حمایت است و طریقه رسیدن به این هدف جنبه طریقییت دارد که می‌تواند راه‌های سفارشی باشد و خاصه این که در تجربه و تحلیل نهائی این گمرک است که باید اقدامات مرزی را انجام دهد. بنابراین بهتر است این کار را بلاواسطه انجام دهد. ثانیاً همانطور

^۱- Paris convention for The Protection of Industrial Property

که قبلاً هم اشاره شد ماده ۵۱ موافقت‌نامه مقامات اداری را نیز صالح برای دریافت درخواست کتبی در مورد تعلیق ترخیص تشخیص داده است و می‌توان گمرک را نیز یک مقام صالح اداری دانست. خاصه این که در هیچ کجای موافقت‌نامه نمی‌توان مطلبی را یافت که دال بر خروج گمرک از دایره مقام صالح اداری باشد. ثالثاً نتایج مطالعات تطبیقی در این تحقیق نیز این موضوع را تأیید می‌نماید. زیرا بسیاری از کشورهای مورد مطالعه برای گمرک نقش مستقیم و بلاواسطه را قایل شده‌اند. رابعاً همانطور که در بخش مربوط به انجام اقدامات باعتبار سمت نیز خواهد آمد برخی از نویسندگان^۱ برای گمرک نقش مستقیم قایل شده‌اند زیرا هیچ مقامی بهتر از گمرک نمی‌تواند چنین اقداماتی را اتخاذ نماید و بالاخره در مقررات مدل برای قانون‌گذاری ملی برای اجرای تدابیر مرزی منصفانه و موثر سازگار با موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت معنوی که توسط سازمان جهانی گمرک تهیه و به کشورهای عضو برای الگو برداری توصیه شده است^۲ نیز پیشنهاد شده است که تقاضانامه برای اجرای تدابیر مرزی مستقیماً به گمرک تسلیم شود تا این مرجع نسبت به تعلیق یا ترخیص تصمیم‌گیری نماید. صرف‌نظر از دلایل فوق. از بعد عملی نیز می‌توان دلایل زیر را برله اتحاد چنین رویه‌ای ارائه داد:

- ۱- تسلیم تقاضا مستقیماً به گمرک از کاغذ بازی و تشریفات بی‌مورد می‌کاهد.
 - ۲- این اقدام سبب می‌گردد که از بار سنگین کارهای دادگاه‌ها کاسته شود و به امر قضا زدائی کمک شود.
 - ۳- این روش اتخاذ اقدام موثر و فوری را تسهیل می‌نماید و در وقت و نیرو صرفه‌جویی خواهد شد.
- با توجه به مراتب فوق می‌توان گفت که :
- الف) هر چند به موجب موافقت‌نامه صراحتاً باید تقاضا به مقامات قضائی و اداری تسلیم شود که آن‌ها موضوع را به گمرک ارجاع دهند ولی عدول از این رویه نیز امکان‌پذیر است و به موافقت‌نامه لطمه‌ای وارد

¹- Michael kirk 1996, Enforcement of Industrial Property Rights and Related Provisions Under The TRIPs Agreement, WIPO Asian Regional Round Table on The Strengthening of The Industrial Property system.

²- Model Provisions for National Legislation to Implement Fair and Effective Border Measures Consistent With The Agreement of Trade related Aspects of Intellectual Property Rights, World Customs Organization .

نمی‌سازد و تجربه برخی از کشورها نیز این موضع را تایید می‌نماید. بنابراین اتخاذ تصمیم در این باره صرفاً به عهده کشورها است.

ب) اما در اتخاذ تصمیم راجع به این موضوع کشورهای آزادی عمل دارند و بسته به غالب بودن فکر قضازدائی و الزامات نظام حقوقی و قانونی کشور خود و آمادگی گمرک برای تقبل مستقیم انجام اقدامات و ملاحظات مربوط به فسادپذیری گمرک در کشورها این کشورها آزادی عمل دارند تا تصمیم مقتضی را اتخاذ نمایند که البته در این تصمیم بایستی ملاحظات سیاستگذاری و ملاحظات قانون اساسی کشورها نیز لحاظ گردد.

ب- تقاضای رسیدگی و الزامات اسنادی

همانطور که قبلاً اشاره شد هر صاحب حقی که خواستار انجام تدابیر مرزی در خصوص تعلیق ترخیص کالاهای تقلبی به وسیله مقامات گمرکی است باید طبق ماده ۵۱ موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت معنوی درخواست کتبی را به مقامات ذیصلاح اعم از اداری یا قضائی تسلیم نماید. تعلیق ترخیص در ارتباط با نقض حقوق صاحب علامت تجاری و کپی‌رایت را کشورهای عضو ملزم هستند که در قوانین خود پیش‌بینی نمایند ولی درباره سایر موارد نقض حقوق مالکیت فکری این تعهد وجود ندارد و اتخاذ تدابیر برای مبارزه با نقض این حقوق در مرزها اختیاری است.

با تقاضا نامه مورد بحث باید دلایل کافی همراه باشد. این دلایل و مدارک بایستی مقامات را مجاب سازد که متقاضی صاحب حق یا قایم مقام قانونی اوست و به علاوه به موجب قانون کشور واردکننده نقض و تجاوز نسبت به حقوق مالکیت فکری او صورت پذیرفته است. نکته‌ای که در این جا قابل ذکر است این است که در ماده ۵۲ موافقت‌نامه آمده است که این دلایل بایستی ظاهر در اثبات نقض باشند. بنابراین دلایل و شواهد اولیه و موجه نما کافی است. به علاوه مدعی تعلیق ترخیص بایستی توصیف کافی را از کالاهای ناقص حقوق ارائه دهد تا مقامات گمرکی بتوانند به راحتی آن‌ها را تشخیص دهند. با توجه به این که طبیعت کار سرعت را طلب می‌نماید لذا این ماده مقامات صلاحیتدار را که به آن‌ها تقاضا تسلیم شده، ملزم می‌نماید که

ظرف یک مدت زمان معقولی نظر خود را درباره قبول یا رد تقاضا اعلام و مشخص نمایند که گمرک از چه زمانی اقدامات لازم را به عمل خواهد آورد و از آن جا که قاعدتاً مدعی یا صاحب حق و مدعی علیه یا واردکننده باید از تصمیم متخذ مطلع باشند لذا در ماده ۵۴ آمده است که در صورتی که نظر مقامات گمرکی بر تعلیق ترخیص کالاهای ناقص حق قرار گیرد، مقامات ملزم هستند که اطلاعیه تعلیق ترخیص را فوراً به واردکننده (مدعی علیه) و صاحب حق (مدعی) اعلام نمایند.

ج- دوره یا مدت تعلیق

با عنایت باین مطلب که تعلیق ترخیص هدف غائی و نهایی نیست و مقدمه‌ای است برای رسیدگی‌های بعدی و ممکن است پس از تعلیق و قبل از رسیدگی ماهوی صاحب حق از تعقیب موضوع خودداری نماید و این امر موجبات ضرر و زیان واردکننده را فراهم آورد، لذا علاوه بر موضوع سپردن وثیقه یا تضمین که بعداً به آن خواهیم پرداخت، ماده ۵۵ موافقت‌نامه جزئیات تفضیلی نیز را درباره مواعیدی که باید برای طرح دعوا رعایت شود مقرر نموده است. در این ارتباط دو موضوع زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- وضعیت تعلیق قبل از آغاز رسیدگی ماهوی

۲- وضعیت تعلیق پس از آغاز رسیدگی ماهوی

در ارتباط با موضوع نخست یعنی وضعیت تعلیق قبل از آغاز رسیدگی ماهوی در موافقت‌نامه سه حالت پیش‌بینی شده است:

الف) در صورتی که طرف مدت ۱۰ روز کاری از تاریخ ابلاغ اعلامیه تعلیق به متقاضی یا صاحب حق مدعی نقض حق، تعقیب موضوع درباره رسیدگی ماهوی از طرف وی به مقامات گمرکی اعلام نشود، مقامات گمرکی تعلیق را خاتمه داده و کالاهای مورد تعلیق را ترخیص خواهند نمود. البته مشروط بر این که سایر شرایط مربوط به ورود یا صدور بسته به الزامات قانون ملی رعایت شده باشد.

ب) مقررات مندرج در بند الف فوق شامل مواردی که خود مقامات صلاحیتدار دوره تعلیق را گسترش داده باشند نمی‌گردد.

ج) مقامات صلاحیتدار می‌توانند در موارد مقتضی مدت تعلیق را ده روز کاری دیگر تمدید نمایند.

وضعیت تعلیق پس از آغاز رسیدگی ماهوی

اگر چنان چه رسیدگی‌هایی که می‌توانند منجر به اتخاذ تصمیم درباره ماهیت دعوا شود آغاز شده باشد، مدعی علیه می‌تواند درخواست نماید که یک بررسی و از جمله استماع نظرات وی صورت پذیرد. نتیجه این اقدام می‌تواند به تصمیم‌گیری در ظرف یک مدت معقول درباره تعدیل، نقض و یا تأیید اقدامات پیشگیرانه قبلی منجر شود.

د- سپردن تضمین یا تامین از طرف مدعی و مدعی علیه

با در نظر گرفتن این موضوع که ممکن است صاحب حق عالماً و یا سهواً از مقررات به نفع خود و به ضرر مدعی علیه سوء استفاده نماید و نتواند ادعای خود را به اثبات برساند و از این راه موجبات ضرر و زیان مدعی علیه را فراهم آورد و به علاوه باعث اتلاف وقت و تحمل هزینه‌های اداری برای مقامات صلاحیتدار گردد لذا در ماده ۵۳ این موافقت‌نامه برای احتراز از این موضوع و امکان جبران خسارات وارده، به ذینفعان به مقامات صلاحیتدار حق داده شده است که از مدعی یا صاحب حق که آغازکننده دعوا است درخواست نمایند که تضمین‌های کافی را در قبال سوء استفاده احتمالی از مقررات و عدم اثبات ادعا ارائه دهد. البته مبلغ این تضمین و تامین باید متناسب با دعوا باشد و نبایستی به اندازه‌ای زیاد باشد که به لسان موافقت‌نامه به طور غیر معقولی توسل مدعی را به دادخواهی متعسر سازد. زیرا این امر صرف نظر از بالا بردن هزینه دادرسی در جریان تجارت آزاد نیز خلل و خدشه وارد می‌سازد. همچنین از آنجا که در هر اقدام قانونی بایستی بین اقدامات مربوط به حفظ حقوق طرفین دعوا توازن و تعادل ولو نسبی برقرار باشد لذا در ماده ۵۳ موافقت‌نامه مقرراتی نیز دایر به سپردن تضمین به نفع صاحب حق آورده شده است ولی از آن جایی که طبیعت منافع صاحب حق با منافع مدعی علیه متفاوت است لذا سپردن تضمین به نفع صاحب حق به صورت اطلاق نیست بلکه مشروط به وجود شرایطی است که ذیلاً به آن‌ها اشاره می‌گردد:

الف) سپردن تضمین از طرف مدعی علیه فقط زمانی مصداق پیدا می‌نماید که کالاهای مورد تعلیق از تعلیق آزاد و ترخیص شده باشند.

ب) زمانی سپردن چنین وثیقه‌ای مصداق پیدا می‌کند که کالاهای ناقض حقوق مالکیت معنوی در ارتباط با طرح‌های صنعتی، اختراعات، طرح‌های ساخت یا اطلاعات محرمانه به موجب تقاضانامه موضوع این مقررات به وسیله مقامات گمرکی و براساس تصمیم مقامات غیرقضائی تعلیق ترخیص شده باشند. در چنین حالتی اگر مهلت‌های مقرر در ماده ۵۵ منقصری شده و تصمیم موقتی از طرف مقام صلاحیتدار اتخاذ نشده باشد و در صورتی که سایر شرایط لازم برای واردات رعایت شده باشد، در آن صورت مالک کالا یا واردکننده یا حمل‌کننده این کالاها می‌توانند با تودیع تضمینی که کافی برای حمایت از صاحب حق در قبال هرگونه تجاوز باشد کالاها را آزاد و ترخیص نماید. البته پرداخت تضمین فوق به سایر موارد جبران خسارت‌ها در حق صاحب حق لطمه‌ای وارد نخواهد ساخت.

ج) تضمین فوق دایمی نیست و در صورتی که ظرف مدت زمان معقولی صاحب حق از اتخاذ اقدام قانونی خودداری نماید مبلغ این تضمین نیز مسترد خواهد شد.

هـ- حق بازرسی و دسترسی به اطلاعات

برای رعایت اصل شفافیت^۱ در رسیدگی‌ها که یکی از اصول حاکم بر مقررات در سازمان جهانی تجارت، است ماده ۵۷ موافقت نامه مقرر می‌دارد که هم صاحب حق و هم مدعی علیه یا واردکننده کالاهائی که نقض حقوق مالکیت معنوی در مورد آنها مورد ادعا است حق دارند که از فرصت بازرسی کالاهای توقیف شده بهره‌مند باشند. صرف نظر از لزوم رعایت شفافیت در رسیدگی‌ها دلایل این امر در ارتباط با صاحب حق و مدعی علیه متفاوت است ولی در هر دو صورت بایستی الزامات مربوط به حفظ اطلاعات محرمانه و اسرار تجاری رعایت گردد: از نظر منافع صاحب حق در این ماده از کشورهای عضو خواسته شده است که به مقامات صلاحیتدار این اختیار را اعطاء نمایند که به صاحب حق فرصت کافی را بدهند که از کالاهای توقیف شده به وسیله گمرک بازرسی نماید تا بتواند دلایل مربوطه را جمع‌آوری و ادعای خود را به اثبات برساند.

^۱- Transparency

زیرا با رویه این کالاها و وقوف به کم و کیف آن‌ها ادعای او با سهولت بیشتری قابل اثبات می‌گردد. در همین راستا و به موجب این ماده مقامات صلاحیتدار دارای این اختیار نیز می‌باشند که نام و نشانی مدعی علیه و اطلاعات مربوط به مقدار کالاهای توقیف شده را در اختیار صاحب حق یا مدعی قرار دهند. از طرف دیگر از نظر واردکننده و رعایت حقوق او زمانی به وی اجازه بازدید داده می‌شود که رای و تصمیم اولیه‌ای دایر به نقض حقوق صادر شده باشد. دلیل این امر هم واضح است زیرا با بازدید از کالاها و اطلاعات از دلایل ارائه شده از طرف مدعی واردکننده یا مدعی علیه او بهتر خواهد توانست در مقام دفاع از خود برآید.

و- اتخاذ اقدام قانونی به وسیله مقامات به اعتبار سمت خود

همانطور که قبلاً ذکر شد هر چند در ماده ۵۱ موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت فکری آغاز تدابیر مرزی منوط به این است که تقاضا نامه از طرف صاحب حق به مقامات قضائی یا اداری تسلیم گردد ولی در این موافقت نامه انجام اقدامات مرزی صرفاً منوط به اقامه دعوا از طرف صاحب حق نشده است بلکه به موجب ماده ۵۸ مقامات صلاحیتدار نیز می‌توانند به ابتکار خود تعلیق کالاهای ناقض حقوق مالکیت فکری را انجام دهند. هر چند در این ماده به صراحت نیامده است که منظور از مقامات صلاحیتدار مقامات گمرکی است ولی از آن جا که تعلیق ترخیص با اعتبار سمت قاعداً می‌تواند به وسیله مقامات گمرکی که در جریان امر هستند انجام پذیرد و این گمرک است که می‌تواند عمل فیزیکی را تعلیق ترخیص را انجام دهد و نه مقام دیگر لذا می‌توان این مورد را یکی از موارد اقدام مستقیم و بلاواسطه گمرک تلقی نمود.

البته این اقدام مقامات گمرکی مشروط به رعایت شروط زیر است:

- ۱- دلایل اولیه و ظاهر در نقض حقوق مالکیت فکری وجود داشته باشد.
- ۲- صاحب حق و واردکننده باید فوراً از تعلیق مطلع شوند.
- ۳- واردکننده دارای این حق باید بتواند تقاضای بررسی مجدد که نتیجه آن می‌تواند تعدیل، نقض، و یا تأیید تعلیق باشد را به عمل آورد.

۴- در این راستا لازم به ذکر است که مقامات می‌توانند هر موقع که صلاح بدانند از صاحب حق هرگونه اطلاعی را که برای اجرای وظایف آن‌ها مفید و ضروری باشد درخواست نمایند.

نکته دیگری که در این باره باید به آن اشاره شود نحوه برخورد با مسئولیت مقاماتی که است که باعتبار سمت خود تعلیق ترخیص را انجام می‌دهند. به موجب بند ج ماده ۵۸ موافقت‌نامه این مقامات در صورت عدم اثبات نقض حقوق مالکیت فکری متعهد به جبران خسارت نمی‌باشند مگر این که ثابت شود اقدامات آنان از روی حسن نیت انجام پذیرفته است. به عبارت دیگر اگر اقدامات از روی حسن نیت نبوده و به واردکننده خسارتی وارد شود این مقامات ضامن خواهند بود. در غیر این صورت خیر. همانطور که ملاحظه می‌شود بین موادی که تعلیق باعتبار سمت صورت می‌گیرد و مواردی که این کار برحسب تقاضای صاحب حق محقق می‌یابد از لحاظ مسئولیت تفاوت‌های اساسی وجود دارد.

ز- جبران‌ها

در موافقت‌نامه از کشورهای عضو خواسته شده است که در صورت اثبات نقض حقوق مالکیت فکری در حد و حدود مواد ۵۱ تا ۶۰ موافقت‌نامه نسبت به صدور دستور برای دفع^۱ یا انهدام کالاهای نافض آن حقوق اقدام نمایند. باین مطلب به تفصیل در ماده ۵۹ موافقت‌نامه پرداخته شده است. در اجرای مفاد این ماده نکات زیر بایستی نصب العین و ملحوظ باشد:

۱- اقدامات موضوع این ماده به سایر اقداماتی که صاحب حق می‌تواند به آن‌ها متوسل شود لطمه و صدمه‌ای وارد نمی‌سازد.

۲- مدعی علیه یا وارد کننده از حق پژوهش خواهی و رسیدگی مجدد توسط مقامات قضائی بهره‌مند است.

۳- در صورتی که موضوع نقض حقوق مالکیت فکری علامت تجاری مجعول و تقلبی باشد، مقامات صلاحیتدار صادرات مجدد کالاهای ناقص حق را بدون انجام تغییرات اساسی در آن اجازه نخواهند داد.

^۱- Disposal

۴- در مورد دفع این کالاها این امر باید خارج از کانال‌های تجاری و به نحوی صورت پذیرد که خدشه‌ای به حقوق صاحب حق وارد نسازد.

۵- زمانی انهدام کالاهای ناقض حق امکان پذیر است که دفع آن به نحو مذکور مخالف قانون اساسی کشور واردکننده نباشد.

۶- در صورت دفع یا انهدام کالاهای ناقض حقوق مالکیت فکری ما به ازائی به واردکننده تعلق نمی‌گیرد و واردکننده مستحق جبران ضرر و زیان وارده به خود از این بابت نمی‌باشد.

۷- در مورد علامت تجاری مجعول صرف رفع و برداشتن علامت مزبور مجوز ورود تلقی نمی‌گردد و نمی‌توان با برداشتن علامت مجعول از روی کالاها آن را ترخیص و وارد در کانال‌های تجاری نمود مگر در موارد فوق‌العاده استثنایی.

ح- مقررات مربوط به واردات در حد ناچیز و قابل اغماض

به موجب موافقت‌نامه کشورهای عضو مجاز شناخته شده‌اند که تدابیر خاص مرزی را در خصوص کالاهای ناقض حقوق مالکیت فکری که واردات آن‌ها در حد زیاد نبوده و دارای ماهیت تجارتی نباشند و همراه با وسایل شخصی مسافر وارد شوند و یا به صورت محموله کوچک ارسال شده باشند اجرا ننمایند دلیل این امر هم واضح است زیرا این قبیل واردات خارج از کانال تجاری انجام می‌پذیرد و بالطبع از لحاظ حقوقی مشمول جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری که عنوان موافقت‌نامه را تشکیل می‌دهد نمی‌گردد.

فصل دوم: بررسی وضعیت تدابیر مرزی در معاهدات تحت اداره سازمان جهانی

مالکیت فکری

همانطور که قبلاً اشاره گردید آغاز برخورد جدی با مساله اجرای حقوق مالکیت فکری به طور کلی به مذاکرات دور اوروگوئه و تصویب موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری برمی‌گردد ولی درعین

حال بایستی گفت که قبلاً نیز در معاهدات مختلف تحت اداره سازمان جهانی مالکیت فکری^۱ باین موضوع اشاراتی شده که البته از لحاظ وسعت و درجه تاثیر و پرداختن به جزئیات در حد موافقت‌نامه اخیر نیست.

با این همه باید گفت که پرداختن به این موضوع ولو به نحو اجمالی در این معاهدات دلیلی است بر این که موضوع اجرا و تدابیر مرزی و نقش گمرک همواره مورد نظر کشورهای طرفدار حمایت از حقوق مالکیت فکری بوده و به تدریج این فکر تا پایان دور مذاکرات اورگوئه دوره تکاملی خود را تا رسیدن به شکل فعلی خود طی کرده است. برای روشن شدن سابقه این موضوع و تبیین این که آیا در معاهدات قبل از موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت فکری نیز به تدابیر مرزی و بالاخص نقش گمرک اشاراتی شده است یا خیر در این فصل باین موضوع پرداخته می‌شود از نقطه نظر طبقه‌بندی، و مطلب از منظر انواع مختلف حقوق مالکیت فکری بررسی می‌شود. قبل از ورود به موضوع مقدماً اشاره می‌گردد که در تعدادی از معاهدات تحت اداره سازمان مزبور مقرراتی در ارتباط با توقیف برخی از کالاهای ناقض حقوق مالکیت فکری به هنگام ورود پیش‌بینی شده است:

الف- کپی‌رایت یا حق کپی‌برداری و تکثیر

کنوانسیون برن مقرر می‌دارد که ضبط آثار موسیقی موضوع بند (۱) و (۲) آن کنوانسیون و وارد کردن آن‌ها بدون اجازه طرف‌های ذینفع به کشوری که در آن جا این اقدامات ناقص حق ضبط آثار موسیقی محسوب می‌گردد ممنوع بوده و این آثار تقلبی می‌توانند توقیف گردند. همچنین ماده ۱۶ این کنوانسیون مقرر می‌دارد که اگر این نسخ ناقض حقوق از کشوری وارد شود که در آن این آثار مورد حمایت نباشند و یا حمایت قطع شده باشد باز هم آثار مزبور می‌تواند مشمول توقیف در هر یک از کشورهای عضو اتحادیه که در آن جا، اثر تحت حمایت قانونی است، قرار گیرند.

ب- حقوق مالکیت صنعتی

^۱ برای اطلاعات بیشتر درباره این سازمان رجوع شود به World Intellectual Property Organization (WIPO) در فرهنگ توصیفی اصطلاحات تجارت بین‌الملل و سازمان جهانی تجارت، صادقی یارن‌دی، مسعود طارم سري، ص ۲۳۰.

کنوانسیون پاریس برای حمایت از حقوق مالکیت صنعتی به طور کلی مقرر می‌دارد که جبران‌های مناسب قانونی باید در دسترس باشد تا این اطمینان حاصل گردد که تمام کالاهایی که دارای علامت تجاری یا اسم تجاری مجعول و تقلبی و غیر قانونی هستند یا کالاهایی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم دارای نشانه منبع جعلی یا هویت و مشخصات نادرست تولیدکننده، سازنده یا بازرگانان هستند، بهنگام ورود و یا داخل در کشورهای عضو کنوانسیون که در آن کشورها علامت‌ها و اسامی و نشانه‌ها مورد حمایت هستند توقیف خواهند شد. اما این توقیف باید بنا به تقاضای دادستان یا هر مقام صلاحیتدار دیگر یا هر شخص ذینفع خواه شخصیت حقیقی یا حقوقی و براساس قوانین داخلی هر کشور صورت پذیرد.

مستندات قانونی مطالب فوق برحسب انواع مختلف مالکیت صنعتی و شرح تفصیلی تر آن‌ها به شرح زیر است:

۱- علامت تجاری، اسم تجاری و غیره

بند (۱) ماده ۹ کنوانسیون پاریس مقرر می‌دارد که هر محصولی که دارای علامت صنعتی یا تجاری و یا نام غیرقانونی باشد هنگام ورود به کشورهای عضو کنوانسیون که در آن کشورها این علامت یا این نام تجاری از حمایت قانونی برخوردار است توقیف خواهد شد.

به موجب بند (۲) این ماده توقیف می‌تواند هم در کشوری که در آن جا علامت تقلبی ایجاد شده و هم در کشوری که محصول تقلبی به آن وارد شده است صورت پذیرد. درباره مرجع صدور دستور توقیف بند (۳) این ماده دادر را مرجع صالح قلمداد نموده است. که می‌تواند بنا به تقاضای هر مقام صالح یا به درخواست شخص ذینفع اعم از حقیقی یا حقوقی دستور توقیف را حسب قوانین و مقررات ملی صادر نماید. بنابراین ملاحظه می‌شود که به موجب کنوانسیون پاریس گمرک نمی‌تواند راساً مبادرت به توقیف نماید.

نظیر موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت فکری کنوانسیون پاریس نیز تکلیفی را برای توقیف کالاهای ترانزیت پیش بینی ننموده است. (بند (۴) ماده ۹).

از آن جایی که مبارزه با ورود کالاهای دارای علامت تجاری و نام تجاری مجعول و تقلبی می‌تواند درجانی داشته باشد و توقیف کالا می‌تواند تنها یکی از مصادیق این مبارزه باشد لذا در بند (۵) ماده ۹ کنوانسیون

آمده است که اگر قوانین کشوری توقیف را در موقع ورود کالا مجاز نداند به جای توقیف از ورود کالا جلوگیری خواهد شد. البته این اقدام یک روش قاطع برای مبارزه نیست زیرا ممکن است کالای تقلبی به کشور صادرکننده اعاده شده و یا به کشور دیگری صادر شود که در هر صورت با اصل فکر حمایت از حقوق مالکیت فکری مبادینت دارد و شاید به همین علت و برای این که این نقیصه جبران شده باشد در ادامه همین بند آمده است که اگر کالای مزبور به هر علتی وارد شده باشد آن کالاها توقیف خواهند شد.

۲- اسامی مبدا^۱

بند ۱ ماده ۱۰ کنوانسیون ناظر بر اسامی مبدا تقلبی است. و در این بند آمده است که مقررات ماده ۹ فوق‌الذکر در مورد استعمال مستقیم یا غیرمستقیم مشخصات نادرست درباره مبدا تولید محصولات یا راجع به هویت تولیدکننده یا سازنده یا بازرگانان قابل اجرا است.

۳- نشانه‌های جغرافیایی^۲

موافقت‌نامه مادرید در مورد جلوگیری از نصب نشانه‌های منبع مجعول یا گمراه‌کننده بر روی کالا^۳ در بند ۱ ماده ۱ مقرر می‌دارد که کلیه کالاهای دارای نشانه‌های منبع مجعول یا گمراه‌کننده که با استفاده از آن یک شکور متعاقد یا محلی واقع در کشور متعاقد، بطور مستقیم یا غیرمستقیم به عنوان کشور مبدا محصول معرفی می‌گردد، می‌تواند به هنگام ورود به یک کشور عضو ضبط گردد. در موافقت‌نامه نحوه و موارد ضبط مشخص و همچنین استفاده از نشانه‌هایی که عموم را در مورد منشاء کالا گمراه کند حتی در مرحله تبلیغات و بازاریابی برای فروش کالا نیز ممنوع شده است. جمهوری اسلامی ایران نیز در سال ۱۳۸۲ باین سند محقق شده و به این ترتیب قادر به اعمال برخی حمایت‌ها از محصولات دارای مبدا جغرافیایی ایران در سایر کشورهای عضو در مقابل سوء استفاده‌های احتمالی خواهد بود. همچنین به موجب این موافقت‌نامه و

^۱ - Appellation of Origin رجوع شود به صادقی یارن‌دی، مسعود طارم سري، فرهنگ توصیفی اصطلاحات تجارت بین‌الملل و سازمان جهانی تجارت ص ۲۲، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی ۱۳۸۵.

^۲ - Geographical Indication، رجوع شود به سیف‌اله صادقی یارن‌دی، مسعود طارم سري، فرهنگ توصیفی اصطلاحات تجارت بین‌الملل و سازمان جهانی تجارت، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ص ۱۹.

^۳ - Madrid Agreement for the Repression of False or Deceptive Indications of Source on Goods (1891) رجوع شود به سیف‌اله صادقی یارن‌دی، مسعود طارم سري، فرهنگ توصیفی اصطلاحات تجارت بین‌الملل و سازمان جهانی تجارت، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ص ۲۶۲.

ماده ۹ قانون مدنی که موافقت‌نامه‌های بین‌المللی را در حکم قانون می‌داند قاعداً باید گمرک بتواند کالاهای مشمول بند ۱ ماده ۱ موافقت‌نامه فوق را به هنگام ورود به کشور ضبط نماید.

موافقت‌نامه لیسین در مورد حمایت از اسامی مبدا و ثبت بین‌المللی آن‌ها (۱۹۵۸)^۱ نیز مقرر می‌دارد که کشورهای عضو می‌توانند الزامات قانونی لازم برای حمایت از نشانه‌های منبع را بر طبق قانون داخلی کشورهای خود اتخاذ نمایند. این اقدامات می‌توانند به صورت زیر صورت پذیرد:

۱- براساس تقاضای مقام صلاحیت‌دار یا درخواست دادستان

۲- براساس تقاضای هر شخص ذینفع خواه شخص حقیقی یا شخص حقوقی خصوصی و

عمومی

همانطور که ملاحظه می‌شود این مقررات برای گمرک نقش لحاظ شده و می‌توان در پاره‌ای از موارد برای گمرک نظیر بند ۱ و بند ۳ نفش مستقیم را قابل گردید. خاصه این که ایران نیز در سال ۱۳۸۳ به عضویت این موافقت‌نامه درآمده است.

فصل سوم: مقررات چند کشور منتخب در زمینه تدابیر مرزی در تریپس

با توجه به این که موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت معنوی تعهداتی را در زمینه اجرای حقوق مالکیت معنوی به معنای اعم و تدابیر مرزی خاص به طور اخص به عهده کشورهای عضو قرار داده و این کشورها متعهدند که قوانین و مقررات داخلی خود را با مقررات مربوطه این موافقت‌نامه سازگار سازند و تجربه سایر کشورها می‌تواند برای کشور ما به هنگام الحاق به سازمان جهانی تجارت از بعد تطبیق قوانین و مقررات مرزی خود با موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت معنوی به طور کلی و به طور اخص با قواعد و مقررات مربوط در زمینه اتخاذ تدابیر مرزی مفید فایده باشد لذا فصلی از این تحقیق نیز به بررسی موضع برخی از کشورها در قبال موافقت‌نامه و همچنین قوانین و مقررات آن‌ها در ارتباط با

^۱ Lisbon Agreement for the Protection of Affelations of Origin and Their International Registration -

(1958) رجوع شود به سیفالله صادقی یارنبدی و مسعود طارم سري، فرهنگ توصیفی اصطلاحات تجارت بین‌المللی و سازمان جهانی تجارت ۱۳۸۵، موسسه و پژوهش‌های بازرگانی

تدابیر ویژه مرزی تخصیص داده شده است. و در این راستا برای رعایت هم‌آهنگی با سایر قسمت‌های تحقیق در این زمینه وضعیت سه کشور پاکستان، ترکیه و چین مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

الف- پاکستان^۱

پاکستان پیش نویس قانون خاصی را برای قواعد اجرای حقوق مالکیت فکری در نظر گرفته است. در این پیش نویس قواعد و مقرراتی در خصوص تدابیر خاص مرزی در ارتباط با تعلیق ترخیص کالاهای حاوی علامت تجاری تقلبی و مالکیت‌های ادبی و هنری سرقتی تدوین شده است.

در مقررات مزبور برای گمرک نقش مستقیم و بلاواسطه منظور شده است. مقامات پاکستانی اقدامات و تدابیر مرزی را صرفاً معطوف به کالاهای با مارک تقلبی یا کالاهای حاوی سرقت مالکیت ادبی و هنری نموده‌اند و فراتر از الزامات مربوط به تدابیر مرزی که در موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی به عنوان تعهد برعهده کشورهای عضو گذارده شده نرفته‌اند. به عبارت دیگر قسمت‌های اختیاری موافقت‌نامه را نپذیرفته‌اند مثلاً مبارزه با نقض حقوق مربوط به اختراعات و طرح‌های صنعتی را مشمول تدابیر مرزی ندانسته‌اند.

همچنین به تبعیت از نص صریح موافقت‌نامه این مقررات را شامل کالاهای در حال ترانزیت نیز ندانسته‌اند علت هم شاید این باشد که با توجه به موقعیت ترانزیتی پاکستان برای افغانستان که یک کشور محاط در خشکی است و کشور اخیر طرفدار حق دسترسی آزاد به دریاها از کشورهای ترانزیت است و پاکستان با این حق به صورت اطلاق موافق نیست و در قطعنامه‌های سازمان ملل متحد در این زمینه نیز از موضع کشورهای ترانزیت دفاع می‌کند، مقامات پاکستانی صلاح ندانسته‌اند که خود را درگیر اعمال این مقررات نسبت به محموله‌های ترانزیت که به هر حال اقدامی بسیار هزینه‌بر و مشکل است نمایند و بنابراین با توجه به این که موافقت‌نامه نیز تکلیفی را در این باره به عهده کشورها محول ننموده لذا کالاهای ترانزیت را مشمول مقررات و تدابیر ویژه مرزی یعنی تعلیق ترخیص و انهدام و ... ننموده‌اند.

^۱- IP/N/G/PAK/120 November 2001 World Trade Organization, <http://doesonline.wto.org>.

به علاوه به تبعیت از مواد موافقت‌نامه این کشور واردات کالاهای ناقض حقوق مالکیت معنوی در دو مورد فوق که در حد کم و قابل اغماض باشند و واردات موازی آن‌ها و نیز صادرات کالاهای فوق را مشمول مقررات ویژه مرزی ندانسته‌اند.

در این مقررات فقط به جنبه‌های اجباری موافقت‌نامه توجه شده و از تعهد در موارد اختیاری صرف‌نظر گردیده است. ضمن این که برای گمرک نقش مستقیم و بلاواسطه در نظر گرفته شده است. جنبه‌های تفصیلی‌تر این مقررات در ارتباط با دو کالای فوق به شرح زیر است:

۱- به موجب این پیش‌نویس مالک علامت تجارتي ثبت شده و یا صاحب حق کپی‌برداری یا تکثیر می‌توانند تقاضانامه یا درخواستی را به صورت مکتوب به مقامات صالحه (مقامات گمرکی) برای تعلیق ترخیص کالاها به هنگام ورود در صورت وجود سوء ظن دایر بر مجعول و تقلبی بودن علامت یا مسروقه بودن حق کپی‌برداری تقدیم نمایند.

۲- با تقاضا نامه فوق باید مدارک زیر همراه باشد:

الف) شواهد کافی دال بر وجود حق مالکیت فکری برای مدعی.

ب) تبیین دلایل و علل تسلیم تقاضا نامه و بالاخص دلیل اولیه و به صورت ظاهر دال بر نقض حق مالکیت فکری مربوطه.

۳- براساس این مقررات مقامات گمرکی دارای این اختیار خواهند بود که از متقاضی بخواهند که تضمینی را برای حمایت از واردکننده در صورت سوء استفاده احتمالی از مقررات و یا عدم اثبات ادعا دریافت نمایند.

۴- همچنین مقامات گمرکی می‌توانند به صاحب حق اجازه بازدید کالا را که ترخیص آن معلق مانده بدهند.

۵- پیش‌نویس این مقررات همچنین مقرر می‌دارد که در صورتی که در ظرف یک مدت ده روز کاری پس از اعلامیه تعلیق، مقامات گمرکی مطلع نشوند که رسیدگی‌هایی که می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری در باب ماهیت دعوا گردد آغاز شده و یا این که این مدت تعلیق به وسیله مقامات گمرکی تمدید شده است، کالاها ترخیص خواهند شد.

۶- به موجب مقررات فوق گمرک می‌تواند بابتکار خود ترخیص کالاهای دوگانه فوق را در صورتی که شواهد ظاهری و اولیه حکایت از این داشته باشد که حقوق نقض شده و یا احتمال نقض آن وجود دارد، معلق سازد. همچنین در این مجموعه قواعد به مقرراتی نیز درباره چگونگی دفع کالاهای دوگانه ناقض حقوق اشاره شده است در این باره دو راه پیشنهاد شده است:

اول: انهدام آن‌ها تحت نظارت رسمی

دوم: دفع و مصرف آن‌ها به طرق دیگر به شرطی که مصرف آن‌ها خارج از کانال‌های عادی تجاری باشد و به حق دارنده علامت تجاری و یا صاحب حق کپی‌برداری لطمه و صدمه‌ای وارد نسازد.

نتیجه: در مقررات پاکستان دقیقاً و به تفصیل موارد مندرج در مواد ۵۱ تا ۶۰ موافقت‌نامه TRIPS ملحوظ نظر قرار گرفته ضمن این که به نظر می‌رسد که این مقامات مقام ذیصلاح اداری برای دریافت تقاضا در مورد تعلیق ترخیص را گمرک قلمداد نموده‌اند. رویه دولت پاکستان با توجه به همسایگی با افغانستان می‌تواند برای تدوین مقررات در ارتباط با رعایت بخش ۴ موافقت‌نامه یعنی الزامات خاص در مورد اقدام در مرزها مورد استفاده کشور ما نیز قرار گیرد که البته لازم خواهد بود که درباره قسمت اخیر یعنی قایل شدن وظیفه مستقیم برای گمرک تصمیم اصولی با توجه به نظام حقوقی و مقتضیات قانون اساسی کشور به وسیله مقامات عالی‌تر اتخاذ گردد.

ب- ترکیه^۱

به موجب ماده ۵۷ قانون گمرک ترکیه مقامات گمرکی آن کشور ضمانت اجرای مرزی را در دو حالات زیر به مرحله اجرا می‌گذارند:

الف) صاحب حق کپی‌برداری و حقوق جانبی آن و حقوق مالکیت صنعتی شناخته شده به موجب قانون می‌توانند از مقامات گمرکی تعلیق ترخیص محصولات ناقض این حقوق را بخواهند. همانطور که از این ماده استنباط می‌گردد این تعلیق انواع دیگر نقض حقوق مالکیت فکری در برمی‌گیرد. یعنی شامل همه موارد حق

^۱- IP/N/G/ TUR/ 1, 17 May 2000 [http:// docsonline. WTO. Org.](http://docsonline.wto.org)

کپی برداری و حقوق مالکیت صنعتی نظیر اختراعات، علائم تجاری، طرح‌های صنعتی، نشانه‌های جغرافیایی می‌باشد که البته شرط آن تقاضا از طرف صاحب حق است.

ب) روش دوم تعلیق باعتبار سمت است که آن را مقامات گمرکی انجام می‌دهند این روش صرفاً شامل کالاهای حاوی علامت مجعول و تقلبی است (یعنی اختراعات، طرح‌های صنعتی و نشانه‌های جغرافیایی را شامل نمی‌باشد). روش مزبور همچنین شامل کالاهای حاوی حق کپی برداری سرقتی نیز می‌باشد. تعلیق به اعتبار سمت در صورتی محقق می‌شود که دلایل اولیه و ظاهری نقض حقوق وجود داشته باشد. بنابراین در ترکیه قانون‌گذار به مقامات صلاحیتدار اجازه داده است که نه تنها درباره کالاهای حاوی نقض حقوق کپی برداری و علامت تجاری مجعول و تقلبی اقدام نمایند بلکه سایر موارد نیز مستثنی نشده است ولی روش اقامه دعوا متفاوت است بدین معنا که در مورد اول مقامات گمرکی می‌توانند راساً اقدام نمایند در حالی که در سایر موارد آغاز اقدامات منوط به ارائه تقاضا از طرف صاحب حق است.

همانطور البته با روش ابداعي خود که منافاتی با مقررات موافقت‌نامه TRIPS ندارد که ملاحظه می‌شود ترکیه هم موارد اجباری و هم موارد اختیاری اعمال تدابیر ویژه مرزی را پذیرفته است. بدین معنا که گمرک می‌تواند بدون وصول درخواست یا تقاضا از طرف صاحب حق نسبت به تعلیق ترخیص دو نوع کالایی که موافقت‌نامه TRIPS صراحتاً تعهداتی را در مورد آن‌ها به عهده کشورهای عضو قرار داده اقدام نماید. البته این امر بدان معنا نیست که اشخاص ذینفع مجاز نیستند که تقاضای اعمال تدابیر ویژه مرزی را تقاضا نمایند ولی آن چه مهم است این است که اقدام باعتبار سمت را مقامات گمرکی فقط می‌توانند در ارتباط با دو نوع کالایی که موافقت‌نامه مورد بحث کشورهای عضو را متعهد باتخاذ تدابیر مرزی درباره آن‌ها می‌نماید، اعمال نمایند. اما اعمال تدابیر ویژه مرزی درباره سایر موارد نقض حقوق مالکیت معنوی یا فکری نیز در ترکیه امکان پذیر است ولی شروع و آغاز اقدام مستلزم طرح تقاضا از طرف صاحب حق است و از دایره شمول اقداماتی که گمرک می‌تواند به اعتبار سمت خود آن‌ها را اتخاذ نماید خارج است.

اما در ارتباط با اعمال حمایت در ارتباط با کالاهای در حال ترانزیت مقامات ترکیه با استفاده از زیرنویس شماره ۱۳ ماده ۵۱ که تعهدی را در این زمینه به عهده کشورهای عضو نمی‌گذارد از قبول تعهدی در این باره خودداری نموده‌اند.

به موجب مقررات ترکیه اقدامات تعلیقی در موارد زیر نیز انجام نمی‌گیرد:

الف) کالاهایی که بدون رضایت صاحب حق به محدوده گمرکی ترکیه وارد و به جریان آزاد تجارت وارد شده باشند یا مجدداً صادر شوند. بنابراین در این باره نیز مفاد موافقت‌نامه رعایت شده است یعنی واردات موازی^۱ و صادرات مجدد مشمول تدابیر ویژه مرزی نیستند.

ب) کالاهای شخصی و هدایای همراه مسافر و محموله‌های پستی فاقد طبیعت تجاری

ج) کالاهای صادراتی بدون اجازه صاحب حق حتی اگر تولید آن در ترکیه اجازه داده شده باشد و یا دارای علائم تجاری غیر از علائم مجاز از طرف صاحب حق باشند.

به طوری که ملاحظه می‌شود موارد الف و ب و ج نیز دقیقاً منطبق با مقررات موافقت‌نامه TRIPs است.

ویژگی‌های دیگر این مقررات به شرح زیر است:

۱- مقامات صلاحیتدار برای اجرای تعلیق مقامات گمرکی هستند.

۲- صاحب حق که مدعی است به حقوق مالکیت صنعتی یا کپی‌برداری او تجاوز شده می‌تواند یک تقاضانامه کتبی را به مقامات صلاحیتدار گمرکی تسلیم نماید. برای آغاز رسیدگی از لحاظ الزامات اسنادی تنها کافی است که دو فقره سند به تقاضانامه ملصق شود یکی توصیف تفصیلی کالاهای حاوی نقض حقوق و دیگری دلایل مشبته دایر بر صاحب حق بودن متقاضی. در برخی از موارد برای کمک به مقامات، صاحب حق می‌تواند مشخصات دیگری را نظیر مکان کالاها و مقصد آنها، مشخصاتی که به شناسایی محموله یا بسته‌بندی‌ها کمک نماید، تاریخ ورود و خروج کالاها، نوع وسیله حمل و نقل، مشخصات صادرکننده، و

^۱ - Purellel Importations، سيف الله صادقي يارندي و مسعود طارم سري، فرهنگ توصيفي اصطلاحات تجارت بين‌الملل و سازمان جهاني تجارت، ۱۳۸۵ موسسه مطالعات و پژوهش‌هاي بازرگاني.

واردکننده یا نمایندگان آن‌ها را به مقامات ارائه دهد ولی فقدان این اطلاعات به اعتبار تقاضانامه لطمه‌ای وارد نمی‌سازد.

۳- مقامات گمرکی می‌توانند از متقاضی تقاضا نمایند که تضمینی را معادل ارزش کالاها تودیع نماید تا به این وسیله از تضییع احتمالی حقوق واردکننده یا عامه جلوگیری به عمل آید. میزان این تضمین به تناسب هر نوع دعوا متفاوت خواهد بود .

۴- صاحب حق یا نماینده او می‌تواند در صورت تقاضا کالاهای موضوع ناقض حقوق را مورد بررسی قرار داده یا نسبت به نمونه‌برداری از آن‌ها اقدام نماید این اقدامات باید پس از اعلام تعلیق صورت پذیرد.

۵- صاحب حق همچنین می‌تواند اطلاعاتی نظیر نام صاحب کالا یا ارسال کننده یا نام تجاری و آدرس را به استثنای اطلاعات محرمانه و اسرار تجاری دریافت نماید.

۶- صاحب حق یا نماینده او مبلغی را نزد مقامات گمرکی معادل هزینه‌های اداری مربوط به تقاضا تودیع خواهند نمود.

۷- بر طبق ماده ۵۷ قانون گمرکی ترکیه مقامات گمرکی مقررات اجرا در مرزها را به نحوی اجرا خواهند نمود که مقامات بتوانند باعتبار سمت خود فقط کالاهای متضمن علامت تجاری مجعول و تقلبی و کالاهای ناقض حقوق کپی‌برداری را به حالت تعلیق درآورند بنابراین هم چنانکه قبلاً بیان شد. موارد نقض، حقوق مربوط به اختراعات، طرح‌های صنعتی، نشانه‌های جغرافیایی را نمی‌توان باعتبار سمت به حالت تعلیق درآورد بلکه تعلیق ترخیص آن‌ها می‌تواند برحسب تقاضای صاحب حق به عمل آید. به علاوه تعلیق به اعتبار سمت زمانی مقدور خواهد بود که دلایلی اولیه و نشانه‌های ظاهری تجاوز به حق در موارد یاد شده وجود داشته باشد.

۸- اگر چنانچه دادگاه نقض حقوق را احراز نماید و ترتیب خاص و روشن دیگری را مقرر ندارد مقامات گمرکی کالاهای ناقض حقوق را منهدم خواهند ساخت.

نتیجه: از مطالب فوق چنین برمی آید که ترکیه نیز مقررات مواد ۵۱ تا ۶۰ مندرج در بخش چهارم موافقت نامه TRIPS درباره الزامات خاص مربوط به اقدام در مرزها را به صورت تفصیلی اجرا می نماید ضمن این که :

الف) برای گمرک برای اقدامات تعلیقی نفش تسلیم و بلاواسطه را قایل است.

ب) در برخی از موارد و با شرایطی تعهدات اختیاری درباره تسری مقررات این بخش به سایر حقوق مالکیت فکری یا معنوی را نیز پذیرفته است.

ج-چین^۱

برطبق مقررات مربوط به حمایت گمرک از حقوق مالکیت معنوی در چین که بنام "مقررات" یا آیین نامه نامیده می شود، و در این نوشته از آن ها به عنوان مقررات یاد می نمایم حقوق مالکیت فکری یا معنوی مورد حمایت در گمرک در چین شامل حمایت از علامت تجاری، اختراع و حق کپی برداری است. به موجب این مقررات صاحب حق می تواند از گمرک بخواهد که هرگونه صادرات یا واردات کالای ناقض حقوق علامت تجاری، حق کپی برداری و حقوق جانبی آن و اختراع از جمله ورقه های اختراع، طرح های صنعتی و مدل های اشیاء مصرفی را به حالت تعلیق درآورد. علاوه بر موارد فوق به موجب مقررات مربوط به حمایت از سمبول یا نماد المپیک که در چهارم فوریه سال ۲۰۰۲ وضع شده مقامات گمرک می توانند واردات و صادرات کالاهای ناقض حق مترتب بر نماد المپیک را به حالت تعلیق درآورند.

اطلاعات تفصیلی تر درباره مقررات چین در ارتباط با اقدامات مرزی برای اجرای مقررات TRIPS در راستای حمایت از حقوق مالکیت فکری به شرح زیر است:

۱- برطبق ماده ۱۳ مقررات مرزی درباره کالاهایی که برای مصرف شخصی و در حد معقول حمل یا پست شود مرعی نخواهد بود.

۲- تمام مقررات درباره اقدامات مرزی درباره صادرات نیز مرعی است.

^۱- IP/N/G/ CHN, [http:// docsonline. WTO. Org](http://docsonline.wto.org).

- ۳- بر طبق مقررات برای این که حقوق مالکیت فکری دارندگان این حقوق مورد حمایت قرار گیرد، دارندگان این حقوق باید ابتدا حقوق مالکیت فکری خود را در مدیریت کل گمرک به ثبت برسانند و سپس در صورت کشف واردات یا صادرات کالاهای مظنون به نقض این حقوق از گمرکات محلی تقاضای تعلیق ترخیص را بنمایند.
- ۴- به موجب مقررات صاحب حق به هنگام ثبت حقوق مالکیت فکری خود یا مطرح ساختن تقاضای تعلیق ترخیص کالاهای ناقض حق باید درخواست کتبی یا اظهارنامه کتبی را تسلیم نمایند.
- ۵- اظهارنامه کتبی برای ثبت حاوی اطلاعاتی درباره صاحب حق، حقوق مالکیت فکری که حمایت از آن مورد تقاضا است، پروانه مربوط به حقوق مالکیت فکری مورد نظر، و کالاهای نافض حقوق خواهد بود.
- ۶- تقاضای کتبی برای تعلیق ترخیص نیز شامل نام کالاهای نافض حق، واردکننده و صادرکننده، تاریخ و بندری که در آن واردات یا صادرات صورت پذیرفته و مدارک و شواهد مربوط به نقض حقوق خواهد بود.
- ۷- در ارتباط با مدت زمان تعلیق این مقررات حاکیست که در مواردی که صاحب حق احتیاج به طرح دعوا در دادگاه داشته یا نیاز به اقدام از طرف سایر مراجع اداری داشته باشد، این مدت ۱۵ روز ولی در مواردی که مقامات گمرکی به ابتکار یا به اعتبار سمت خود وارد عمل شوند این مدت ۳ روز خواهد بود.
- ۸- دارنده حق موظف است به هنگام تقاضای تعلیق از مقامات گمرک مبلغی را معادل ارزش کالاهای مورد سوء ظن نقض حق نزد، آن مقامات تودیع نماید تا احیاناً از مقررات سوء استفاده نشده و حقی از واردکننده غیر خاطی ضایع نگردد.
- ۹- در صورتی که دادگاه یا سایر مقامات صلاحیتدار اداری هیچگونه نقض یا تجاوز به حقی را احراز ننماید، گمرک بنا به دستور دادگاه یا مقام صالح دیگر تضمین تودیع شده به وسیله صاحب حق را در اختیار دادگاه قرار خواهد داد تا آن دادگاه از آن مبلغ زبانهای وارده به طرف مربوط که از ناحیه تسلیم اظهارنامه یا تقاضانامه غیرموجه ناشی شده، را پرداخت نماید.
- ۱۰- صاحب حق می تواند کالاهای نافض حقوق را مورد بازرسی قرار دهد.

- ۱۱- گمرک در موارد تعلیق، ترخیص، مصادره یا انهدام کالاهای مورد دعوا مراتب را به صاحب حق اطلاع خواهد داد.
- ۱۲- مدیریت کل گمرک ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخ دریافت اظهارنامه ثبت تصمیم‌گیری خواهد نمود.
- ۱۳- به هنگام درخواست ثبت صاحب حق باید مبلغی معادل یکصد دلار را پرداخت نماید.
- ۱۴- به هنگام درخواست برای تعلیق و ترخیص کالاها از گمرکات محلی، صاحب حق باید هزینه‌های انبارداری و دفع کالاها را پرداخت نماید.
- ۱۵- بر طبق ماده ۱۸ مقررات مزبور، گمرک دارای این حق می‌باشد که به ابتکار خود تعلیق واردات و صادرات کالاهای مظنون به نقض حقوق مالکیت فکری ثبت شده را معلق سازد. این موضوع اغلب در مورد نقض حقوق مربوط به علامت تجارتي یا حق کپی‌برداری مصداق پیدا می‌کند.
- ۱۶- بر طبق ماده ۲۳ این مقررات در صورتی که نقض و تجاوز احراز گردد کالاهای توقیف شده مصادره خواهند شد و به موجب ماده ۲۴ همین مقررات کالاهای مصادره شده که نافض حقوق مالکیت ادبی و هنری یا کپی‌رایت باشند منهدم خواهند شد. اما در مورد کالاهای متضمن علامت تجاری تقلبی و مجعول انهدام در صورتی مصداق پیدا می‌کند که امحاء یا حذف علامت مجعول امکان‌پذیر نباشد و اگر چنانچه علامت تجاری مجعول و تقلبی قابل محو یا حذف باشد کالاهای مزبور می‌تواند به جای انهدام در سایر مقاصد خاص مورد استفاده واقع شود.
- ۱۷- به موجب همین مقررات گمرک برای واردکننده یا صادرکننده کالای متضمن نقض حقوق مالکیت فکری جریمه‌ای را وضع خواهد نمود که مبلغ این جریمه از ارزش کالای مزبور متجاوز نخواهد بود.
- ۱۸- صادرکنندگان و واردکنندگانی که اطلاعات حقوق مالکیت فکری مربوط به کالاهای صادراتی و وارداتی خود را اعلام نمایند می‌توانند مشمول وضع جریمه از طرف گمرک قرار گیرند. مبلغ این جریمه نیز از ارزش کالاهای مربوطه متجاوز نخواهد بود.

نتیجه: همانطور که از مطالب فوق برمی‌آید چین نیز دارای مقررات تفصیلی در ارتباط با الزامات خص مربوط به تدابیر ویژه مرزی در موافقت نامه تریپس است. در این مقررات برخی از تعهدات اختیاری و فراتر از تعهدات اجباری مشاهده می‌گردد و صاحب حق می‌تواند تقاضای تعلیق ترخیص را مستقیماً به گمرک ارائه نماید.

فصل چهارم: تدابیر و الزامات مرزی در ایران برای ممانعت از ورود کالاهای ناقض حقوق مالکیت

فکری

در قوانین فعلی ایران و نیز لایحه امور گمرکی مقرراتی به شرح زیر در ارتباط با اقدامات مرزی در ارتباط با کالاهای ناقض حقوق مالکیت فکری وجود دارد که ذیلاً به آن‌ها می‌پردازیم:

۱- ماده ۶۳ آیین‌نامه اصلاحی اجرای قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات مصوب سال ۱۳۳۷ در تبیین طرق تامین می‌گوید: مالک هر علامت تجاری و همچنین صاحب هر ورقه اختراع یا قایم مقام قانونی آنان می‌توانند به موجب امر دادگاه صورت مشروحاتی از محصولات که به ادعای آن‌ها با حق حاصل از علامت تجاری و یا اختراع آن‌ها مخالف است را بردارند. اجرای امر دادگاه در صورتی که محصولات هنوز در گمرک باشد به وسیله مامورین گمرک والا به وسیله مامور اجرا به عمل خواهد آمد. هم چنین توقیف این کالاها نیز به موجب ماده مذکور امکان‌پذیر است ولی امر دادگاه باید بر آن تصریح داشته باشد. نظری به این ماده روشن می‌سازد که :

اولاً صورت برداری و توقیف کالاهای ناقض علامت تجاری و ورقه اختراع در ایران امکان‌پذیر است. ثانیاً این ماده شامل کپی‌رایت سرقتی به نحو مندرج در بخش اقدامات ویژه مرزی در موافقت نامه TRIPS نمی‌باشد و تعهدی را در این باره نمی‌پذیرد ولی در عین حال تعهدات اختیاری مندرج در موافقت‌نامه دایر به تسری حمایت به ورقه اختراع نیز پذیرفته شده است.

ثالثاً این ماده توقیف و صورت‌برداری از کالاهای ناقض علامت تجاری و ورقه اختراع را پس از عبور از گمرک نیز اجازه می‌دهد بنابراین دایره شمول این ماده از یک بعد فراتر و از بعد دیگر مضیق‌تر از اقدامات و تدابیر ویژه مرزی در موافقت‌نامه TRIPS است.

رابعاً امر دادگاه بنا به تقاضای مالک یا صاحب حق صورت می‌گیرد بنابراین در این ماده برای مقامات اقدام به اعتبار سمت پیش‌بینی نشده است.

خامساً اگر صاحب حق تقاضای توقیف را بنماید باید تضمین کافی بدهد که عندالاقضاء از محل مزبور کلیه خسارات وارده به طرف و منافعی که ممکن است طرف از آن محروم شده باشد جبران گردد. همانطور که ملاحظه می‌شود جبران عدم النفع نیز در این ماده مجاز شناخته شده که جزء تعهدات موافقت‌نامه TRIPS نیست و گامی فراتر از آن است.

سادساً، گمرک رأساً و مستقیماً نمی‌تواند صورت‌برداری و توقیف را انجام دهد بلکه این امر باید به موجب امر دادگاه صورت پذیرد آن هم فقط در صورتی که محصولات هنوز در گمرک باشد.

۲- طبق مقررات امور گمرکی فعلی کالاهایی که روی خود آن‌ها و یا روی لفاف آن‌ها نشانی یا علامت یا نام یا مشخصات دیگری باشد که موجب اغفال خریدار یا مصرف‌کننده باشد ممنوع‌الورود است مگر این که موجبات اغفال از بین برود.^۱

این ماده نیز در راستای کامل تعهدات مندرج در بخش اجرای موافقت‌نامه TRIPS قرار ندارد زیرا اولاً ممنوع‌الورود اعلام کردن کافی نیست چرا که مبارزه قاطع با نقض حقوق محسوب نمی‌گردد و ثانیاً این قید که مگر این که موجبات اغفال از بین برود، با توجه به مقررات TRIPS در خور تأمل است.

۳- اقدامات مرزی در ایران به موجب کنوانسیون پاریس، مادرید و لیسبن در فصل دوم به تفصیل آمده است و از تکرار آن‌ها در این جا خودداری می‌شود. در این باره خاطرنشان می‌گردد که هر چند طبق ماده ۹ قانون مدنی معاهدات با شرایط مندرج در آن ماده در حکم قانون هستند ولی رویه محاکم بر این است که

^۱ - بند ۱۲ ماده ۴۰ قانون امور گمرکی سال ۱۳۵۰.

باید در هر مورد قانون داخلی نیز وجود داشته باشد. بنابراین در عمل بسیاری از مقررات این کنوانسیون‌ها در ایران به علت نبودن مقرره داخلی فاقد ضمانت اجرایی است.

۴- در لایحه امور گمرکی در ماده ۶۱ یک حکم کلی آمده است که به موجب آن تبعیت از مقررات کنوانسیون‌های ناظر به گمرک الزامی شناخته شده است. به موجب این ماده در مواردی که دولت جمهوری اسلامی ایران طبق قانون عضویت در کنوانسیون‌ها و قراردادهای بین‌المللی چند جانبه یا دو جانبه (از جمله مالکیت معنوی، سلاح‌های شیمیایی مخرب لایه ازن) را پذیرفته است تبعیت از مقررات، اصلاحیه‌ها و الحاقیه‌های آن‌ها که مربوط به امور گمرکی است، مادام که دولت ایران عضویت آن‌ها را دارد لازم الاجرا است، روش‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی قراردادها تا جایی که مغایر الزامات آن‌ها نباشد از طرف گمرک تدوین می‌گردد.

هر چند در این ماده از مالکیت معنوی بالصراحه نام برده شده ولی سیاق عبارات بنحوی است که کنوانسیون‌ها و قراردادهای بین‌المللی گذشته را در برمی‌گیرد و با توجه به نحوه تدوین ماده شاید نتوان آن را به موافقت‌نامه‌هایی که ایران مبدا به آن‌ها محلق خواهد شد تسری داد. به علاوه لسان ماده بسیار کلی است در حالی که در موافقت‌نامه TRIPS به قبول تعهدات منجر و مشخص اشاره شده است.

توصیه‌ها:

۱- در صورت الحاق به سازمان جهانی تجارت لازم است موافقت‌نامه TRIPS نیز در اجرای اصل قبول تمام موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت یا اصل سند یا تعهد واحده^۱ نیز پذیرفته شود. در این موافقت‌نامه در ارتباط با گمرک (به فصل سوم مراجعه شود) و وظایف و اختیارات آن تعهدات تفصیلی وجود دارد که لازم است مورد قبول واقع شود و راجع به هیچ یک از این مقررات نمی‌توان بدون موافقت سایر اعضا حق تحفظ قایل شد^۲

^۱- Single Undertaking

^۲ - ماده ۷۲ موافقت‌نامه TRIPS چنین می‌گوید:
بدون موافقت اعضای دیگر نمی‌توان در خصوص هر یک از مقررات موافقت‌نامه حاضر تحفظ قایل گردید.

۲- در بخش تدابیر ویژه مرزی موافقت‌نامه TRIPS به حق کپی‌رایت سرقتی اشاره شده که موضوع کنوانسیون برن است. هرگونه تدوین مقررات در این زمینه که ملازم و منطبق بر موافقت‌نامه TRIPS باشد مستلزم الحاق به این کنوانسیون می‌باشد.

۳- در تدوین مقررات اجرا که سازگار با بخش اجرایی موافقت‌نامه به طور کلی و تدابیر مرزی به معنای اخص و برای رعایت جامعیت شایسته است که الزامات کنوانسیون‌ها که ایران به آن‌ها پیوسته است نیز لحاظ گردد تا از این طریق مقرر داخل نیز برای اجرای مقررات مندرج در کنوانسیون‌ها تامین گردد. (برای وقوف به تعهدات مربوط به فصل دوم مراجعه شود)

۴- هیچیک از مقررات فعلی ایران و کنوانسیون‌هایی که ایران عضویت آن‌ها را دارد به صورت جامع الزامات و تدابیر ویژه مرزی را در بر ندارد و بنابراین در صورت آغاز مذاکرات الحاق جا دارد که:

الف) نظیر بسیاری از کشورها قانون خاص یا آیین نامه‌ای برای قانون امور گمرکی تدوین شود و در آن به تفصیل الزامات مربوط به تدابیر ویژه و نقش گمرک مرزی به نحو مذکور در موافقت‌نامه TRIPS آورده شود در غیر این صورت در مذاکرات سئوالات متعددی درباره عدم قبول تعهدات و اصلاح قوانین مطرح خواهد شد. برای این منظور مندرجات فصل یکم و دوم و تجربیات سایر کشورها که در فصل سوم این تحقیق آمده می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

۵- در موافقت‌نامه برخی تعهدات نظیر کالاهای ترانزیت ناقض حقوق مالکیت فکری، صادرات، کالاهای وارده از اتحادیه گمرکی، اجباری شناخته نشده است و تعهدات صرفاً به دو نوع کالا یعنی کالاهای حاوی علائم تجاری مجعول و تقلبی و کپی‌رایت سرقتی شده است توصیه می‌شود که به فرض الحاق به کنوانسیون برن در مقرراتی که تدوین خواهد شد فقط به تعهدات اجباری پرداخته شود زیرا اولاً انجام تدابیر اختیاری بودجه کلانی را به کشور تحمیل می‌نماید و مستلزم تربیت نیروی انسانی و نهاد سازی است. ثانیاً ایران یک کشور ترانزیت است و کشورهای محاط در خشکی اطراف آن وجود دارد (نظیر پاکستان که آن هم مقررات را به کالاهای ترانزیت تسری نداده است) و ثالثاً عدم قبول تعهد در آن زمینه‌ها منطبق با مقررات TRIPS است و نقض آن محسوب نمی‌گردد و رابعاً این که عدم قبول تعهد در آن زمینه‌ها خواست

کشورهای در حال توسعه نیز می‌باشد که ایران نیز جزء آن‌ها است و بالاخره این که قبول تعهدات در آن زمینه‌ها سبب می‌گردد که تامین اجرای آن‌ها پس از قبول تعهد از طرف سایر اعضا تعقیب گردد که به مصلحت نمی‌باشد.

۶- همان طور که در فصل اول به تفصیل بیان شد نقش گمرک در اقدامات مرزی به موجب موافقت‌نامه TRIPS انکار ناپذیر است ولی نکته مهم این است که آیا می‌توان برای گمرک به صورت مستقیم نقش قایل شد و یا این نقش باید غیرمستقیم و از طریق ارجاع سایر مقامات از جمله مقامات قضائی یا اداری دیگر به گمرک صورت گیرد. دلایل له و علیه این موضوع به تفصیل در فصل یک آمده است. آن چه بدیهی است این است که تجربه سایر کشور و مدل قانونی تهیه شده به وسیله سازمان جهانی گمرک احاله نقش به مستقیم گمرک را تائید می‌نماید ولی تصمیم‌گیری درباره این موضوع و انعکاس آن در قانون و مقررات آتی کشور بایستی با توجه به جمیع جهات سیاسی و اقتصادی و در سطح کلان تصمیم‌گیری صورت پذیرد.

گفتار دوم: وظایف گمرک در زمینه اعمال

مجازات‌های تجاری

سازمان تجارت جهانی (WTO)^۱ به عنوان یگانه مرجع بین المللی تنظیم قواعد الزامی راجع به تجارت بین الملل، یک سلسله اصول کلی را جهت محقق ساختن اهداف خود مقرر ساخته و دولتهای عضو را مکلف به تبعیت از این اصول نموده که سایه خود را بر تمام موافقت نامه های سازمان گسترانیده است؛ همچنین کشورهایی که درصدد الحاق به این سازمان هستند، ناگزیرند که سیاستهای اقتصادی و حقوقی را در راستا و چارچوب این اصول کلی ترسیم نمایند.

اصل تجارت آزاد^۲، یکی از این اصول است که مطابق آن، اعضای WTO باید علاوه بر ایجاد ساختار اقتصادی و قانونی مناسب جهت تحقق آزادسازی تجاری، از اتخاذ تدابیر و تصمیماتی که اصل مزبور را خدشه دار ساخته و نیز اتخاذ اقدامات محدود کننده نظیر وضع تعرفه های گمرکی بالا و غیر متعارف و یا وضع محدودیتهای غیر تعرفه ای، خودداری نمایند. در فرایند مذاکرات الحاق یک کشور به WTO نیز کشورهای عضو، سعی در اخذ تعهد از کشور متقاضی مبنی بر آزادسازی بیشتر تجاری و دسترسی بیشتر به بازار آن کشور در زمینه کالا و خدمات دارند.

با این حال اصل تجارت آزاد، اصلی مطلق و بی قید و شرط نبوده و گستره آن، توسط اصل دیگری به نام اصل تجارت منصفانه^۳ (مشروع) محدود شده است. مطابق اصل اخیرالذکر، کشورهای عضو سازمان حق ندارند که از فضای تجارت آزاد سوء استفاده کرده و دست به تجارت غیر منصفانه بزنند و در صورت اقدام به این کار، کشور زیان دیده می تواند در برابر واردات کشور متخلف، عوارضی وضع نماید. مقابله با این تجارت غیر منصفانه، در چارچوب ضوابط مندرج در موافقت نامه های ضد دامپینگ، موافقت نامه راجع به یارانه ها و اقدامات جبرانی و موافقت نامه راجع به اقدامات حفاظتی، مشهود است. البته اقدامات اتخاذ شده در برابر تجارت غیر منصفانه، جنبه استثنایی داشته و تنها تا زمان و میزانی وضع خواهند شد که برای جبران زیان کشور وارده کننده، کافی بوده و کشور صادره کننده اقدام به تجارت غیر منصفانه می نماید.

دامپینگ^۴ و اعطای یارانه صادراتی^۱، دو مصداق بارز تجارت غیر منصفانه است که به دلیل تاثیر مخرب

^۱ - World Trade Organization

^۲ - Free Trade

^۳ - Unfair Trade

^۴ - Dumping

آنها بر صنایع داخلی کشور وارد کننده و نیز به سبب رواج بسیار آن در تجارت بین‌المللی بویژه پس از موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)^۲، دو موافقت نامه سازمان تجارت جهانی به نامهای موافقت نامه راجع به اجرای ماده ۶ گات^۳ (موافقت نامه ضد دامپینگ) و موافقت نامه یارانه ها و اقدامات جبرانی^۴ منع کرده و از سوی دیگر به کشور وارده کننده اجازه داده است تا در صورت مواجه شدن با واردات دامپینگ شده یا برخوردار از یارانه صادراتی، عوارض وضع نمایند. وضع این عوارض علاوه بر آنکه می‌تواند صادر کننده یا کشور صادر کننده را از ادامه تجارت غیر منصفانه باز دارد، گامی حمایتی به نفع صنایع داخلی کشور وارد کننده به شمار می‌آید.

در این میان، گمرک نیز نقشی تعیین کننده و غیر قابل انکار دارد چرا که در بسیاری از کشورها گمرک هم جزو مرجع تشخیص دامپینگ و تشخیص اعطای یارانه و هم بازوی اجرای تصمیمات مرجع تشخیص است؛ بر این اساس، بخشی از وظایف گمرک در مقررات ضد دامپینگ و قوانین راجع به یارانه آمده و بخشی نیز در مقررات گمرکی ذکر شده است.

با تهیه شدن لایحه امور گمرکی در کشور، نقد این پیش نویس و بررسی موضع این متن نسبت به نقش و جایگاه گمرک در ارتباط با مقوله دامپینگ، یارانه صادراتی و اقدامات حفاظتی^۵، می‌تواند از دو جهت، مفید و در عین حال، ضروری باشد:

نخست آنکه) ایران به عنوان عضو ناظر سازمان تجارت جهانی و کشوری که احتمالاً در آینده به عضویت دائم این سازمان در خواهد آمد، مکلف است از همه اکنون ساختار قانونی و اجرایی خود را با مقررات WTO هماهنگ ساخته و لذا نقد لایحه فوق الذکر می‌تواند تهیه کنندگان آن را با نقاط منفی آشنا سازد تا قبل از تصویب شدن آن، اقدام مقتضی جهت رفع ایرادات آن به عمل آید؛

دوم آنکه) مطابق بند ح ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۸۳ دولت مکلف شده است تا ضمن اتخاذ تدابیر مناسب جهت جهانی سازی اقتصادی ایران، اقدامات مقتضی

^۱ - Export Subsidy

^۲ - General Agreement on Tariff & Trade

^۳ - Agreement on Implementation of Article VI GATT

^۴ - Agreement on Subsidies and Countervailing Measures

^۵ - Safeguarding Measures

برای تقویت توان رقابتی محصولات کشور از جمله اقدامات حفاظتی و وضع عوارض جبرانی و ضد دامپینگ را لحاظ نماید. در نتیجه، قانونگذار باید ضمن پیش بینی مقررات منسجم برای مقابله با تجارت غیر منصفانه، ابزارهای اجرا و جمع آوری عوارض را نیز در نظر بگیرد که گمرک از جمله آنهاست. لذا باید بررسی نمود که آیا در وضعیت موجود و نیز در لایحه امور گمرکی، قواعد کارا و موثری برای گمرک لحاظ شده است یا نه؛ بویژه آنکه با پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی و پذیرش تجارت آزاد و کاهش تعرفه‌های گمرکی، احتمال مواجه شدن صنایع کشور با رقابت غیرمنصفانه سایر اعضای سازمان بیش از پیش خواهد بود.

مطالب این گفتار از طرح، در سه بخش ارائه خواهد شد که مطالب هر بخش حاوی مطالعه تطبیقی در مقررات WTO، اتحادیه اروپا و مقررات داخلی چین، ترکیه و پاکستان خواهد بود: در بخش نخست، نقش گمرک در مقابله با دامپینگ، در بخش دوم، نقش گمرک در مقابله با واردات برخوردار از یارانه های صادراتی و در بخش سوم، نقش گمرک در اتخاذ و اجرای اقدامات حفاظتی، مورد بررسی تحلیلی قرار خواهد گرفت. آنچه باعث شده است تا این سه موضوع ظاهراً متفاوت، در قالب یک گفتار و در کنار یکدیگر مورد بررسی قرار گیرند، به شباهتهایی برمی گردد که میان برخی احکام این سه وجود دارد؛ توضیح آنکه موافقت نامه ضد دامپینگ، موافقت نامه حفاظتها و بخش دوم موافقت نامه یارانه ها، تشکیل دهنده موافقت نامه های ناظر بر اتخاذ اقدامات واکنشی یکجانبه تجاری در برابر رقابت غیرمنصفانه و شرایط اضطراری بوده^۱ و اصول کلی حاکم بر آیین و نحوه رسیدگی به دعاوی مربوط به این سه موضوع نیز یکسان است و از این رو، در قوانین برخی کشورها نظیر پاکستان، یک مرجع واحد برای رسیدگی به هر سه موضوع پیش بینی شده است.

بخش اول: اقدامات ضد دامپینگ

در فرایند مقابله با دامپینگ، می توان برای گمرک قائل به دو نقش اساسی شد: یکی نقش گمرک در

^۱ - در برخی نوشته ها، از این اقدامات به چاره کارهای تجاری یا حمایتی اقتضایی تعبیر شده است. (ر.ک.: غزاله دژم خوی و فرزاد مرادپور، موافقت نامه های ضد قیمت شکنی (ضددامپینگ) و حفاظتها، مندرج در: مجموعه آموزشی سازمان تجارت جهانی، تهران: شرکت چاپ و نشر بازگانی، ۱۳۸۵، ص ۳۸۹.

تشخیص دامپینگ به عنوان یکی از اعضای مرجع رسیدگی به دعاوی ضد دامپینگ؛ و دیگری نقش گمرک در اجرای تصمیمات مرجع و به عبارت دیگر، وصول عوارض ضد دامپینگ. این دو نقش مهم در قالب دو بند (الف) و (ب) مورد بررسی تحلیلی و تطبیقی قرار می گیرد؛ در بند (ج) نیز جایگاه بحث در مقررات موجود ایران و لایحه امور گمرکی مورد نقد قرار گرفته، راهکار مناسب پیشنهاد می گردد:

فصل اول: نقش گمرک در تشخیص دامپینگ و وضع عوارض ضد دامپینگ

دامپینگ زمانی رخ می دهد که صادر کننده خارجی، کالایی را در بازار کشور دیگر به قیمتی پایین تر از قیمت فروش همان کالا در بازار داخلی به فروش می رساند^۱ و منظور از اقدامات ضد دامپینگ^۲، رسیدگی به دعاوی ضد دامپینگ و وضع عوارض موقت یا نهایی در برابر کالاهای دامپینگ شده است. بند ۱ ماده ۲ موافقت نامه ضد دامپینگ WTO در تعریف پدیده دامپینگ مقرر می دارد: « از لحاظ موافقت نامه حاضر، در صورتی می توان پنداشت یک محصول دامپینگ شده یعنی در جریان داد و ستد تجاری کشوری دیگر به ارزشی کمتر از ارزش عادی محصول گردیده است که قیمت صادراتی محصول صادر شده از یک کشور به کشور دیگر، در جریان معمول تجارت، از قیمت محصولات مشابه که جهت مصرف در کشور صادر کننده در نظر گرفته شده است، کمتر باشد.»

بی تردید مقابله حقوقی با دامپینگ (از طریق وضع و وصول عوارض ضد دامپینگ)، ابتدائاً منوط به تشخیص وقوع دامپینگ توسط مرجع ذی صلاح خواهد بود. از این رو، موافقت نامه ضد دامپینگ WTO به کشورهای عضو اجازه داده است که در مراجع رسیدگی داخلی خود، به دعاوی ضد دامپینگ طرح شده علیه صادر کننده رسیدگی کرده و تصمیم مقتضی را اتخاذ کند.

اعطای اختیار به مراجع داخلی کشورهای عضو برای وضع اقدامات ضد دامپینگ، ممکن است با این ایراد مواجه شود که احتمال تشتت آرای ناشی از تعارض مقررات داخلی کشورها و سوء استفاده اعضا در وضع

^۱ - محسن صادقی، روشهای حقوقی مقابله با دامپینگ، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۸۴، ص ۸.

^۲ - Anti - Dumping Measures

عوارض بیش از حد وجود دارد. اما این ایراد به دو دلیل وارد نیست: اولاً؛ کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی، مقررات داخلی خود در مورد دامپینگ را با اصول و قواعد کلی موافقت نامه ضد دامپینگ سازمان تجارت جهانی هماهنگ و همسو ساخته اند که این موضوع، از تشتت آرا و تعارض قوانین جلوگیری می کند؛ ثانیاً؛ در صورت عدول مرجع داخلی کشور رسیدگی کننده از اصول و مقررات موافقت نامه، کشوری که علیه او عوارض ضد دامپینگ به میزان غیرضروری وضع شده و از تصمیمات کشور رسیدگی کننده، متضرر شده است، می تواند اعتراض خود را به رکن حل اختلاف سازمان ارجاع دهد که این موضوع نیز می تواند از سوء استفاده کشورهای عضو بکاهد.

موافقت نامه ضد دامپینگ WTO، از مرجع داخلی خاصی برای رسیدگی به دعاوی ضد دامپینگ نام برده و از این رو کشورها، در خصوص تعیین مقامات مسوول از آزادی عمل برخوردار باشند؛ با این حال، موافقت نامه با بکارگیری واژه «مقامات»^۱، درصدد بیان این موضوع است که اعضای مرجع باید از افراد عالی رتبه باشند و از این طریق، آزادی اعضا را محدود ساخته است؛ ضمن آنکه موافقت نامه از اعضا می خواهد که نحوه عملکرد مقامات رسیدگی کننده به دعاوی ضد دامپینگ، منصفانه و بی طرفانه باشد.^۲

اعضای سازمان تجارت جهانی با استفاده از اختیار تفویض شده توسط موافقت نامه، هر یک مرجع خاصی را برای رسیدگی به دعاوی تخصصی ضد دامپینگ تشکیل داده اند. مطالعه تطبیقی در مقررات اتحادیه اروپا، چین، ترکیه و پاکستان نشان می دهد که برغم تفاوت مراجع داخلی رسیدگی این کشورها، در تمام این قوانین، نماینده گمرک همواره یکی از اعضای تشکیل دهنده مرجع ضد دامپینگ بوده است. یکی از دلایل این امر آن است که گمرک، اجرا کننده تصمیمات مرجع بوده و اگر خود در جریان اتخاذ تصمیم باشد، از ابهامات و مشکلات اجرای تصمیم اتخاذ شده کاسته خواهد شد.

رسیدگی به دعاوی ضد دامپینگ معمولاً در سه مرحله (مرحله آغاز رسیدگی و انجام تحقیقات، مرحله حین رسیدگی و مرحله پس از رسیدگی) انجام می شود. از آنجا که گمرک به عنوان یکی از اعضای مرجع

^۱ - Authorities

^۲ - غزاله دژم خوی و فرزاد مرادپور، الزامات ضد قیمت شکنی (ضد دامپینگ) در سازمان جهانی تجارت و ضرورت تدوین مقررات داخلی مرتبط، مندرج در مجموعه مقالات همایش راهبرد توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و عضویت در سازمان جهانی تجارت: فرصتها و چالشها، (تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۸۳)، ص ۶۵۴.

تشخیص دامپینگ، نقشی اساسی و فعال در این سه مرحله ایفا می کند، لذا بررسی تفصیلی این مراحل می تواند مقامات گمرکی را با وظایف خود در تشخیص دامپینگ و رسیدگی به دعاوی ضد دامپینگ آشنا نماید؛ از این رو این سه مرحله را در سه بند مجزا مورد بررسی تحلیلی و تطبیقی قرار خواهیم داد:

الف- مرحله آغاز رسیدگی و انجام تحقیقات

برای آنکه مرجع ذی صلاح - که نماینده گمرک نیز یکی از اعضای آن است - رسیدگی خود را آغاز نماید، ضرورتاً باید **دینفعان دعوی** از طریق تقدیم درخواست به مرجع، خواستار رسیدگی به ادعای خود شوند. اما قبل از آغاز بحث لازم است جهت تبیین بهتر موضوع، ابتدا مرجع صالح برای رسیدگی به دعاوی ضد دامپینگ و نیز مفهوم دینفعان دعوی مشخص گردند:

۱- مرجع ذی صلاح: تخصصی و پیچیده بودن دعاوی ضد دامپینگ و ضرورت رسیدگی سریع به آنها باعث شده است تا قانونگذاران کشورهای عضو WTO، مرجعی تخصصی را مسوول رسیدگی به این دعاوی نمایند؛ برای مثال، در دستور العمل ضد دامپینگ اتحادیه اروپا، کمیته‌ای به نام **کمیته اقدامات ضد دامپینگ کمیسیون اتحادیه اروپا** پیش‌بینی شده است که با حضور اعضای چون نمایندگان وزارت بازرگانی کشورهای عضو اتحادیه و نمایندگان گمرک، وظیفه رسیدگی به دعاوی ضد دامپینگ را برعهده دارد. قانونگذار چینی نیز وظیفه تشخیص دامپینگ را برعهده **وزارت همکاری تجارت خارجی و اقتصاد (MOFTEC)**^۱ گذارده است. مطابق ماده ۲۲ قانون ضد دامپینگ چین ۲۰۰۱، کمیسیون سیاستگذاری مالیاتهای گمرکی شورای دولتی بنا به پیشنهاد MOFTEC در خصوص تحمیل عوارض موقت ضد دامپینگ بر صادر کننده تصمیم خواهد گرفت و اداره گمرک نیز این تصمیم را اجرا خواهد کرد. همچنین قانونگذار ترکیه در قانون مقابله با تجارت غیر منصفانه در واردات، **هیات ارزیابی رقابت غیرمنصفانه در واردات** را به عنوان مرجع تصمیم‌گیری در مورد وقوع دامپینگ و وضع عوارض ضد دامپینگ مقرر کرده است و در ماده ۶ قانون، اعضای هیات را بر شمرده شده‌است که طبق آن، معاون گمرک در کنار مدیر کل واردات یا نماینده مدیر کل، اتحادیه اتاقهای صنایع و بازرگانی جز و اعضای هیات ارزیابی را تشکیل می دهند. در پاکستان، به موجب فرمان اصلاحی ضد

^۱- Ministry of Foreign Trade and Economic Cooperation

دامپینگ به شماره ORDINANCE NO. LXV OF 2000^۱ مصوب سال ۲۰۰۰، مرجع رسیدگی به دعاوی ضد دامپینگ، کمیسیون تحت عنوان کمیسیون ملی تعرفه^۲ معین شده است که نماینده گمرک، یکی از اعضای آن است.

۲- دینفعان دعوی: منظور از دینفعان دعوی، اشخاصی هستند که از ورود کالاهای دامپینگ شده، بطور بالفعل متضرر شده یا بطور بالقوه در آستانه زیان دیدن جدی قرار گرفته‌اند. با توجه به این تعریف، می‌توان دینفعان دعوی دامپینگ را عده‌ای از تولید کنندگان داخلی حقیقی یا حقوقی و یا تشکلهای نماینده صنایع داخلی زیان دیده دانست. منظور از صنعت داخلی، تولید کنندگان داخلی محصولات مشابه هستند که به عنوان یک کل یا دسته‌ای از آنها به تولید این محصول اشتغال داشته و مجموع تولید آنها سهم عهده‌ای از کل تولید داخلی آن محصولات را تشکیل میدهد و منظور از محصول مشابه محصولی است که از هر لحاظ با محصول دامپینگ شده، مشابه بوده یا در صورت عدم وجود چنین محصولی، با محصول دیگر دارای خصوصیات مشابه است. بنابراین تولید کنندگان داخلی^۳ و یا تشکلهای نماینده صنعت داخلی چنانچه مدعی آنند که لطمه مهمی به آنها وارد آمده یا خطر ورود خسارت جدی ناشی از واردات دامپینگ شده یا برخوردار از یارانه وجود دارد یا ورود چنین هایی باعث تاخیر در راه اندازی صنعت جدید می‌شود، می‌توانند در خواست رسیدگی خود را به مرجع رسیدگی تقدیم کنند؛ در نتیجه، اگر دینفع بودن خواهان، اثبات نشود دعوی رد خواهد شد.

سوالاتی که در مورد دینفعان دعوی ممکن است مطرح شود این است که آیا گمرک خود می‌تواند به عنوان دینفع، دعوی ضد دامپینگ اقامه کند؟ در مقام پاسخ باید میان دو فرض قائل به تفکیک شد:

^۱ . برای دیدن متن کامل این قانون، به سایتهای زیر مراجعه نمایید:
<http://www.commerce.gov.pk/index.asp>

http://www.wto.org/english/thewto_e/countries_e/pakistan_e.htm

^۲- National Tariff Commission

^۳- مطابق ماده ۱-۴ موافقت نامه ضد دامپینگ WTO و ماده ۴-۵ دستور العمل ضد دامپینگ اتحادیه اروپا، تولیدکنندگانی می‌توانند درخواست رسیدگی کنند که بیش از ۵۰ درصد تولید آن صنعت و دست کم ۲۵ درصد کل تولید صنعت را در اختیار داشته باشند وگرنه به درخواست، رسیدگی نخواهد شد.

الف) حالتی که گمرک خود یکی از اعضای مرجع رسیدگی است: در این حالت طبیعتاً گمرک خود نمی تواند ذینفع باشد زیرا مطابق اصول حقوقی حاکم بر رسیدگی به دعاوی، ذینفع دعوی خود نمی تواند مقام رسیدگی کننده باشد؛ همچنین مقام رسیدگی کننده نمی تواند به عنوان ذینفع دعوایی به همان مرجع تقدیم کند زیرا این موضوع با اصل بی طرفی مقام رسیدگی کننده در تعارض است؛ ضمن آنکه در مقررات کشورهای مورد مطالعه نیز چنین امکانی به گمرک داده نشده و این مقررات به تبعیت از موافقت نامه ضد دامپینگ، تنها صنعت داخلی و یا صنف نماینده صنعت را ذینفع دعوی دانسته است؛

ب) حالتی که گمرک، جزو مقامات رسیدگی کننده نیست: در این حالت، ظاهراً نباید معنی برای اقامه دعوی گمرک وجود داشته باشد اما از آنجا که در موافقت نامه ضد دامپینگ WTO و مقررات اتحادیه اروپا، چین، ترکیه و پاکستان مقامات ذینفع بر شمرده شده اند و نامی از گمرک به میان نیامده است، علی الظاهر باید قائل به این نظر شد که گمرک در این حالت نیز نمی تواند اقامه دعوی کند و تنها مقام اجرا کننده تصمیم مرجع رسیدگی است.

پس از بیان این مقدمات، وارد بحث اصلی شده و نحوه آغاز رسیدگی به دعوی ضد دامپینگ و انجام تحقیقات را مورد بررسی قرار می دهیم:

ذینفعان دعوی ضد دامپینگ پس از تقدیم درخواست، مکلفند اطلاعاتی را در اختیار مرجع رسیدگی قرار دهند که عبارتند از: هویت خواهانها، مقدار تولید داخلی تولید کنندگان خواهان دعوی، اسامی کشورهای صادر کننده و مشخصات صادر کنندگان شناخته شده محصول دامپینگ شده، توصیف محصول دامپینگ شده، اطلاعات راجع به قیمتهایی که کالای مورد نظر به آن قیمت برای مصرف در بازار داخلی کشور یا کشورهای صادر کننده به فروش می رسد، مدارک حاوی اطلاعات راجع به قیمت فروش داخلی و ظرفیت تولید، مدارک مثبت رابطه علی میان واردات دامپینگ شده و لطمه به صنعت داخلی، اطلاعاتی راجع به حجم واردات و تاثیر سوء آن بر قیمت و صنعت داخلی.

پس از تقدیم درخواست حاوی اطلاعات به مرجع رسیدگی، مقامات این مرجع از جمله مقامات گمرکی مکلفند بررسی مقدماتی راجع به ذینفع بودن خواهانها و رسیدن خواهانها به حد نصاب لازم انجام داده و در

صورت احراز نفع خواهانها و حد نصاب، متن کامل در خواست را در اختیار صادر کنندگان خارجی شناخته شده (خوانندگان دعوی) که دامپینگ منتسب به آنهاست و نیز دولت کشور صادر کننده قرار می‌دهد.

مرجع رسیدگی پس از انجام این اقدامات مقدماتی، باید با انجام بررسیها و تحقیقات لازم، وقوع یا عدم وقوع دامپینگ را احراز نماید. این مرجع برای احراز وقوع دامپینگ، ملزم است چهار رکن را احراز کند: ۱ - تشخیص دامپینگ؛ ۲ - تشخیص ورود لطمه به صنعت داخلی؛ ۳ - احراز رابطه علی میان واردات کالا و ورد خسارت؛ ۴ - مشمول حد قابل اغماض نبودن واردات:

۱- تشخیص دامپینگ

مقامات مرجع رسیدگی برای تشخیص دامپینگ باید سه موضوع را مورد توجه و بررسی قرار دهد:

الف) تشخیص قیمت صادراتی^۱ (ب) تشخیص ارزش عادی^۲ (ج) مقایسه قیمت صادراتی با ارزش عادی.

الف) قیمت صادراتی به قیمتی اطلاق می‌شود که در معامله بین تولید کننده خارجی و وارد کننده، در کشور وارد کننده برای کالا در نظر گرفته می‌شود و در مواردی که قیمت صادراتی وجود ندارد، می‌توان قیمت صادراتی را قیمتی فرض کرد که محصولات وارداتی به آن قیمت برای نخستین بار به خریداری مستقل بافروش می‌شود یا اگر محصولات مزبور به خریداری مستقل باز فروش نشوند یا در شرایطی که وارد می‌شوند باز فروش نشوند، قیمت صادراتی بر مبنای معقولی که مقامات مزبور تعیین می‌کنند، استوار می‌شود. اگر یک محصول مستقیماً از کشور مبدأ به کشور وارد کننده صادر نشود و از یک کشور واسطه صادر گردد، قیمت صادراتی قیمتی است که کشور واسطه، کالا را با آن قیمت به کشور وارد کننده، صادر می‌کند. این موضوع در بند ۳ ماده ۲ موافقت نامه ضد دامپینگ WTO، ماده ۲-۸ دستور العمل ضد دامپینگ اتحادیه اروپا، بند ج ماده ۲ قانون مقابله با واردات غیر منصفانه ترکیه و ماده ۵ قانون ضد دامپینگ چین نیز برای مقامات رسیدگی کننده از جمله مقامات گمرکی مقرر شده است.

ب) ارزش عادی به قیمت فروش قابل مقایسه کالای مشابه در کشور صادر کننده در جریان معمول تجارت گفته می‌شود. اگر امکان این مقایسه وجود نداشته باشد، ارزش عادی براساس قیمت محصول مشابه

^۱ - Export Price

^۲ - Normal Value

به هنگام صدور به کشور ثالث و یا براساس ارزش فرضی که شامل ارزیابی هزینه‌های اداری و عمومی و فروش و سود تعیین خواهد شد.

مفاد این موضوعات، در بند ۲ ماده ۲ موافقت نامه ضد دامپینگ WTO، مواد ۲-۱ تا ۷-۲ دستور العمل ضد دامپینگ اتحادیه اروپا، ماده ۴ قانون چین و بند ه ماده ۲، مواد ۵ تا ۷ قانون جلوگیری از رقابت غیر منصفانه در واردات ترکیه و مواد ۵ تا ۱۰ فرمان ضد دامپینگ پاکستان، به گونه ای مشابه بیان شده است.

ج) مقایسه بین قیمت صادراتی و ارزش عادی: مرجع رسیدگی باید مقایسه منصفانه‌ای میان ای دو انجام داده و برای تضمین آن باید اصول چون لحاظ کردن قیمت مناسب ارز، لحاظ کردن تفاوت شرایط فروش و مالیات رعایت گردد؛ همچنین مقایسه باید در پایه سطحی واحد از تجارت که معمولاً تحویل در کارخانه است و نیز درباره فروشهای انجام شده که تا حد امکان نزدیک به زمانی واحد انجام گردیده، صورت شود.

موافقت نامه ضد دامپینگ WTO ضمن اشاره به تکلیف مرجع رسیدگی در مقایسه این دو قیمت، به مساله «حاشیه دامپینگ»^۱ اشاره کرده و قواعدی برای محاسبه آن مقرر کرده که باید مورد توجه مقامات گمرکی ایران قرار گیرد. مطابق ماده ۲ - ۴۲ این موافقت نامه: حاشیه دامپینگ در مرحله و براساس مقایسه میانگین وزنی ارزش عادی با میانگین وزنی قیمت تمام مبادلات صادراتی قابل مقایسه و یا از طریق مقایسه ارزش عادی و قیمت‌های صادراتی یک معامله با معامله دیگر تشخیص داده می شود. اگر احراز شود که میان خریداران مناطق متفاوت یا دوره‌های زمانی مختلف، اختلاف فاحشی وجود دارد. این اختلاف را نتوان بر اساس مقایسه میانگین وزنی با میانگین وزنی دیگر با یک معامله با معامله دیگر به نحو مقتضی منظور کرد: می‌توان ارزش عادی تعیین شده بر مبنای میانگین وزنی را قیمت تک تک معاملات صادراتی قیاس کرد.

این موضوع در مواد ۱ - ۲ و ۲ - ۱۱ دستورالعمل ضد دامپینگ اتحادیه اروپا، ماده ۶ قانون ضد دامپینگ چین، بخش سوم قانون ترکیه و ماده ۱۱ فرمان ضد دامپینگ پاکستان نیز به همین شکل مقرر شده است.

۲- احراز ورود لطمه به صنعت داخلی:

^۱- Margin of Dumping

عوارض ضد دامپینگ زمانی وضع خواهد شد که مرجع رسیدگی در نتیجه تحقیقات، ورود لطمه به صنعت داخلی کشور وارد کننده را احراز نماید. بنابراین وقوع دامپینگ شرط لازم وضع عوارض است اما شرط کافی نیست و باید لطمه نیز وارد شده باشد. منظور از لطمه مطابق ماده ۶ گات و موافقت نامه ضد دامپینگ WTO، آسیب جدی^۱ به یک صنعت داخلی، خطر ایراد لطمه مهم به صنعت داخلی و یا تاخیر مهم در راه اندازی چنین صنعتی است.

موافقت نامه ضد دامپینگ WTO در ماده ۱-۳ خود، مرجع رسیدگی را مکلف ساخته است تا بر اساس مدارک مثبت، لطمه را اثبات نماید. این موافقت نامه، دو عامل را به عنوان رهنمود معرفی کرده است؛ با این حال، مرجع می تواند عوامل دیگری را نیز لحاظ نماید. این دو عامل عبارتند از:

- حجم واردات زیر قیمت و اثر واردات زیر قیمت بر قیمت محصولات مشابه در بازار داخلی: مرجع رسیدگی باید تحقیق کند که آیا افزایش قابل ملاحظه ای در واردات دامپینگ شده نسبت به تولید یا مصرف کشور وارد کننده صورت گرفته است یا نه.

- اثر بعدی واردات مزبور بر تولید کنندگان محصولات مشابه در داخل: مرجع رسیدگی باید بررسی کند که آیا قیمت فروش واردات زیر قیمت در مقایسه با قیمت محصولات مشابه در کشور وارد کننده عضو به نحو فاحشی پایین تر بوده است یا نه. البته مرجع مزبور باید در بررسی خود، تمام عوامل اقتصادی موثر بر صنعت داخلی مانند کاهش واقعی یا بالقوه تولید، فروش، سهم بازار، سود بهره وری، برگشت سرمایه گذاری ها و مانند آن را لحاظ کند.

در مورد لطمات بالقوه یعنی لطماتی که خطر ایراد آن وجود دارد نیز مقامات مرجع رسیدگی باید عواملی مثل نرخ افزایش واردات دامپینگ شده، ظرفیت صادر کنندگان و آثار احتمالی قیمت های واردات زیر قیمت بر صنعت داخلی کشور وارد کننده را بررسی نمایند.

این موضوعات در ماده ۳ موافقت نامه ضد دامپینگ WTO پیش بینی شده و مواد ۳ دستور العمل ضد دامپینگ اتحادیه اروپا، مواد ۷ و ۸ قانون چین، بخش چهارم قانون ترکیه و مواد ۱۵ تا ۱۷ فرمان

^۱- Material Injury

ضددامپینگ پاکستان به تبعیت از موافقت نامه، مقررات کاملاً مشابهی را در این زمینه پیش بینی کرده‌اند.

۳- احراز رابطه علی میان واردات محصول دامپینگ شده و لطمه به صنعت داخلی:

صرف اثبات ورود محصول دامپینگ شده و لطمه به صنعت داخلی، برای وضع عوارض ضد دامپینگ کافی نبوده و مقامات مرجع رسیدگی باید رابطه سببیت (علی)^۱ میان این دو را احراز کند. منظور از رابطه سببیت آن است که لطمه وارد شده به صنعت داخلی باید ناشی از ورود محصول دامپینگ شده باشد بنابراین اگر صنعت داخلی بر اثر عوامل دیگری چون معضلات اقتصاد داخلی، مسائل مربوط به جریان نقدینگی و دستمزد و اشتغال، لطمه دیده باشد و این لطمه منتسب به ورود کالاهای دامپینگ شده نباشد، نمی‌توان در برابر محصول وارداتی، عوارض وضع کرد. ماده ۵-۳ موافقت‌نامه ضد دامپینگ WTO مقرر می‌دارد که مرجع رسیدگی باید رابطه سببیت را براساس تمام عوامل و مدارک احراز نمایند و در این زمینه بررسی همه جانبه‌ای انجام داده و عواملی چون کاهش تقاضا^۲، تغییر در الگوی مصرف^۳، عملکرد صادراتی^۴ و بهره‌وری صنعت داخلی^۵ را نیز لحاظ نموده و بعد از آن، در مورد وجود یا عدم وجود این رابطه اتخاذ تصمیم کند.

این موضوع در ماده ۲-۵ دستورالعمل اتحادیه اروپا، ماده ۱۴ قانون چین، ماده ۱۰ قانون ترکیه و ماده ۱۸ فرمان ضددامپینگ پاکستان بطور مشابه ذکر شده است.

۴- واردات نباید مشمول حد قابل اغماض^۶ باشد:

منظور از حد قابل اغماض، حجم وزنی یا ارزش واردات است که تا آن حجم یا ارزش، ورود کالا با قیمت نازل، منجر به تأثیر منفی و مخرب بر صنعت داخلی نمی‌شود. بنابراین مرجع رسیدگی زمانی به وضع عوارض ضد دامپینگ رای می‌دهد که واردات دامپینگ شده، از حد قابل اغماض فراتر روند. فلسفه این محدودیت آن است که اصل تجارت آزاد و کاهش موانع در راه این نوع تجارت اقتصاد دارد که وضع عوارض ضد دامپینگ،

^۱ - Causal Relationship

^۲ - Contraction in Demand

^۳ - Changes in the Patterns of Consumption

^۴ - Export Performance

^۵ - Productivity of the Domestic Industry

^۶ - Negligible Limit

استثنایی بر اصل تجارت آزاد حاکم بر WTO است لذا باید در موارد خاص اعمال شود؛ وانگهی صرف هزینه و وقت زیاد برای دعاوی ضد دامپینگ در این قبیل موارد نمی‌توانست چندان اقتصادی باشد.^۱

این شرط علاوه بر ماده ۸-۵ موافقت نامه ضد دامپینگ WTO، در ماده ۷-۵ دستورالعمل اتحادیه اروپا، الحاقیه شماره یک قانون ترکیه و بند الف ماده ۱۶ فرمان ضد دامپینگ پاکستان مقرر شده است.

مقامات مرجع رسیدگی به منظور احراز چهار رکن فوق الذکر مکلفند بر اساس واقعیات موجود و نه فرضیات، اتخاذ تصمیم کنند. این تکلیف در موافقت نام ضد دامپینگ WTO تصریح شده و مقامات رسیدگی کننده کشورهای عضو نیز به موجب قوانین داخلی، ملزم به رعایت این اصل شده‌اند. مقامات مزبور به منظور محقق ساختن این اصل، از این اختیار برخوردار شده‌اند.

ب- مرحله حین رسیدگی

اتخاذ تصمیم نهایی در مورد دامپینگ، مستلزم انجام کامل تحقیقات است. با این حال، رسیدگی به دعاوی ضد دامپینگ، همیشه جریان ساده و عادی نداشته و گاه در خلال رسیدگی مسایلی پیش می‌آید که مرجع رسیدگی مکلف به اتخاذ تصمیم مقتضی در آن زمینه است و آگاهی از آنها با توجه به نقش موثری که گمرک می‌تواند در این مرحله ایفا نماید، برای این نهاد مفید خواهد بود. مهمترین موضوعات مطرح در اثنای رسیدگی عبارتند از: یک) اتخاذ اقدامات موقتی^۲؛ دو) تعهد قیمت^۳؛ سه) رسیدگی در مورد صادرکننده یا صادرکنندگان جدید. در ادامه به توضیح تفصیلی و تطبیقی هر یک از این موارد می‌پردازیم:

۱- اقدامات موقتی

با شروع تحقیقات و اعطای فرصت کافی به طرفین ذینفع در خصوص ارائه اطلاعات و اظهار نظر و یا تکمیل مدارک، این خطر وجود دارد که اطلاع جریان رسیدگی، لطماتی را به صنعت داخلی کشور واردکننده وارد آورد. به همین دلیل موافقت نامه ضد دامپینگ WTO و قوانین ضد دامپینگ داخلی کشورهای مورد بررسی، مقررات ویژه‌ای را در خصوص امکان اتخاذ اقدامات موقتی در طول جریان رسیدگی پیش‌بینی

^۱ - M. Knoll, *Legal and Economic Framework for Analysis of Injury*, Journal of World Trade, Vol. 23, PP.95-107.

^۲ Provisional Measures

^۳ - Price Undertaking

کرده‌اند که به موجب آن، اگر مرجع رسیدگی به طور مقدماتی تشخیص مثبتی مبنی بر وجود دامپینگ و لطمه بعدی آن به یک صنعت داخلی بدهد و به تشخیص او، اتخاذ اقداماتی برای جلوگیری از ورود زیان بیشتر، ضروری باشد می‌توان موقتاً به اقدامات مقابله‌ای دست زد. برای مثال، مطابق ماده ۱-۷ موافقت نامه ضد دامپینگ: «اقدامات موقتی تنها در صورتی می‌توانند اعمال شوند که:

- (۱) مطابق مقررات ماده ۵، تحقیقات آغاز شده است، اطلاعاتی عمومی بدین منظور صادر شده است و به طرفین ذینفع فرصت کافی برای ارایه اطلاعات و بیان نظرات خود داده شده باشد؛
- (۲) تشخیص مثبت مقدماتی از دامپینگ و لطمه بعدی آن بر یک صنعت داخلی داده شده باشد؛ و
- (۳) مقامات مربوطه چنین اقداماتی را برای جلوگیری از ضرری که در خلال تحقیقات از دامپینگ ناشی می‌شود، ضروری تشخیص دهند.»

ماده ۲-۷ موافقت نامه، صورتهای گوناگون اقدامات موقتی را تعیین می‌کند. مطابق این ماده: «اقدامات موقتی به شکل وضع عوارض موقتی یا ترجیحاً وثیقه اعم از وجه الضمان یا ضمانت نامه- معادل میزان عوارض ضد دامپینگ است که به طور موقت تخمین زده شده و حداکثر تا حاشیه دامپینگی که موقتاً ارزیابی شده است، باشد. خودداری از ارزیابی، خود یک اقدام موقتی مناسب است مشروط بر آن که عوارض معمول و میزان تخمینی عوارض ضد دامپینگ مشخص شده باشد و تازمانی که امتناع از ارزیابی، مشمول همان شرایط مقرر در مورد دیگر اقدامات موقتی است.» البته اقدامات مورد بحث، اقدامات موقتی، زودتر از ۶۰ روز پس از تاریخ آغاز تحقیقات اجرا نخواهد شد.

اجرای اقدامات موقتی حتی الامکان برای مدت کوتاهی بوده و از چهار ماه تجاوز نخواهد کرد و یا بنا به تصمیم مقامات ذیربط و درخواست صادرکنندگانی که درصد قابل توجهی از تجارت موردنظر را در اختیار دارند، حداکثر شش ماه خواهد بود. هنگامی که مقامات در جریان تحقیق بررسی نمایند که آیا حقوق و عوارض کمتر از حاشیه دامپینگ می‌تواند برای برطرف کردن لطمه وارد شده کفایت کند، مدتهای مذکور به ترتیب ممکن است شش ماه و نه ماه باشند (ماده ۴-۷).

آخرین بند این ماده یعنی بند ۵ نیز بیان می‌کند که «در اعمال اقدامات موقتی، مقررات ماده ۹ [تحمیل و تجمع عوارض ضد دامپینگ] رعایت خواهد شد.»

ماده ۷ دستور العمل ضد دامپینگ اتحادیه اروپا نیز طی ۷ بند به مقوله اقدامات موقتی پرداخته است. ماده ۷-۱ این مقررات با مواد ۷-۱ و ۷-۳ موافقت‌نامه ضد دامپینگ کاملاً منطبق است اما در بندهای دیگر تفاوت‌های زیر دیده می‌شود:

الف) مطابق ماده ۷-۲ دستور العمل ضد دامپینگ اتحادیه اروپا، میزان اقدامات موقتی در صورتی کمتر از حاشیه دامپینگ خواهد بود که عوارض موقت ضد دامپینگ برای جبران لطمه صنعت اتحادیه کافی باشد در حالی که چنین تصریحی در مقررات موافقت‌نامه ضد دامپینگ دیده نمی‌شود.

ب) ماده ۷-۴ دستور العمل در بیان مهلتها مقرر می‌دارد: «کمیسیون پس از مشاورت و یا در موارد بسیار فوری، پس از مطلع ساختن دول عضو اقدام موقتی را اعمال خواهد کرد. در فرض نخست، مشورت‌ها ظرف ۱۰ روز انجام خواهد شد و در فرض اخیر، پس از ابلاغ اقدام اتخاذی کمیسیون به دول عضو انجام می‌پذیرد.» ماده ۷-۵ نیز مقرر می‌کند: «جایی که دولت عضو، خواستار مداخله فوری کمیسیون شده و شرایط مقرر در بند ۱ محقق شده است، کمیسیون حداکثر ظرف ۵ روز کاری از تاریخ دریافت تقاضا، در خصوص وضع یا عدم وضع عوارض موقت ضد دامپینگ اتخاذ تصمیم می‌کند.» چنین مهلت‌هایی در موافقت‌نامه ضد دامپینگ سازمان وجود ندارد.

ج) در خصوص مدت اقدام موقتی نیز میان این دو قانون تفاوت وجود دارد. مطابق ماده ۷-۷ مقررات ضد دامپینگ اتحادیه اروپا، «عوارض موقتی برای ۶ ماه تحمیل می‌شود و اگر تا ۳ ماه دیگر افزایش یابد، برای مدت ۹ ماه تحمیل می‌گردد.»

فصل ۴ قانون چین نیز طی سه ماده، از اقدامات موقتی ضد دامپینگ^۱ سخن گفته است: صدر ماده ۲۲ با مقررات موافقت‌نامه ضد دامپینگ منطبق است و انتهای این ماده مقرر می‌دارد: «MOFTEC می‌تواند در خصوص تحمیل عوارض موقت ضد دامپینگ پیشنهاد داده و کمیسیون سیاست مالیات گمرکی دولتی

^۱-Temporary Anti – Dumping Measures

می‌تواند بر مبنای آن اتخاذ تصمیم کند. MOFTEC راجع به اینکه آیا تودیع وجه الضمان یادیگر اشکال تضمینات، لازم است یا نه، تصمیم‌گیری خواهد کرد.» همچنین به حکم ماده ۲۳ این قانون، «MOFTEC، تصمیمات راجع به پذیرش اقدامات موقتی ضد دامپینگ را اعلام و اداره گمرک آنها را اجرا خواهد کرد.» ماده ۲۴ نیز در مورد مدت این اقدامات، با موافقت‌نامه ضد دامپینگ سازمان تجارت جهانی، منطبق است. در ترکیه، قانون شماره ۳۵۷۷ راجع به منع رقابت غیر منصفانه در واردات^۱ مصوب ۱۹۹۹، آیین‌نامه^۲ و فرمانی^۳ به همین نام وجود دارد که قواعدی یکسان با مقررات موافقت‌نامه ضد دامپینگ بیان داشته است که از ذکر آن خودداری می‌کنیم.

در فرمان ضد دامپینگ پاکستان، مواد ۴۳ تا ۴۵، صراحتاً مقرراتی مشابه مقررات موافقت‌نامه WTO پیش‌بینی کرده و به مرجع رسیدگی (کمیته ملی تعرفه) اجازه اتخاذ اقدامات موقتی را اعطا نموده است.

۲- تعهد قیمت

صادر کننده یا کشور صادر کننده می‌تواند در اثبات تحقق تعهد نماید که با افزایش قیمت محصول دامپینگ شده، کشور وارد کننده را از وضع عوارض ضد دامپینگ منصرف کند. برای قبول شدن تعهد، صادر کننده یا دولت صادر کننده، پیشنهادی را به مرجع رسیدگی کشور وارد کننده ارائه می‌دهد تا مرجع مزبور در خصوص قبول یا رد آن اتخاذ تصمیم کند و در این میان نقش گمرک بسیار حائز اهمیت است زیرا گمرک با توجه به ارزش گمرکی می‌تواند دیگر مقامات مرجع رسیدگی را در قبول یا عدم قبول تعهد یاری کند. تعهد در صورت قبول از جانب مرجع تازمانی ادامه می‌یابد که وضعیت مخرب ناشی از دامپینگ رفع شود و با رفع شدن آن، تعهدات لغو می‌گردد. اگر تعهدات از سوی متعهد نقض شود، مرجع می‌تواند عوارض

^۱.Law No.3577 on the Prevention of Unfair Competition in Imports

^۲.Regulation

^۳.Decree

موقت را با توجه به اوضاع واحوال قضیه وضع کند و در صورتی که رسیدگی به دعوی، به حالت تعلیق درآمده باشد، تعلیق خاتمه یافته و رسیدگی مجدداً آغاز می‌شود.^۱

موافقت‌نامه ضد دامپینگ در ماده ۸ خود از این اقدام سخن گفته است. مطابق موافقت‌نامه، جریان رسیدگی ممکن است با توجه به دریافت تعهدنامه اختیاری صادرکننده، بدون اقدامات موقتی یا وضع عوارض ضد دامپینگ معلق شده یا خاتمه یابد. به موجب این تعهدنامه، صادرکننده ملتزم می‌گردد که در قیمت‌های محصول بازنگری کرده یا صادرات به منطقه مورد بحث باقیمت دامپینگ شده را متوقف سازد به گونه‌ای که مقامات اقناع شود که اثر زیان‌بار دامپینگ حذف می‌شود. قیمت محصول بر مبنای این تعهدات افزایش می‌یابد اما این افزایش، بیشتر از میزان لازم جهت حذف حاشیه دامپینگ نخواهد بود. اگر افزایش قیمت برای رفع خسارات صنعت داخلی، کافی باشد گرایش بر این است که میزان افزایش قیمت، کمتر از حاشیه دامپینگ تعیین شود (ماده ۸-۱).

از مطالعه ماده مزبور می‌توان فهمید که صرف پیشنهاد تعهد از سوی صادر کننده، مقامات کشور وارد کننده را ملزم به پذیرش آن نمی‌کند و قبول یا رد پیشنهاد در اختیار مرجع رسیدگی است اما این اختیار را نباید به آزادی مطلق مقامات تفسیر کرد و هر چند در صدر ماده ۸-۱ آمده است که جریان رسیدگی «ممکن است» معلق شده یا خاتمه یابد، اما موافقت‌نامه برای منع مقامات رسیدگی کننده از سوء استفاده از حق قبول یا رد پیشنهاد، در ادامه ماده از «رفع شدن اثر زیان‌بار دامپینگ» سخن گفته است لذا به نظر می‌رسد اگر دلایل کافی مبنی بر رفع این آثار در نتیجه قبول تعهدات، وجود داشته باشد، مقامات، دلیل موجهی برای عدم پذیرش پیشنهاد نخواهند داشت چرا که فلسفه وضع عوارض ضد دامپینگ، حذف خسارات صنعت داخلی است که با قبول تعهد، این هدف، محقق می‌گردد هم چنان که از انتهای ماده ۸-۱ نیز می‌توان این موضوع را استنباط کرد. هر چند برخی مفسران^۲ با بیان نظری مخالف بر این عقیده‌اند که واژه «ممکن است»^۳ بدین معناست که مقامات در تشخیص قبول یا رد تعهد، آزادی مطلق دارند اما باید گفت که

^۱ Thomas Prusa and D. Sharp, *Simultaneous Equations in Antidumping Investigations*, Journal of Forensic Economics, Vol.14, 2001, PP.63 and seq.

^۲ Gary Horlick and E.C. Shea, *op.cit.*, PP.5 and seq.

^۳ May

این آزادی تنها در تشخیص قانع کننده یا نبودن تعهد بوده و در صورت قانع کننده بودن باید تعهد پذیرفته شود. پذیرش این تفسیر با اصل استثنایی بودن وضع عوارض ضد دامپینگ، سازگار است.

ماده ۲-۸ برای قبول تعهدات، پیش شرطی را مقرر داشته است. به موجب این ماده: «تعهدات/ قیمت از صادرکننده مطالبه یا پذیرفته نمی شود مگر آن که مقامات کشور واردکننده تشخیص مثبت اولیه از دامپینگ و خسارت ناشی از چنین دامپینگی داشته باشند».

اگر مقامات رسیدگی، قبول تعهدات را به دلایلی مانند زیاد بودن تعداد صادرکنندگان واقعی یا بالقوه یا به دلیل سیاست کلی، غیر عملی ببینند، نیازی به قبول تعهدات پیشنهاد شده نیست و در جایی که عملی باشد، مقامات، دلایلی را که به موجب آن، پذیرش تعهد را نامناسب می دانند برای صادرکننده تهیه کرده و تا آن جا که ممکن باشد به صادرکننده فرصت می دهند که از مفاد آن مطلع شود (ماده ۳-۸).

در صورت قبول تعهد، رسیدگی ادامه پیدا نخواهد کرد با این حال اگر صادرکننده بخواهد یا مقامات تصمیم بگیرند، تحقیقات راجع به دامپینگ و خسارت تکمیل خواهد شد. در چنین حالتی، اگر دامپینگ یا خسارت احراز نشود، تعهد خود به خود لغو می گردد مگر در مواردی که چنین تشخیصی وابسته به میزان زیاد به وجود تعهد قیمت باشد. در چنین فروضی، مقامات ممکن است مقتضی بدانند که تعهد برای دوره ای معقول و مطابق با مقررات این موافقت نامه باقی بماند. در موردی که تشخیص مثبتی از دامپینگ و خسارت به عمل آید، تعهد براساس مدت و مقررات این موافقت نامه ادامه خواهد یافت (ماده ۴-۸).

تعهد قیمت لزوماً از سوی صادرکننده مطرح نمی شود بلکه مقامات کشور واردکننده نیز می توانند چنین پیشنهادی را ارایه دهد هر چند صادرکننده الزامی به پذیرش آن ندارد. این حقیقت که صادرکنندگان، چنین تعهداتی را پیشنهاد نداده یا پیشنهاد انجام آن را نپذیرفته اند به هیچ وجه، ملاحظات دعوی را تحت الشعاع قرار نمی دهد. با این حال، مقامات می توانند تشخیص دهند که در صورت تداوم واردات دامپینگ شده احتمال فعلیت یافتن تهدید ورود لطمه بیشتر است (ماده ۵-۸). مقامات کشور واردکننده ممکن است صادرکننده ای که تعهد او پذیرفته شده است را ملزم کنند که در فواصل زمانی، اطلاعات مربوط به اجرای چنین تعهدی را ارایه داده و تحقیق و بررسی اطلاعات مقتضی را اجازه دهد. در صورت نقض تعهد، مقامات

کشور واردکننده می‌توانند طبق مقررات این موافقت‌نامه، اقدامات فوری را اتخاذ نمایند که شامل اعمال بی‌درنگ اقدامات موقتی با استفاده از بهترین اطلاعات موجود است (ماده ۶-۸).

دستور العمل ضد دامپینگ اتحادیه اروپا نیز ماده ۸ خود را به مقوله «تعهدات» اختصاص داده است. البته با این تفاوت عبارتی که مطابق مقرره اتحادیه اروپا، عوارض موقتی «باید» کمتر از حاشیه دامپینگ باشد؛ در حالی که در ماده مشابه موافقت‌نامه از لفظ الزامی «باید» استفاده نشده و تنها مقرر گردیده است که میزان عوارض موقتی از حاشیه دامپینگ افزون‌تر نخواهد بود. با این حال، این تفاوت، اساسی نیست زیرا با توجه به استثنایی بودن وضع این عوارض و جواز استفاده از آن در موارد خاص مقرر در موافقت‌نامه، می‌توان این الزام ضمنی را از روح حاکم بر موافقت‌نامه ضد دامپینگ نیز استنباط کرد.^۱

مقررات مربوط به عدم پذیرش تعهد مذکور در بندهای ۲ و ۳ ماده ۸ کاملاً مشابه موافقت‌نامه ضد دامپینگ است لذا از ذکر آن خودداری می‌کنیم اما ماده ۴-۸ به قاعده‌ای اشاره کرده است که در موافقت‌نامه ضد دامپینگ وجود ندارد. به موجب این ماده، «طرفینی که تعهدی را پیشنهاد می‌کنند باید مقدمات بررسی غیر محرمانه چنین تعهداتی را فراهم سازد به طوری که برای طرفین ذینفع در تحقیقات، قابل دسترسی باشد».

در جایی که تعهدات پس از مشورت، پذیرفته شود و در جایی که اعتراض به کمیته نظارتی داده نشده است، تحقیقات خاتمه خواهد یافت. در تمام فروض دیگر، کمیسیون گزارشی راجع به نتایج شور به همراه پیشنهاد خاتمه یافتن تحقیقات به شورا تقدیم خواهد کرد. تحقیقات خاتمه یافته فرض می‌شود اگر ظرف یک ماه شورا که براساس اکثریت، عمل می‌کند به گونه‌ای دیگر اتخاذ تصمیم نکند (ماده ۵-۸).

ضمانت اجرای نقض، مطابق بند ۹ ماده ۸ عبارت است از: «در فرض نقض تعهد یا انصراف از آن از سوی هر طرف، مطابق ماده ۹ و براساس حقایق ناشی از تحقیقات که همراه با تشخیص قطعی دامپینگ و لطمه و این که صادرکننده مربوط، جز در حالت انصراف از تعهد، فرصت کافی برای بررسی داشته، بوده است، خاتمه یافته باشد.» به علاوه، بند ۱۰ همین ماده، ضمانت اجرای دیگری را پیش‌بینی کرده است که

^۱ Ibid.

براساس آن، «پس از مشورت، مطابق ماده ۷ و براساس بهترین اطلاعات قابل دسترسی، در جایی که اعتقاد به نقض تعهد وجود دارد و در صورت نقض یا انصراف از تعهد در جایی که تحقیقات منجر به تعهد، خاتمه نیافته باشد، ممکن است عوارض موقتی وضع شود.»

ماده ۲۵ قانون چین نیز به مقوله تعهد قیمت اشاره کرده است. مطابق این ماده، «اگر صادرکننده محصولات دامپینگ شده یا دولت کشور صادرکننده تعهد دهد که برای حذف لطمه وارده به صنعت داخلی، اقدامات مؤثری را اتخاذ نماید، MOFTEC پس از شور با کمیسیون اقتصاد و تجارت دولت می‌تواند در خصوص تعلیق تحقیقات ضد دامپینگ تصمیم بگیرد. MOFTEC این تصمیم را انتشار عمومی می‌کند. MOFTEC ممکن است صادرکننده یا دولت کشور صادرکننده مذکور در بند پیشین را ملزم سازد که به طور مرتب، اطلاعات راجع به اجرای تعهداتشان را عرضه دارد.»

تفاوت این ماده با ماده ۸ موافقت‌نامه ضددامپینگ آن است که به معیار قانع کننده بودن تعهدات اشاره نکرده است هر چند می‌توان چنین تفسیر کرد که پذیرش تعهد، منوط به قانع کننده بودن آن می‌باشد. تفاوت دیگر نیز آن است که تنها به تعلیق جریان تحقیقات در صورت پذیرش تعهدات اشاره شده و از خاتمه جریان سخنی به میان نیامده است. به نظر می‌رسد قانونگذار چینی برای دادن تضمین بیشتر به انجام تعهد صادرکننده، تنها از تعلیق سخن گفته است تا به محض نقض تعهد، تحقیقات از نقطه معلق مانده، مجدداً به جریان بیفتد نه آن که از نو شروع شود. البته این قسمت از ماده را می‌توان به گونه‌ای دیگر نیز تفسیر کرد بدین ترتیب که واژه «May = ممکن است» گویای این مطلب می‌باشد که مرجع رسیدگی ممکن است جریان رسیدگی را معلق کرده و یا با توجه به اوضاع و احوال قضیه، تصمیم به خاتمه آن بگیرد.

ماده ۱۱ قانون ترکیه نیز با اشاره به «تعهدات»، مقرراتی کاملاً مشابه موافقت‌نامه مقرر داشته و تفاوتی میان آنها دیده نمی‌شود. همچنین در مواد ۴۶ تا ۴۹ فرمان ضددامپینگ پاکستان، مقرراتی مشابه مفاد موافقت‌نامه ضددامپینگ سازمان تجارت جهانی پیش بینی کرده و از این نظر تفاوتی با آن ندارد.

۳- رسیدگی در مورد صادرکننده یا صادرکنندگان جدید

گاهی در حین رسیدگی به دعوای ضد دامپینگ، صادرکننده یا صادرکنندگان جدیدی، همان محصول را به کشور واردکننده صادر می‌کنند. از آن جا که بر اثر واردات محصول دامپینگ شده، صنعت داخلی دچار خسارت یا تهدید جدی شده است لذا ورود همان محصول هر چند از سوی صادرکنندگانی غیر از صادرکنندگانی که دامپینگ بدانان منتسب است، می‌توان خطرساز باشد.

این موضوع تنها در ماده ۵-۹ موافقت نامه آمده و در مقررات اتحادیه اروپا، ترکیه، چین و پاکستان، چیزی در این مورد مقرر نشده است. مطابق ماده ۵-۹: صادرکنندگان یا تولیدکنندگانی که در دوره رسیدگی، کالای مورد نظر را به کشور لطمه دیده، صادر نکرده‌اند می‌توانند از مرجع کتباً درخواست کنند که نسبت به تعیین حاشیه دامپینگ اقدام کند.

صادرکننده متقاضی باید اثبات نماید که با هیچ یک از تولیدکنندگان و صادرکنندگان مشمول اقدامات اتخاذ شده قبلی ارتباط ندارد و کالای مورد نظر را پس از دوره رسیدگی به کشور صادر کننده صادر کرده یا براساس قراردادهای غیر قابل فسخ، تعهداتی را برای صدور محصول مورد نظر به کشور برعهده گیرد.

ج- مرحله پس از رسیدگی

پس از خاتمه مرحله انجام تحقیقات و بررسی مدارک مربوط به دعوای ضد دامپینگ، نوبت به مرحله خاتمه رسیدگی می‌رسد. اقدام یا اقداماتی که مرجع رسیدگی، در این مرحله ممکن است اتخاذ کند، به یکی از صور زیر خواهد بود:

۱- وضع عوارض نهایی ضد دامپینگ و استرداد عوارض مازاد

۲- امکان عطف به‌سابق شدن عوارض

۳- تجدید نظر در تصمیم/تخاذ شده

۴- مقابله با طفره فریبکارانه(محیلانه)

۵- اقدام ضد دامپینگ از جانب کشور ثالث

اکنون به شرح و بررسی تفصیلی و تطبیقی هر یک از مباحث فوق می‌پردازیم:

۱- وضع عوارض نهایی ضد دامپینگ و استرداد عوارض مازاد

با تکمیل شدن تحقیقات، نوبت به اتخاذ تصمیم نهایی در رابطه با وضع عوارض نهایی ضد دامپینگ می‌رسد. در این مرحله، مقامات کشور واردکننده در خصوص اخذ تصمیم و نیز میزان عوارض اقدام می‌کنند. اصول حاکم بر تجارت آزاد، موافقت نامه را برآن داشته است که مراجع ملی اعضا را به وضع عوارض کمتر از حاشیه دامپینگ تشویق می‌نماید بدین معنا که اگر عوارض معادل حاشیه دامپینگ، بیش از میزان لازم برای رفع لطمه باشد، کشور واردکننده به وضع عوارض تا حدی که برای رفع لطمه کافی باشد، توصیه می‌شود (ماده ۱-۹ موافقت‌نامه ضد دامپینگ). با این حال برای تضمین این که عوارض قطعی اضافه اخذ نشود دو روش را مقرر می‌دارد:

۱- در صورت وضع اقدامات موقتی، با درخواست بازپرداخت عوارض مازاد ظرف ۹۰ روز از تاریخ تصمیم، عوارض مازاد مسترد می‌شود.

۲- در صورت تصمیم نهایی اخذ با درخواست می‌توان عوارض مازاد را مسترد داشت.

هنگامی که عوارض ضد دامپینگ در مورد هر محصول وضع می‌شود چنین عوارضی در هر فرض به میزان مناسب و بر مبنای غیر تبعیض‌آمیز بر واردات چنین محصول از تمام منابع که باعث دامپینگ شده و از آن خسارتی به بار آمده تجمیع می‌گردد مگر در خصوص واردات صادرکنندگانی که طبق شروط این موافقت‌نامه، از آن‌ها تعهد قیمت پذیرفته شده است. مقامات، عرضه کننده یا عرضه کنندگان محصول مربوطه را آگاه خواهند ساخت با این حال اگر چند عرضه کننده از یک کشور باشند و آگاه کردن تمام آن‌ها میسر نباشد، ممکن است مقامات کشور عرضه کننده را مطلع سازند. اگر چند عرضه کننده از بیش از یک کشور، مطرح باشند، مقامات می‌توانند همه آنان را مطلع ساخته و در صورت عدم امکان، تمام کشورهای عرضه کننده را مطلع می‌سازند (ماده ۲-۹ موافقت‌نامه). طبق قاعده، میزان عوارض ضد دامپینگ از حاشیه دامپینگ تجاوز نخواهد کرد.

هنگامی که میزان عوارض ضد دامپینگ، بر مبنای عطف بماسبق شدن ارزیابی می‌گردد، تشخیص مسئولیت نهایی پرداخت عوارض ظرف ۱۲ ماده اتفاق افتاده و در هیچ موردی بیشتر از ۱۸ ماه از تاریخی که در آن درخواست ارزیابی نهایی میزان عوارض ضد دامپینگ مطرح شده است، نخواهد بود. هر گونه استرداد

بیش از ۹۰ روز پس از تعیین مسئولیت نهایی صورت نخواهد گرفت. در هر حال، در جایی که استرداد ظرف ۹۰ روز صورت نمی‌گیرد، مقامات در صورت بودن تقاضا، توضیح خواهند داد (ماده ۱-۳-۹) البته رعایت مدت مقرر در قانون در فرض تجدید نظر قضایی میسر نیست. وقتی عوارض ضد دامپینگ براساس عطف به آینده برآورد می‌شود، بنا به درخواست، از هر گونه عوارضی که مازاد بر حاشیه دامپینگ پرداخت شده است صورت می‌گیرد. استرداد عوارضی که مازاد بر حاشیه دامپینگ واقعی پرداخت شده است قاعداً ظرف ۱۲ ماه روی می‌دهد اما در هیچ حالتی حتی موارد استثنایی، از ۱۸ ماده از تاریخ طرح درخواست مستند واردکننده محصول مشمول عوارض تجاوز نمی‌کند. استرداد مزبور قاعداً ظرف ۹۰ روز از تاریخ تصمیم فوق‌الذکر باید صورت پذیرد. (ماده ۲-۳-۹)

موافقت‌نامه ضد دامپینگ برای تعیین لزوم استرداد و میزان آن معیارهایی را به دست داده است بدین ترتیب که در ارزیابی موضوع، باید هر گونه تغییر در ارزش عادی، هر گونه تغییر در هزینه‌های میان واردات و باز فروش و نیز هر تغییری که در قیمت باز فروش در قیمت فروش‌های بعدی منعکس می‌شود را لحاظ کرد. به علاوه قیمت صادراتی را بدون کاهش میزان عوارض ضد دامپینگ پرداخت شده باید ارزیابی نمود (ماده ۳-۳-۹).

هنگامی که مقامات رسیدگی، بررسی خود را جمع به تعیین حاشیه دامپینگ را به صادرکنندگانی متعارف و معقول محدود می‌کنند (ر.ک به بند ۱۰ ماده ۶ موافقت‌نامه)، عوارض ضد دامپینگ اعمال شده نسبت به واردات صادرکنندگان یا تولیدکنندگانی که مشمول بررسی نیستند از:

- ۱- حجم متوسط حاشیه دامپینگ در رابطه با صادرکنندگان یا تولیدکنندگان منتخب؛
 - ۲- جایی که مسئولیت پرداخت عوارض ضد دامپینگ بر مبنای ارزش عادی آینده صورت می‌گیرد، ما به التفاوت میان متوسط حجم ارزش عادی صادرکنندگان یا تولیدکنندگان منتخب و قیمت‌های صادراتی صادرکنندگان یا تولیدکنندگانی که به طور انفرادی مورد تحقیق قرار نگرفته‌اند،
- تجاوز نخواهد کرد مشروط بر آن که مقامات در راستای هدف این بند حاشیه دامپینگ‌های قابل اغماض یا صفر و حداقلی و حاشیه‌های مقرر در شرایط مذکور در بند ۸ ماده ۶ لحاظ نمایند. مقامات یکایک

این حقوق و عوارض یا ارزش‌های عادی را نسبت به محصولات خریداری شده از صادرکننده یا تولیدکننده‌ای که مشمول بررسی و تحقیق نیستند و اطلاعات لازم را در جریان تحقیق ارائه کرده است، اعمال خواهند کرد (ماده ۴-۹).

موافقت‌نامه در خصوص وضع عوارض قطعی ناظر به موارد تهدید لطمه یا تأخیر جدی در تأسیس صنعت (مواردی که هنوز لطمه ای وارد نشده است) نیز مقرره‌ای خاص دارد که به موجب آن، عوارض دریافتی طی مدت اعمال اقدامات موقتی، مسترد شده و هرگونه ضمانت نامه ای به سرعت آزاد می‌شود (ماده ۴-۱۰).

ماده ۱-۱۱ موافقت‌نامه با توجه به اصل تجارت آزاد و استثنایی بودن وضع عوارض ضد دامپینگ، با بیان یک قاعده کلی، مقرر می‌دارد: «عوارض ضد دامپینگ تنها تا مدت و تا اندازه‌ای اجرا و اعمال خواهد شد که برای خنثی کردن [اثر] دامپینگ که مسبب خسارت است، ضروری باشد». موافقت‌نامه برای جلوگیری از سوء استفاده احتمالی کشورها و ممانعت از اینکه این قبیل کشورها به بهانه خنثی نشدن اثر دامپینگ، عوارض را سال‌های متمادی اعمال نمایند، در ماده ۳-۱۱ خود برای مدت مجاز اعمال عوارض قطعی، سقفی را مشخص کرده و بیان می‌دارد:

«... هرگونه عوارض ضد دامپینگ حداکثر ۵ سال از تاریخ اعمال (یا از تاریخ آخرین تجدید نظر مطابق بند ۲ در صورتی که تجدید نظر هم دامپینگ و هم خسارت را شامل شود) خاتمه می‌یابد...».

تعیین سقف مزبور گویای آن است که تدوین‌کنندگان مقررات موافقت‌نامه ضد دامپینگ به تبعیت از اصل تجارت آزاد و روح حاکم بر مقررات WTO، به عوارض ضد دامپینگ به چشم یک استثنا نگریسته و کوشیده‌اند تا قلمرو آن را تا حد امکان مضیق سازند. با این حال، حداکثر مدت مقرر شده در یک مورد استثنا می‌پذیرد. مطابق بخش انتهایی ماده ۳-۱۱، اگر مقامات در تجدید نظری که به ابتکار خود و یا به تقاضای طرف‌های ذی‌نفع ظرف مدت معقولی قبل از انقضای تاریخی که در آن عوارض احتمالاً به ادامه یا وقوع مجدد دامپینگ منجر می‌شوند انجام می‌دهند، به این نتیجه برسند که این حقوق و عوارض برای مقابله

با دامپینگ مسبب لطمه، ضروری هستند، می‌توانند پس از گذشت ۵ سال نیز عوارض را همچنان اعمال کنند.

دستور العمل ضد دامپینگ اتحادیه اروپا در بندهای ۴ تا ۶ ماده ۹ از وضع عوارض نهایی سخن گفته است که به جز بند ۴، بقیه بندها تفاوتی با مقررات موافقت‌نامه نداشته و از ذکر آن خودداری می‌کنیم. مطابق بند ۴ ماده مزبور که در سال ۲۰۰۴ اصلاح شده است، «در جایی که وقایع احراز شده نشان می‌دهد که دامپینگ و خسارت ناشی از آن روی داده است و نفع اتحادیه اروپا برای مداخله طبق ماده ۲۱ اقتضا می‌کند، شورا عوارض قطعی ضد دامپینگ را بر مبنای پیشنهاد ارایه شده به کمیسیون و پس از مشورت با کمیته ناظر، وضع خواهد کرد. پیشنهاد از سوی شورا پذیرفته خواهد شد مگر آن که ظرف یک ماه پس از تسلیم آن توسط کمیسیون، اکثریت مطلق آن را رد کند. در جایی که عوارض موقتی اعمال می‌شود، پیشنهاد اقدام قطعی حداکثر یک ماده قبل از انقضای چنین عوارضی تقدیم خواهد شد. میزان عوارض ضد دامپینگ از حاشیه دامپینگ تجاوز نمی‌کند اما باید از حاشیه دامپینگ کمتر باشد اگر چنین عوارضی برای جبران لطمه صنعت جامعه کافی باشد.»

تفاوت این ماده با ماده مشابه در موافقت‌نامه ضد دامپینگ آن است که کمتر بودن وضع عوارض از حاشیه دامپینگ در فرض جبران لطمه با چنین عوارضی، توصیه شده است در حالی که مقررات اتحادیه با استفاده از واژه «(Should)» آن را الزامی کرده‌اند که به نظر می‌رسد رویه دوم مناسب‌تر باشد زیرا با جبران شدن لطمه، نیازی به وضع عوارض بالاتر وجود ندارد و وضع آن، محدودیتی در راه تجارت آزاد است. نکته دیگر در خصوص ماده ۴-۹ دستور العمل ضد دامپینگ اتحادیه اروپا آن است که طبق ماده مزبور وضع عوارض قطعی ضد دامپینگ علاوه بر وقوع دامپینگ و خسارت، منوط به نفع اتحادیه اروپا شده است که چنین قیدی زاید به نظر می‌رسد زیرا نفع اتحادیه اروپا در وضع عوارض و مقابله با خسارات وارده است.

بندهایی از ماده ۱۱ دستور العمل ضد دامپینگ اتحادیه اروپا نیز به مقوله مدت وضع عوارض اشاره کرده است. بند ۱ این ماده در بیان قاعده کلی مدت، کاملاً با ماده ۱-۱۱ موافقت‌نامه یکسان است اما بند ۲

ماده ۱۱ مقررات اتحادیه که در مورد حداکثر مدت وضع عوارض قطعی است، دو تفاوت عبارتی جزئی با ماده ۱۱ موافقت‌نامه دارد:

تفاوت نخست آنکه مطابق ماده ۳-۱۱ موافقت‌نامه ضد دامپینگ مدت ۵ سال مذکور در ماده گاه از تاریخ آخرین تجدید نظر لحاظ می‌شود در حالی که در ماده ۲-۱۱ مقررات اتحادیه، ۵ سال از تاریخ صدور رای آخرین تجدید نظر محسوب می‌گردد. هر چند ماده ۳-۱۱ موافقت‌نامه ضد دامپینگ را نیز می‌توان چنین تفسیر کرد که مقصود از تاریخ آخرین تجدید نظر، تاریخ صدور رای است اما شیوه ادبیات قانونی مقررات اتحادیه که به این قید تصریح کرده است مناسب‌تر می‌باشد. پیشنهاد می‌شود که مقنن‌ها نیز در قانون آینده ضد دامپینگ ایران به تاریخ صدور رای آخرین تجدید نظر تصریح نماید.

تفاوت دوم آن که در ماده ۲-۱۱ مقررات اتحادیه، از تقاضای تجدید نظر «تولیدکنندگان جامعه» اروپا سخن به میان آمده است اما در ماده ۳-۱۱ موافقت‌نامه به تقاضای تجدید نظر «ذینفعان» اشاره شده که اصطلاح اخیر، جامع‌تر و مناسب‌تر بوده و تمام طرفین ذینفع دعوی را در بر گرفته و عام‌تر از اصطلاح «تولیدکنندگان» است.

قانون جدید ضد دامپینگ چین، مواد ۳۷ تا ۴۲ از بخش سوم خود را با بیان مقررات مشابه موافقت‌نامه، به تعرفه‌های ضد دامپینگ^۱ اختصاص داده و در ماده ۴۸ خود، سقف ۵ سال را برای وضع عوارض و امکان عدول از مدت مقرر در شرایط استثنایی پذیرفته است.

ماده ۷ قانون جلوگیری از رقابت غیرمنصفانه ترکیه نیز با پیش‌بینی این عوارض در کنار عوارض جبرانی مقرر می‌دارد: «مبلغی معادل حاشیه دامپینگ یا مبلغ یارانه که هیأت تأیید و وزارتخانه متعاقب تحقیق، تصویب کرده است به ترتیب به عنوان عوارض ضد دامپینگ بر واردات دامپینگ شده و به عنوان عوارض جبرانی بر واردات برخوردار از یارانه وضع خواهد شد. البته در مواردی که احراز شود نرخ یا مبلغ عوارض، کمتر از حاشیه دامپینگ محاسبه شده یا مبلغ یارانه برای برطرف کردن لطمه ناشی از واردات دامپینگ شده یا برخوردار از یارانه کافی است، این نرخ یا مبلغ کمتر وضع خواهد شد ...» مدت وضع این

^۱- Anti – Dumping Tariffs

عوارض مطابق ماده ۷ تصویبنامه این قانون، حداکثر ۵ سال است و در موارد استثنایی قابل افزایش است. ماده ۱۳ این قانون نیز می‌گوید: «در مواردی که در نتیجه تحقیق تشخیص مثبتی در خصوص واردات دامپینگ شده یا برخوردار از یارانه و لطمه ناشی از آن‌ها به عمل آید، عوارض ضد دامپینگ یا عوارض جبرانی قطعی، به مبلغی معادل حاشیه دامپینگ یا مبلغ یارانه به نحو مقرر توسط هیأت و نهایی شده با تایید وزارتخانه، یا مبلغی کمتر که برای رفع لطمه یا جلوگیری از ورود لطمه کافی است، وضع خواهد شد. در مواردی که هرگونه سپرده تضمینی اخذ شده باشد، مقررات ماده ۱۴ اعمال خواهد شد (استرداد). البته وقتی تصمیمی برای اقدامات قطعی راجع به خطر لطمه یا تأخیر مهم در تأسیس یک صنعت داخلی اتخاذ شده باشد برای این که در خلال بررسی سپرده اخذ شود، هیأت احراز خواهد کرد که لطمه بدون اعمال اقدامات موقتی واقع خواهد شد. در مواردی که چنین تشخیصی به عمل نیاید، هرگونه سپرده تضمینی که طی مدت تحقیق به عنوان اقدامات موقتی اخذ شده باشد مسترد خواهد شد...»

از آن جا که قانون ترکیه در آن واحد به موضوع دامپینگ و یارانه‌های صادراتی پرداخته است در انتهای ماده ۱۳ مقرر داشته است: «عوارض ضد دامپینگ و جبرانی برای مقابله متقابل با محصولی که هم موضوع تحقیق دامپینگ است و هم برخوردار از یارانه، با هم اعمال نخواهد شد.»

در فرمان ضد دامپینگ پاکستان، مواد ۵۰ تا ۵۳، به تبعیت از موافقت نامه ضد دامپینگ، صدور رای به وضع عوارض ضد دامپینگ توسط مقامات مرجع رسیدگی را پیش بینی کرده که مفاد آن کاملاً مشابه مقررات موافقت نامه می باشد و به ۸مین دلیل، به متن آن اشاره نمی شود.

۲- امکان عطف بماسبق^۱ شدن عوارض وضع شده

موافقت نامه ضد دامپینگ به تبعیت از اصل حقوقی «عطف بماسبق نشدن امر حادث به گذشته»، مقرر می‌دارد که اقدامات موقتی و حقوق و عوارض نهایی ضد دامپینگ در مورد محصولاتی که قبل از تاریخ لازم الاجرا شدن تصمیمات مبنی بر اتخاذ تصمیم نهایی یا موقت وارد شده‌اند وضع نشده و به تعبیر حقوقی تر، عوارض نهایی شده، عطف بماسبق نمی‌شوند (ماده ۱-۱۰). با این حال در برخی شرایط خاص، این

^۱- Retroactivity

قاعده رعایت نشده و عوارض عطف بماسبق می‌گردند. ماده ۲-۱۰ موافقت‌نامه، فلسفه این عدول از قاعده را بیان می‌کند:

اگر تشخیص نهایی مبنی بر لطمه (و نه خطر وقوع آن یا تأخیر مهم در تأسیس صنعت) وجود داشته باشد و یا این که با وجود تشخیص خطر لطمه، مشخص شود که عدم اتخاذ اقدامات موقتی می‌توانست منجر به تشخیص لطمه شود، عطف بماسبق مجاز است بدین معنا که عوارض نهایی می‌توانند در مورد محصولاتی که از زمان اتخاذ اقدامات موقتی وارد شده‌اند نیز به کار بسته شوند. در این صورت، چنانچه عوارض نهایی تعیین شده، بالاتر از اقدامات موقتی اعمال شده یا مبلغ تخمینی برای تضمین باشد، مابه التفاوت وصول نمی‌گردد ولی در غیر این صورت، مابه‌التفاوت باز پرداخت می‌شود. در صورتی که چنین تشخیصی داده نشود، عطف بماسبق صورت نگرفته و در خصوص اقدامات موقتی باید استرداد صورت پذیرد (مواد ۳-۱۰ و ۵-۱۰).

حقوق و عوارض قطعی ضد دامپینگ که عطف بماسبق می‌شوند ممکن است تحت شرایطی، در مورد محصولاتی اعمال گردد که حداکثر ۹۰ روز قبل از تاریخ اجرای اقدام موقتی جهت مصرف، وارد شده‌اند. اما هیچ گونه حقوق و عوارض عطف بماسبق شونده‌ای در مورد محصولاتی که پیش از تاریخ آغاز تحقیق، برای مصرف وارد شده‌اند برقرار نمی‌گردد (ماده ۸-۱۰).

ماده ۱۰ دستور العمل ضد دامپینگ اتحادیه اروپا نیز به این موضوع پرداخته است. بند ۱ این ماده با بیان قاعده‌ای کلی، اصل عدم بماسبق نشدن عوارض موقتی و نهایی ضد دامپینگ را جز در شرایط استثنایی مقرر می‌دارد. بندهای ۲ تا ۴ ماده نیز مشابه مقررات موافقت‌نامه ضد دامپینگ است. اما در بند ۵ مقرره‌ای بیان شده است که در موافقت‌نامه ضد دامپینگ دیده نمی‌شود. مطابق این بند:

«در صورت نقض تعهدات یا انصراف از آن، ممکن است عوارض نهایی بر روی کالاهایی که حداکثر ۹۰ روز قبل از وضع اعمال اقدامات موقتی وارد چرخه آزاد شده اند مشروط بر آن که واردات مطابق ماده (۵) ۱۴ ثبت شده باشند. چنین ارزیابی عطف بماسبق شونده‌ای بر واردات قبل از نقض یا انصراف از تعهد اعمال نخواهد شد.»

مواد ۴۳، ۴۴ و ۴۵ قانون جدید چین نیز به عطف بماسبق شدن عوارض در موارد خاص اشاره کرده و به تبعیت از موافقت‌نامه ضد دامپینگ، مقرراتی مشابه پیش‌بینی کرده است.

قانون جلوگیری از رقابت غیرمنصفانه در واردات کشور ترکیه در زمینه موضوع مورد بحث ماده‌ای پیش‌بینی نکرده اما در ماده ۶ تصویب نامه شماره ۲۳۸۶۱ این قانون مقرر داشته است که اگر محصولات دامپینگ شده یا منتفع از یارانه‌های منطبق با مقررات گات ۱۹۹۴ در مدتی نسبتاً کوتاه و به میزانی که احتمال ورود لطمه می‌رود وارد شده باشند به طوری که جبران آن دشوار باشد و اثرات جبرانی اقدام قطعی که قرار اعمال شود تضعیف می‌گردد و ممانعت از تکرار چنین لطمه‌ای ضروری پنداشته شود، اعمال عوارض ممکن است به صورت عطف بماسبق شونده باشد.

دیگر مقررات تصویب نامه راجع به جزئیات اعمال این قاعده، نظیر موافقت‌نامه ضد دامپینگ است. مواد ۵۴ تا ۵۶ فرمان ضد دامپینگ پاکستان نیز در این زمینه، مقرراتی مشابه مقررات موافقت نامه ضد دامپینگ پیش بینی کرده است که ما از ذکر آن خودداری می‌کنیم.

۳- تجدید نظر در تصمیمات اتخاذ شده

تصمیماتی که در پایان دعوای ضد دامپینگ اتخاذ می‌شود، از قابلیت تجدید نظر خواهی برخوردارند. این تجدید نظر می‌تواند از سوی هر دو طرف دعوی تقاضا شود. موافقت‌نامه ضد دامپینگ در ماده ۲-۱۱ خود در این زمینه مقرر می‌دارد:

« مقامات در صورت داشتن اختیار، لزوم ادامه اعمال حقوق و عوارض اجازه داده شده را به ابتکار خود یا اگر مدت معقولی از تاریخ وضع عوارض قطعی ضد دامپینگ گذشته باشد، به تقاضای هر طرف ذینفع که اطلاعات مثبتی دال بر نیاز به تجدید نظر ارایه می‌کند، مورد بازنگری قرار خواهند داد. طرفین ذینفع حق خواهند داشت که از مقامات بخواهند در خصوص این که آیا ادامه عوارض برای جبران دامپینگ ضروری است یا نه و این که آیا لطمه در صورت حذف یا تغییر عوارض یا هر دو ادامه یافته یا رفع می‌شود یا نه تحقیق کنند. اگر در نتیجه بازنگری به موجب این بند، مقامات احراز کنند که عوارض ضد دامپینگ بیشتر

از این مجاز نیست فوراً [عوارض] لغو خواهند شد.^۱ تصمیم راجع به تجدید نظر در عوارض قطعی ضد دامپینگ به حکم ماده ۳-۱۲ از طریق اطلاعیه عمومی اعلان می‌شود.

اعطای صلاحیت تجدید نظر به مراجع ضد دامپینگ، به منزله کنار رفتن مراجع قضایی و اداری کشورهای عضو سازمان نیست بلکه این نهادها برای تسریع در امر تجدیدنظر در کنار مرجع تخصصی ضد دامپینگ حفظ خواهند شد. ماده ۱۳ موافقت‌نامه در این زمینه و تحت عنوان «تجدید نظر قضایی»^۱ مقرر می‌کند:

«هر کشور عضو که قوانین داخلی آن شامل مقرراتی در خصوص اقدامات ضد دامپینگ باشد، به منظور تجدید نظر سریع در اقدامات اداری مربوط به تشخیص‌های نهایی و تجدید نظر در تشخیص‌ها در مفهوم ماده ۱۱ دادگاه‌ها یا آیین‌های دادرسی قضایی، داوری یا اداری را حفظ خواهد کرد. این دادگاه‌ها یا آیین‌های رسیدگی، مستقل از مقامات مسئول تشخیص یا تجدید نظر مورد بحث خواهند بود.»

دستور العمل ضد دامپینگ اتحادیه اروپا، بندهایی از ماده ۱۱ خود را به تفصیل به بحث تجدید نظر اختصاص داده است. مطابق قسمت دوم ماده ۲-۱۱، تجدید نظر در جایی آغاز خواهند شد که درخواست شامل مدرک کافی است دال بر این که انقضای اقدامات احتمالاً به ادامه یا وقوع مجدد دامپینگ و لطمه منتهی می‌شود. این مدارک، شامل اوضاع و احوال صادرکنندگان یا شرایط بازار و هر مدرکی می‌شود که بیانگر احتمال دامپینگ مخرب بیشتر است. در اجرای تحقیقات، صادرکنندگان، واردکنندگان، نمایندگان کشور صادرکننده و تولیدکنندگان اتحادیه فرصت خواهند داشت که از مفاد مقرر در تقاضای تجدید نظر مطلع شوند (ماده ۲-۱۱).

در مورد این که برای تقاضای تجدید نظر، چه مدتی از تاریخ اعمال عوارض باید گذشته باشد، موافقت‌نامه ضد دامپینگ تنها از گذشت مدت معقول سخن گفته است اما ماده ۳-۱۱ مقررات اتحادیه گذشت حداقل یک سال را مقرر کرده است که شیوه تعیین مدت مناسب‌تر به نظر می‌آید زیرا از بروز تفاسیر مختلف جلوگیری می‌کند.

^۱- Judicial Review

در مورد صادرکنندگان جدیدی که در خلال مدت رسیدگی کالای خود را به کشور مورد بحث صادر نکرده و یا دامپینگ کنندگان رابطه و وابستگی ندارند، بازنگری برای تعیین حاشیه دامپینگ شخصی صورت می‌پذیرد (ماده ۴-۱۱).

به موجب بند ۵ ماده ۱۱ دستورالعمل، که در سال ۲۰۰۴ اصلاح شده است، مقررات حاکم بر رسیدگی به دعاوی ضد دامپینگ به جز مهلت زمانی، در مرحله تجدیدنظر نیز رعایت خواهد شد. تجدید نظر در موارد مقرر در بندهای ۲ و ۳ به سرعت و انجام شده و ظرف ۱۲ ماه از تاریخ آغاز تجدید نظر پایان می‌پذیرد و در هیچ حالتی از ۱۵ ماه تجاوز نخواهد کرد و تجدید نظر در مورد مقرر در بند ۴ ماده ۱۱ در هر حالتی ظرف ۹ ماه از تاریخ آغاز تجدید خاتمه خواهد یافت.

مواد ۴۹ تا ۵۲ قانون چین، به بحث تجدید نظر در تصمیمات اخذ شده پرداخته است. ماده ۵۱ این قانون نیز مانند دستور العمل ضد دامپینگ اتحادیه اروپا حداکثر زمان بررسی مجدد تصمیمات را ۱۲ ماه از تاریخ شروع بررسی دوباره اعلام می‌کند با این تفاوت که مهلت ۱۵ ماهه مقرر در مقررات اتحادیه در موارد استثنایی، در قانون چین دیده نمی‌شود. ماده ۵۲ قانون هم مقرر می‌دارد: «رسیدگی مجدد، مانع اقدامات ضد دامپینگ در خلال دوره بازنگری نخواهد شد.» علاوه بر این، ماده ۵۳ قانون، امکان تجدید نظر خواهی قضایی در دادگاه‌های این کشور را مقرر کرده است.

ماده ۷ تصویب‌نامه جلوگیری از رقابت غیرمنصفانه در واردات ترکیه، امکان تجدید نظر خواهی از اقدامات قطعی را به مقامات مربوطه و طرفین ذینفع می‌دهد مشروط بر آن که حداقل یک سال از تاریخ اعمال آن‌ها سپری شده و تجدید نظر خواهان، مدارکی که توجیه کننده تقاضا است را به مرجع رسیدگی ارایه دهند. تقاضای تجدید نظر می‌تواند از سوی صنعت داخلی جهت ادامه عوارض ضد دامپینگ یا جبرانی بوده و یا از سوی صادرکنندگان برای لغو یا اصلاح عوارض به علت رفع اثر مخرب دامپینگ یا محصول برخوردار از یارانه باشد. در هر حال آغاز تحقیق در مورد تجدید نظر، مانع اعمال اقدامات قطعی در جال اجرا نیست. ماده ۸ تصویب‌نامه نیز از تقاضای تجدید نظر در مورد صادرکنندگان جدید سخن گفته است. مطابق این ماده: «تصمیم برای اقدامات قطعی می‌تواند براساس درخواست تولیدکننده یا صادرکنندگان جدیدی که

محصول ذی ربط را طی مدت تحقیق صادر نکرده‌اند و می‌توانند اثبات نمایند که به صادرکنندگان یا تولیدکنندگانی که محصولاتشان در حال حاضر مشمول اقدامات قطعی است ارتباطی ندارد، مورد تجدیدنظر قرار گیرد. البته تولیدکنندگان یا صادرکنندگان متقاضی چنین تجدیدنظری باید یا عملاً محصول ذی ربط را پس از دوره تحقیق به ترکیه صادر کرده یا تعهدات قراردادی غیرقابل فسخی جهت صدور مقدار قابل توجهی از آن محصول منعقد کرده باشند. تجدیدنظر به درخواست صادرکننده جدید برای احراز حاشیه دامپینگ یا مبلغ یارانه برای کسانی که درخواست مزبور را ارائه کرده‌اند سریعاً انجام خواهد شد....»

در پاکستان، مواد ۵۷ تا ۶۲، مقرراتی مشابه موافقت نامه مقرر داشته و در این زمینه -حتی مهلهای مقرر، تفاوتی میان مفاد این فرمان و مفاد موافقت نامه دیده نمی شود.

۴- مقابله با طفره فریبکارانه (محیلانه)^۱

از جمله مشکلاتی که ممکن است پس از خاتمه رسیدگی و وضع عوارض نهایی ضد دامپینگ پیش آید ، دست زدن صادر کننده به اقدامات فریبکارانه و طفره رفتن از عوارض ضد دامپینگ از طریق وارد کردن قطعات و سوار کردن آن‌ها (مونتاز محصول) و یا اعمال تغییرات اندک در محصول و یا تغییر مبدأ محصول توسط شرکت‌های چند ملیتی و مانند آن است. برای مثال صادر کننده برای فرار کردن از عوارض وضع شده ، محصول صادراتی را به جای صدور در قالب یک محصول ترکیبی ، به قطعات مختلف تجزیه کرده و همان محصول را در قالبی متفاوت صادر کند مثلاً به جای صدور خودرو، آن را در چند مرحله و از طریق صدور قطعات مختلف یدکی آن وارد کشور خارجی نماید.

نگرانی در خصوص این موضوع، اتحادیه اروپا و آمریکا را در اواخر دهه ۱۹۸۰ به وضع قوانین ملی در این زمینه برانگیخت و حتی در مذاکرات دور اروگوئه نیز مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت اما هیچگونه توافقی حاصل نشد. با این حال در نشست مراکش مقرر گردید که کمیته رویه‌های ضد دامپینگ WTO در سریع‌ترین زمان ممکن، مسأله قواعد متحدالشکلی را برای مقابله با این اعمال وضع نماید که تاکنون اقدام نتیجه‌بخشی در این زمینه صورت نگرفته است و از این رو ماده‌ای خاص برای مقابله با طفره محیلانه

^۱- Anti- Circumvention

در موافقت نامه ضد دامپینگ WTO وجود نداشته باشد با این حال ، بسیاری از کشورهای در حال توسعه آمریکای لاتین به طور یک جانبه به وضع مقررات ملی اقدام کرده اند.^۱

مقررات ضد دامپینگ اتحادیه اروپا نیز در ماده ۱۳ خود به تفصیل در این خصوص سخن گفته است. مطابق این ماده، « عوارض ضد دامپینگ می تواند به واردات محصول مشابه از کشورهای ثالث، خواه محصول مورد نظر به طور جزئی تغییر یافته یا نیافته باشد و نیز به واردات محصول مشابه جزئاً تغییر یافته از کشور مشمول اقدامات، تسری یابد هنگامی که از اقدامات در حال اجرا به طور محیلانه طفره رفته شود. طفره رفتن محیلانه عبارت است از تغییر در الگوی تجارت میان کشورهای ثالث و اتحادیه یا میان شرکت های شخصی در کشور موضوع اقدامات و جامعه که از یک رویه، فرایند یا کاری جلوگیری می کند که برای آن ضرورت ناکافی یا توجیه اقتصادی غیر از تحمیل عوارض وجود دارد و درجایی که دلیل لطمه وجود دارد یا آثار جبران عوارض بر حسب قیمت ها و یا حجم محصول مشابه در حال از بین رفتن است و درجایی که دلیل دامپینگ در رابطه با ارزش های عادی قبلاً احراز شده برای محصول مشابه وجود دارد. رویه، فرایند یا کار مذکور، شامل تغییر جزئی محصول مربوطه برای حذف آن از عوارض گمرکی است مشروط بر آنکه اصلاح، ویژگی های اساسی آن را تغییر ندهد؛ حمل محصول موضوع اقدامات از طریق کشورهای ثالث؛ سازماندهی مجدد الگوها و کانال های فروش در کشور مشمول اقدامات، در کشور موضوع اقدامات به منظور اینکه سبب شوند محصولاتشان احتمالاً به اتحادیه اروپا از طریق تولید کنندگان ذینفع از نرخ عوارض انفرادی پایین تر از نرخ قابل اعمال بر محصولات تولید کنندگان می شود.»

طفره فریبکارانه، گاه به صورت اقداماتی جمعی در اتحادیه اروپا یا کشور ثالث انجام می پذیرد که عبارتند از:

الف) عملیاتی که از زمان یا درست پیش از آغاز تحقیقات ضد دامپینگ از کشور موضوع اقدامات آغاز شده یا بعدها افزایش یابد؛

ب) اجزا شامل ۶۰ درصد یا بیشتر از ارزش کلی اجزای محصولات جمعی باشد.

۲- دژم خوی و مرادپور، پیشین، ص ۶۴۰.

ج) آثار جبرانی عوارض برحسب قیمت‌ها وحجم محصول مشابه جمع شده درحال از بین رفتن بوده و دلیلی مبنی بر وقوع دامپینگ در رابطه با ارزش عادی قبلاً احراز شده برای محصولات مشابه یا همان محصولات وجود داشته باشد (ماده ۲-۱۳).

تحقیقات راجع به تقاضای مقابله باطفره محیلانه به ابتکار کمیسیون یا به درخواست یک کشور عضو یا هر طرف ذینفع براساس مدرک کافی آغاز خواهد شد. آغاز تحقیقات از سوی کمیسیون و پس از شور با کمیته ناظر صورت می‌گیرد. تحقیقات می‌تواند با همکاری مقامات گمرک صورت گرفته و ظرف ۹ ماه خاتمه خواهد پذیرفت.

وقتی وقوع اقدامات محیلانه احراز شد، کمیسیون پس از مشورت با کمیته ناظر، پیشنهادی را به شورا می‌دهد و شورا آن را تایید می‌کند مگر آن که اکثریت مطلق، ظرف یک‌ماه از تاریخ دریافت پیشنهاد تصمیم به رد آن بگیرند. گسترش عوارض از تاریخی که در آن واردات محصول مشمول ثبت، به ثبت رسیده‌اند مطالبه یا تضمیناتی شده‌است، منشا اثر می‌شود (ماده ۳-۱۳).^۱

ماده ۱۱ تصویب‌نامه ترکیه نیز مقرراتی کاملاً مشابه با دستور العمل ضد دامپینگ اتحادیه اروپا دارد که از ذکر آن خودداری می‌شود.

ماده ۵۵ قانون چین بدون آن که به جزییات مقابله با طفره محیلانه اشاره کند، درحکمی کلی مقرر داشته است: «*MOFTEC* ممکن است برای جلوگیری از طفره محیلانه از اقدامات ضد دامپینگ، اقدامات مقتضی را اعمال کنند». به نظر می‌رسد با توجه به سیاست قانونگذار چین در تبعیت از مواد موافقت‌نامه ضد دامپینگ و نبودن ماده خاصی در این زمینه در موافقت‌نامه، قانون‌گذار چین در این قانون به بیان حکم کلی اکتفا کرده است.

در پاکستان، مطابق ماده ۶۳ فرمان ضد دامپینگ، «اگر تغییری در الگوی تجارت میان کشور ثالث و پاکستان وجود داشته باشد که (این تغییر) از رویه، فرایند یا عملی ناشی می‌شود که برای آن، دلیل موجه یا توجیه اقتصادی به جز وضع عوارض ضد دامپینگ وجود نداشته و دلیل کافی مبنی بر اینکه آثار جبران

^۱ - اصلاحیه ۲۰۰۴.

کننده این عوارض بر حسب قیمت یا کیفیت کالاهای مشابه یا هردو در حال از بین رفتن است و مدرکی دال بر دامپینگ در رابطه با ارزش عادی از قبل برقرار شده برای کالاهای مشابه یا یکسان وجود داشته باشد، کمیسیون (کمیسیون ملی تعرفه) می تواند برای جلوگیری از طفره محیلانه از عوارض ضد دامپینگ، اقدام نماید.»

۵- اقدام ضد دامپینگ از جانب کشور ثالث

گاهی ورود محصولات ضد دامپینگ نه تنها صنایع داخلی کشور واردکننده را مورد لطمه قرار می دهد بلکه به طور همزمان به صنعت کشور ثالثی نیز آسیب می رساند. موافقت نامه در ماده ۱۴ خود، این اجازه را داده است که کشور واردکننده، از جانب کشور ثالث نیز اقدام به وضع عوارض ضد دامپینگ کند. مطابق این ماده:

« ۱-۱۴: درخواست اقدام ضد دامپینگ از طرف کشور ثالث از سوی مقامات کشور ثالث متقاضی صورت خواهد گرفت.

۲-۱۴: چنین درخواستی به وسیله اطلاعاتی دال بر اینکه واردات مشمول دامپینگ مورد ادعا سبب خسارت به صنعت داخلی مربوطه در کشور ثالث شده است، تقویت و مستند می گردد. دولت کشور ثالث به مقامات کشور واردکننده برای کسب اطلاعات بیشتری که ممکن است بعدها به دست آید یاری خواهند رساند.

۳-۱۴: با ملاحظه چنین درخواستی، مقامات کشور واردکننده، آثار دامپینگ ادعا شده بر روی صنعت مربوطه را به عنوان یک کل (مجموعه) در کشور ثالث بررسی خواهند کرد؛ به عبارت دیگر، خسارت تنها در رابطه با اثر دامپینگ مورد ادعا بر روی صادرکنندگان صنعت به کشور واردکننده یا حتی کل صادرکنندگان صنعت ارزیابی نخواهد شد.

۴-۱۴: تصمیم گیری در مورد اینکه آیا به دعوی رسیدگی کند یا نه، با کشور ثالث خواهد بود. اگر کشور وارد کننده تصمیم بگیرد که برای اقامه دعوی آماده است، کسب موافقت به شورای تجارت کالاها برای تایید چنین دعوایی، با کشور واردکننده باقی خواهد ماند.»

در دستور العمل ضد دامپینگ اتحادیه اروپا، قوانین چین، ترکیه و پاکستان ماده‌ای مشابه دیده نمی‌شود.

فصل دوم: نقش گمرک در وصول عوارض ضد دامپینگ

چنانکه پیش از این گفتیم، گمرک علاوه بر آنکه به عنوان یکی از اعضای فعال مرجع رسیدگی، در تشخیص وقوع دامپینگ و وضع عوارض ضد دامپینگ، نقش موثری دارد، وظیفه وصول عوارض وضع شده را نیز داراست. سپردن این دو وظیفه به مقامات گمرکی، دارای دو فایده عمده است که قبلاً به آن اشاره شد. گمرک پس از تعیین میزان عوارضی که بر کالاهای وارداتی وضع شده و باید وصول گردد، عوارض وضع شده بابت دامپینگ را نیز بر سایر عوارض، افزوده و مجموع آن را از واردکننده، وصول می‌کند. البته این نقش در مقررات راجع به دامپینگ تصریح نشده است چراکه جایگاه ذکر این حکم، قوانین گمرکی است و نه قوانین ضد دامپینگ. از این روست که در قوانین داخلی کشورهای مورد مطالعه تطبیقی، در قانون ضد دامپینگ، تنها به وصول عوارض اشاره شده اما مقام وصول کننده مشخص نگردیده است و در عوض، در قوانین و مقررات مربوط به گمرک، مقامات گمرکی، متولی وصول عوارض از جمله عوارض ضد دامپینگ شده اند.

موافقت نامه ضد دامپینگ WTO، نیز هر چند از وصول عوارض ضد دامپینگ سخن می گوید، اما مقام متولی امر را مشخص نساخته و آن را به مقررات داخلی هر کشور عضو وانهاده است که قانونگذار بسیاری از کشورها، با توجه به نقش گمرک در وصول عوارض و تعرفه ها، مسوولیت وصول عوارض موقت یا نهایی ضد دامپینگ را نیز به همین نهاد تفویض کرده اند. در مقررات داخلی این کشورها، معمولاً حکم راجع به وصول عوارض ضد دامپینگ، در قانون ضد دامپینگ پیش بینی شده است و تصریح به اینکه این نقش توسط مقامات گمرکی انجام خواهد شد، در مقررات و قوانین خاص گمرکی صورت می پذیرد. برای مثال، مواد ۵۰ تا ۵۳ فرمان ضد دامپینگ پاکستان، به امکان وصول عوارض ضد دامپینگ پس از خاتمه رسیدگی بدون اشاره به گمرک، تصریح کرده است و در بخش ۱۳ این فرمان مقرر شده است: «نحوه وصول و مرجع وصول عوارض ضد دامپینگ همان است که در مورد عوارض گمرکی در قانون امور گمرکی مقرر شده است.» با

مراجعه به قانون امور گمرکی این کشور، به شماره ۴، مصوب ۳ مارس ۱۹۶۹ (اصلاحی سال ۲۰۰۶)، در می یابیم که ماده A ۲۱، وظیفه وصول هرگونه عوارض را بر عهده گمرک نهاده است. بر اساس این ماده، « اختیار وصول عوارض مختلف، چه کل عوارض و چه بخشی از آن، با گمرک است» که طبیعتاً این حکم کلی، شامل وصول عوارض ضد دامپینگ نیز می باشد.

در ترکیه نیز ماده ۷ قانون جلوگیری از رقابت غیر منصفانه، از وصول عوارض ضد دامپینگ سخن می گوید و ماده ۱-۱۹۵ قانون امور گمرکی این کشور به شماره ۴۴۵۸ مصوب ۱۰/۲۷/۱۹۹۹^۱، در فصل دوم تحت عنوان «ارزیابی و پرداخت عوارض گمرکی» صراحتاً وظیفه وصول عوارض ضد دامپینگ را به گمرک تفویض نموده است. به موجب این ماده، «در جایی که وصول عوارض ضد دامپینگ آغاز می گردد، عوارض مزبور جزء عوارض گمرکی محسوب شده و اطلاعات آن در گمرک بصورت ثبت شده نگهداری می شود.»

در نظام حقوقی چین نیز قانون ضد دامپینگ این کشور از تشخیص و وضع عوارض ضد دامپینگ توسط مرجع رسیدگی (و با حضور گمرک) سخن می گوید و در شق d قسمت ۲ بند ۲ ماده ۳ قانون تعرفه گمرکی^۲ اصلاحی مارس ۲۰۰۰ و در «بخش وظایف گمرک در وصول عوارض اضافی گوناگون» مقرر داشته است: «وصول عوارض ضد دامپینگ بر عهده گمرک است.» ذکر قید عوارض اضافی در عنوان این بخش نشان می دهد که عوارض ضد دامپینگ، نوعی عوارض اضافی و در مقابل عوارض عادی محسوب می شود.

فصل سوم: جایگاه موضوع در حقوق ایران

مطالب مذکور در این بند را در سه قسمت ارائه می دهیم: در قسمت نخست، به نقد و بررسی مقررات موجود ایران در زمینه مقابله با دامپینگ می پردازیم؛ در قسمت دوم، با نگاهی به لایحه امور گمرکی، بررسی خواهیم کرد که لایحه مزبور تا چه حد در رفع نارساییهای قانونی موجود، موفق بوده است؛ و بالاخره در قسمت سوم، راهکارهای مشخصی برای ترسیم وضعیت مطلوب پیشنهاد می نماییم:

^۱. CUSTOMS LAW No.4458 of 27/10/1999

^۲ -THE CUSTOMS TARIFF ACT

الف- بررسی مقررات موجود

تاریخچه قوانین ضد دامپینگ در ایران، کوتاه است و برای نخستین بار در ماده ۷ قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۰، به پدیده دامپینگ اشاره شد. این ماده که در شرایط فعلی، تنها ماده قانونی قابل استناد نظام حقوقی ما برای مقابله با دامپینگ است، چنین مقرر می دارد:

«هرگاه کالایی با قیمت نامتناسب یا تسهیلات غیرعادی از کشوری برای ورود به ایران عرضه شود (دامپینگ *Dumping*) و این عمل برای اقتصاد کشور رقابت ناسالم تلقی گردد، هیأت وزیران می تواند در هر موقع بنا به پیشنهاد وزارت بازرگانی برای ورود کالای مزبور از آن کشور، سود بازرگانی ویژه ای برقرار کنند.»

ذکر این ماده در قانون امور گمرکی بخوبی حاکی از آن است که قانونگذار وظیفه وصول عوارض ضد دامپینگ را به مقامات گمرکی سپرده است. با این حال، ماده فوق الذکر، بسیار کلی، مبهم و ناقص تنظیم شده و در مواجهه با پدیده دامپینگ بویژه پس از ورود ایران به بازار آزاد جهانی، ماده ای قابل اتکا محسوب نمی شود. بر ماده مورد بحث می توان سه ایراد اساسی وارد ساخت:

(۱) درحالی که موافقت نامه ضد دامپینگ و قوانین کشورهای مورد مطالعه، وضع عوارض ضد دامپینگ را منوط به ورود لطمه جدی به «صنعت داخلی که به تولید همان محصول اشتغال دارند» کرده اند، ماده ۷ با ارایه معیاری کاملاً مبهم، وضع عوارض را منوط به این کرده است که ورود محصول مشابه خارجی برای «اقتصاد کشور» ناسالم باشد؛

(۲) ماده ۷ از معیار «قیمت نامتناسب» برای تشخیص دامپینگ نام برده و معلوم نساخته است که غرض از آن، عدم تناسب با هزینه تولید کالا است یا عدم تناسب با قیمت بازار کشور صادر کننده. این در حالی است که سایر مقررات مورد مطالعه تماماً تشخیص دامپینگ را بر اساس معیاری روشن یعنی معیار قیمت در بازار کشور صادر کننده در جریان معمول تجارت مبتنی کرده اند؛

۳) این ماده در مورد اکثریت قریب به اتفاق موضوعات و ابعاد مهم دعاوی ضد دامپینگ مانند نحوه تشخیص دامپینگ و حاشیه آن، نحوه وضع عوارض موقت و نهایی، تعیین مرجع تخصصی جهت رسیدگی به دعاوی ضد دامپینگ، آیین انجام تحقیقات و..... تعیین تکلیف نکرده است.

با عنایت به ایرادات اساسی وارد بر ماده ۷، باید گفت که نظام حقوقی ایران فاقد مقررات کارآمد و قابل اتکایی راجع به مقابله با دامپینگ و شیوه رسیدگی به دعاوی ضد دامپینگ است و با توجه به نقایص قانونی در این زمینه، فقدان نهاد تخصصی رسیدگی به دعاوی ضد دامپینگ و ناکارآمدی محاکم قضایی برای رسیدگی به این گونه دعاوی فنی، صنایع داخلی ما پس از الحاق به WTO و با توجه به احتمال افزایش دامپینگ در فضای تجارت آزاد، چندان از اتکای حقوقی برخوردار نخواهند بود و این معضل، ضرورت رفع ایرادات قانونی را دو چندان می کند؛ بویژه آن که در بند ح ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ مجلس مقرر شده است: «به منظور نوسازی و روان سازی تجارت،..... و تقویت توان رقابتی محصولات صادراتی کشور در بازارهای بین المللی، دولت مکلف است :.....ح) تدابیر و اقدامات موثر حفاظتی، جبرانی و ضد دامپینگ در مواردی که کالایی با شرایط غیر متعارف و با امتیاز قابل توجه به کشور وارد می شود را اتخاذ و اعمال نماید.»

به منظور رفع خلا قانونی ایران در این زمینه، کمیته ای تحت عنوان کمیته دائمی مقررات صادرات و واردات، به استناد ماده ۱ آیین نامه قانون صادرات و واردات ایران، تشکیل گردید که متشکل از نمایندگان وزارت بازرگانی، وزارت صنایع، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی (گمرک جمهوری اسلامی ایران)، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران بوده و بنا بر اختیاری که این کمیته طبق ماده ۱ آیین نامه مزبور جهت تهیه پیش نویس لوایح قانونی بازرگانی داراست، پیش نویس آیین نامه ضد دامپینگ ایران را- که هماهنگ و همسان با متن موافقت نامه WTO بود- تهیه کرد. در پیش نویس یاد شده، دو نقش برای گمرک در نظر گرفته شده است: یکی آنکه نماینده این نهاد، به عنوان یکی از اعضای مرجع رسیدگی به دعاوی ضد دامپینگ یعنی کمیته دائمی مقررات صادرات و واردات

محسوب می شود و در تمام مراحل رسیدگی و تحقیق و وضع عوارض، مشارکت فعال خواهد داشت و دیگر اینکه وظیفه وصول عوارض ضددامپینگ نیز به گمرک واگذار شده است.

با این حال، پیش نویس مزبور هنوز مراحل تصویب قانونی خود را نگذرانیده و فعلاً جزو متون رسمی قانونی کشور محسوب نشده و قابل استناد نیست؛ همچنین پیش نویس قانون ضددامپینگ در شور اول مجلس مطرح شده است اما هنوز شکل قانون به خود نگرفته است؛ در نتیجه نارساییهای حقوقی ایران ناشی از فقدان قانون خاص و جامع ضددامپینگ و فقدان مرجع تخصصی برای رسیدگی به این قبیل دعاوی پیچیده، همچنان ادامه دارد؛ بی گمان این خلأ قانونی در کنار معایب بی شمار خود، باعث شده است تا مقامات گمرکی ایران با نقش و حدود وظایف خود در تشخیص دامپینگ و مقابله با آن آشنا نباشند.

ب- بررسی لایحه امور گمرکی

زمانی که بحث اصلاح قوانین موجود مطرح شده و پیش نویسی نیز در این خصوص تهیه می گردد، کمترین انتظاری که صاحب نظران امر و مخاطبان آن قانون از اصلاح کنندگان دارند، آن است که متولیان اصلاح، با انجام کار کارشناسی، نقاط ضعف قوانین موجود را شناسایی کرده و در اصلاحیه های خود، خلاها را رفع و ابهامات موجود را برطرف ساخته باشند. این انتظار که بی گمان انتظاری نابجا و غیرمعارف نیست، متأسفانه در لایحه امور گمرکی برآورده نشده و لایحه مزبور نه تنها ایرادات و نقایص قانون امور گمرکی ۱۳۵۰ در زمینه مقابله حقوقی با دامپینگ را برطرف نساخته است، بلکه تنها ماده قابل استناد نظام حقوقی ایران برای مقابله با دامپینگ را حذف کرده و در لایحه نشانی از آن دیده نشده و مقرراتی نیز جایگزین آن نشده است. تصویب این لایحه با توجه به سکوت آن نسبت به وظیفه گمرک در مقابله با دامپینگ و نسخ شدن قانون ۱۳۵۰، این خطر را به همراه خواهد داشت که

حقوق ایران هیچ ماده قانونی قابل استناد برای حمایت از صنایع ایرانی در برابر دامپینگ و خسارت وارد بر آنها، نداشته باشد. حتی در صورتی که پیش نویس قانون ضددامپینگ تصویب شده و بصورت قانونی در آید، طبیعتاً خلأ لایحه امور گمرکی پابرجا باقی خواهد ماند زیرا چنان که از مطالعات تطبیقی برآمد، در قانون

ضددامپینگ، حکم تشخیص و صدور رای به وصول عوارض ضددامپینگ مقرر می شود و در قانون مرتبط با گمرک است که به وصول عوارض ضددامپینگ (اجرای رای مرجع رسیدگی) اشاره می گردد.

ج- ارائه پیشنهاد جهت ترسیم وضعیت مطلوب

مطالعه تطبیقی قوانین چند کشور منتخب حاکی از آن است که قانونگذار این کشورها ضمن تصویب قانون خاص ضددامپینگ- که منطبق با موافقت نامه ضددامپینگ سازمان تجارت جهانی است- مرجعی تخصصی برای رسیدگی به دعاوی فنی ضددامپینگ مقرر داشته و گمرک را به عنوان یکی از اعضای این مرجع معرفی کرده اند. در کنار این موضوع، در قوانین گمرکی، به نقش گمرک در وصول عوارض ضددامپینگ اشاره شده است. البته در برخی قوانین مانند قانون امور گمرکی ترکیه، به این موضوع تصریح شده و در برخی دیگر از قوانین مانند قانون امور گمرکی پاکستان، این موضوع از حکم کلی برخی مواد قابل استنباط است. بر مبنای نتایج حاصل از مطالعات تطبیقی، پیشنهادهای زیر ارائه می گردد:

۱- لزوم وضع قانون خاص ضددامپینگ ایران، تشکیل مرجع تخصصی برای رسیدگی به دعاوی ضددامپینگ و حضور نماینده گمرک در این مرجع، مورد تاکید است. البته با توجه به ضرورت هماهنگی مقررات داخلی ایران با مقررات ضددامپینگ سازمان تجارت جهانی، نیاز چندانی به نوآوری در ایجاد مقررات جدید ملی نیست و می توان این راه را با مقایسه تطبیقی سایر کشورها کوتاه تر کرد و هم چنان که از مطالب ارایه شده بر آمد، مواد موافقت نامه با هیچ یک از اصول قانون اساسی و مواد قوانین عادی ما مغایرت نداشته و پذیرش آن ما را با مشکل حقوقی مواجه نمی سازد.

۲- در کنار ضرورت وضع قانون خاص ضددامپینگ ایران و تعیین دقیق نقش گمرک در تشخیص این پدیده، پیشنهاد می گردد که در لایحه امور گمرکی، بخشی تحت عنوان «وظایف و اختیارات گمرک» پیش بینی شده و بند زیر یا بندی حاوی این مضمون گنجانده شود:

«گمرک، مسوول وصول عوارض موقتی و نهایی ضددامپینگ خواهد بود.»

۳- با توجه به نقش حیاتی نماینده گمرک در مرجع تشخیص دامپینگ و در وصول عوارض ضد دامپینگ، پیشنهاد می گردد که کارشناسانی متخصص برای آشنایی با ابعاد فنی و پیچیده دعاوی ضد دامپینگ آموزش دیده شوند.

بخش دوم: مقابله با یارانه های صادراتی و اتخاذ اقدامات جبرانی

مقدمه

یکی دیگر از شیوه های تجارت غیرمنصفانه، اعطای یارانه صادراتی دولت به صادرکنندگان داخلی جهت برتری آنها بر رقبای خارجی است. برخی دولتها به منظور افزایش بازار صادراتی خود و یا خلاصی از مازاد تولیدات نسبت به مصرف داخلی، اقدام به پرداخت یارانه صادراتی کرده تا محصولات تولیدشده را روانه بازار خارجی نمایند. اعطای این یارانه ها باعث کاهش قیمت محصولات در بازارهای جهانی شده و به پایین آمدن تصنعی قیمت محصولات خاص کمک می کرد. نخستین اثر مهم این وضعیت، کسب سهم بازار بیشتر توسط کشورهایی بود که اقدام به پرداخت یارانه صادراتی بیشتری کرده اند. از سوی دیگر، همین عامل باعث کاهش سهم بازار و احتمالاً خارج شدن رقبایی از بازار می شود که از سوی دولتهایشان، یارانه صادراتی دریافت نکرده اند. این رقبا بطور غیرمنصفانه ای تحت فشار قرار گرفته و توان رقابت در برابر شرایط بازار را از دست می دهند.

این مساله باعث شد تا سازمان تجارت جهانی به منظور محقق ساختن هدف خود یعنی گسترش بازار آزاد، بر کاهش نقش دولت در اقتصاد تاکید کرده و از دولتها می خواهد که با دخالتهای غیرمجاز خود مانند اعطای یارانه صادراتی، رقابت آزاد و منصفانه میان رقبای داخلی و خارجی را برهم نزنند چرا که در فضای بازار آزاد، فعالان تجاری مکلفند برای برتری بر سایر رقبا بویژه رقبای خارجی، از مکانیزمهایی چون افزایش کیفیت محصول استفاده کنند؛ در چنین فضایی، دخالت دولت و اعطای کمک به صادرکنندگان داخلی، باعث از بین رفتن تعادل نسبی میان عاملان تجاری شده و رقابت منصفانه حاکم بر بازار آزاد را برهم می

زند؛ از این رو، یکی از موافقت نامه های سازمان تجارت جهانی به نام موافقت نامه یارانه ها و اقدامات جبرانی^۱، کشورهای عضو را ملزم ساخته است تا از اعطای یارانه های ممنوع مطلقاً و پرداخت یارانه های قابل پیگیری، مشروط به ورود لطمه خودداری نمایند^۲.

بی تردید این الزام موافقت نامه، بدون ضمانت اجرا نیست و موافقت نامه مزبور، به کشور زیان دیده حق داده است که در شرایطی خاص، در برابر واردات کالاهای کشورهای که به اعطای یارانه صادراتی مبادرت کرده اند، عوارض جبرانی وضع کند. این حق مقابله، باعث نزدیک شدن بحث دامپینگ به یارانه می شود با این حال از تفاوت میان این دو مقوله نباید غافل ماند: تفاوت دامپینگ - که در قسمت نخست بدان پرداخته شد - و اعطای یارانه در این است که دامپینگ، اقدام از طریق یک موسسه یا شرکت غیردولتی است و چون سازمان تجارت جهانی نمی تواند اعمال شرکتهای غیردولتی را نظم دهد، لذا موافقت نامه ضد دامپینگ این سازمان، فقط ناظر به **اقدامات ضد دامپینگ** دولتها می باشد در حالی که در مورد یارانه، دولتها یا موسسات دولتی اقدام به پرداخت یارانه می کنند و چون دولت هم یارانه می پردازد و هم در برابر یارانه های سایر کشورها اقدام می کند، لذا موافقت نامه یارانه ها، هردو بعد یارانه را پوشش می دهد.^۳

اطلاق واژه «یارانه» در موافقت نامه یارانه ها و اقدامات جبرانی و عدم تصریح به قید «صادراتی»، ممکن است این ذهنیت را بوجود آورد که مقررات این سند، ناظر به هرگونه یارانه است اما این ذهنیت را باید کنار نهاد چراکه گستره این موافقت نامه، از دو بعد محدود شده است: اولاً: این موافقت نامه، تنها ناظر به یارانه های صادراتی ممنوع و یارانه های قابل تعقیبی است که در امر صادرات موثر هستند - خواه مستقیم یا غیرمستقیم - و نه یارانه هایی که صرفاً جنبه داخلی دارند (مانند یارانه های مصرفی) زیرا فلسفه تاسیس سازمان تجارت جهانی، انتظام بخشیدن به رفتار و مقررات داخلی کشورهای عضو است که بر روی تجارت بین الملل تاثیر می گذارد؛ لذا عوامل صرفاً داخلی که هیچ گونه خللی به تجارت خارجی اعضا وارد نمی

^۱. Agreement on Subsidies and Countervailing Measures (SCM)

^۲ - مفهوم و مصادیق یارانه های ممنوع و قابل پیگیری در صفحات بعدی بیان خواهد شد.

^۳ سازمان تجارت جهانی، **شناخت سازمان تجارت جهانی**، ترجمه محمد جواد ایروانی

(تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۸۳)، صص ۷۲ و ۷۳.

سازد، از شمول موافقت نامه خارج هستند^۱؛ ضمن آنکه محدود شدن یارانه به یارانه موثر در تجارت خارجی، در بسیاری از قوانین مربوط به یارانه از جمله بند ۱ ماده ۱ مقررات یارانه های اتحادیه اروپا^۲ - که برگرفته از مقررات موافقت نامه یارانه ها و اقدامات جبرانی WTO می باشد - ذکر شده است؛

ثانیاً: در این موافقت نامه، از یارانه های بخش خدمات سخنی به میان نیامده و یارانه های بخش کشاورزی نیز، از موافقت نامه مزبور حذف شده و در موافقت نامه مخصوص کشاورزی گنجانیده شده است؛ در نتیجه، این موافقت نامه فقط ناظر به یارانه های بخش صنعت است.

موافقت نامه یارانه ها، به اعضا اجازه داده است تا با تشکیل مراجعی خاص، اعطای یارانه را تشخیص داده و در صورت احراز آن، در برابر واردات دیگر اعضای سازمان که از یارانه صادراتی برخوردارند، عوارض جبرانی وضع کنند. در این میان، گمرک به موجب قوانین داخلی بسیاری از کشورها، به عنوان یکی از اعضای حاضر در این مرجع، علاوه بر نقشی که در تشخیص اعطای یارانه و وضع عوارض جبرانی ایفا می کند، مسوولیت وصول عوارض در برابر واردات برخوردار از یارانه را نیز برعهده دارد؛ از این رو در قسمت دوم طرح، طی دو بند (الف) و (ب)، نقش گمرک در فرایند مقابله با واردات برخوردار از یارانه را بررسی تحلیلی و تطبیقی کرده و در بند (ج)، جایگاه موضوع در حقوق ایران را مورد بررسی قرار می دهیم:

فصل اول: نقش گمرک در تشخیص اعطای یارانه صادراتی و وضع عوارض جبرانی

برای ورود به بحث اصلی و درک بهتر مطالب، لازم است مقدمتاً به اختصار از مفهوم و اقسام یارانه صادراتی سخن به میان آید:

الف - مفهوم یارانه صادراتی:

یارانه - که معادل واژه سوبسید^۱ است - بطور کلی به کمک مالی دولت و انتقال مزیت یا نفع خاص به بخش خاص یا بخشهای مختلف کشور اطلاق می گردد. یارانه ها بر اساس مراحل پرداخت، به یارانه های

^۱ Robert Z. Lawrence and Nathaniel Stankard, *Should Export Subsidies be Treated Differently?* In: ksghome.harvard.edu/~RLawrence/Export%20subsidies%20May27.pdf

^۲ مطابق این بند، «عوارض جبرانی ممکن است با هدف به تعادل کشاندن هرگونه یارانه مستقیم و غیرمستقیم اعطاشده برای ساخت، تولید، صدور و یا حمل و نقل هر محصولی که به تجارت آزاد اتحادیه لطمه وارد می کند، وضع شود.»

مصرفی، تولیدی، توزیعی، خدماتی و صادراتی تقسیم می شوند که جز مورد اخیر، سایر یارانه ها از موضوع بحث ما خارج می باشند زیرا بسیاری از این یارانه ها (نظیر یارانه مصرفی)، به دلیل جنبه داخلی آن، از حوزه تجارت بین المللی و در نتیجه قلمروی موافقت نامه یارانه ها خارج است؛ موافقت نامه مزبور نیز صرفاً از یارانه صادراتی سخن به میان آورده است.^۲

منظور از یارانه صادراتی، کمک و هرگونه نفع و مزیت مالی است که توسط دولت به منظور تشویق صادرات محصولات خاص و گسترش یا حفظ بازار صادراتی پرداخت می شود.^۳ این نوع یارانه، شامل پرداخت های مستقیم، اعطای معافیت های مالیاتی، پرداخت وام به صادرکنندگان و اعطای وام های کم بهره به خریداران خارجی است که به منظور رونق و شکوفایی صادرات در یک بخش استراتژیک پرداخت می شود.^۴ ماده یک موافقت نامه یارانه های WTO نیز یارانه را این گونه تعریف می کند:

«از لحاظ موافقت نامه حاضر، وجود یارانه به شرطی پذیرفته می شود که:

الف (۱) کمک مالی دولت یا هر نهاد دولتی در قلمرو یک کشور عضو (که در موافقت نامه حاضر، «دولت» خوانده می شود) وجود داشته باشد یعنی در مواردی که:

۱- عمل دولت متضمن انتقال مستقیم وجوه (مثلاً کمک های بلاعوض، وام و تزریق سرمایه)، انتقالات بالقوه مستقیم وجوه یا تعهدات باشد (مثلاً تضمینات وام)؛

۲- درآمد دولت که در شرایط دیگر وصول می شود وصول نشده یا از آن چشم پوشی شود (مثلاً مشوق های مالی مانند اعتبارات مالیاتی)؛

۳- دولت، کالا یا خدماتی را جز در رابطه با زیر ساخت کلی، تدارک یا کالاهایی را خریداری نماید؛

¹.Subsidy

². برای مطالعه بیشتر در خصوص این دسته از یارانه ها، ر.ک: عباس رحیمی، **بررسی اقتصادی یارانه**، چاپ سوم (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ۱۳۷۵)، ص ۴۵.

³. محسن صادقی، **آثار حقوقی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بر یارانه های صادراتی بخش صنعت**، (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ۱۳۸۵)، ص ۹.

⁴.Rambod Behboodi, **Industrial Subsidies and Friction in The World Trade** (NewYork:Routledge,1994), P.98.
(London and

۴- دولت پرداختهایی را به یک مکانیزم مالی انجام داده یا یک نهاد خصوصی را تضمین یا راهنمایی کند تا یک یا چند نوع نقش مذکور در بندهای (۱) و (۲) فوق را که طبیعتاً در دولت اعطا می‌شود ایفا نماید و رویه بدون هیچ معنای واقعی متفاوت از رویه‌هایی باشد که بطور طبیعی از سوی دولت‌ها اجرا می‌گردد.

الف (۲) هیچ شکلی از درآمد یا قیمت حمایتی در معنای ماده ۱۶ گات ۱۹۹۴ وجود ندارد.^۱

ب) « نفعی منتقل شده باشد. »^۲

ماده ۲ دستورالعمل شماره ۲۰۲۶ اتحادیه اروپا مصوب ۶ اکتبر ۱۹۹۷ تحت عنوان مقررات شورای اتحادیه اروپا در خصوص حمایت در برابر واردات مشمول یارانه از کشورهای غیرعضو اتحادیه اروپا^۳ و ماده ۴ فرمان یارانه ها و اقدامات جبرانی پاکستان اصلاحی ۲۰۰۱، کاملاً منطبق با ماده ۱ موافقت نامه است که به دلیل این تشابه از ذکر آنها خودداری می‌شود.

یارانه صادراتی، محدود به یارانه ای نیست که مستقیماً در امر صادرات به کار برده می‌شود، بلکه هرگونه یارانه ای که بطور غیرمستقیم در صادرات کالا مورد استفاده قرار گرفته و باعث ورود زیان به صنعت کشورهای واردکننده می‌شود را نیز دربرمی‌گیرد؛ چرا که فلسفه تدوین مقررات این موافقت نامه، منع کردن هر نوع یارانه ای است که مستقیم یا غیرمستقیم، تجارت منصفانه و آزاد را خدشه دار می‌سازد. از این رو یارانه‌هایی که مثلاً به بخش تولید، ساخت و حمل و نقل محصول صادراتی اعطا شده و باعث عرضه ارزان

^۱ ماده ۱۶ گات (قسمت الف-یارانه بطورکلی) : « اگر طرف متعاهدي یارانه، از جمله هر شکل از حمایت در قالب درآمد یا قیمت را اعطا یا حفظ کند که بر افزایش صادرات محصولی از آن سرزمین یا کاهش واردات محصولی به آن سرزمین اثری مستقیم یا غیرمستقیم داشته باشد، طرفهای متعاهد را کتباً از میزان و ماهیت پرداخت یارانه، اثر تخمینی پرداخت یارانه بر مقدار محصول یا محصولاتی که تحت تاثیر این امر به آن سرزمین وارد یا از آن صادر می‌شوند و اوضاع و احوالی که پرداخت یارانه را ضروری ساخته، مطلع خواهد کرد. در هر موردی که تشخیص داده شود پرداخت چنین یارانه ای به منافع طرف متعاهد دیگر لطمه جدي می‌زند یا خطر چنین لطمه ای را به وجود می‌آورد، طرف متعاهد اعطاکننده یارانه، به صرف درخواست، بادیگر طرف یا طرفهای متعاهد ذیربط یا با طرفهای متعاهد در مورد امکان تحدید پرداخت یارانه وارد گفتگو خواهد شد. »

^۲ ترجمه مواد موافقت نامه، برگرفته از کتاب **سند‌هایی دور اروگوئه** ترجمه موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی (تهران: نشر موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۳) می‌باشد.

^۳ The Council of The European Union Regulation on Protection against Subsidized Imports from Countries

not Members of the European Union.

تر آن محصول به بازارهای خارجی می شود نیز مشمول منع موافقت نامه قرار دارند.^۱ ضمن آن که این مطلب، از مفاد بند ۳ ماده ۶ موافقت نامه گات هم استنتاج می شود.^۲ بنابراین دولتهای عضو سازمان تجارت جهانی، مکلفند علاوه بر حذف یارانه های صادراتی ممنوع که مستقیماً برای امر صادرات اختصاص می یابد، از اعطای یارانه های قابل تعقیبی که به بخشهایی چون تولید، خدمات حمل و نقل، بیمه و مانند آن پرداخت شده و این کمک، در امر صادرات کالا حتی غیرمستقیم مورد استفاده قرار گیرد نیز در صورت ورود لطمه به صنایع کشور واردکننده خودداری نماید. از همین روست که مطابق بند ب ماده ۲ قانون، «یارانه، کمک مالی مستقیم یا غیرمستقیم کشور مبدأ یا صادرکننده است که منفعت یا هر شکل حمایت درآمدی یا قیمتی را در قالب ماده ۱۶ گات ۱۹۹۴ اعطا می کند» و بر اساس بند ز ماده ۲ تصویب نامه منع رقابت غیرمنصفانه در واردات کشور ترکیه، «مبلغ یارانه، کمک مالی مستقیم یا غیرمستقیم است که به وسیله کشور مبدأ یا صادرکننده، برای ساخت، تولید، صدور یا حمل و نقل محصول فروخته شده برای صادرات یا کل منافع به هر شکلی از حمایت درآمدی یا قیمتی به مفهوم ماده ۱۶ گات ۱۹۹۴ لحاظ شود.» عبارت «برای ساخت، تولید، صدور یا حمل و نقل محصول»، گویای آن است که یارانه مخل تجارت خارجی، در معنای موسع آن مدنظر قانونگذار این کشور بوده است.

ب- اقسام یارانه صادراتی:

موافقت نامه یارانه ها و اقدامات جبرانی WTO، از سه دسته یارانه نام برده است: الف - یارانه های ممنوع^۳؛ ب - یارانه های قابل تعقیب^۴؛ ج - یارانه های غیر قابل تعقیب^۵.

این یارانه ها بر اساس رنگ چراغ راهنمایی به ترتیب، به یارانه های قرمز، یارانه های زرد و یارانه های سبز معروف هستند.

^۱ Philip English and Luc De Wulf, *Export Development Policies and Institutions*, in: Bernard Hoekman Aayditya and Philip English, *Development, Trade and WTO: Handbook* (Washington DC: The World Bank).

^۲ مطابق قسمت اخیر این بند، «حقوق جبرانی به معنای حقوق ویژه ای خواهد بود که به منظور جبران هرگونه جایزه یا یارانه که بطور مستقیم یا غیر مستقیم به ساخت، تولید یا صدور هرکالایی اعطا می شود، وضع می گردد.»

^۳ Prohibited Subsidies.

^۴ Actionable Subsidies.

^۵ Non-Actionable Subsidies.

۱- یارانه‌های ممنوع:

ماده ۳ موافقت نامه، ضمن برشمردن یارانه های ممنوع، از اعضا می خواهد که از اعطا و یا حفظ این قبیل یارانه ها خودداری نمایند. یارانه های ممنوع مطابق این ماده عبارتند از:

۱- یارانه‌هایی که در قانون یا در واقع، به تنهایی یا به عنوان یکی از چند ضابطه دیگر، موکول به عملکرد صادراتی هستند از جمله یارانه‌هایی که در ضمیمه ۱ این موافقت‌نامه توضیح داده شده‌اند.

۲- یارانه‌هایی که به تنهایی یا به عنوان یکی از چند ضابطه دیگر، موکول به استفاده بیشتر از کالاهای داخلی در مقایسه با کالاهای وارداتی هستند.

موافقت نامه از آن رو از قید «در واقع» استفاده کرده است که از سوء استفاده کشورهای که بدون تصویب قانون، یارانه های ممنوع را در عمل، به امر صادرات اختصاص می دهند جلوگیری کند زیرا در مواردی، واقعیات نشان می دهد اعطای یک یارانه بدون آنکه از لحاظ قانونی موکول به عملکرد صادراتی باشد، در واقع به صادرات یا درآمدهای صادراتی حقیقی یا مورد انتظار وابسته است. بی گمان اعطای این یارانه ها نیز بر تجارت مشروع و منصفانه اثر منفی می گذارد لذا موافقت نامه برای تحقق بهتر هدف خویش، ناگزیر از ممنوع کردن این یارانه ها نیز بوده است.

ذکر این نکته ضروری است که صرف اعطای یارانه به بنگاههایی که صادرات دارند، به تنهایی دلیل کافی نخواهد بود تا یارانه مزبور در مفهوم ماده ۳، یارانه صادراتی تلقی شود بلکه یارانه اعطاشده زمانی ممنوع تلقی می شوند که در امر صادرات مورد استفاده قرار گیرند.

بند ۱ ماده ۳ موافقت نامه، در برشماری یارانه های ممنوع، به ضمیمه ۱ ارجاع داده است. مطابق این ضمیمه ، یارانه‌های زیر جزو یارانه‌های صادراتی هستند:

۱- ارائه یارانه‌های مستقیم توسط دولتها به یک بنگاه یا یک صنعت به شرط داشتن عملکرد صادراتی.

۲- طرحهای مربوط به حفظ ارز (صادراتی) یا رویه‌های مشابهی که متضمن جایزه صادراتی می باشند.

۳- حمل و نقل داخلی و هزینه های حمل برای محموله صادراتی که دولتها با شرایط مطلوبتری نسبت به محموله داخلی در نظر می گیرند یا دستور چنین ترتیباتی را می دهند.

۴- عرضه محصولات یا خدمات وارداتی یا داخلی توسط دولت‌ها یا کارگزارانشان، به طور مستقیم یا غیر مستقیم در چارچوب طرح‌های تحت نظارت دولت برای استفاده در تولید کالاهای صادراتی با شرایط یا ترتیباتی که از عرضه محصولات یا خدمات در رقابت مستقیم یا مشابه جهت استفاده در تولید کالا برای مصرف داخلی مطلوبتر است به شرط آنکه در مورد محصولات، این شرایط یا ترتیبات مطلوبتر از آنهایی باشد که در بازارهای جهانی از لحاظ تجاری در دسترس صادرکنندگان این محصول قرار دارد.

۵- اعطای معافیت کامل یا جزئی، بخشودگی یا اجازه تعویق پرداخت بویژه مربوط به صادرات از بابت مالیاتهای مستقیم (مالیت بر دستمزد، سود، بهره، اجاره، حق الامتیاز و سایر اشکال درآمد و مالیات بر مالکیت اموال غیر منقول) یا هزینه‌های رفاه اجتماعی که توسط بنگاههای تجاری پرداخت می شود یا قابل پرداخت است.

۶- اجازه تخفیفهای ویژه، مستقیماً در ارتباط با صادرات یا عملکرد صادراتی علاوه و بیشتر از تخفیفهای اعطایی در خصوص تولید برای مصرف داخلی برای محاسبه مبنایی که مالیاتهای مستقیم بر آن اساس وصول می گردند.

۷- اعطای معافیت یا بخشودگی از مالیاتهای غیرمستقیم (مالیات بر فروش به واحد کالا، عملکرد سرمایه، ارزش افزوده، فرانشیز، تمبر، نقل و انتقال، موجودی و تجهیزات، مالیاتهای مرزی و سایر انواع مالیاتها غیر از مالیات مستقیم و هزینه های وارداتی) در مورد تولید و توزیع محصولات صادراتی، بیش از آنچه در خصوص تولید و توزیع محصولات مشابه به هنگام فروش برای مصرف داخلی تعلق می گیرد.

۸- اعطای معافیت، بخشودگی یا اجازه تعویق پرداخت از بابت مالیاتهای غیر مستقیم تجمعی قبلی، در مورد کالاها یا خدمات مورد استفاده در تولید محصولات صادراتی، بیش از معافیت، بخشودگی یا تعویقی که از بابت مالیاتهای غیرمستقیم تجمعی مرحله قبل مشابه در مورد کالاها یا خدمات مورد استفاده در تولید محصولات مشابه به هنگام فروش برای مصرف داخلی، اجازه داده می شود، البته مشروط براینکه اگر مالیاتهای غیرمستقیم تجمعی مرحله قبلی به نهادهایی تعلق گرفته باشند که در تولید محصول صادراتی (با در نظر گرفتن کسری معمولی از بابت ضایعات) مصرف شده‌اند، بتوان مالیاتهای غیرمستقیم تجمعی مرحله

قبلی رادر مورد محصولات صادراتی معاف کرد، بخشید یا به تعویق انداخت، حتی اگر محصولات مشابه به هنگام فروش برای مصرف داخلی از این معافیت، بخشودگی یا تعویق برخوردار نشده باشند.

۹- بخشودگی یا استرداد هزینه‌های وارداتی بیش از آنچه به نهاده‌های وارداتی مصرف شده در تولید محصول صادراتی (با در نظر گرفتن کسری معمولی از بابت ضایعات) تعلق گرفته است، البته مشروط بر اینکه اگر واردات و عملیات صادراتی مرتبط با آن هر دو در مدت معقولی و حداکثر ظرف دو سال انجام گیرند، یک بنگاه در موارد خاص بتواند به جای نهاده‌های وارداتی، به مقداری معادل آن از نهاده‌های موجود در بازار داخلی، با کیفیت و خصوصیات همانند، به منظور انتفاع از این مقرر، استفاده کند.

۱۰- اقدام دولتها (یا موسسات ویژه تحت نظارت آنها) به ارائه برنامه‌های تضمین یا بیمه اعتبار صادراتی، برنامه‌های بیمه یا تضمین در مقابل افزایش هزینه محصولات صادراتی یا برنامه‌های مربوط به کاهش خطر نوسانات ارزی، با نرخ بیمه‌ای که برای پوشش دادن هزینه‌های عملیاتی بلند مدت و زیانهای این برنامه اندک می باشد.

۱۱- اقدام دولتها (یا موسسات ویژه تحت نظارت دولتها یا آنهایی که با اجازه دولتها فعالیت می کنند) به اعطای اعتبارات صادراتی با نرخهایی پائین تر از آنچه واقعاً باید برای جوهی با این کاربرد پرداخت شود (یا در صورت استقراض از بازارهای سرمایه بین‌المللی با همان سررسید و سایر شرایط پرداخت و همان ارز به عنوان اعتبار صادراتی باید پرداخت شود)، یا اقدام آنها جهت پرداخت تمام یا بخشی از هزینه‌هایی که صادرکنندگان یا مؤسسات مالی در اخذ وام متحمل می شوند، تا جایی که به منظور تأمین یک مزیت مهم در زمینه شرایط اعتبار صادراتی کاربرد دارند.

۱۲- هرگونه هزینه دیگر از محل حساب عمومی که از لحاظ ماده ۱۶ گات ۱۹۹۴، یارانه صادراتی به شمار می‌آید.

بند آخر به این منظور به ضمیمه شماره یک موافقت نامه اضافه شده است که مصادیق دیگری را نیز شامل شود که هرچند در این ضمیمه بدان اشاره نشده است اما چون متضمن انتقال نفع می باشد از مصادیق یارانه تلقی می شود. برای مثال کانالیزه کردن سفارشات از بخش خاص دولتی نیز از جمله مصادیق

یارانه می باشد همچنانکه در کشور ما برخی نهادها مکلف شده اند که سفارشات خود را منحصر به برخی بخشهای خاص دولتی ارائه دهند.

کشور واردکننده کالای برخوردار از یارانه ممنوع، می تواند به صرف اثبات این واقعیت که کالای وارداتی از یارانه ممنوع برخوردار بوده است، علیه کشور اعطاکننده یارانه، عوارض جبرانی وضع کند و مرجع اختصاصی رسیدگی به دعوای یارانه، نیازی به احراز ورود لطمه به صنعت داخلی ندارد و یارانه مزبور از این نظر با یارانه های قابل تعقیب، متفاوت است.

دستورالعمل اتحادیه اروپا نیز به سبک موافقت نامه، در ضمیمه یک خود، مصادیق یارانه های ممنوع را تحت عنوان «فهرست توضیحی یارانه های صادراتی»^۱ بیان داشته است که کاملاً مشابه ضمیمه یک موافقت نامه می باشد. اما در قانون و مقررات ترکیه، به مصادیق اشاره نشده است با این حال چون شق دوم ماده ۱۲ آیین نامه منع رقابت غیرمنصفانه در واردات، به ماده ۳ موافقت نامه یارانه ها ارجاع داده و ماده ۳ نیز خود، به ضمیمه یک موافقت نامه ارجاع داده است، لذا می توان گفت که مصادیق یارانه ممنوع مورد توجه قانونگذار ترکیه نیز بوده و از این حیث، تفاوت ماهوی میان مقررات ترکیه و موافقت نامه یارانه ها باقی نمی ماند. در فرمان یارانه ها و اقدامات جبرانی پاکستان در جدول شماره یک که ضمیمه فرمان است- تحت عنوان فهرست توضیحی یارانه های صادراتی- به سیاق موافقت نامه یارانه ها و اقدامات جبرانی WTO یارانه های صادراتی ممنوع را برشمرده است و مصادیق آن کاملاً مشابه موافقت نامه است.

۲- یارانه های قابل تعقیب

بر اساس قسمت ۳ ماده ۵ موافقت نامه، یارانه های قابل تعقیب را می توان این گونه تعریف می کرد: «نفع خاصی که از سوی بخش عمومی اعطا شده باشد و در اثر انتقال این نفع، به منافع دیگر اعضا، آسیب جدی^۲ وارد شود.»

این یارانه ها خاص صادرات نیستند اما در مواردی که بر امر صادرات تاثیر بگذارند به عنوان یارانه قابل تعقیب محسوب می شوند. برای مثال اگر دولت، زمین، برق و آب را با نصف قیمت در اختیار تولیدکنندگان

^۱. Illustrative List of Export Subsidies.

^۲. Serious Prejudice

قرار دهد و این امتیاز موجب شود که تولیدات با بهای کمتری در اختیار صادرکنندگان قرار گیرد و صادرکنندگان نیز با قیمتی نازل تر کالا را وارد کشور دیگر نمایند کشور واردکننده می تواند در صورت متضرر شدن، علیه کشور اعطاکننده یارانه، طرح دعوی کند.

موافقت نامه یارانه ها از آن رو، یارانه های قابل تعقیب را از یارانه های ممنوع تفکیک کرده است که این یارانه ها، از دو جهت با یکدیگر متفاوت هستند:

۱- در حالی که یارانه های ممنوع بر مبنای نوع و ماهیت خود شناسایی می شوند، یارانه قابل تعقیب بر مبنای تاثیرات آنها بر صنایع دیگر کشورهای عضو و نیز از تاثیرات آنها بر بازارهای دیگر اعضا و یا بازارهای مورد توجه دیگر اعضا و کشورهای ثالث قابل تعقیب هستند؛

۲- در حالی که در مورد یارانه های ممنوع، احراز اعطای یارانه- صرفنظر از ورود یا عدم ورود ضرر- برای وضع عوارض جبرانی، کافی است، در یارانه های قابل تعقیب، مرجع رسیدگی باید علاوه بر احراز اعطای یارانه، ورود زیان و وجود رابطه سببیت میان ورود کالای برخوردار از یارانه و ورود زیان را نیز احراز نماید.

اهمیت آسیب جدی در تشخیص یارانه های قابل تعقیب، تهیه کنندگان موافقت نامه را بر آن داشت تا ماده ای جداگانه به این بحث اختصاص دهند. مطابق ماده ۵: «هیچ عضوی با استفاده از هریک از یارانه های مذکور در بندهای ۱ و ۲ ماده ۱ موجب نخواهد شد که [یارانه های مزبور] اثرات سوئی بر منافع اعضای دیگر داشته باشند یعنی

الف) به صنعت داخلی عضو دیگر لطمه وارد آید؛

ب) منافی که طبق گات ۱۹۹۴ به طور مستقیم یا غیرمستقیم به اعضای دیگر تعلق دارد بویژه منافع ناشی از امتیازات تعیین شده در ماده ۲ گات ۱۹۹۴ از میان برود یا به آنها زیان وارد آید؛

ج) به منافع عضو دیگر آسیب جدی وارد آید.»

منظور از آسیب جدی -به معنای بند ج ماده ۵ موافقت نامه -یکی از حالات زیر است: الف) کل یارانه پرداختی بر مبنای ارزش محصول از ۵ درصد تجاوز کند؛ ب) یارانه هایی که زیانهای عملیاتی یک صنعت را تحت پوشش قرار دهد؛ ج) یارانه هایی که زیانهای عملیاتی یک بنگاه اقتصادی را تحت پوشش قرار دهد، غیر

از اقداماتی که برای یک بار بوده و غیر قابل تکرار هستند و نمی‌توان آنها را در مورد آن بنگاه مجدداً اعمال کرد و صرفاً به منظور ایجاد فرصت برای ارائه راه‌حلهای بلند مدت و اجتناب از مسائل حاد اجتماعی اعطا می‌شوند؛ د) بخشش مستقیم بدهی یعنی بخشش مطالبات دولت و اعطای کمک بلاعوض برای بازپرداخت بدهی.

با این حال، اگر عضو پرداخت‌کننده یارانه، ثابت کند که یارانه مورد بحث به اثرات زیر منجر نشده است، آسیب وارده، جدی تشخیص داده نخواهد شد:

یک) یارانه، به جایگزین کردن یا ممانعت از ورود یک محصول مشابه عضو دیگر به بازار عضو پرداخت‌کننده یارانه و یا به جایگزین کردن یا ممانعت از صدور یک محصول مشابه عضو دیگر از بازار کشور ثالثی منجر شود :

منظور از جایگزین کردن و ممانعت از صادرات، هر موردی است که در آن، تغییری در سهم نسبی بازار به زیان محصول مشابه غیریارانه ای به وجود آمده است (طی یک دوره نمونه مناسب و کافی برای نشان دادن روندهای روشن در تحول بازار نسبت به محصول مورد نظر که در اوضاع و احوال عادی یکسان خواهد بود). تغییر در سهم نسبی بازار هرگونه وضعیتهای زیر را شامل می‌شود:

(الف) در سهم بازار محصول مشمول یارانه افزایشی به وجود آید ؛

(ب) سهم بازار محصول مشمول یارانه، در اوضاع و احوالی که در صورت عدم وجود یارانه می‌توانست به کاهش این سهم بینجامد، ثابت باقی بماند؛

(ج) سهم بازار محصول مشمول یارانه کاهش یابد اما با آهنگی کندتر از آنچه در صورت عدم وجود یارانه رخ می‌داد.

با این حال، جایگزینی یا ممانعتی که به آسیب جدی منجر شود، در صورت وجود هر یک از اوضاع و احوال زیر طی دوره مربوط، مطرح نخواهد شد:

۱) وجود ممنوعیت یا محدودیت در مورد صادرات محصول مشابه از کشور عضو شاکی یا در مورد واردات از کشور عضو شاکی به بازار کشور ثالث مورد نظر؛

۲) دولت واردکننده‌ای که در اعمال انحصار تجارت یا تجارت دولتی در مورد محصول ذیربط، بنا به دلایل غیر تجاری، تصمیم به جابجایی واردات از کشور عضو شاکی به کشور یا کشورهای دیگری گیرد؛

۳) بلایای طبیعی، اعتصابات، قطع جریان حمل و نقل یا سایر موارد قوه قاهره (فورس ماژور) که بر تولید، کیفیت، کمیت یا قیمت محصولی که کشور عضو شاکی برای صادرات عرضه کرده، تاثیر اساسی می‌گذارد؛

۴) وجود ترتیبات محدود کننده برای صادرات از کشور عضو شاکی؛

۵) کاهش داوطلبانه عرضه محصول مورد نظر برای صدور از کشور عضو شاکی (ضمناً شامل وضعیتی که در آن بنگاههای کشور عضو شاکی مستقلاً اقدام به تخصیص مجدد صادرات این محصول به بازارهای جدید کرده اند)؛

۶) قصور در تطبیق با استانداردها و دیگر الزامات تنظیمی در کشور وارد کننده.

دو) یارانه، به زیر قیمت فروختن قابل توجه محصول مشمول یارانه در مقایسه با قیمت محصول مشابه عضو دیگر در همان بازار یا رکود قابل توجه قیمت، تنزل قیمت یا فروش همراه با ضرر در همان بازار منجر شود:

به زیر قیمت فروختن هر موردی را شامل می‌شود که این زیر قیمت فروختن از طریق مقایسه قیمت‌های محصول مشمول یارانه با قیمت‌های محصول مشابه غیر یارانه ای عرضه شده به همان بازار، احراز گردد. این مقایسه، در همان سطح تجاری و در زمانهای قابل مقایسه و با توجه مقتضی به هر گونه عامل مؤثر دیگر بر قابلیت مقایسه قیمت‌ها، صورت خواهد گرفت. به هر حال، اگر چنین مقایسه مستقیمی ممکن نباشد، فروش زیر قیمت را می‌توان بر مبنای ارزش هر واحد کالای صادراتی احراز کرد.

سه) یارانه، به افزایش سهم عضو پرداخت کننده یارانه در بازار جهانی در مورد محصول یا کالای اولیه خاص مشمول یارانه در مقایسه با میانگین سهم این دولت طی سه سال قبل از آن منجر شود و این افزایش در مدتی که یارانه اعطا شده است روندی مستمر داشته باشد مگر آنکه قواعد خاص مورد توافق چند جانبه دیگری بر تجارت محصول یا کالای مورد نظر حاکم باشد.

۳- یارانه های غیر قابل تعقیب

موافقت نامه، از قسم سومی از یارانه ها یعنی یارانه های غیر قابل تعقیب نام برده است. این قبیل یارانه ها، یارانه های خاصی هستند که اعطای آن از سوی کشورهای عضو مجاز بوده و در برابر آنها عوارض جبرانی وضع نمی شود. البته با توجه به ماده ۳۱ موافقت نامه، که اعمال مقررات راجع به این یارانه ها را تا سال ۲۰۰۰ پیش بینی کرده بوده است، امروزه دیگر یارانه غیر قابل تعقیب در موافقت نامه وجود ندارد زیرا مدت مقرر در موافقت نامه برای اعطای این یارانه ها منقضی شده است و میان اعضا نیز هیچ اجماعی برای تمدید مدت اعتبار آن صورت نگرفت. بنابراین می توان گفت که در حد فاصل سالهای ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰، اعطای دو دسته یارانه، غیر قابل تعقیب بوده است: یکی اعطای یارانه های غیر خاص و دیگری اعطای یارانه های خاصی که جزو مصادیق یارانه غیر قابل تعقیب بودند و از سال ۲۰۰۰ به بعد، تنها اعطای یارانه های غیر خاص، غیر قابل تعقیب به شمار می آیند.

با توجه به منقضی شدن زمان اعتبار یارانه های غیر قابل تعقیب در موافقت نامه، بحث تفصیلی از آنها چندان مفید فایده نخواهد بود با این حال برای آشنایی بیشتر، به مصادیق آنها- که در ماده ۶ فرمان یارانه ها و اقدامات جبرانی پاکستان نیز مورد تصریح قرار گرفته اند- اشاره می کنیم:

۱- کمک به فعالیتهای تحقیقاتی مشروط بر اینکه کمک بیش از ۷۵ درصد هزینه تحقیق صنعتی یا ۵۰ درصد هزینه فعالیت توسعه پیش از رقابت را شامل نشود و کمک مزبور منحصرأً به هزینه پرسنلی (مانند محققان)، هزینه وسایل و تجهیزات تحقیقاتی، هزینه مشاوره و خدمات تحقیقاتی، هزینه بالاسری و سایر هزینه هایی که مستقیماً در نتیجه فعالیت تحقیقاتی ایجاد می شوند.

۲- کمک به توسعه مناطق محروم که فاقد جنبه خاص (به مفهوم موافقت نامه) هستند مشروط بر آنکه ۱- هر منطقه محروم به صورت یک ناحیه جغرافیایی متصل و بوضوح مشخص با هویت اقتصادی و اداری قابل تعیین باشد؛ ۲- مشکلات منطقه محروم، چیزی بیش از اوضاع و احوال موقتی بوده و محرومیت منطقه بر اساس معیارهای عینی که در قانون و مقررات و سایر اسناد رسمی تعیین شده باشند، احراز شده باشد؛ ۳- این معیارها، میزان توسعه اقتصادی را که حداقل بر یکی از عوامل زیر مبتنی است شامل شود: حداکثر درآمد

سرانه یا سرانه خانوار یا تولید ناخالص داخلی سرانه، ۸۵ درصد میانگین آن برای منطقه مورد نظر باشد و نرخ بیکاری که باید حداقل ۱۱۰ درصد میانگین آن برای منطقه مزبور باشد.

۳- کمک به افزایش توانایی تطبیق تسهیلات موجود^۱ با شرایط زیست محیطی جدید ناشی از قوانین ومقررات که به محدودیتها و بار مالی بیشتر بنگاهها منجر شده باشد مشروط برآنکه کمک مزبور، یکبار بوده و تکرار نشود؛ به ۲۰ درصد هزینه تطبیق محدود گردد؛ هزینه جایگزینی و راه اندازی سرمایه گذاری در قالب کمک را که کلا باید برعهده بنگاهها باشد، شامل نگردد؛ مستقیما متناسب با کاهش برنامه ریزی شده آلودگیها بوده و هرگونه صرفه جویی در هزینه تولید را که ممکن است به عمل آید، شامل نشود و بالاخره اینکه در دسترس همه بنگاههایی که می توانند تجهیزات یا فرایند تولید جدید را در اختیار گیرند، قرار داشته باشد.

ذکر این نکته نیز ضروری است که یارانه های فوق الذکر، اگر مستقیم یا غیرمستقیم بر امر صادرات تاثیر گذاشته و با ورود لطمه به کشور واردکننده، سبب تجارت غیرمنصفانه شود، کشور واردکننده می تواند در برابر کالای برخوردار از این قبیل یارانه ها (که یارانه قابل تعقیب محسوب می شوند)، عوارض جبرانی وضع کند. به دیگر سخن این قبیل یارانه ها امروزه به زمره یارانه های قابل تعقیب پیوسته اند.

پس از تعریف یارانه صادراتی و اقسام آن، وارد بحث اصلی شده و از نقش گمرک در تشخیص یارانه اعطا شده بحث خواهیم کرد:

موافقت نامه یارانه ها و اقدامات جبرانی سازمان تجارت جهانی در مواد ۱۰ تا ۲۳ خود، اجازه داده است که کشور واردکننده در شرایطی خاص، توسط مراجع تخصصی داخلی خود متشکل از مقامات بلند پایه - که می تواند مقام گمرکی نیز جزء آنها باشد- در برابر واردات برخوردار از یارانه، عوارض جبرانی^۲ وضع کند.

^۱ . تسهیلات موجود به تسهیلاتی اطلاق می شود که به هنگام وضع مقررات جدید محیط زیست، حداقل دو سال وجود داشته باشند.

^۲. Countervailing Duties

عوارض جبرانی، به عوارض ویژه ای اطلاق می شود که برای جبران کمک مستقیم یا غیرمستقیم دولت به ساخت، تولید یا صادرات یک محصول صنعتی وضع می شود.

مراحل رسیدگی به دعاوی راجع به یارانه، مشابه مراحل رسیدگی به دعاوی ضد دامپینگ است. از این رو، قانونگذار برخی کشورها نظیر ترکیه و پاکستان، در قانونی واحد، هم به دعاوی ضد دامپینگ و هم دعاوی راجع به یارانه توجه کرده و برای این دو دعوی، مرجع یکسانی در نظر گرفته است.

در دعاوی راجع به یارانه همانند دعاوی ضد دامپینگ، مراحل رسیدگی به دعاوی یارانه را بطور کلی می توان به سه مرحله (الف- مرحله تقدیم درخواست، آغاز رسیدگی و انجام تحقیقات؛ ب- مرحله حین رسیدگی؛ ج- مرحله پس از رسیدگی) تقسیم کرد. از آنجا که نماینده گمرک معمولاً یکی از اعضای مرجع رسیدگی و صدور تصمیم است لذا بررسی تفصیلی و تطبیقی هر سه مرحله مزبور می تواند مقامات گمرکی ایران را با نقش خود در دعاوی یارانه در صورت وضع مقررات خاص در این زمینه و بویژه پس از الحاق رسمی ایران به WTO بیشتر آگاه سازد:

الف- مرحله تقدیم درخواست، آغاز رسیدگی و انجام تحقیقات

تقدیم درخواست رسیدگی به **مرجع صالح**، باید از جانب **ذینفعان دعوی** صورت گیرد؛ مرجع رسیدگی نیز پس از بررسی مدارک موجود و در صورت احراز اولیه اعطای یارانه غیر مجاز، **تحقیقات** را آغاز می کند. بر اساس این فرایند، مطالب این مرحله را در سه بند ارائه می کنیم:

۱- مرجع صالح به رسیدگی:

ضرورت رسیدگی سریع و دقیق به دعاوی پیچیده و فنی ضد یارانه اقتضا دارد که مرجع تخصصی و اختصاصی به موضوع رسیدگی نماید. طولانی بودن جریان رسیدگی قضایی و عدم تخصص قضات در دعاوی ضد یارانه باعث می شود که اعطای صلاحیت رسیدگی به محاکم قضایی با نارسایی های بسیار مواجه گردد. از این رو در مقررات راجع به یارانه ها، مرجعی اختصاصی برای اینگونه دعاوی پیش بینی شده است. موافقت نامه یارانه ها، مقرر داشته است که اعضا توسط مقامات داخلی خود می توانند به این دعاوی رسیدگی کنند؛ همچنین در مورد ارجاع اعتراض یک دولت به سازمان تجارت جهانی، ماده ۲۴ موافقت نامه از مرجعی به نام

« کمیته یارانه‌ها و اقدامات جبرانی » نام برده است. بر اساس بند ۱ این ماده، « بدین وسیله کمیته یارانه‌ها و اقدامات جبرانی مرکب از نمایندگان هر یک از دولتهای عضو تشکیل خواهد شد. این کمیته، رئیس خود را انتخاب کرده و حداقل دو بار در سال و یا به طریقی دیگر که در مقررات مربوط در موافقت‌نامه حاضر در نظر گرفته شده و به درخواست هریک از اعضا تشکیل خواهد داد.....» وظیفه کمیته مزبور آن است که به اعضا، فرصت مشورت راجع به هر موضوع مربوط به اجرای این موافقت‌نامه یا پیشبرد اهداف آن را خواهد داد. در واقع، کشورها در صورت تقاضای مشورت برای حل اختلافات راجع به یارانه و یا در صورت اعتراض کشور واردکننده به عدول کشور اعطاکننده یارانه از مفاد موافقت نامه یارانه‌ها و یا اعتراض کشور خواننده دعوی مبنی بر عدم اجرای درست مقررات موافقت نامه توسط مراجع داخلی کشور رسیدگی کننده مانند وضع عوارض جبرانی به میزان و برای مدتی بیش از مدت مجاز می توانند از کمیته یارانه‌ها و اقدامات جبرانی سازمان تجارت جهانی بخواهند که قضیه را حل و فصل نماید. دبیرخانه سازمان تجارت جهانی به عنوان دبیرخانه کمیته عمل خواهد کرد.

موافقت نامه، کشورهای عضو را مکلف به تشکیل مرجع اختصاصی برای رسیدگی به دعاوی یارانه نکرده است؛ اما در عمل، کشورهای عضو با درک فنی و پیچیده بودن این دعاوی و ضرورت رسیدگی دقیق و سریع به دعاوی یارانه، مرجعی اختصاصی برای آن پیش بینی کرده اند و در این زمینه اختلافی میان اعضا دیده نمی شود اما نقطه اختلافی این است که در برخی مقررات مانند مقررات اتحادیه اروپا و چین، مرجع رسیدگی به دعاوی راجع به یارانه، از مرجع رسیدگی به دعاوی ضددامپینگ، مجزاست؛ اما در برخی کشورها مانند ترکیه و پاکستان به منظور صرفه جویی در هزینه های اداری و جلوگیری از تشریفات مربوط به تشکیل مراجع متعدد، صلاحیت رسیدگی به دعاوی ضددامپینگ و دعاوی راجع به یارانه را به مرجعی واحد اعطا شده است (در ترکیه، هیات ارزیابی رقابت غیرمنصفانه در واردات و در پاکستان، کمیته ملی تعرفه)؛ که با توجه به فواید رویه دوم، توصیه می شود که این رویه از سوی قانونگذار ما نیز لحاظ شود.

۲- ذینفعان دعوی:

برای رسیدگی به دعوای راجع به یارانه، لزوماً باید ذینفعان موضوع به طرح دعوی اقدام کنند و دعوی نیز علیه کسی طرح شود که دعوی متوجه اوست یعنی کالای برخوردار از یارانه را وارد کرده یا دولتی که یارانه را اعطا نموده است وگرنه به درخواست رسیدگی نخواهد شد. ماده ۹ - ۱۲ موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی، طرفهای ذینفع را دسته‌های زیر می‌داند:

« (۱) یک تولیدکننده خارجی یا واردکننده یک محصول موضوع تحقیق یا یک اتحادیه تجاری یا بازرگانی است که اکثریت اعضای آن، تولیدکنندگان، صادرکنندگان یا واردکنندگان چنین محصولی هستند؛

(۲) یک تولیدکننده محصول مشابه در کشور واردکننده عضو یا یک اتحادیه تجاری و بازرگانی است که اکثریت اعضای آن، محصول مشابه را در قلمرو کشور واردکننده عضو تولید می‌کنند.

این فهرست مانع اعضا نخواهد شد که به طرفهای داخلی یا خارجی غیر از اشخاص مذکور در فوق اجازه دهند که به عنوان طرفهای ذینفع در نظر گرفته شوند.»

برای طرح دعوا توسط اشخاص ذینفع، شرط دیگری نیز لازم است: در خواست در صورتی «توسط یا از جانب صنعت داخلی» تلقی خواهد شد که مورد حمایت آن دسته از تولیدکنندگان داخلی قرار گیرد که مجموع محصول آنها بیش از ۵۰ درصد کل تولید محصول مشابه تولیدی در آن بخش از صنعت داخلی که حمایت یا مخالفت خود را با درخواست ابراز داشته‌اند، تشکیل دهد. در هر حال، اگر تولیدکنندگانی که صراحتاً از درخواست به عمل آمده حمایت می‌کنند کمتر از ۲۵ درصد کل تولید محصول مشابه تولیدی در صنعت داخلی را در اختیار داشته باشند هیچ گونه تحقیقی آغاز نخواهد شد.^۱

دستورالعمل اتحادیه اروپا، ذینفعان دعوی را با جملاتی مشابه موافقت‌نامه تعریف و بر لزوم حمایت از در خواست رسیدگی توسط تولیدکنندگان با درصدهای مقرر در موافقت‌نامه تصریح کرده است. بند (m) ماده ۲ فرمان یارانه‌ها و اقدامات جبرانی پاکستان اصلاحی سال ۲۰۰۰، به تبعیت از متن موافقت‌نامه، طرفین ذینفع را با عباراتی مشابه تعریف کرده است؛ اما در هیچ جای فرمان، به درصدها اشاره نکرده است لیکن باید قائل به این تفسیر شد که چون این فرمان، با اشاره صریح به موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات

^۱ . بند ۴ ماده ۱۱ موافقت‌نامه .

جبرانی سازمان تجارت جهانی در بند (a) ماده ۲، نگاه ویژه قانونگذار پاکستانی را به هماهنگ سازی مفاد فرمان با مفاد موافقت نامه یارانه ها نمایان می سازد؛ در نتیجه، شاید بتوان گفت که در پاکستان نیز رسیدگی به دعاوی یارانه و تحقیقات زمانی آغاز می شود که درصدهای مزبور رعایت شده باشند.

فرمان منع رقابت غیرمنصفانه در واردات ترکیه، با ذکر درصدهای مقرر در موافقت نامه برای حمایت از درخواست رسیدگی، دینفعان دعوی را با جملات متفاوتی تعریف کرده است هرچند تفاوت ماهوی با موافقت نامه ندارد. مطابق ماده ۳، دینفعان دعوی راجع به یارانه عبارتند از: تولیدکنندگان داخلی و هر شخص حقیقی یا حقوقی یا اتحادیه فعال از سوی صنعت داخلی که مدعی ورود لطمه جدی یا خطر ورود لطمه ناشی از واردات برخوردار از یارانه است.

در آخر بحث دینفعان دعوی، این سوال مطرح می شود که آیا گمرک نیز می تواند خود به عنوان دینفع، طرح دعوی کند؟ از آنجا پاسخ این سوال، در قسمت مربوط به دامپینگ داده شد و همان پاسخ در مورد یارانه نیز صادق است، لذا از تکرار جواب خودداری می شود.

۳- تقدیم درخواست رسیدگی و شروع تحقیقات از سوی مرجع رسیدگی:

دینفعان دعوی راجع به یارانه، برای طرح دعوی و ارائه آن به مرجع رسیدگی مکلفند که خواسته خود را در فرم مخصوص به همراه مدارک معتبر، به دبیرخانه مرجع رسیدگی تقدیم کنند. این الزام برای نظم بخشیدن به اینگونه دعاوی است. خواهان باید در فرم مخصوص، اطلاعات را در اختیار مرجع رسیدگی قرار دهد. این موضوع در ماده ۱۱ - ۲ موافقت نامه پیش بینی شده است:

«.... در خواست شامل چنان اطلاعاتی خواهد بود که منطقاً در موارد زیر در اختیار خواهان قرار دارد:

(۱) هویت خواهان و تشریح میزان و ارزش تولید داخلی محصول مشابه توسط وی، در مواردی که از جانب صنعت داخلی، درخواست کتبی به عمل آمده باشد، در درخواست باید صنعتی که از جانب آن درخواست به عمل آمده است، طی فهرستی متشکل از هم تولیدکنندگان شناخته شده داخلی محصول مشابه (یا اتحادیه تولیدکنندگان داخلی محصول مشابه) مشخص گردد و حتی الامکان میزان و ارزش تولید داخلی محصول مشابه مذکور توسط چنین تولیدکنندگانی تشریح شود؛

۲) مشخصات کامل محصولی که ادعا می شود برای آن یارانه پرداخت شده است، اسامی کشور یا کشورهای مبدأ یا صادرکننده مورد بحث، هویت هریک از صادرکنندگان یا تولیدکنندگان خارجی شناخته شده و فهرستی متشکل از اشخاص شناخته شده و وارد کننده محصول مورد بحث؛

۳) مدارکی در خصوص وجود، میزان و ماهیت یارانه مورد بحث؛

۴) مدارکی که نشان می دهد لطمه ادعایی به صنعت داخلی ناشی از واردات مشمول یارانه و بر اثر یارانه می باشد. این مدارک، اطلاعاتی در مورد سیر فزاینده حجم وارداتی که ادعا می شود برای آن یارانه پرداخت شده است، اثر این واردات بر قیمتهای محصول مشابه در بازار داخلی و اثر بعدی واردات بر صنعت داخلی - آنگونه که عوامل و شاخصهای مربوط به وضعیت صنعت داخلی ... نشان می دهند را شامل می شود.»

مقامات مرجع رسیدگی پس از دریافت مدارک، دقت و کفایت مدارک ارائه شده در درخواست برای احراز کفایت یا عدم کفایت مدارک مزبور برای توجیه آغاز تحقیق را بررسی خواهند کرد.^۱

ماده ۱۰ دستورالعمل اتحادیه اروپا، در این زمینه مقرره ای مشابه موافقت نامه دارد؛ در ماده ۱۱ فرمان یارانه ها و اقدامات جبرانی پاکستان نیز، طی ۱۸ بند، قواعد راجع به تقدیم درخواست و محتویات آن به تبعیت از موافقت نامه تصریح شده است؛ اما در مقررات ترکیه ماده مشابه دیده نمی شود.

پس از آنکه مقامات، کامل بودن مدارک را احراز کردند نوبت به انجام تحقیقات می رسد. در این مرحله، مقامات مرجع رسیدگی و از آن جمله، مقامات گمرکی، لازم است برای احراز یارانه، ارکان زیر را احراز نمایند و سپس به وضع عوارض جبرانی اقدام کنند:

الف) تشخیص یارانه؛ ب) تشخیص مبلغ یارانه بر حسب میزان کمک به دریافت کننده؛ ج) تشخیص

لطمه؛ د) تشخیص رابطه سببیت(علی)^۲ میان یارانه اعطا شده و خسارت وارد به صنعت داخلی

نکته بسیار مهم در مورد ارکان دعوی این است که احراز ارکان سوم و چهارم (تشخیص ورود لطمه و احراز رابطه سببیت)، تنها در مورد یارانه های قابل تعقیب ضروری است و در دعاوی راجع به یارانه های

^۱ بند ۳ ماده ۱۱.

^۲ Causal Relationship

ممنوع، مرجع رسیدگی نیاز به احراز دو رکن اخیر ندارد گویی که تهیه کنندگان مقررات موافقت نامه، در اعطای یارانه ممنوع، لطمه را مفروض دانسته اند؛ فرضی که اثبات خلاف آن، ممکن نیست.

ما در ادامه به توضیح هریک از این چهار رکن می‌پردازیم:

الف) تشخیص یارانه

چنانکه در تعریف یارانه مذکور افتاد، یارانه زمانی محقق می‌شود که کمک مالی دولت یا هر رکن دولتی در قلمرو یک عضو وجود داشته باشد اما با مطالعه سایر مواد این موافقت نامه یارانه ها و مقررات داخلی کشورهای مورد مطالعه، در می‌یابیم که کمک مالی دولت، شرط لازم است اما کافی نیست زیرا ممکن است کمک مزبور در عمل، نفعی را منتقل نکند و یا کمک مالی مقرر شده نسبت به شرایط معمول بازار، نفع و مزیت به شمار نیاید. بنابراین، مرجع مزبور نمی‌تواند در تشخیص اعطا یا عدم اعطای یارانه از سوی دولت صادرکننده، به وجود کمک مالی دولت، اکتفا کند و باید دو شرط دیگر نیز از سوی مرجع رسیدگی به دعوی تشخیص داده شود. این دو شرط عبارتند از: ۱- لزوم انتقال نفع از سوی دولت به بخش دریافت کننده یارانه؛ ۲- خاص بودن یارانه اعطا شده

(۱) لزوم انتقال نفع از سوی دولت به بخش دریافت کننده یارانه: در حالی که شناخت مفهوم نفع در بحث یارانه های صادراتی، اهمیت زیادی دارد، موافقت نامه نفع را تعریف نکرده است. با این حال معیار تشخیص انتقال یا عدم انتقال نفع را می‌توان چنین دانست که چون هدف عمده سازمان تجارت جهانی، تاکید بر نقش فعال و مثبت بازار و محدود شدن نقش دولت در امر تجارت خارجی است، لذا هرگونه فعالیت دولت که با ملاحظات و منطق و رویه معمول بازار انطباق ندارد، دربردارنده انتقال نفع است. بنابراین اعطای وام با شرایطی سهل تر از آنچه بانکهای تجاری ارائه می‌کنند و یا خرید کالا از بخش داخلی با عوضی بیشتر از آنچه بخش خصوصی پرداخت می‌کند، متضمن انتقال نفع می‌باشد.^۱ این معیار پیشنهادی را می‌توان از مفاد بندهای ماده ۱۴ موافقت نامه بخوبی استنتاج کرد. مطابق این ماده:

^۱. محسن صادقی، پیشین.

((الف) تدارک سرمایه توسط دولت به عنوان اعطای کمک محسوب نخواهد شد مگر اینکه بتوان تصمیم برای سرمایه‌گذاری را مغایر با رویه معمول سرمایه‌گذاری (از جمله پیش‌بینی خطر سرمایه‌گذاری اولیه) و سرمایه‌گذاران خصوصی در قلمرو آن عضو تلقی کرد؛

ب) وام دولتی به عنوان اعطای کمک محسوب نخواهد شد مگر اینکه میان مبلغی که بنگاه دریافت‌کننده وام از بابت وام دولتی می‌پردازد و مبلغی که از بابت وام تجاری قابل مقایسه‌ای که اگر بنگاه مزبور عملاً از بازار اخذ می‌کرد باید می‌پرداخت، تفاوتی وجود داشته باشد. در این حالت، کمک [اعطایی]، مابه‌التفاوت میان این دو مبلغ خواهد بود؛

ج) تضمین وام توسط دولت به عنوان اعطای کمک محسوب نخواهد شد مگر اینکه میان مبلغی که بنگاه دریافت‌کننده تضمین از بابت وام تضمینی دولت می‌پردازد و مبلغی که بنگاه مزبور می‌بایست از بابت وام تجاری قابل مقایسه‌ای در صورت عدم وجود تضمین دولت می‌پرداخت، تفاوتی وجود داشته باشد. در چنین صورتی، کمک [اعطایی]، مابه‌التفاوت میان این دو مبلغ با احتساب تفاوت در کارمزدهای مربوط خواهد بود؛

د) تدارک کالا یا خدمات یا خرید کالا توسط دولت، به عنوان اعطای کمک محسوب نخواهد شد، مگر اینکه تدارک مزبور در مقابل عوضی کمتر از میزان کافی صورت گرفته باشد یا خرید مزبور در مقابل عوضی بیشتر از میزان کافی باشد. کفایت عوض در رابطه با شرایط حاکم بر بازار برای کالا یا خدمت مورد بحث در کشور تدارک‌کننده یا خریدار تعیین خواهد شد (از جمله قیمت، کیفیت، در دسترس بودن، قابلیت عرضه در بازار، حمل و نقل و سایر شرایط خرید و فروش)).

موارد فوق‌الذکر اگر در امر صادرات مورد استفاده قرار گیرد جزو یارانه‌های صادراتی محسوب می‌شوند. شرط انتقال نفع، در بند ۲ ماده ۳ مقررات شورای اتحادیه اروپا در خصوص حمایت در برابر واردات مشمول یارانه از کشورهای غیرعضو اتحادیه اروپا نیز مورد تصریح قانونگذار قرار گرفته است و در ماده ۷ این مقررات، قواعدی مشابه موافقت‌نامه، برای انتقال نفع پیش‌بینی شده است. همین رویه از سوی قانونگذار ترکیه در ماده ۱۴ آیین‌نامه منع رقابت غیرمنصفانه در واردات و بند (C) ماده ۴ فرمان یارانه‌ها و اقدامات جبرانی پاکستان اتخاذ شده است.

(۲) لزوم خاص بودن^۱ یارانه: شرط ضروری دیگر برای ممنوع یا قابل تعقیب بودن یارانه از منظر موافقت نامه، خاص بودن آن است. منظور از خاص بودن یارانه، آن است که مزیت یا نفع موردنظر دولت، صراحتاً در قانون مصوب یا در عمل، به گروه، بنگاه، صنعت یا منطقه جغرافیایی خاصی محدود شده یا برابر ماده ۳، در زمره یارانه های ممنوع قرار گیرد. مطابق ماده ۲ موافقت نامه:

«به منظور تشخیص اینکه آیا یک یارانه به معنای بند ۱ ماده ۱ برای یک بنگاه اقتصادی یا صنعت یا گروهی از بنگاههای اقتصادی یا صنایع واقع در قلمرو صلاحیت مقام اعطاکننده (که در موافقت نامه حاضر به عنوان بنگاههای خاص^۲ خوانده می شود) جنبه خاص دارد یا ندارد اصول زیر اعمال می شود:

(الف) در مواردی که مقام اعطاکننده یا قانونی که مقام اعطاکننده به موجب آن عمل می کند، صراحتاً استفاده از یارانه را به بنگاه های معینی محدود سازد، چنین یارانه ای خاص محسوب خواهد شد؛

(ب) در مواردی که مقام اعطاکننده یا قانونی که مقام اعطاکننده به موجب آن عمل می کند، معیار و ضوابط عینی^۳ ناظر بر واجد شرایط بودن برای استفاده از یارانه و مبلغ آن را تعیین نماید، خاص بودن یارانه مطرح نخواهد بود مشروط بر آنکه واجد شرایط بودن (برای استفاده از یارانه) بطور اتوماتیک بوده و معیارها یا ضوابط باید بوضوح در قوانین، مقررات یا دیگر اسناد رسمی درج شوند تا بتوان آنها را مورد بررسی قرارداد؛

(ج) چنانچه علی رغم نتایج حاصله از اعمال اصول مقرر در شقهای (الف) و (ب) فوق مبنی بر خاص نبودن یارانه، دلایلی برای قبول این امر وجود داشته باشد که یارانه مورد نظر در واقع جنبه خاص داشته است، می توان سایر عوامل را مورد ملاحظه قرار داد. این عوامل عبارتند از: استفاده از تعداد محدودی از بنگاههای معین از برنامه پرداخت یارانه، استفاده بنگاههای معین از قسمت اعظم یک یارانه، اعطای یارانه زیاد و بدون تناسب به بنگاههای معین و طریقی که مقام اعطاکننده در تصمیم برای اعطای یک یارانه، نظر خود را اعمال کرده است. در اجرای این بند، درجه تنوع فعالیتهای اقتصادی در قلمرو مقام اعطاکننده یارانه و نیز مدت اجرای برنامه پرداخت یارانه در نظر گرفته خواهند شد.»

¹Specificity

².Certain Enterprises

³ .منظور از ضوابط عینی، ضوابطی بی طرفانه و دارای ماهیت اقتصادی است که به صورت افقی اجرا شود مانند تعداد کارکنان یا اندازه بنگاه اقتصادی.

فلسفه ضرورت خاص بودن یارانه روشن نیست و در نوشته های راجع به موافقت نامه یارانه WTO نیز چندان بدان پرداخته نشده است. البته یکی از نویسندگان، فلسفه این شرط را چنین ذکر می کند که: تنها یارانه خاص است که اصل تجارت منصفانه را مورد تهدید قرار می دهد زیرا دولت با اعطای یارانه به بنگاه یا صنعت خاص، توجه ویژه خود را به صادرات خاص نمایان می سازد و برای آن بنگاه، صنعت و یا محدوده جغرافیایی، نسبت به رقبا قائل به امتیازی خاص می شود؛ امری که در اعطای یارانه عام به تمام بخشهای صنعت کشور دیده نمی شود.^۱

این تفسیر اگرچه در سطح داخلی پذیرفتنی است اما در سطح خارجی مورد پذیرش نمی باشد زیرا دولت از طریق اعطای یارانه عام نیز می تواند تولیدکنندگان و صادرکنندگان خود را نسبت به رقبای خارجی در وضع مطلوب تری قرار دهد و تجارت منصفانه را تهدید نماید، وانگهی اگر فلسفه موافقت نامه یارانه ها و اقدامات جبرانی، مقابله با یارانه هایی است که با تاثیرگذاری بر امر صادرات، جریان تجارت آزاد را مخدوش می سازد، نباید تفاوتی میان یارانه های خاص و غیرخاص وجود داشته باشد زیرا گاه برخی از این یارانه های غیرخاص، بطور غیرمستقیم بر امر صادرات اثر منفی دارند.

به نظر می رسد این شرط، ریشه در مذاکرات دور اروگوئه دارد که کشورها پس از مدتها اختلاف عضودر مورد مقررات راجع به یارانه ها، به منظور اعطای امتیاز به کشورهای عضو، تنها یارانه های خاص را مشمول منع موافقت نامه قرار دادند. بنابراین فلسفه این شرط را باید فراتر از مسائل حقوقی مورد توجه قرار دهیم؛ همچنانکه استثنای این شرط یعنی عدم لزوم خاص بودن یارانه انرژی نیز توجیهی غیرحقوقی دارد یعنی کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی، نسبت به کشورهایی که به تازگی درآستانه الحاق به سازمان هستند، بسیار سخت گیرانه تر از قبل عمل کرده و تعهداتی که فراتر از متن موافقت نامه یارانه ها بوده و به WTO Plus معروفند را برآنان تحمیل می کنند. البته تحمیل این تعهدات مازاد، فاقد مبنای حقوقی و خارج از چارچوب سازمان تجارت جهانی نیست زیرا تعهدات مزبور در قالب توافقات دوجانبه یا چند جانبه با اعضای مذاکره کننده و سپس در قالب پروتکل الحاق به سازمان با کل اعضای WTO انجام می شود.

^۱ . حامد روحانی، *موافقت نامه یارانه ها و اقدامات جبرانی*، ماهنامه بررسیهای بازرگانی، شماره ۲، مهر و آبان ۱۳۸۲، ص ۳۶.

شرط خاص بودن یارانه در مقررات شورای اتحادیه اروپا در خصوص حمایت در برابر واردات مشمول یارانه از کشورهای غیرعضو اتحادیه اروپا نیز صراحتاً و در قالب جملاتی مشابه با متن موافقت نامه بیان شده است (بند ۲ ماده ۳)؛ اما چنین شرطی در قانون، فرمان و آیین نامه جلوگیری از رقابت غیرمنصفانه در واردات ترکیه دیده نمی شود؛ با این حال چون بند ب ماده ۲ قانون مزبور، در بیان معنای یارانه، به ماده ۱۶ گات ارجاع داده و در این ماده، به خاص بودن یارانه اشاره شده است

، می توان گفت که این شرط مورد نظر قانونگذار ترکیه ای نیز بوده است. اما شرط خاص بودن یارانه، در بند ۲ ماده ۵ فرمان پاکستان، تصریح شده است و خاص بودن دقیقاً به همان معنایی بکار رفته که در متن موافقت نامه درج شده است.

ب) تشخیص مبلغ یارانه بر حسب میزان کمک به دریافت کننده

مرجع رسیدگی پس از احراز وجود یارانه، مکلف است رکن دوم یعنی میزان یارانه اعطایی را احراز کند. احراز این رکن می تواند بعدها مرجع را در تشخیص میزان عوارض جبرانی کمک کند. موافقت نامه در ماده ۱۴ خود، رهنمودهایی را برای تشخیص اعطا یا عدم اعطای یارانه و تعیین میزان یارانه داده شده مقرر کرده است. این رهنمودها از آن رو ارائه شده است که معیارهای روشن و متحدالشکلی را در اختیار مراجع داخلی کشورهای عضو قرار دهد؛ ضمن آنکه تشخیص این مراجع از مبلغ یارانه باید در مورد هر پرونده، روشن و مستند باشد. معیارهای پیشنهادی ماده عباراتند از:

الف) تدارک سرمایه توسط دولت به عنوان اعطای کمک محسوب نخواهد شد مگر اینکه بتوان تصمیم برای سرمایه گذاری را مغایر با رویه معمول سرمایه گذاری (از جمله پیش بینی خطر سرمایه گذاری اولیه) و سرمایه گذاران خصوصی در قلمرو آن عضو تلقی کرد ؛

ب) وام دولتی به عنوان اعطای کمک محسوب نخواهد شد مگر اینکه میان مبلغی که بنگاه دریافت کننده وام از بابت وام دولتی می پردازد و مبلغی که از بابت وام تجاری قابل مقایسه ای که اگر بنگاه مزبور عملاً از

بازار اخذ می‌کرد باید می‌پرداخت، تفاوتی وجود داشته باشد. در این حالت، کمک [اعطایی]، مابه‌التفاوت میان این دو مبلغ خواهد بود؛

ج) تضمین وام توسط دولت به عنوان اعطای کمک محسوب نخواهد شد مگر اینکه میان مبلغی که بنگاه دریافت‌کننده تضمین از بابت وام تضمینی دولت می‌پردازد و مبلغی که بنگاه مزبور می‌بایست از بابت وام تجاری قابل مقایسه‌ای در صورت عدم وجود تضمین دولت می‌پرداخت، تفاوتی وجود داشته باشد. در چنین صورتی، کمک [اعطایی]، مابه‌التفاوت میان این دو مبلغ با احتساب تفاوت در کارمزدهای مربوط خواهد بود؛

د) تدارک کالا یا خدمات یا خرید کالا توسط دولت، به عنوان اعطای کمک محسوب نخواهد شد، مگر اینکه تدارک مزبور در مقابل عوضی کمتر از میزان کافی صورت گرفته باشد یا خرید مزبور در مقابل عوضی بیشتر از میزان کافی باشد. کفایت عوض در رابطه با شرایط حاکم بر بازار برای کالا یا خدمت مورد بحث در کشور تدارک‌کننده یا خریدار تعیین خواهد شد (از جمله قیمت، کیفیت، در دسترس بودن، قابلیت عرضه در بازار، حمل و نقل و سایر شرایط خرید و فروش).

ماده ۷ دستورالعمل اتحادیه اروپا، مواد ۷ و ۸ فرمان یارانه‌ها و اقدامات جبرانی پاکستان و ماده ۱۴ آیین نامه منع رقابت غیرمنصفانه در واردات ترکیه به تبعیت از متن موافقت نامه، قواعد مشابهی در این زمینه وضع کرده اند.

ج) تشخیص ورود لطمه به صنعت داخلی

مقامات رسیدگی‌کننده باید در مورد دعاوی راجع به یارانه‌های قابل تعقیب،^۱ پس از احراز میزان مبلغ اعطایی به دریافت‌کننده، مشخص نمایند که آیا اعطای یارانه مزبور، به ورود لطمه منتهی شده است یا خیر و آیا این لطمه، به صنعت داخلی کشور وارد کننده بارشده است یا خیر. لذا صرف احراز اعطای یارانه بدون احراز ورود لطمه، به اتخاذ اقدامات جبرانی منتهی نخواهد شد چرا که فلسفه این اقدامات، مقابله با خسارت بیشتر و جبران خسارت است بنابراین وقتی خسارتی در کار نباشد، نیاز به اتخاذ اقدامات جبرانی نخواهد بود

^۱ . در یارانه‌های ممنوع، نیازی به احراز لطمه نیست و صرف اعطای یارانه، برای رسیدگی و وضع عوارض، کافی خواهد بود.

و هر کشور عضوی که در این حالت به وضع عوارض جبرانی دست بزند، بر خلاف اصل تجارت آزاد WTO عمل کرده است.

(۱) تشخیص لطمه

تشخیص لطمه باید براساس مدارک مثبت بوده و مستلزم بررسی عینی دو عامل مهم است. البته مقامات رسیدگی در بررسی تشخیص لطمه، محدود به این دو نخواهند بود اما این دو عامل، جزو عوامل اساسی و جدایی ناپذیر در تشخیص لطمه به شمار می آیند که عبارتند از:

(الف) بررسی حجم واردات مشمول یارانه و اثر واردات مشمول یارانه بر قیمت‌های محصول مشابه در بازار داخلی: در خصوص حجم واردات مشمول یارانه، مقامات تحقیق بررسی خواهند که آیا در حجم واردات مشمول یارانه، افزایش قابل توجهی به صورت مطلق یا در رابطه با تولید یا مصرف در کشور وارد کننده عضو به وجود آمده است یا نه. در مورد اثر واردات مشمول یارانه بر قیمت‌ها، مقامات تحقیق کننده بررسی خواهند کرد که آیا قیمت فروش محصولات مشمول یارانه در مقایسه با قیمت محصولات مشابه داخلی کشور وارد کننده عضو به نحوه چشمگیری پایین تر بوده است یا نه و آیا اثر چنین وارداتی به گونه دیگر تنزل قابل توجه قیمت‌ها یا جلوگیری از افزایش چشمگیر قیمت‌ها بوده است که در شرایط دیگر می‌توانست به وقوع بپیوندد.^۱

(ب) اثر بعدی این واردات بر تولیدکنندگان داخلی چنین محصولاتی: در تشخیص لطمه، معمولاً عوامل و شاخصهای اقتصادی چون کاهش بالقوه و بالفعل محصول، فروش، سهم بازار، سود، بهره وری، بازگشت سرمایه یا استفاده از ظرفیت؛ عوامل موثر بر قیمت‌های داخلی؛ اثرات منفی بالفعل و بالقوه بر جریان نقدینگی، موجودی، اشتغال و توانایی رشد سرمایه یا سرمایه گذاری و مانند آن لحاظ می‌شود.^۲

تحقیق در مورد واردات یک محصول از خارج، همیشه محدود به یک کشور نیست و در مواردی، واردات یک محصول از بیش از یک کشور، همزمان موضوع تحقیقات راجع به حقوق جبرانی قرار گیرد. در این

^۱ بند ۲ ماده ۱۵ موافقت نامه.
^۲ بند ۴ ماده ۱۵ موافقت نامه.

حالت، مقامات تحقیق کننده تنها در صورتی می‌توانند اثرات این واردات را یکجا ارزیابی کنند که احراز نمایند:

(۱) مبلغ یارانه برقرار شده در رابطه با واردات از هر کشور بیش از حد قابل اغماض بوده است و حجم واردات از هر کشور در حد جزئی نمی‌باشد. مبلغ یارانه در صورتی در حد قابل اغماض تلقی خواهد شد که کمتر از ۱ درصد ارزش واردات باشد.

(۲) ارزیابی یکجای اثرات واردات با توجه به شرایط رقابت میان محصولات وارداتی از یکسو و شرایط رقابت میان محصولات وارداتی و محصولات مشابه داخلی از سوی دیگر منطقی است.^۱

(۲) ورود لطمه به صنعت داخلی کشور وارد کننده

لطمه مورد بررسی باید بر صنعت داخلی کشور وارد کننده بار شده باشد. این شرط نشان می‌دهد که مواد موافقت نامه ناظر به یارانه های بخش صنعت است. مطابق موافقت نامه، منظور از صنعت داخلی عبارت است از تولیدکنندگان داخلی محصولات مشابه به عنوان یک کل یا دسته‌ای از آنها که مجموع تولید محصولاتشان سهم عمده ای از کل تولید داخلی آن محصولات را تشکیل می‌دهد مگر آنکه تولیدکنندگان با صادرکنندگان یا واردکنندگان مرتبط^۲ بوده یا خود وارد کننده محصولی که ادعا می‌شود برای آن یارانه پرداخت شده یا محصولی مشابه از کشورهای دیگر باشند که در این موارد صنعت داخلی می‌تواند با ارجاع به بقیه تولیدکنندگان تعریف شود.^۳

^۱ بند ۳ ماده ۱۵.

^۲ منظور از محصولات مرتبط با صادرکنندگان یا تولیدکنندگان آن است که یکی از آنها بطور مستقیم یا غیر مستقیم بر دیگری کنترل داشته باشد یا (۱) هر دو بطور مستقیم یا غیر مستقیم تحت کنترل شخص ثالثی باشند یا (۲) هر دو بطور مستقیم یا غیر مستقیم شخص ثالثی را کنترل کنند به شرط آنکه وجباتی برای قبول یا مظنون شدن به این امر وجود داشته باشد که اثر رابطه مزبور بگونه‌ای است که سبب می‌شود تولید کننده ذیربط به طریق متفاوت با تولیدکنندگان غیر مرتبط عمل کند. از لحاظ این بند، هنگامی می‌توان پذیرفت که یک شخص، دیگری را کنترل می‌کند که اولی قانوناً یا عملاً در موقعیتی باشد که برای دومی منوعیتهایی به وجود آورد یا او را هدایت کند.

^۳ بند ۱ ماده ۱۶.

در اوضاع و احوال استثنایی ممکن است قلمرو یک عضو را در ارتباط با تولید مورد بحث به دو یا چند بازار رقابتی تقسیم کرد و تولیدکنندگان فعال در هر بازار را به عنوان صنعتی جداگانه تلقی نمود به شرط آنکه:

الف) تولیدکنندگان فعال در چنین بازاری، تمام یا تقریباً همه تولید محصول مورد بحث را در آن بازار به فروش رسانند ؛

ب) تقاضا در این بازار در حد زیادی توسط تولیدکنندگان محصول مورد بحث در سایر نقاط این قلمرو تدارک نشود.

در چنین اوضاع و احوالی می توان وجود لطمه را تشخیص داد حتی اگر سهم عمده‌ای از کل صنعت داخلی لطمه ندیده باشد به شرط آنکه تمرکز واردات مشمول یارانه در این بازار منفک، وجودداشته باشد و نیز واردات مشمول یارانه به تولیدکنندگان تمام یا تقریباً تمام محصول در چنین بازاری لطمه وارد آورده باشد.

هنگامی که صنعت داخلی بر اساس تولیدکنندگان منطقه ای معین تعریف شده باشد، حقوق جبرانی تنها به آن دسته از محصولات مورد بحث تعلق خواهدگرفت که جهت مصرف نهایی به این منطقه فرستاده شده‌اند. اگر قانون اساسی کشور عضو وارد کننده، وضع عوارض جبرانی را به چنین مبنایی اجازه ندهد، این عضو تنها در صورتی می تواند حقوق جبرانی را بدون هیچگونه محدودیتی برقرار کند که:

الف) به صادرکنندگان، فرصت کافی برای متوقف ساختن صادرات با قیمتهای یارانه‌ای داده شده باشد یا اینکه به گونه‌ای دیگر تضمین بدهد و تضمینات کافی در این خصوص فوراً سپرده نشده باشد ؛

ب) چنین حقوقی را تنها در مورد محصولات تولیدکنندگان خاصی که منطقه مورد بحث را تدارک می‌کنند، وضع کرد.

این شرایط نشان می دهد که با صادرکنندگانی که از یارانه قابل تعقیب استفاده می کنند در همین چارچوب با آنان برخورد می شود زیرا برخورد با یارانه های قابل تعقیب، منوط به ورود لطمه است و تا آنجا که امکان رفع این لطمه از سوی عامل ورود آن وجود داشته باشد به او مهلت رفع زیان داده خواهد شد.

در مواردی که دو یا چند کشور، به چنان سطحی از ادغام دست یابند که خصوصیات بازار واحد را پیدا کنند، صنعت در سراسر منطقه موضوع ادغام، صنعت داخلی تلقی می شود.

ماده ۹ دستورالعمل اتحادیه اروپا، مواد ۹ و ۱۰ فرمان یارانه ها و اقدامات جبرانی پاکستان و ماده ۱۸ آیین نامه منع رقابت غیرمنصفانه در واردات ترکیه نیز مقررات مشابهی را پیش بینی کرده است.

د) تشخیص رابطه علی میان یارانه اعطا شده و لطمه به صنعت داخلی

سومین رکن برای پیروزی خواهان در دعوای راجع به یارانه آن است که در کنار احراز اعطای یارانه و ورود لطمه، اثبات شود که میان اعطای یارانه و ورود لطمه به صنعت داخلی کشور زیان دیده، رابطه علی (سببیت) وجود دارد و این رکن باید از سوی مرجع رسیدگی احراز گردد وگرنه عوارض جبرانی وضع نخواهد شد. این شرط در بند ۵ ماده ۱۵ موافقت نامه مورد تصریح قرار گرفته است. مطابق این بند، «باید ثابت کرد که واردات مشمول یارانه به واسطه اثرات یارانه، سبب ایراد لطمه در مفهوم موافقت نامه حاضر شده اند. اثبات رابطه علی میان واردات مشمول یارانه و لطمه به صنعت داخلی، بر بررسی همه مدارکی که نزد مقامات موجود می باشد، مبتنی خواهد بود. مقامات همچنین هرگونه عوامل شناخته شده دیگری غیر از واردات مشمول یارانه را که همزمان به صنعت داخلی لطمه وارد آورده اند بررسی خواهند کرد و لطمات ناشی از این عوامل دیگر نباید به واردات مشمول یارانه نسبت داده شود. عواملی که ممکن است در این زمینه دخیل باشند از جمله شامل موارد زیر می باشند:

حجم و قیمت آن بخش از واردات محصول مورد بحث که مشمول یارانه نیست، کاهش تقاضا یا تغییر در الگوهای مصرف، رویه های تجاری محدود کننده تولیدکنندگان داخلی و خارجی و رقابت میان آنها، تحولات تکنولوژیک و عملکرد صادراتی و بهره وری صنعت داخلی.»

هنگامی که اطلاعات موجود، تشخیص جداگانه تولید داخلی محصول مشابه را بر مبنای معیارهایی چون فرایند تولید، فروش و نفع تولیدکنندگان امکان پذیر سازد اثر واردات مشمول یارانه، در ارتباط با این تولید داخلی محصول مشابه ارزیابی خواهد شد. اگر تشخیص جداگانه این تولید امکان پذیر نباشد، اثر واردات

مشمول یارانه با بررسی تولید در کوچکترین گروه یا دسته از محصولاتی که محصول مشابه را شامل می‌شود و در مورد آن می‌توان اطلاعات لازم را فراهم آورد، ارزیابی خواهد شد.

تشخیص خطر ایراد لطمه جدی، تنها بر واقعیات مبتنی خواهد بود و نه بر ادعا، حدس یا احتمال بعید. بدین ترتیب که:

۱- اوضاع و احوال که ممکن است موجد وضعیتی باشد که در آن، یارانه سبب ایجاد لطمه شود، باید قریب الوقوع باشد؛

۲- موضوع پیش‌بینی شده باشد.

۳- در تشخیص خطر ایراد لطمه، مقامات تحقیق‌کننده باید به عواملی نظیر ماهیت یارانه یا یارانه‌های مورد بحث و اثرات تجاری احتمالی آن؛ نرخ قابل افزایش جریان واردات مشمول یارانه به بازار داخلی که گویای احتمال افزایش قابل توجه واردات باشد؛ افزایش مکفی استفاده از ظرفیت یا افزایش قابل توجه قریب الوقوع در ظرفیت صادرکننده که نشان دهنده احتمال افزایش معتنا به صادرات مشمول یارانه به بازارکشور واردکننده عضو باشد، با در نظر گرفتن وجود سایر بازارهای صادراتی برای جذب هرگونه صادرات اضافی؛ آیا واردات به قیمتی وارد می‌شود که بر قیمت‌های داخلی، اثرات کاهش دهنده یا رکودی قابل توجه دارد و احتمالاً تقاضا برای واردات بیشتر را افزایش می‌دهد؛ موجودی محصول موضوع تحقیق.

البته هیچ کدام از این عوامل لزوماً و به خودی خود نمی‌تواند رهنمودی قطعی به دست دهد، بلکه تمام عوامل مورد بررسی باید به این نتیجه منتهی شود که افزایش صادرات مشمول یارانه، قریب الوقوع است و اگر اقدام حمایتی به عمل نیاید، لطمه مهمی وارد خواهد شد.

شرط رابطه سببیت در بند ۲ ماده ۱۰ دستورالعمل اتحادیه اروپا و ماده ۱۱ فرمان پاکستان نیز تصریح شده است اما چنین صراحتی در مقررات ترکیه دیده نمی‌شود و ضرورت وجود رابطه سببیت را تنها می‌توان بطور ضمنی از مفاد ماده ۱۰ قانون منع رقابت غیرمنصفانه در واردات می‌توان استنباط کرد. مطابق این ماده «تحقیق در مواردی آغاز می‌شود که مدارک کافی دال بر واردات برخوردار از یارانه و لطمه ناشی از آن وجود داشته باشد.»

۴) آیین انجام تحقیقات توسط مرجع رسیدگی:

وقتی مقامات مرجع رسیدگی قانع شوند که مدرک کافی برای توجیه آغاز تحقیق وجود دارد، مراتب به عضو یا اعضای که محصولاتشان موضوع چنین باشد اطلاع داده خواهد شد. تحقیق در صورتی آغاز می شود که مرجع رسیدگی بر پایه بررسی میزان حمایت یا از مخالفت با درخواست به عمل آمده توسط تولیدکنندگان داخلی محصول مشابه، احراز کنند که درخواست مزبور توسط یا از جانب صنعت داخلی صورت گرفته و مورد حمایت آن دسته از تولیدکنندگان داخلی قرار گیرد که مجموع محصول آنها بیش از ۵۰ درصد کل تولید محصول مشابه تولیدی در آن بخش از صنعت داخلی که حمایت یا مخالفت خود را با درخواست ابراز داشته است تشکیل دهد. اگر تولیدکنندگانی که صراحتاً از درخواست به عمل آمده حمایت می کنند کمتر از ۲۵ درصد کل تولید محصول مشابه تولیدی در صنعت داخلی را در اختیار داشته باشند هیچ گونه تحقیقی آغاز نخواهد شد.^۱ اگر تصمیمی در مورد آغاز تحقیق اتخاذ نشده باشد، مقامات از علنی کردن درخواست آغاز تحقیق خودداری خواهند کرد.

اگر در شرایطی خاص، مقامات رسیدگی تصمیم بگیرند که بدون دریافت درخواست کتبی یک صنعت داخلی یا از جانب آن برای آغاز تحقیق، چنین تحقیقی را آغاز کنند، در صورتی دست به اقدام خواهند زد که مدارک کافی در مورد وجود یارانه، لطمه و رابطه علی، جهت توجیه آغاز تحقیق در اختیار داشته باشند.^۲ مدارک مربوط به یارانه و لطمه، هم زمان در تصمیم مربوط به آغاز یا عدم آغاز تحقیق و پس از آن در جریان تحقیق، مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

به محض اینکه مقامات ذی ربط قانع شوند که برای توجیه اقدام، مدارک کافی در مورد پرداخت یارانه یا لطمه وارده وجود ندارد، درخواست به عمل آمده مطابق بند ۱ را رد کرده و تحقیق را فوراً متوقف خواهند ساخت. در مواردی که مبلغ یارانه، در حد قابل اغماض یا حجم واقعی یا بالقوه واردات، مشمول یارانه یا لطمه

^۱ بند ۴ ماده ۱۱.

^۲ بند ۶ ماده ۱۱.

وارده جزئی باشد، تحقیق فوراً متوقف خواهد شد. مبلغ یارانه در صورتی در حد قابل اغماض تلقی خواهد شد که کمتر از ۱ درصد ارزش واردات باشد.^۱

مرجع رسیدگی در خلال تحقیقات^۲ مکلف است مدارک طرفین را مورد بررسی قرار داده و در صورت دسترسی نداشتن به مدارک و احساس نیاز بدانها در جریان رسیدگی به طرفین اخطار دهد که مدارک مورد نیاز را در اختیار مرجع قرار دهند. اهمیت این مقوله، باعث شده است تا در ماده ۱۲ موافقت‌نامه به تفصیل به مقرراتی در این زمینه پرداخته شود.

به اعضای ذی نفع و تمام طرفهای ذی نفع در تحقیق مربوط به حقوق جبرانی در مورد اطلاعاتی که مقامات لازم دارند اطلاع و به آنها فرصت زیادی داده خواهد شد تا تمام مدارکی را که در خصوص تحقیق مورد بحث مرتبط تلقی می کنند کتباً ارائه نمایند.

به صادرکنندگان، تولیدکنندگان خارجی یا اعضای ذینفع دریافت‌کننده پرسشنامه‌های مورد استفاده در تحقیق مربوط به حقوق جبرانی حداقل ۳۰ روز برای پاسخ مهلت داده خواهد شد. به عنوان یک قاعده‌ای کلی، مهلت صادرکنندگان از تاریخ دریافت پرسشنامه محاسبه می شود که بدین منظور یک هفته پس از تاریخ ارسال آن برای اشخاص زیر، پرسشنامه دریافت شده تلقی خواهد شد. به هر درخواست برای تمدید مهلت ۳۰ روزه توجه مقتضی مبذول خواهد شد و چنانچه دلایل لازم وجود داشته باشد در صورت امکان، این تمدید صورت خواهد گرفت.

با رعایت الزام به حفظ اطلاعات محرمانه، مدارکی که عضو ذینفع یا طرف ذینفع کتباً ارائه کرده‌اند، فوراً در اختیار دیگر اعضای ذینفع یا طرفهای ذینفع شرکت کننده در تحقیق قرار خواهند گرفت.

به محض اینکه تحقیق آغاز شد، مرجع رسیدگی، متن کامل درخواست کتبی دریافتی طبق بند ۱ ماده ۱۱ را به صادرکنندگان شناخته شده و به مقامات کشور صادرکننده ارائه خواهند کرد و به مجرد درخواست،

^۱ .بند ۱۱ ماده ۱۱.

^۲ .مقررات مربوط به انجام تحقیقات و دریافت و بررسی مدارک طرفین بطور تفصیلی در مواد ۱۱ و ۱۲ موافقت‌نامه و مقررات راجع به تحقیق در محل، در ضمیمه شماره ۶ موافقت‌نامه آمده است.

آن را در اختیار دیگر طرفهای ذینفع درگیر قرار خواهند داد. در مورد حفظ اطلاعات محرمانه، توجه مقتضی مبذول خواهد شد.

اعضای ذینفع و طرفهای ذینفع همچنین از این حق برخوردارند که در صورت توجیه امر، اطلاعاتی را شفافاً ارائه کنند. در مواردی که این اطلاعات شفافاً ارائه می شود، از اعضا و طرفهای ذینفع بعداً درخواست خواهد شد که این اظهارات را به صورت کتبی درآورند. هرگونه تصمیم مقامات تحقیق کننده تنها می تواند بر اطلاعات و دلایلی مبتنی باشد که به صورت کتبی نزد این مقامات بوده و با در نظر گرفتن لزوم حفظ اطلاعات محرمانه، در اختیار اعضا و طرفهای ذینفع سهمیم در تحقیق قرار گرفته اند. اگر عملی باشد، مقامات فرصتهای به موقع به تمام اعضا و طرفهای ذینفع خواهند داد تا تمام اطلاعات مربوط به طرح مسائلشان را که جنبه محرمانه ندارد و مورد استفاده مقامات در تحقیق مربوط به حقوق جبرانی می باشد، بررسی کنند و بر اساس این اطلاعات، پیشنهادهایی را آماده سازند.

هرگونه اطلاعاتی که ماهیثاً محرمانه باشد مثلاً افشای آن، مزیت رقابتی مهمی برای رقیب محسوب شود یا اثر سود قابل توجهی بر شخص عرضه کننده اطلاعات داشته باشد، یا توسط طرفهای یک تحقیق، محرمانه ارائه شده باشد، به مجرد ارائه دلایل معتبر، مقامات آنها را محرمانه تلقی خواهند کرد و این اطلاعات بدون اجازه مخصوص طرف ارائه کننده، افشا نخواهد شد.

مقامات رسیدگی کننده در جریان تحقیق باید در خصوص دقت اطلاعات عرشه شده توسط اعضا یا طرفهای ذینفع که یافته هایشان بر آنها مبتنی است قانع شوند. مقامات تحقیق کننده می توانند در صورت لزوم تحقیقاتی را در قلمرو اعضای دیگر انجام دهند به شرط آنکه در وقت مناسبی، عضو مورد بحث را مطلع سازند و این عضو نیز مخالفتی با تحقیق ننماید. به علاوه مقامات تحقیق کننده می توانند تحقیقاتی را در محلهای کار یک بنگاه انجام دهند و بایگانیهای آن را بررسی نمایند مشروط بر اینکه بنگاه مزبور با چنین کاری موافقت کرده باشد و عضو مورد بحث نیز مطلع شده و مخالفتی نکرده باشد. اهمیت تحقیقات محلی و لزوم رعایت آیین ویژه انجام این کار به درجه ای بوده است که ضمیمه شماره ۶ موافقت نامه یارانه ها، به رویه های مربوط به تحقیق در محل اختصاص یافته است. مطابق این رویه ها، مقامات تحقیق کننده با

رعایت الزام به حفظ اطلاعات محرمانه، نتایج هرگونه تحقیقاتی را در اختیار بنگاهی که به آن مربوط می شود قرار خواهند داد یا آنها را برای چنین بنگاههایی افشا خواهند کرد. این مقامات همچنین می توانند چنین نتایجی را در اختیار متقاضیان قرار دهند. در صورت امکان باید به استفسارات یا سوالاتی که توسط مقامات یا بنگاههای کشورهای صادرکننده عضو به عمل می آید و برای موفقیت تحقیق محلی جنبه اساسی دارد قبل از بازدید ریالی پاسخ داده شود.^۱

در مواردی که یک عضو یا طرف ذینفع، مانع دسترسی به اطلاعات لازم ظرف مدتی معقول گردد یا به گونه ای دیگر، این اطلاعات را ظرف این مدت ارائه ننماید یا به نحو چشمگیری مانع تحقیق شود، می توان بر مبنای واقعیات موجود، تصمیمات مقدماتی و نهایی را نفیاً یا اثباتاً اتخاذ کرد. قبل از اتخاذ تصمیم نهایی، مقامات آن دسته از واقعیات تحت بررسی را که مبنای تصمیم در خصوص اعمال اقدامات قطعی را شکل می دهند، به اطلاع اعضا و طرفهای ذینفع خواهد رساند. افشای این واقعیات باید با دادن وقت کافی به طرفهای صورت گیرد تا آنها بتوانند از منافع خود دفاع کنند.

در مواردی که محصول موضوع تحقیق عموماً در سطح خرده فروشی به فروش می رسد، مقامات به استفاده کنندگان صنعتی این محصول و سازمانهای نماینده و مصرف کننده فرصت خواهند داد اطلاعاتی را که به تحقیق در خصوص پرداخت یارانه، لطمه و رابطه علی مربوط می شود، ارائه کنند.

مقامات به مشکلاتی که طرفهای ذینفع خصوصاً شرکتهای کوچک در عرضه اطلاعات درخواستی با آنها روبرو بوده اند توجه مقتضی مبذول خواهند داشت و هرگونه کمکهای ممکن را عرضه خواهند کرد.

هدف از رویه های فوق الذکر آن نیست که مقامات یک کشور عضو WTO از اقدام سریع در خصوص آغاز تحقیق، اتخاذ تصمیمات مقدماتی یا نهایی، اعم از مثبت یا منفی یا اعمال اقدامات موقتی یا نهایی طبق مقررات مربوط در موافقت نامه ممانعت کند.

تحقیقات جز در اوضاع و احوال خاص، ظرف یکسال و حداکثر طی ۱۸ ماه پس از آغاز به اتمام خواهد

رسید.

^۱ .بند ۸ ضمیمه شماره ۶ موافقت نامه .

قواعد مربوط به انجام تحقیقات در ماده ۱۱ دستورالعمل اتحادیه اروپا و مواد ۲۰ و ۲۱ آیین نامه ترکیه مقرراتی مشابه موافقت نامه دارند. در پاکستان نیز به موجب آیین نامه مستقلی که دارای ۲۰ ماده و دو جدول ضمیمه بوده و در سپتامبر سال ۲۰۰۲ اصلاح گردید، آیین انجام تحقیقات توسط مرجع رسیدگی، با عنایت به مقررات موافقت نامه یارانه تصویب شد و امروزه کمیسیون ملی تعرفه، بر اساس این آیین نامه، تحقیقات خود در دعاوی راجع به یارانه را انجام می دهد.

ب- مرحله حین رسیدگی

در حین رسیدگی به دعاوی راجع به یارانه، ممکن است مرجع ذی صلاح، اتخاذ اقداماتی را ضروری تشخیص دهد. موافقت نامه یارانه ها و اقدامات جبرانی WTO، از اتخاذ اقدامات موقتی^۱ و قبول تعهد^۲ به عنوان دو دسته اقداماتی یاد می کند که ممکن است مورد توجه مرجع رسیدگی قرار گیرد. بر این اساس این دو نوع اقدام را در دو بخش بررسی خواهیم نمود:

۱- اقدامات موقتی

طولانی بودن جریان رسیدگی در دعاوی راجع به یارانه به علت فنی و پیچیده بودن آنها، همواره موجب این خطر است که لطومات بیشتر و جبران ناپذیری به صنعت داخلی یک کشور وارد شود. از این رو موافقت نامه یارانه ها در ماده ۱۷ خود، مقررات ویژه ای در خصوص امکان اتخاذ اقدامات موقتی در طول جریان رسیدگی پیش بینی کرده است. اتخاذ اقدامات موقتی در همه موارد میسر نبوده و نیازمند تحقق سه شرط زیر است:

۱- تحقیق، آغاز و اطلاعیه ای عمومی بدین منظور منتشر شده باشد و به اعضای ذینفع و طرفهای ذیتفع فرصت کافی برای تسلیم اطلاعات و اظهار نظر داده شده باشد؛

^۱.Provisional Measures.

^۲. Undertaking.

۲- تشخیص مقدماتی مثبتی در خصوص وجود یارانه و ورود لطمه به صنعت داخلی در نتیجه واردات مشمول یارانه، داده شده باشد؛

۳- مقامات ذیربط تشخیص دهند که برای جلوگیری از ایراد لطمه در جریان تحقیق، چنین اقداماتی لازم است.

اقدامات موقت می تواند در قالب وضع حقوق جبرانی موقتی باشد که با سپرده نقدی یا ضمانت نامه هایی معادل مبلغ یارانه که موقتاً محاسبه شده است، تضمین می گردد.^۱ این اقدامات باید به کشور عضو یا اعضا و طرفین ذینفع از طریق اطلاعیه عمومی اطلاع داده شود و در این اطلاعیه، توضیحات کافی در مورد تشخیص مقدماتی وجود یارانه و لطمه ذکر خواهد شد و در آن به امور موضوعی و حکمی اشاره می شود که به قبول یا رد استدلال منجر گردیده اند.

اقدامات موقتی زودتر از ۶۰ روز پس از آغاز تحقیق اعمال نخواهد شد و اعمال آن از چهار ماه تجاوز نخواهد کرد.

ماده ۱۲ دستورالعمل اتحادیه اروپا، ماده ۱۳ فرمان یارانه ها و اقدامات جبرانی پاکستان و ماده ۵ فرمان منع رقابت غیرمنصفانه در واردات ترکیه و ماده قانون پاکستان، نیز از قواعدی مشابه موافقت نامه برخوردارند.

۲- قبول تعهدات

خواننده دعوی راجع به یارانه می تواند در اثنای تحقیقات، تعهد کند که با انجام اقداماتی مانند حذف یا تحدید یارانه، کشور زیان دیده را از وضع عوارض جبرانی منصرف کنند. همچنین کشور واردکننده نیز می تواند پیشنهاد دهد که صادرکننده با پذیرش تعهد، از صدور کالای برخوردار از یارانه خودداری کند به مجرد دریافت تعهد داوطلبانه رضایت بخش و یا پذیرش تعهد از سوی صادرکننده، جریان رسیدگی ممکن است بدون اعمال اقدامات موقتی یا وضع حقوق جبرانی به حالت تعلیق درآید یا متوقف شود. موافقت نامه از آن

^۱ - بند ۲ ماده ۱۷.

رو این مکانیزم را در مقررات خود پیش بینی کرده است که کشورها تاحدامکان از وضع عوارض جبرانی خودداری کرده و عوارض را به عنوان آخرین راهکار مورد استفاده قرار دهند. این فلسفه بار دیگر بر استثنایی بودن شیوه وضع عوارض تاکید می کند.

تعهدات شامل موارد زیر است:

۱- دولت کشور صادر کننده عضو با حذف یا تحدید یارانه یا اتخاذ سایر اقدامات در خصوص آثار آن موافقت کند؛

۲- صادرکننده موافقت کند در قیمت‌هایش بگونه ای تجدید نظر نماید که مقامات تحقیق کننده قانع شوند که اثر زیانبار یارانه رفع شده است. افزایش قیمت در چارچوب این تعهدات نباید بیش از حد لازم برای حذف مبلغ یارانه باشد. مطلوب است که افزایش قیمت، کمتر از مبلغ یارانه باشد به شرط آنکه این افزایش برای رفع لطمه به صنعت داخلی کافی باشد.

تعهدات در صورتی درخواست یا پذیرفته خواهند شد که مقامات کشور وارد کننده عضو تشخیص مقدماتی مثبتی در مورد پرداخت یارانه و لطمه وارده بر اثر چنین یارانه ای داده و در مورد دریافت تعهد از صادرکنندگان، موافقت کشور صادرکننده عضو را کسب کرده باشند (بند ۲ ماده ۱۸ موافقت نامه یارانه ها). اگر مقامات کشور واردکننده بپذیرند که قبول تعهدات پیشنهادی عملی نیست؛ برای مثال اگر تعداد صادرکنندگان بالفعل یا بالقوه بیش از اندازه زیاد باشد یا دلایل دیگری مانند سیاست عمومی وجود داشته باشد، الزامی به پذیرش تعهد وجود ندارد. در این حالت و در صورتی که عملی باشد مقامات، دلایلی را که آنها را وادار به عدم پذیرش تعهد نامناسب کرده است را به صادرکننده ارائه و تا جایی که امکان پذیر باشد به وی فرصت اظهار در این باره را خواهند داد.

از ظاهر حکم مقرر در بند فوق الذکر چنین برمی آید که در صورت عملی بودن قبول تعهد، کشور زیان دیده مکلف به پذیرش تعهد است چرا که وضع عوارض، استثنایی بر اصل تجارت آزاد است و موافقت نامه WTO می کوشند که تا حد امکان، تجارت آزاد محدود نشده و محدودیتهای مقرر شده نیز تنها در موارد خاص پیاده شود وانگهی دادن اختیار مطلق به کشور زیان دیده برای پذیرش یا عدم پذیرش تعهد مناسب

می‌تواند باعث سوءاستفاده احتمالی آن کشور شود ضمن آنکه دلیل معقولی نیز برای عدم پذیرش تعهد- حتی در صورت مناسب بودن آن - وجود ندارد زیرا زیان وارده بر کشور زیان‌دیده، با تعهد مناسب کشور صادرکننده رفع می‌گردد. اگر تعهدی مورد قبول قرار گیرد، در صورتی باز هم تحقیق درباره لطمه انجام خواهد شد که کشور صادرکننده عضو تمایل خود را نسبت به چنین اقدامی نشان دهد یا کشور وارد کننده عضو چنین تصمیمی را اتخاذ نماید. در این صورت، اگر تشخیص داده شود که لطمه ای وارد نیامده است، تعهد خود بخود ساقط خواهد گردید مگر در مواردی که احراز عدم وجود خطر لطمه تا حد زیادی به خاطر وجود تعهد باشد. در چنین مواردی، مقامات ذیربط می‌توانند بخواهند که این تعهد برای مدتی معقول طبق مقررات موافقت‌نامه حاضر حفظ شود. در صورتی که تشخیص داده شود که یارانه پرداخت شده و لطمه وارد آمده است، تعهد طبق شرایط مذکور در آن و مقررات موافقت‌نامه حاضر، همچنان باقی خواهد ماند.^۱

مقامات کشور وارد کننده عضو خود می‌توانند تعهداتی را در خصوص قیمت پیشنهاد کنند اما هیچ صادرکننده‌ای مجبور به تبعیت از چنین تعهداتی نخواهد بود. این واقعیت که دولت‌ها یا صادرکنندگان چنین تعهداتی را پیشنهاد نمی‌کنند یا دعوت برای چنین کاری را نمی‌پذیرند به هیچ وجه نباید به بررسی موضوع خدشه وارد آورد. البته مقامات مخیرند تشخیص دهند که در صورت ادامه واردات مشمول یارانه، احتمال خطر لطمه بیشتر وجود دارد.

برای تضمین اجرای تعهد، مقامات می‌توانند از هر دولت یا صادرکننده‌ای که تعهد پیشنهادی آن پذیرفته شده است بخواهند که هر چند گاه یکبار اطلاعاتی را در مورد اجرای چنین تعهدی ارائه نماید و اجازه بررسی داده‌های مربوط را بدهد.

در صورت نقض تعهد^۲، مقامات کشور وارد کننده عضو می‌توانند با استفاده از بهترین اطلاعات موجود، اقدامات سریعی را در چارچوب موافقت‌نامه و منطبق با مقررات آن مانند اعمال فوری اقدامات موقتی اتخاذ کنند و یا رسیدگی منتهی به وضع عوارض نهایی را ادامه دهد.

^۱ بند ۴ ماده ۱۸.

^۲ Violation of Undertaking.

ماده ۱۱ قانون ترکیه و مواد ۱۴ و ۱۵ فرمان یارانه ها و اقدامات جبرانی پاکستان، در تهیه قواعد ناظر به رد تعهد و خاتمه تحقیقات بدون وضع عوارض در صورت قبول تعهد، کاملاً از متن موافقت نامه تبعیت کرده اند اما ماده ۱۳ دستورالعمل اتحادیه اروپا دارای تفاوت است: قسمت اخیر ماده ۱۳ مقرر میدارد که اتخاذ اقدام سریع از سوی مقامات کشور رسیدگی کننده، علاوه بر نقض تعهد، شامل فرض انصراف^۱ از تعهد نیز می باشد. ممکن است در ظاهر، انصراف از تعهد، نوعی نقض تعهد محسوب شود اما تهیه کنندگان دستورالعمل اتحادیه میان نقض تعهد و انصراف از آن قائل به تفاوت شده اند. توضیح آنکه نقض تعهد شامل موردی است که کشور متعهد به رغم تعهد خود در عمل تعهد را زیر پا می گذارد درحالی که انصراف از تعهد ناظر به فرضی است که کشور متعهد بدون نقض عملی، اعلام می کند که از تعهد خود انصراف داده است و این انصراف ممکن است در عمل به نقض تعهد منتهی نشود. فایده عملی این تفکیک آن است که در نقض تعهد، کشور واردکننده می تواند رسیدگی را دنبال کرده و عوارض موقت یا نهایی وضع کند در حال که در فرض انصراف از تعهد ممکن است این پرسش بوجود آید که صرف انصراف برای وضع عوارض کافی است یا باید انصراف در عمل نیز به نقض تعهد منتهی شود؟ تهیه کنندگان دستورالعمل، برای از بین بردن این تردید، قید انصراف از تعهد را نیز به فرض نقض تعهد افزوده اند و یک حکم را بر هر دو فرض بار کرده اند. به عبارت دیگر از منظر دستورالعمل اتحادیه اروپا صرف انصراف از تعهد برای وضع عوارض کافی است چراکه فرض بر آن است که انصراف از تعهد به نقض تعهد منتهی خواهد شد.

ج- مرحله پس از رسیدگی

وضع حقوق جبرانی، عطف به ماسبق کردن عوارض و تجدیدنظر در تصمیمات اتخاذ شده، مهمترین اقداماتی است که ممکن است مرجع ذی صلاح پس از رسیدگی اتخاذ کند. ما در این بند به تفصیل، این اقدامات را مورد بررسی قرار خواهیم داد:

^۱. Withdrawal.

۱- وضع حقوق جبرانی

اگر کشور عضو زیان‌دیده، در مورد وجوه یارانه و مبلغ آن تشخیص قطعی بدهد و به واسطه اثرات این یارانه، لطماتی از ناحیه واردات مشمول یارانه وارد آید، موافقت‌نامه می‌تواند به وضع حقوق جبرانی اقدام کند مگر اینکه یارانه یا یارانه‌ها پس گرفته شود.^۱

موافقت‌نامه، تصمیم‌گیری در خصوص اینکه اگر همه شرایط برای وضع حقوق جبرانی وجود داشته باشد آیا چنین حقوقی وضع شود یا نه و تصمیم‌گیری در خصوص اینکه آیا مبلغ حقوق جبرانی که قرار است وضع بشود برابر با کل مبلغ یارانه باشد یا کمتر از آن، بر عهده مقامات کشور وارد کننده عضو قرار داده است. البته موافقت‌نامه، اجازه وضع عوارض بیش از میزان یارانه اعطا شده را مجاز نمی‌داند زیرا تجویز وضع عوارض جبرانی در برابر واردات کشورهای دیگر امری استثنایی بوده و تنها تا میزانی مجاز است که زیان وارده بر کشور واردکننده را رفع نماید و حتی موافقت‌نامه مطلوب می‌داند که میزان عوارض جبرانی مشروط به جبران لطمه وارده، کمتر از میزان یارانه باشد. بنابراین کشور صادرکننده می‌تواند در صورت تخلف مرجع رسیدگی کشور واردکننده از این قاعده، در رکن حل اختلاف سازمان تجارت جهانی طرح دعوی کند؛ همچنانکه برخی پرونده‌های مطرح در این رکن، به همین موضوع اختصاص یافته‌اند.

موافقت‌نامه مقرر می‌دارد که وضع حقوق و عوارض جبرانی در قلمرو تمام اعضا مجاز و کمتر از کل مبلغ یارانه باشد به شرطی که این حقوق جبرانی کمتر از یارانه، برای رفع لطمه وارده به صنعت داخلی کفایت کند و نیز رویه‌هایی به وجود آید که به مقامات ذیربط اجازه دهد که به ادعاهای آن دسته از طرفهای ذینفع داخلی (مصرف‌کنندگان و استفاده‌کنندگان محصول وارداتی) که وضع حقوق جبرانی بر منافعیشان اثر سوء دارد، توجه مقتضی مبذول گردد. هنگامی که حقوق جبرانی در مورد محصولی وضع می‌شود، این حقوق جبرانی در هر مورد به مبلغی مناسب و به گونه‌ای غیر تبعیضی بوده و به واردات این محصول از تمام منابعی که تشخیص داده شود برای آن یارانه پرداخته و سبب ایراد لطمه شده‌اند، تعلق خواهد گرفت مگر در مورد منابعی که از یارانه‌های مورد بحث چشم‌پوشی کرده یا تعهداتشان به موجب

^۱ .بند ۱ ماده ۱۹.

موافقت‌نامه حاضر مورد قبول قرار گرفته باشند. هر صادرکننده‌ای که صادراتش مشمول حقوق جبرانی قطعی بوده اما از او درمورد دلایل (مربوط)، غیر از دلایل رد همکاری، واقعاً تحقیقی به عمل نیامده باشد، حق استفاده از تجدید نظر سریع را خواهد داشت تا بدین وسیله مقامات تحقیق کننده، نرخ حقوق جبرانی جداگانه ای را فوراً در مورد آن صادر کننده برقرار سازند.^۱

به محصول وارداتی، هیچ گونه حقوق جبرانی مازاد بر مبلغ یارانه‌ای که وجود آن تشخیص داده شد، تعلق نخواهد گرفت. حقوق جبرانی تنها آن زمان و تا آن حد اعمال می‌شود که برای مقابله با یارانه موجد لطمه ضروری باشد.

این قید در ماده ۱۵ دستورالعمل راجع به یارانه و اقدامات جبرانی اتحادیه اروپا نیز تصریح شده است و کمیسیون اروپا در دعوای اتحادیه اروپا علیه کره جنوبی^۲ دال بر اعطای یارانه صادراتی ممنوع این کشور به صنایع کشتی رانی، تنها به میزان یارانه اعطا شده، رای به وصول عوارض داد. ماده ۱۶ فرمان یارانه ها و اقدامات جبرانی پاکستان و مواد ۷ و ۱۳ آیین نامه ترکیه نیز بر امکان وضع عوارض جبرانی در برابر واردات برخوردار از یارانه تصریح کرده اند.

پرسش مهمی که مطرح می شود آن است که اگر محصول وارداتی هم برخوردار از یارانه صادراتی باشد و هم دامپ شده باشد، آیا مرجع رسیدگی کشور واردکننده می تواند در برابر آن علاوه بر وضع و وصول عوارض ضد دامپینگ، عوارض جبرانی هم دریافت کند؟

مقررات موافقت نامه ضد دامپینگ و موافقت نامه یارانه ها و اقدامات جبرانی، بر خلاف گات به این موضوع نپرداخته اند اما با توجه به اینکه مقررات موافقت نامه تنها در جهت تکمیل مقررات گات وضع شده اند و مقررات گات همچنان به قوت خود باقی است لذا می توان از آن برای رفع سکوت مقررات WTO استفاده کرد. مطابق بند ۵ ماده ۶ گات، «هیچ محصولی از سرزمین یک طرف متعاقد که وارد سرزمین طرف متعاقد دیگر می شود، برای جبران وضعیت دامپینگ یا یارانه صادراتی، هم مشمول حقوق ضد دامپینگ و هم حقوق جبرانی نخواهد بود.»

^۱ بند ۳ ماده ۱۹.

^۲ .خبرنامه رویدادها و تحولات سازمان تجارت جهانی، سال پنجم، شماره ۲۹، آذر ۱۳۸۰، صص ۳۱ و ۳۲.

۲- عطف بماسبق کردن حقوق و عوارض جبرانی

مطابق قاعده کلی، اقدامات موقتی و حقوق جبرانی صرفاً پس از ورود محصولات وارداتی به جریان مصرف و اجرای تصمیم متخذه طبق بند ۱ ماده ۱۷ و بند ۱ ماده ۱۹، اعمال خواهند شد اما در مواردی که در خصوص لطمه (و نه خطر ناشی از آن یا تاخیر مهم در تأسیس یک صنعت)، تشخیص نهایی داده شود یا در حالت تشخیص نهایی وجود خطر لطمه، هنگامی که اثر واردات مشمول یارانه در صورت عدم اتخاذ اقدامات موقتی بتواند به تشخیص لطمه منجر شود، حقوق جبرانی ممکن است برای مدتی که اقدامات موقتی در صورت وجود، مجری بوده‌اند، به گونه‌ای عطف بماسبق شونده تعلق گیرد.

اگر حقوق جبرانی قطعی بیش از مبلغ تضمین شده از طریق سپرده نقدی یا ضمانت‌نامه باشد، این تفاوت وصول نخواهد شد. اگر این حقوق قطعی کمتر از مبلغ تضمین شده از طریق سپرده نقدی یا ضمانت‌نامه باشد، مبلغ مازاد مسترد یا ضمانت‌نامه سریعاً آزاد خواهد شد. به جز این موارد، هرگاه وجود لطمه یا تأخیر مهم، تشخیص داده شود اما هنوز لطمه‌ای وارد نیامده باشد، می‌توان حقوق جبرانی قطعی را تنها از تاریخ احراز خطر لطمه یا تاخیر مهم اعمال کرد و هرگونه سپرده نقدی دریافتی طی مدت اجرای اقدامات موقتی را مسترد و هرگونه ضمانت‌نامه را سریعاً آزاد کرد. اگر تشخیص نهایی منفی باشد، هرگونه سپرده نقدی دریافتی طی مدت اجرای اقدامات موقتی مسترد و هرگونه ضمانت‌نامه سریعاً آزاد خواهد شد.

در اوضاع و احوال حساس، اگر مقامات در مورد محصول مشمول یارانه مورد بحث دریابند که در نتیجه واردات انبوه یک محصول برخوردار از یارانه ممنوع، لطمه‌ای در مدتی نسبتاً کوتاه وارد آمده که جبران آن دشوار است و اگر برای جلوگیری از تکرار این لطمه لازم باشد که حقوق جبرانی در مورد این واردات به گونه‌ای عطف بماسبق شونده محاسبه شود، می‌توان حقوق جبرانی وضع کرد.

ماده ۱۶ دستورالعمل اتحادیه اروپا، ماده ۱۷ فرمان پاکستان و ماده ۶ آیین نامه ترکیه نیز مقرراتی مشابه موافقت نامه دارند.

۳- تجدید نظر در تصمیمات اتخاذ شده

مقامات مرجع رسیدگی در صورت داشتن اختیار، لزوم ادامه اعمال حقوق و عوارض جبرانی را به ابتکار خود مورد تجدید قرار خواهند داد یا اگر هر طرف ذینفع چنین درخواستی به عمل آورد و اطلاعات مثبتی دال بر لزوم این تجدید نظر ارائه نماید چنین کاری صورت خواهد گرفت. طرفهای ذینفع از این حق برخوردار خواهند بود که از مقامات درخواست کنند که بررسی نمایند آیا ادامه تغییر حقوق جبرانی برای مقابله با یارانه لازم است یا نه و نیز آیا در صورت لغو یا تغییر حقوق مزبور، احتمال ادامه یا تکرار لطمه یا هردو وجود دارد یا نه.

در مورد اینکه برای درخواست تجدیدنظر باید حداقل مدت خاصی سپری شده باشد یا خیر، سه رویه در مقررات موجود دیده می شود: الف- موافقت نامه بدون اینکه مدت خاصی را مقرر کرده باشد، امکان درخواست تجدیدنظر را منوط براین کرده است که مدت معقولی، از اعمال حقوق جبرانی قطعی گذشته باشد؛^۱ ب- مواد ۱۷ و ۱۸ دستورالعمل اتحادیه اروپا و مواد ۷ و ۸ آیین نامه ترکیه، گذشت مدت یکسال را برای امکان درخواست، ضروری دانسته اند که شیوه تعیین مدت، بهتر از عبارت موافقت نامه (مدت معقول) است زیرا از بروز تفاسیر متعارض جلوگیری می کند؛ ج- در فرمان پاکستان نه به مدت معقول و نه به گذشت زمان یکساله اشاره شده است؛ و حتی مواد ۱۸ تا ۲۳ این فرمان نیز که به بحث تجدیدنظر اختصاص یافته است، سخنی از این مدت به میان نیاورده است.

در هر حال، اگر در نتیجه تجدید نظر مقرر مقامات کشور رسیدگی کننده تشخیص دهند که حقوق جبرانی دیگر مجاز نیست، حقوق مزبور فوراً لغو خواهد شد زیرا فلسفه وضع عوارض جبرانی، جبران زیان وارده است و ادامه عوارض با اصل تجارت آزاد و استثنایی بودن وضع عوارض تعارض دارد.

^۱ بند ۲ ماده ۲۱.

هرگونه حقوق جبرانی قطعی، حداکثر ۵ سال پس از وضع آن (با پس از آخرین تجدید نظر چنانچه تجدید مزبور هم شامل پرداخت یارانه و هم شامل ایراد لطمه شود) لغو خواهد شد مگر اینکه مقامات در تجدید نظری که قبل از این تاریخ به ابتکار خود یا براساس درخواستی که به قدر کافی مستدل است، توسط صنعت داخلی یا حقوق جبرانی احتمال دارد به ادامه یا تکرار پرداخت یارانه و ورود لطمه منجر شود، این حقوق تا مشخص شدن نتیجه این تجدید نظر می‌تواند به قوت خود باقی بماند.

هنگامی که مبلغ حقوق جبرانی بر مبنای عطف بماسبق شونده ارزیابی شود، وجود یافته‌هایی در جدیدترین ارزیابی دایر بر اینکه نباید هیچ گونه حقوقی تعلق گیرد، فی نفسه مقامات را ملزم به لغو حقوق قطعی نمی‌سازد.

آیین تجدید نظر باید به سرعت انجام شده باید ظرف ۱۲ ماه از آغاز تجدید نظر خاتمه یابد. موضوعات راجع به آغاز و خاتمه تجدید نظر باید از طریق اطلاعیه عمومی به طرفهای ذینفع اطلاع داده شود.^۱

موافقت‌نامه علاوه بر پیش‌بینی این مکانیزم خاص برای تجدید نظر در تصمیمات اتخاذ شده، در ماده ۲۳ خود از «تجدید نظر قضایی» نیز نام برده است. مطابق این ماده: «هر عضو که قوانین داخلی، دارای مقرراتی راجع به اقدامات مربوط به حقوق جبرانی باشد، محاکم یا رویه‌های قضایی، داوری یا اداری‌ای را ضمناً به تشخیصهای به عمل آمده به مفهوم ماده ۲۱ به وجود خواهد آورد. این محاکم یا رویه‌ها، مستقل از مقامات مسؤول تشخیص یا تجدید نظر مورد بحث بوده و امکان استفاده از این فرصت تجدید نظر را به تمام طرفهای ذینفع که رسیدگی اداری مشارکت داشته و مستقیماً و فرداً تحت تاثیر اقدام قرار گرفته‌اند، خواهند داد.»

فصل دوم: نقش گمرک در وصول عوارض جبرانی

^۱ . ماده ۲۲ موافقت‌نامه .

چنانکه پیش از این گفتیم، گمرک علاوه بر آنکه به عنوان یکی از اعضای فعال مرجع رسیدگی، در تشخیص اعطای یارانه و وضع عوارض جبرانی در برابر واردات برخوردار از یارانه صادراتی، نقش موثری دارد، وظیفه وصول عوارض وضع شده را نیز داراست. سپردن این دو وظیفه به مقامات گمرکی، دارای دو فایده عمده است که قبلاً به آن اشاره شد. همانطور که در قسمت راجع به دامپینگ گفتیم گمرک پس از تعیین میزان عوارضی که بر کالاهای وارداتی وضع شده و باید وصول گردد، عوارض جبرانی وضع شده را نیز بر سایر عوارض، افزوده و مجموع آن را از واردکننده، وصول می‌کند.

نقش گمرک در وصول عوارض جبرانی، در مقررات راجع به یارانه ها و عوارض جبرانی تصریح نشده است چراکه جایگاه ذکر این حکم، قوانین گمرکی است و نه قوانین یارانه ها. از این روست که در قوانین داخلی کشورهای مورد مطالعه تطبیقی، در مقررات راجع به یارانه ها و اقدامات جبرانی، تنها به وصول عوارض اشاره شده اما مقام وصول کننده مشخص نگردیده است و در عوض، در قوانین و مقررات مربوط به گمرک، مقامات گمرکی، متولی وصول عوارض از جمله عوارض جبرانی شده اند.

موافقت نامه یارانه ها و اقدامات جبرانی WTO نیز، هر چند از وصول عوارض جبرانی سخن می‌گوید، اما مقام متولی امر را مشخص نساخته و آن را به مقررات داخلی هر کشور عضو وانهاده است که قانونگذار بسیاری از کشورها، با توجه به نقش گمرک در وصول عوارض و تعرفه ها، مسوولیت وصول عوارض موقت یا نهایی جبرانی را نیز به همین نهاد تفویض کرده اند. در مقررات داخلی این کشورها، معمولاً حکم راجع به وصول عوارض جبرانی، در قانون راجع به یارانه ها پیش بینی شده است و تصریح به اینکه این نقش توسط مقامات گمرکی انجام خواهد شد، در مقررات و قوانین خاص گمرکی صورت می‌پذیرد. برای مثال، ماده ۱۶ فرمان یارانه ها و اقدامات جبرانی پاکستان، به وضع عوارض جبرانی پس از خاتمه رسیدگی بدون اشاره به گمرک، تصریح کرده و شق C ماده ۲۵ این فرمان مقرر داشته است: «وصول عوارض جبرانی به همان شیوه مقرر در قانون امور گمرکی خواهد بود.» قانون امور گمرکی این کشور، مصوب ۱۹۶۹ (اصلاحی سال ۲۰۰۶)، در برخی مواد خود از جمله ماده A ۲۱، وظیفه وصول هرگونه عوارض را بر عهده گمرک نهاده است که طبیعتاً این حکم کلی، شامل وصول عوارض جبرانی نیز می‌باشد.

در ترکیه نیز هرچند مواد ۷ و ۱۳ آیین نامه جلوگیری از رقابت غیرمنصفانه، از وصول عوارض ضد دامپینگ سخن می گوید اما بند (a) ماده ۱-۱۹۵ قانون امور گمرکی این کشور مصوب ۱۹۹۹/۱۰/۲۷^۱، صراحتاً وظیفه وصول عوارض موقتی یا نهایی جبرانی را به گمرک تفویض نموده است. به موجب این بند، «در جایی که وصول عوارض جبرانی آغاز می گردد، این عوارض مازاد، جزء عوارض گمرکی محسوب شده و اطلاعات آن در گمرک بصورت ثبت شده نگهداری می شود.»

در چین نیز وظیفه تشخیص یارانه صادراتی و صدور تصمیم بر وصول عوارض جبرانی که توسط مرجع رسیدگی و با حضور نماینده گمرک صورت می پذیرد، در قانون مقابله با یارانه های صادراتی آمده ولی حکم مربوط به مرجع وصول عوارض جبرانی در قانون تعرفه گمرکی آمده است. مطابق شق C قسمت ۲ بند ۲ ماده ۳ قانون مزبور، « وصول عوارض جبرانی بر عهده گمرک خواهد بود.» این بند در بخش «وظایف گمرک در وصول عوارض اضافی گوناگون» مذکور افتاده است.

فصل سوم: جایگاه موضوع در حقوق ایران

همانند قسمت نخست طرح، مطالب مربوط به حقوق ایران، در سه بند ارائه می گردد: در بند ۱، وضعیت موجود حقوق ایران در مواجهه با واردات برخوردار از یارانه، نقد می شود؛ در بند ۲، با نگاهی به لایحه امور گمرکی، میزان توفیق این لایحه در رفع نارساییهای موجود بررسی می گردد و بالاخره در بند ۳، وضعیت قانونی مطلوب با استفاده از مطالعات تطبیقی انجام شده، ترسیم و پیشنهاد می شود.

الف- بررسی وضعیت موجود

^۱. CUSTOMS LAW No.4458 of 27/10/1999

نارساییهای فعلی حقوق ایران در مورد یارانه را می توان شامل دو دسته دانست: یکی آنکه بسیاری از مقررات فعلی ایران، حاوی اعطای یارانه صادراتی بوده (مانند ماده ۱۹ قانون مقررات صادرات و واردات ایران مصوب ۱۳۷۲) و در نتیجه، کاملاً مغایر با مفاد قسمت نخست موافقت نامه یارانه های سازمان تجارت جهانی هستند- که البته این قسمت خارج از موضوع بحث ماست^۱؛ و نارسایی دیگر آنکه، حقوق ایران در شرایط فعلی فاقد مقررات خاص و مرجع تخصصی برای مقابله با وارداتِ برخوردار از یارانه دیگر کشورها می باشد و حتی همان ماده ناقصی که حقوق ایران در زمینه دامپینگ دارد (یعنی ماده ۷ قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۰)، در مورد یارانه ها دیده نمی شود و قانون امور گمرکی ۱۳۵۰، هیچ مقررره ای در مورد نقش گمرک در مواجهه با واردات برخوردار از یارانه ندارد. از این رو:

۱- در نظام حقوقی ایران، مرجعی اختصاصی برای رسیدگی به دعاوی مذکور وجود ندارد لذا طبق اصل صلاحیت عام محاکم دادگستری، دادگاهها صالح به رسیدگی هستند. صالح دانستن دادگاهها در اینگونه دعاوی فنی و پیچیده که نیازمند اتخاذ تصمیم سریع هستند، نتایج مطلوبی را برای زیاندیدگان ایرانی به همراه نخواهد داشت. البته، کمیته دائمی مقررات صادرات و واردات، به استناد ماده ۱ آیین نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات، پیش نویس آیین نامه ای را در مورد رسیدگی به دعاوی ضد دامپینگ و دعاوی راجع به اقدامات جبرانی تهیه کرده است که در این پیش نویس، کمیته مزبور، صالح به رسیدگی به دعاوی راجع به یارانه، معرفی شده است. اما همانگونه که در قسمت مربوط دامپینگ بیان شد، این پیش نویس هنوز حالت قانونی به خود نگرفته و خلا قانونی ما همچنان ادامه دارد.

۲- الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی و پذیرش نظام تجارت آزاد، به احتمال زیاد کشور ما را با خطر واردات برخوردار از یارانه مواجه می سازد. از این رو کشور ما باید تولیدکنندگان ایرانی را از طریق قوانین و مقررات منسجم و کارا حمایت کند؛ امر مهمی که از سوی کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی مورد توجه خاص قرار داشته است. این در حالی است که در نظام حقوقی ما مقررات خاصی برای مقابله با واردات برخوردار از یارانه وجود ندارد. البته ماده ۷ قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۰، در کنار دامپینگ، از عبارت

^۱ . برای مطالعه بیشتر در مورد برخی مقررات مغایر ایران با این قسمت از موافقت نامه، ر.ک: محسن صادقی، پیشین، صص ۹۱ تا ۱۰۰.

«تسهیلات غیرعادی» استفاده کرده است و اگر یکی از مصادیق این عبارت کلی و مبهم را اعطای یارانه بدانیم، می توان گفت که طبق مجوز ماده مزبور، ایران می تواند در مواجهه با کالاهای برخوردار از یارانه دیگر کشورها، سود بازرگانی ویژه ای (عوارض جبرانی) برقرار کند. مطابق این ماده «هرگاه کالایی با قیمت نامتناسب یا تسهیلات غیرعادی از کشوری برای ورود به ایران عرضه شود (دامپینگ) و این عمل برای اقتصاد کشور رقابت ناسالم تلقی گردد، هیات وزیران می تواند در هر موقع بنا به پیشنهاد وزارت بازرگانی برای ورود کالای مزبور از آن کشور، سودبازرگانی ویژه ای برقرار کنند.»

با این حال، پذیرش این تفسیر، با ظاهر ماده ۷ ناسازگار است زیرا قانونگذار، هم عرضه کالا با قیمت نامتناسب به کشور را دامپینگ دانسته است و هم عرضه کالا با تسهیلات غیرعادی و این برداشت، از عبارت داخل پرانتز در ماده برمی آید؛ وانگهی در صورت پذیرش تفسیر نیز باید گفت که ماده مزبور بسیار ناقص و مبهم تنظیم شده و صنایع کشور را از لحاظ حقوقی، در برابر واردات برخوردار از یارانه، بیمه نمی سازد. از این رو تهیه مقرراتی ویژه در این خصوص ضروری است. در تهیه این مقررات با توجه به ضرورت هماهنگی مقررات داخلی ایران با مقررات موافقت نامه یارانه ها و اقدامات جبرانی، نیاز چندانی به نوآوری نیست و می توان این راه را با استفاده از مقررات موافقت نامه و مقایسه تطبیقی با دیگر کشورها کوتاه تر کرد. تهیه این مقررات بر اساس اصول موافقت نامه یارانه ها، نه تنها با اصول قانون اساسی و قوانین عادی ما مغایر نیست؛ بلکه مطابق بند ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱: «به منظور نوسازی و روان سازی تجارت..... و تقویت توان رقابتی محصولات صادراتی کشور در بازارهای بین المللی، دولت مکلف است.... ح) تدابیر و اقدامات موثر حفاظتی، جبرانی و ضد دامپینگ در مواردی که کالایی با شرایط نامتعارف و با امتیاز قابل توجه به کشور وارد می شود را اتخاذ و اعمال نماید.»

البته چنانکه در قسمت دامپینگ بیان شد، پیش نویس آیین نامه ای توسط کمیسیون ماده ۱ آیین نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات در سال ۱۳۸۳ تهیه شده است که به دعوی ضد دامپینگ و دعوی راجع به یارانه پرداخته است و نماینده گمرک نیز به عنوان یکی از اعضای مرجع رسیدگی مقرر شده

است؛ با این حال، پیش نویس آیین نامه مزبور هنوز حالت قانونی به خود نگرفته است؛ ضمن آنکه پیش نویس مزبور، دارای دو ایراد اساسی است: نخست آنکه این متن حتی در صورت تصویب، تنها یک آیین نامه است و از آنجا که به آیین نامه، قانون به معنای دقیق کلمه اطلاق نمی گردد و درجه اعتبار پایین تری نسبت به قانون مصوب مجلس دارد، لذا خطر نسخ یا تخصیص مفاد این آیین نامه توسط قوانین مجلس وجود دارد. دوم آنکه در تهیه مواد این آیین نامه، توجه چندانی به نظم بخشیدن به مواد نشده است البته چون مواد موافقت نامه ضد دامپینگ و موافقت نامه یارانه ها و اقدامات جبرانی، از نظم و ترتیب ایده آل برخوردار نیست و آیین نامه مزبور بر اساس تبعیت از موافقت نامه های فوق تهیه شده است، این عدم انسجام طبیعی به نظر می رسد اما می توان ضمن اشاره به تمام مواد موافقت نامه، آیین رسیدگی به دعاوی راجع به یارانه را نظم بخشید. البته با توجه به ضرورت هماهنگی مقررات داخلی ایران با مقررات ضد دامپینگ سازمان تجارت جهانی، نیاز چندانی به نوآوری در ایجاد مقررات جدید ملی نیست و می توان این راه را با مقایسه تطبیقی سایر کشورها کوتاه تر کرد و هم چنان که از مطالب ارایه شده بر آمد، مواد موافقت نامه با هیچ یک از اصول قانون اساسی و مواد قوانین عادی ما مغایرت نداشته و پذیرش آن ما را با مشکل حقوقی مواجه نمی سازد.

ب- بررسی لایحه امور گمرکی

لایحه امور گمرکی همانگونه که در رفع ایرادات موجود حقوق ایران در مقابله با دامپینگ، نا موفق بوده است، در زمینه رفع خلا قانونی ما برای مقابله حقوقی با واردات برخوردار از یارانه، بدرستی عمل نکرده و به دلیل عدم توجه تهیه کنندگان لایحه به نقش مهم و حیاتی گمرک در مقابله با این نوع رقابت غیرمنصفانه، خلا قانونی ما همچنان باقی است؛ از این رو تصویب لایحه امور گمرکی نمی تواند انتظار صنعت داخلی ایران در حمایت گمرک از این صنایع در برابر واردات برخوردار از یارانه غیرمجاز برآورده سازد و سکوتی که در قانون امور گمرکی ۱۳۵۰ نسبت به این پدیده وجود داشت، در لایحه نیز ادامه دارد.

ج- ارائه پیشنهاد جهت ترسیم وضعیت مطلوب

پیشنهادهای این قسمت در راستا و همانند پیشنهادهای قسمت دامپینگ است؛ بدین ترتیب و بر اساس مطالعات تطبیقی انجام شده:

۱- خلا قانونی ما نسبت به نحوه رسیدگی به دعاوی راجع به یارانه و سکوت قانون و لایحه امور گمرکی نسبت به نقش گمرک در مواجهه با واردات برخوردار از یارانه، تولیدکنندگان ما را از لحاظ حقوقی در برابر بازار جهانی آینده بیمه نمی کند. بنابراین قانونگذار ما باید در قالب قانونی منسجم و کارآمد به حمایت حقوقی از صنایع ایرانی در مواجهه با این خطر پردازد. تهیه این قانون علاوه بر آنکه صنایع ما را تا قبل از الحاق رسمی، در برابر واردات برخوردار از یارانه حمایت می کند بلکه از خطرات پس از الحاق می کاهد. مقررات راجع به اقدامات جبرانی را می توان با مقررات ضد دامپینگ در قالب یک قانون واحد پیش بینی کرد؛ از این رو:

لزوم وضع قانون خاص مقابله با واردات برخوردار از یارانه، تشکیل مرجع تخصصی برای رسیدگی به

دعاوی راجع به یارانه و حضور نماینده گمرک در این مرجع، مورد تاکید است. البته چنانکه پیش از این گفتیم مقررات راجع به دعاوی یارانه ها و اقدامات جبرانی را می توان به همراه مقررات راجع به دعاوی ضد دامپینگ، در قالب قانونی واحد مطرح کرد زیرا ظرفیت اجرایی یک کشور، در ذکر جداگانه این دو در قالب قوانین مختلف و یا در قالب یک قانون واحد، موثر بوده است همچنانکه چین ابتدا این دو مقوله را در یک قانون مقرر کرد و سپس با افزایش ظرفیت و توان اجرایی، آنها را در قالب قوانین مجزا در آورد. در حال حاضر، کشور ما دارای محدودیت ظرفیت اجرایی بوده و با توجه به کمبود کارشناسان فنی و متخصص و مجرب برای تعیین موارد کلیدی در اینگونه دعاوی مانند انجام تحقیقات، تشخیص لطمه وارده، تعیین رابطه سببیت و غیره، تلفیق این دو دعوی در یک قانون واحد، مفیدتر به نظر می رسد. در تهیه این قانون باید اصول و مقررات موافقت نامه یارانه ها و اقدامات جبرانی لحاظ شود زیرا سازمان تجارت جهانی، کشورهای عضو را مکلف به هماهنگ سازی مقررات داخلی خود با اصول سازمان کرده است؛ وانگهی در عمل نیز کشورها در تهیه مقررات راجع به یارانه، از متن موافقت نامه تبعیت کرده اند هم چنان که مقررات کشور

ترکیه و اتحادیه اروپا در این زمینه کاملاً منطبق با موافقت نامه بوده و گاه از عبارتهای یکسانی استفاده شده است.

۲- در کنار ضرورت وضع قانون خاص راجع به یارانه ها و اقدامات جبرانی و تعیین دقیق نقش گمرک در تشخیص این پدیده، پیشنهاد می گردد که در لایحه امور گمرکی، بخشی تحت عنوان « وظایف و اختیارات گمرک» افزوده شده و در زیر مجموعه آن، بند زیر یا بندی حاوی این مضمون گنجانده شود:

« **گمرک، مسوول وصول عوارض موقتی و نهایی جبرانی خواهد بود.**» یا می توان این بند را با بند پیشنهاد شده در قسمت دامپینگ تلفیق کرده و ماده ای به این شرح مقرر داشت: « **گمرک، مسوول وصول عوارض موقتی و نهایی ضد دامپینگ و عوارض جبرانی خواهد بود.**»

۳- توصیه می شود که افرادی برای آشنایی با ابعاد فنی دعاوی یارانه مانند نحوه تشخیص ورود لطمه، احراز رابطه سببیت میان واردات و ورود لطمه و آموزش داده شوند زیرا کشور ما در این زمینه با کمبود کارشناس مجرب و متخصص روبروست؛ در ایالات متحده آمریکا اداراتی برای این منظور تشکیل شده اند.

بخش سوم: اقدامات حفاظتی

مقدمه

مطابق مقررات سازمان تجارت جهانی، اصولاً وضع محدودیت های مقداری و افزایش نرخ های تثبیت شده تعرفه کالاها منع گشته اند؛ با این حال، این مقررات، مطلق و بدون استثنا نمانده و کشورهای عضو مجاز شده اند که در شرایط اضطراری، در صورتی که افزایش واردات یک کالا، لطمه جدی به صنعت داخلی وارد می سازد، موقتاً بتوانند با اتخاذ اقداماتی، از قاعده تعهد تثبیت تعرفه ها و یا منع محدودیت های مقداری عدول کنند. این اقدامات، **اقدامات حفاظتی** نامیده می شوند.

از اقدامات حفاظتی گاه به شروط فرار تعبیر می شود زیرا اعضای WTO می توانند با استفاده از این شروط، از برخی تعهدات خود بگریزند.^۱ بنابراین اهمیت اقدامات حفاظتی در آن است که استثنایی مهم بر دو تعهد تثبیت نرخ تعرفه ها و ممنوعیت وضع محدودیت های مقداری محسوب می شود و مادامی که چنین تعهداتی برای کشوری وجود دارد، برخورداری از چنین سازوکارهایی برای مواجهه با شرایط اضطراری به عنوان سوپاپ های ایمنی ضرورت می یابد.

با عنایت به توضیحات فوق، اقدامات حفاظتی را می توان این گونه تعریف کرد:

اقدامات حفاظتی، اقداماتی موقتی هستند که برای کاهش واردات و با هدف سازگار ساختن صنعت معین با رقابت تشدید یافته با عرضه کنندگان خارجی، اتخاذ شده^۲ و در دو قالب افزایش تعرفه به بالاتر از نرخهای تثبیت شده و اعمال محدودیت های مقداری صورت می گیرند.

بحث حفاظتها مورد توجه ویژه موافقت نامه گات بوده و ماده ۱۹ این سند تحت عنوان «اقدام اضطراری در مورد واردات محصولات خاص» در قالب سه بند، به بیان قواعد کلی اتخاذ اقدامات حفاظتی پرداخته است؛ البته بحث اقدامات مزبور علاوه بر ماده ۱۹، در ماده ۱۲ تحت عنوان «محدودیت های مربوط به حفظ موازنه پرداختها» و ماده ۱۸ تحت عنوان «کمک دولتی برای توسعه اقتصادی» نیز مطرح شده، اما قواعد کلی راجع به اقدامات حفاظتی، در همان ماده ۱۹ گات ذکر شده است؛ از این رو، موافقت نامه حفاظت ها^۳ در سازمان تجارت جهانی، به تبیین قواعد عمومی راجع به اتخاذ اقدامات حفاظتی مذکور در ماده ۱۹ گات پرداخته است (همچنانکه در مقدمه و ماده ۱ موافقت نامه حفاظتها به این نکته تصریح شده است) و اقدامات حفاظتی خاص، در هریک از موافقت نامه های بخشی سازمان جهانی تجارت یعنی موافقت نامه های کشاورزی، منسوجات و خدمات مقرر شده است.

اهمیت بحث حفاظتها بویژه در بازار آزاد رقابتی باعث شده است تا قانونگذار داخلی اعضای WTO، مقررات خاصی را با توجه ویژه به متن موافقت نامه حفاظتها تهیه کنند. برای مثال در ترکیه، مقررات راجع

^۱ - http://www.irtr.gov.ir/Pages/WTO_goods_Safeguards.asp

^۲ - Walter Goode, *Dictionary of Trade Policy Terms*, (Adelaide: University of Adelaide, 1998), the term: Safeguard.

^۳ - AGREEMENT ON SAFEGUARDS

به حفاظتها با آخرین اصلاحات در قانونی تحت همین عنوان^۱ مصوب ۲۰۰۴ درج شده است؛ در چین نیز قانونی به نام مقررات جمهوری خلق چین در مورد اقدامات حفاظتی اصلاحی اکتبر ۲۰۰۴، قواعد راجع به این اقدامات را تنظیم کرده است؛ همچنین در پاکستان، مقررات این موضوع در فرمانی تحت عنوان فرمان وضع اقدامات حفاظتی مصوب ۲۰ جولای ۲۰۰۲، مندرج گردیده است.

اما در ایران هیچ مقرره ای راجع به اقدامات حفاظتی وجود ندارد زیرا در حال حاضر ایران به عضویت رسمی سازمان تجارت جهانی درنیامده است^۲ و در نتیجه، هیچ گونه تعهد بین المللی در خصوص تثبیت تعرفه های خود و یا ممنوعیت وضع محدودیت های مقداری نداشته و می تواند در شرایط اضطراری نرخهای تعرفه خود را افزایش داده و یا محدودیت های مقداری بر واردات وضع نماید.

با عنایت به شرایط موجود، ممکن است بحث از اهمیت اقدامات حفاظتی بی فایده و فاقد کاربرد عملی برای کشور باشد زیرا با نبودن تعهدات WTO، خود بخود بحث استثنائات این تعهدات نیز اهمیت خود را از دست می دهد؛ اما باید از این ظاهر گذشت و بر این باور بود که طرح این مبحث می تواند از دو جنبه برای ایران ارزش عملی داشته باشد: نخست آنکه ایران با برخی کشورها نظیر پاکستان، موافقت نامه ترجیحی دوجانبه منعقد کرده و طی آنها، متعهد به تثبیت نرخ تعرفه ها و عدم استفاده از محدودیت های مقداری شده است و باید به تعهد قراردادی خود پایبند باشد. همچنین درضمن تعهد به تثبیت نرخ تعرفه و منع وضع محدودیت های مقداری، امکان اتخاذ اقدامات حفاظتی نیز در موافقت نامه های دو جانبه و چند جانبه مزبور، به عنوان استثنا بر این دو تعهد، پیش بینی شده است و مقامات اجرایی کشور بویژه گمرک باید خود را جهت اتخاذ و یا اجرای اقدامات حفاظتی در شرایط خاص جهت حمایت از صنایع ایرانی آماده سازند که متأسفانه تاکنون چنین بحث مهمی از منظر حقوقی مورد توجه و تحلیل قرار نگرفته و مقامات گمرکی ایران نیز با وظایف خطیر خود در این زمینه آشنایی ندارند؛ لذا پرداختن به این موضوع می تواند خلا مزبور را تا حدودی مرتفع سازد؛ فایده دوم آنکه ایران باید از هم اکنون خود را برای پذیرش تعهدات WTO آماده ساخته و

^۱ - REGULATION ON THE SAFEGUARD MEASURES

^۲ - ایران در خرداد ماه سال ۱۳۸۴ به عضویت ناظر سازمان تجارت جهانی درآمده و هنوز عضو رسمی این سازمان نیست و لذا، متعهد به الزامات این سازمان نبوده و طبیعتاً از حق رای در اتخاذ تصمیمات نیز برخوردار نیست.

ساختار قانونی و مقامات اجرایی خود را برای فضای پس از الحاق آماده کند؛ در نتیجه این استدلال قابل قبول نیست که چون ایران ملتزم به تعهدات WTO نمی باشد، بحث از فضای پیش از الحاق از هم اکنون بی فایده است. بنابراین قانونگذار، مقامات اجرایی از جمله گمرک و دیگر نهادهای مرتبط، باید با ابعاد حقوقی اقدامات حفاظتی آشنا شده و با استفاده از تجربیات سایر کشورها و بهره گیری از مقررات موافقت نامه حفاظتها که مقرراتی الگو محسوب می شوند، مسیر خود را کوتاه تر نمایند.

با عنایت به دلایل فوق، قسمت سوم از بخش نخست طرح را به بررسی نقش گمرک در اقدامات حفاظتی اختصاص داده ایم. مطالب این قسمت همانند دو قسمت اول، در سه بند ارائه خواهد شد: دربند (الف)، به نقش گمرک در اتخاذ اقدامات حفاظتی، در بند (ب)، به نقش گمرک در اجرای اقدامات حفاظتی و در بند (ج)، به جایگاه موضوع در حقوق ایران خواهیم پرداخت و راهکار مقتضی را به قانونگذار جهت رفع نقایص لایحه امور گمرکی ارائه خواهیم کرد.

فصل اول: نقش گمرک در اتخاذ اقدامات حفاظتی

گمرک در فرایند اتخاذ اقدامات حفاظتی، نقش خود را در سه مرحله متفاوت ایفا می کند: الف- مرحله آغاز رسیدگی؛ ب- مرحله حین رسیدگی؛ ج- مرحله پس از رسیدگی. ما در ادامه این سه مرحله را به تفکیک بررسی کرده و در هر مورد، مقررات موافقت نامه حفاظتها، اتحادیه اروپا، ترکیه و پاکستان را مطالعه تطبیقی خواهیم نمود:

الف- مرحله آغاز رسیدگی

تقاضا برای آغاز رسیدگی به دعوای راجع به حفاظتها می تواند از سوی خود دولت یا صنعتی که مجموع تولید آن سهم عمده ای از کل تولید داخلی محصول وارداتی را تشکیل می دهد صورت گیرد. با این وجود، در عمل، عموماً تحقیقات با تقاضا نامه ای آغاز می گردد که تولیدکنندگان یا انجمن تولیدکنندگان از جانب

آنها، ارائه نموده اند. در این قبیل تقاضا نامه ها عموماً ادعا می شود که واردات زیاد، موجب وارد آمدن لطمه جدی به تولید کنندگان شده است؛ به عنوان مثال به عدم النفع، کاهش در تولید و بهره برداری ناقص از ظرفیت منجر گردیده، یا مستلزم کاهش نیروی کار می باشد.

دعوی طرح شده زمانی مورد رسیدگی قرار می گیرد که اولاً: از سوی اشخاص ذینفع اقامه شده باشد و ثانیاً: دادخواست رسیدگی به مرجع صالح تقدیم شده باشد و از این جاست که مرحله آغاز رسیدگی شروع می شود.

۱- شناسایی اشخاص ذینفع:

موافقت نامه حفاظتها، مقرر ای برای تعریف اشخاص ذینفع ندارد اما با استفاده از مفاد این سند، می توان اشخاص ذینفع در طرح دعوی را صنعت داخلی متضرر و یا اتحادیه نماینده آنها دانست. صنعت داخلی بر اساس قسمت (ج) بند ۱ ماده ۴ موافقت نامه عبارت است از: «کل تولیدکنندگان محصولات مشابه یا مستقیماً رقابتی که در قلمرو یک عضو فعالیت می کنند یا تولیدکنندگانی که تولید جمعی محصولات مشابه یا مستقیماً رقابتی آنها، بخش عمده ای از کل تولید داخلی این محصولات را تشکیل می دهد». همچنین با بهره گیری از بند ۱ ماده ۳ موافقت نامه باید گفت که طرفهای مقابل این دعوی عبارتند از: واردکنندگان، صادرکنندگان و یا سایر اشخاص حقیقی یا حقوقی که مطابق اسناد و مدارک موجود، در ورود لطمه به ذینعان دعوی به نوعی موثر بوده اند.

در مقررات راجع به اقدامات حفاظتی چین نیز اشخاص ذینفع تعریف نشده اند و ماده ۳ این قانون تنها به این قید اشاره کرده است که هر شخص حقیقی، حقوقی یا دیگر ارگانهای مرتبط با صنعت داخلی که متقاضی (خواهان) نامیده می شوند، می توانند درخواست رسیدگی را به مرجع ذی صلاح تقدیم کنند.

برعکس، قانون حفاظتهای ترکیه بطور جزئی، اشخاص ذینفع را مشخص ساخته است. مطابق بند (۱) ماده ۲ این قانون، اشخاص مزبور عبارتند از: نمایندگان مجاز کشور ذینفع، تولیدکنندگان داخلی، وارد و صادرکنندگان، مصرف کنندگان، استفاده کنندگان یا سازمانهای وابسته نمایندگان قانونی آنها.

بند (g) ماده ۲ فرمان پاکستان نیز با برشماری اشخاص فوق الذکر، آنها را به عنوان ذینفع دعوی معرفی کرده است.

۲- مرجع صالح به رسیدگی:

اشخاص ذینفع، مکلفند دعاوی خود را در مرجع ذی صلاح اقامه نمایند. موافقت نامه حفاظتها از مرجع خاصی برای رسیدگی به این دعاوی نام نبرده^۱ و آن را به قانونگذار داخلی کشورهای عضو وا نهاده است، اما بند ۱ ماده ۳ موافقت نامه مزبور، با بکارگیری عبارت « مقامات ذی صلاح » و قرار دادن آن در برابر «مراجع رسیدگی عمومی»، بطور ضمنی بر فنی بودن این گونه دعاوی و اهمیت تشکیل مرجعی تخصصی جهت رسیدگی به آنها نظر دارد.

در چین، کمیته حفاظتها^۲ وابسته به وزارت بازرگانی (که در قانون با علامت اختصاری MOFCOM^۳ آمده است)، مسوولیت رسیدگی به دعاوی راجع به حفاظتها را برعهده دارد و نماینده گمرک نیز یکی از اعضای مرجع رسیدگی است. در ترکیه، هیاتی به نام هیات ارزیابی اقدامات حفاظتی در برابر واردات^۴ این نقش را عهده دار است و نماینده گمرک نیز یکی از اعضای هیات است. در پاکستان، کمیسیون ملی تعرفه^۵ در کنار رسیدگی به دعاوی راجع به یارانه و دامپینگ، صلاحیت رسیدگی به دعاوی راجع به حفاظتها را داراست.

۳- شروع به رسیدگی:

پس از تقدیم دادخواست رسیدگی به مرجع ذی صلاح، نهاد مزبور مکلف است اسناد و مدارک ذینفعان را بررسی کرده و تحقیقات خود را پیرامون موضوع آغاز نماید. در صورت کافی نبودن مدارک و نبودن دلیل

^۱ - موافقت نامه در مواد ۱۱ و ۱۲، از کمیته ای به نام کمیته حفاظتها نام برده است؛ این کمیته، مرجع ملی رسیدگی به دعاوی راجع به حفاظتها نبوده و وظیفه نظارت بر کار مراجع ملی اعضا در اجرای مفاد و تعهدات موافقت نامه حفاظتها را بر عهده دارد و در صورت تعدی مرجع ملی کشور زیان دیده از اصول موافقت نامه و شکایت کشور متبوع خوانده دعوی، صالح به رسیدگی خواهد بود.

^۲ - Committee on Safeguards

^۳ - Ministry of Commerce

^۴ - The Board for the Evaluation of Safeguard Measures for Imports

^۵ - The National Tariff Commission

کافی مبنی بر احراز ادعای خواهان ها و یا انتساب لطمه به خواندگان دعوی، رسیدگی ادامه نیافته و طبیعتاً اقدامات حفاظتی اتخاذ نخواهد شد.

مرجع رسیدگی جهت صدور تصمیم مکلف است تحقیقاتی مناسب را در خصوص موضوع انجام دهد و اتخاذ تصمیم نباید بر مبنای فرضیات و حدسیات باشد؛ از این رو، مرجع باید اطلاعاتی ای برای طرفهای دعوی فرستاده شده تا کلیه اسناد و مدارک مربوط به موضوع دعوی و دفاعیات لازم و نقطه نظرات آنها به مرجع تقدیم شود. هرگونه اطلاعاتی که ماهیتاً محرمانه بوده و یا با اتکا به محرمانه ماندن آن ارائه شده باشد، باید از طرف مقامات مرجع صالح، محرمانه تلقی شده و در حفظ محرمانگی آن کوشش لازم صورت پذیرد. این اطلاعات نباید بدون اجازه طرف ارائه دهنده آن افشا شود. البته مقامات مرجع می توانند از طرف ارائه دهنده بخواهند که خلاصه ای غیرمحرمانه از اطلاعات مزبور ارائه کنند اما اگر صاحب اطلاعات مایل به علنی کردن آنها و ارائه خلاصه غیرمحرمانه نباشد، مرجع می تواند از اطلاعات مزبور صرفنظر کند.

قواعد مربوط به مرحله آغاز رسیدگی و انجام تحقیقات، در ماده ۳ موافقت نامه حفاظتها تصریح شده و فصل دوم قانون چین (شامل مواد ۳ تا ۱۵)، مواد ۴ تا ۶ قانون ترکیه و بخش ۴ قانون پاکستان (شامل مواد ۷ تا ۱۷)، به تبعیت از موافقت نامه حفاظتها، قواعد یکسانی را پیش بینی نموده اند.

۴- احراز شرایط لازم برای اتخاذ اقدامات حفاظتی:

مرجع صالح باید با توجه به مدارک و دلایل موجود و تحقیقات به عمل آمده، شرایط سه گانه اتخاذ اقدامات حفاظتی را احراز نماید. در موافقت نامه حفاظتها، پیش شرط اصلی اتخاذ اقدامات حفاظتی برای یک محصول خاص آن است که افزایش مطلق واردات آن محصول و یا افزایش واردات آن نسبت به تولید داخلی منجر به لطمه جدی و یا خطر بروز آن برای صنعت داخلی گردد (ماده ۲ موافقت نامه). بر این اساس، سه پیش شرط اصلی برای اتخاذ اقدامات حفاظتی عبارتند از:

- *افزایش (مطلق یا نسبی) واردات*: قید افزایش نسبی از آن رو آمده است که حتی اگر واردات، کاهش یابد، اما کاهش آن، کمتر از کاهش تولید داخلی باشد، افزایش نسبی واردات رخ داده و یکی از شروط اتخاذ اقدام حفاظتی محقق شده است.

الف) بروز لطمه جدی و یا خطر بروز آن برای صنعت داخلی:

مقصود از " لطمه جدی " وارد آمدن زیان کلی قابل ملاحظه به یک صنعت داخلی است و " خطر لطمه جدی " قریب الوقوع بودن واضح آن است که به اتکای واقعیات و نه صرفاً بر مبنای ادعا، حدس یا احتمال بعید مشخص می‌گردد. برای تشخیص لطمه جدی، باید صنعت داخلی به عنوان یک کل در نظر گرفته باشد که پیش از این، به تعریف آن اشاره شد.

ب) وجود رابطه علی میان افزایش واردات و لطمه مزبور:

در تشخیص رابطه علی، مقامات ذی صلاح تمام عوامل مربوط به ماهیت عینی و کمیت پذیر که بر موقعیت آن صنعت تاثیر داشته است، بویژه نرخ و میزان افزایش در واردات آن محصول به طور مطلق و به طور نسبی، سهمی از بازار داخلی که واردات افزایش یافته به خود اختصاص داده است، تغییرات در سطح فروش، تولید، بهره وری، نرخ استفاده از ظرفیت تولیدی، سود و زیان و اشتغال را مورد ارزیابی قرار خواهند داد. این تحقیق باید بر مبنای شواهد عینی، وجود رابطه علی میان افزایش واردات محصول و لطمه جدی یا خطر ناشی از آن را اثبات کند. هنگامی که هم زمان، عواملی غیر از افزایش واردات، سبب وارد آمدن لطمه به صنعت داخلی شده باشد این لطمه به افزایش واردات منتسب نخواهد شد. بنابر این اتخاذ اقدامات حفاظتی تنها پس از انجام تحقیقات مزبور مجاز خواهد بود.

برای احراز شرایط اضطراری و اتخاذ اقدامات حفاظتی، علاوه بر سه شرط فوق الذکر (مندرج در ماده ۲ موافقت نامه حفاظتها)، شرط اضافه ای نیز در ماده ۱۹ گات ذکر گردیده است مبنی بر اینکه لطمه مزبور باید در نتیجه تحولات غیر قابل پیش بینی و تعهدات اعضا (در گات) از جمله امتیازات تعرفه ای بوجود آمده باشد.

پرسش مهمی که در اینجا مطرح می گردد این است که با توجه به عدم ذکر شرط اخیر الذکر در موافقت نامه حفاظتهای WTO، آیا مرجع رسیدگی باید به این شرط مذکور در گات نیز توجه کرده و شرط را نیز لحاظ کرده یا اینکه سکوت موافقت نامه نسبت به این شرط، حاکی از عدم اعتبار آن است؟

در خصوص این موضوع، مدتها میان اعضا اختلاف نظر وجود داشت تا اینکه رکن استیناف سازمان جهانی تجارت، به مناقشه بر سر اعتبار شرط "تحولات غیر قابل پیش بینی" پایان داده و آنرا الزامی تلقی کرده است؛ با این حال و برغم این رای باید خاطر نشان ساخت که مقررات ملی بسیاری از کشورها همچنان فاقد این شرط هستند؛ برای مثال ماده ۲ قانون چین، ماده ۳ قانون ترکیه و ماده ۳ فرمان پاکستان هر چند به شروط سه گانه برای اتخاذ اقدام حفاظتی تصریح کرده اند اما فاقد شرط تحولات غیر قابل پیش بینی هستند.

ب- مرحله حین رسیدگی

در شرایطی کاملاً اضطراری که جریان رسیدگی و انتظار برای تصمیم نهایی در مورد اتخاذ اقدامات حفاظتی، سبب ورود خساراتی به صنعت داخلی می گردد که جبران آن مشکل است، مرجع رسیدگی می تواند بنا به تشخیص اولیه خود و در صورت وجود شواهدی روشن دال بر اینکه افزایش واردات، سبب لطمه جدی شده یا خطر ایراد چنین لطمه ای را بوجود آورده است، دست به اقدام حفاظتی موقتی^۱ بزند. مدت این اقدام بنا به حکم مقرر در ماده ۶ موافقت نامه حفاظتها، از ۲۰۰ روز تجاوز نمی کند.

چنانکه پیش از این اشاره شد، حفاظتها در دو قالب افزایش تعرفه و وضع محدودیتهای مقداری صورت می پذیرد اما باید دانست که اقدام موقتی تنها به شکل افزایش تعرفه خواهد بود و اگر در تحقیقات بعدی مشخص گردد که افزایش واردات، سبب لطمه جدی به صنعت داخلی نشده و یا خطر ایراد چنین لطمه ای را بوجود نیاورده است، باید فوراً تعرفه افزایش یافته کاهش یابد زیرا افزایش تعرفه ها، اقدامی استثنایی بوده و تنها در موارد خاص و جهت رفع زیان وارده یا رفع خطر ایراد لطمه، قابل اتخاذ است؛ در نتیجه، با عدم تحقق شروط فوق، امکان اتخاذ این امر استثنایی وجود ندارد.

مقررات راجع به اقدام حفاظتی موقتی در مواد ۱۶ تا ۱۸ قانون چین، ماده ۹ قانون ترکیه و مواد ۱۹ تا ۲۱ فرمان پاکستان، مذکور افتاده است که به علت شباهت کلیات این مواد با ماده ۶ موافقت نامه، از ذکر آنها خودداری می گردد.

^۱ - Provisional Safeguard Measures

ج- مرحله پس از رسیدگی

پس از اینکه شرایط لازم برای اتخاذ اقدامات حفاظتی احراز گردید، مقامات مرجع رسیدگی و از جمله نماینده گمرک، درباره نوع اقدامات حفاظتی نهایی^۱ یعنی افزایش تعرفه ها به بالاتر از نرخهای تثبیت شده یا وضع محدودیت های مقداری بر واردات - تصمیم می گیرند. چنانچه این اقدامات بخواهد در قالب محدودیت های مقداری صورت گیرد، سطح این محدودیت ها نباید پایین تر از سطح واردات تحقق یافته در سه سال آخر باشد، مگر آنکه توجیه واضحی برای سطوح پایین تر وجود داشته باشد. اعمال اقدامات حفاظتی بایستی به نحو غیر تبعیض آمیز صورت گیرد. در عین حال ممکن است اقدامات حفاظتی با تخصیص سهمیه هایی به کشورهای عرضه کننده، با توافق با آنها و یا بر اساس سهم آنها در واردات، با لحاظ عوامل خارجی موثر یا متاثر صورت گیرد. اعمال این سهمیه ها نباید به نحو تبعیض آمیز به یک یا چند کشور محدود گردد. مگر آنکه واردات از آن کشورها نسبت به نرخ رشد کل واردات محصول ذی ربط در دوره نمونه، رشد نامتناسبی را نشان دهد. اقدامات حفاظتی نسبت به واردات از کشورهای در حال توسعه ای که سهم آنها از واردات کمتر از ۳ درصد باشد صورت نمی گیرد مگر آنکه این قبیل کشورها مجموعاً بالغ بر ۹ درصد واردات را در اختیار داشته باشند. این موضوع در بند ۱ ماده ۹ موافقت نامه حفاظتها تصریح شده و در مواد ۱۹ تا ۲۵ قانون چین، ماده ۱۰ قانون ترکیه و مواد ۲۳ تا ۳۳ فرمان پاکستان با زبانی متفاوت اما حاوی مفهومی یکسان بیان شده است.

در مورد مدت اعمال اقدامات حفاظتی باید گفت: اقدامات حفاظتی تنها تا زمانی که برای جبران یا جلوگیری از لطمه جدی و تسهیل تعدیل، لازم باشند اعمال می گردند. این زمان، که دوره اعمال اقدام موقتی را نیز شامل می گردد، متجاوز از ۴ سال نخواهد بود مگر آنکه تمدید گردد. این مدت در بندهای ۱ و ۲ ماده ۷ موافقت نامه حفاظتها، ماده ۲۶ قانون چین، ماده ۱۱ قانون ترکیه به عینه تصریح شده است، اما بند ۱ ماده ۳۴ فرمان پاکستان به مدت ۳ سال اشاره کرده است.

^۱ - Final(Definitive) Safeguard Measures

کل دوره اعمال اقدامات حفاظتی با احتساب هرگونه تمدید، از هشت سال (و برای کشورهای در حال توسعه از ۱۰ سال) تجاوز نخواهد کرد. این تمدید خود منوط به تشخیص لزوم ادامه اقدام حفاظتی برای جبران یا جلوگیری از لطمه جدی است و باید شواهدی نیز مبنی بر اینکه صنعت مورد نظر در حال تعدیل است وجود داشته باشد. به منظور تسهیل تعدیل، چنانچه مدت اقدام حفاظتی بیش از یک سال باشد، در طول دوره اعمال اقدام حفاظتی و در فواصل منظم به طور روز افزونی آزاد سازی صورت می‌گیرد. اقدام حفاظتی تمدید شده، محدود کننده تر از اقدام اولیه نخواهد بود و آزاد سازی درخصوص آن ادامه خواهد یافت. هیچ اقدام حفاظتی درخصوص یک محصول پس از پایان یافتن، در فاصله زمانی معادل با مدت اعمال پیشین، مجدداً اعمال نخواهد گردید. درخصوص کشورهای در حال توسعه، مدت عدم اعمال معادل نیمی از مدت اعمال پیشین است. به علاوه، دوره عدم اعمال در هر حال نباید کمتر از دو سال باشد مگر آنکه اقدام حفاظتی پیشین به مدت ۶ ماه و یا کمتر اعمال گردیده باشد و بیش از دوبرار در پنج ساله گذشته تکرار نشده باشد. در چنین صورتی دوره عدم اعمال، یک سال خواهد بود.

نکته مهم دیگر در مورد اتخاذ اقدامات حفاظتی این است که کشوری که درصدد اتخاذ اقدامات حفاظتی است، باید بکوشد سطح معادلی از امتیازات اعطایی و تعهدات خود را نسبت به دیگر اعضا حفظ کند؛ به عبارت دیگر، انتظار می‌رود که این کشور جبران تجاری مناسبی را به کشورهایی که منافع تجاری آنها به واسطه این اقدامات تحت تاثیر سوء قرار می‌گیرد پیشنهاد نماید. جبران عموماً امتیازی است که کشور خواهان اتخاذ اقدامات حفاظتی، به شکل کاهش تعرفه دیگر محصولات حائز اهمیت صادراتی برای کشورهایی که تجارتشان به خاطر این اقدامات محدود شده است اعطا می‌کند.

در مواردی که اقدام حفاظتی، در نتیجه افزایش مطلق واردات (و نه نسبت به تولید داخلی) صورت گرفته باشد، حق اقدام تلافی جویانه را نمی‌توان در سه ساله نخست اعمال اقدام حفاظتی اجرا نمود. بدین ترتیب می‌توان گفت اقدامات حفاظتی کمتر از سه سال مستلزم جبران نخواهد بود. به علاوه، اعضا می‌توانند مطابقت اقدام حفاظتی اتخاذ شده را با موافقت‌نامه از طریق توسل به ساز و کار حل اختلاف مورد چالش قرار

دهند. مقوله جبران، در مقررات ملی حفاظتی اغلب کشورها (از جمله چین، پاکستان و ترکیه) ذکر نشده است.

امکان اتخاذ اقدامات حفاظتی در شرایط اضطراری ناشی از ورود کالاهای ارزان قیمت، طرح این سوال اساسی را به دنبال دارد که اگر در شرایطی خاص، در برابر ورود کالاهای مزبور - که به صنعت داخلی کشور لطمه وارد می‌کند- هم امکان استفاده از اقدامات ضد دامپینگ و هم اقدامات حفاظتی باشد، استفاده از کدام مکانیزم، مناسب تر است یا اقدامات حفاظتی؟

در پاسخ باید گفت که با عنایت به تطبیق این دو مکانیزم و بررسیهای انجام شده، استفاده از اقدامات ضد دامپینگ می‌تواند مناسب تر باشد چرا که اقدامات حفاظتی بر خلاف اقدامات ضد دامپینگ اساساً به نحو غیر تبعیض آمیز- و نه خاص یک کشور - بکار بسته می‌شوند و به علاوه، صرفاً نیازمند اثبات لطمه جدی- و نه لطمه مهم- هستند؛ وانگهی، آمار نشان می‌دهد که اقدامات ضد دامپینگ در سالهای اخیر، نزدیک به ۲۰ برابر بیشتر از اقدامات حفاظتی به کار بسته شده‌اند^۱. دبیرخانه سازمان جهانی تجارت در ۲۹ نوامبر ۲۰۰۶ (۸ آذر ۱۳۸۵) آخرین آمار اقدامات حفاظتی را که توسط اعضای این سازمان براساس موافقت نامه حفاظتها گزارش شده بود، منتشر کرد. براساس این آمار، از اول ژانویه ۱۹۹۵ تا ۲۳ اکتبر ۲۰۰۶، کلاً ۱۵۵ تحقیق حفاظتی توسط اعضا آغاز شده که ۷۶ تحقیق به اقدام حفاظتی منجر شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود این ارقام بسیار کمتر از تحقیقات و اقدامات ضد دامپینگ هستند. (از اول ژانویه ۱۹۹۵ تا ۳۰ ژوئن ۲۰۰۶، ۲۹۳۸ تحقیق ضد دامپینگ توسط اعضا سازمان جهانی تجارت آغاز شده که ۱۸۷۵ تحقیق منجر به اقدام نهایی ضد دامپینگ شده است)، تحقیقات و اقدامات حفاظتی هم به نسبت کمتر از اقدامات جبرانی صورت گرفته در این مدت هستند) در طول این مدت ۱۸۳ تحقیق جبرانی و ۱۱۳ اقدام جبرانی توسط اعضا سازمان جهانی تجارت اتخاذ شده است (از اول ژانویه تا ۲۳ اکتبر ۲۰۰۶، ۱۳ تحقیق حفاظتی جدید صورت گرفته است. تعداد تحقیقات حفاظتی در سال ۲۰۰۲ با ۳۴ تحقیق به اوج رسید. اما این رقم از آن زمان به بعد با ۱۵، ۱۴ و ۷ تحقیق در سالهای ۲۰۰۳، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵، در حد پایینی قرار داشته است. از سال ۱۹۹۵

^۱ -See: http://www.irtr.gov.ir/Pages/NewsLetter_View.asp?key=23-89

تا اکتبر ۲۰۰۶، هند با ۱۵ تحقیق حفاظتی مقام اول را به خود اختصاص داده است. شیلی و اردن هر کدام با ۱۱ تحقیق و ترکیه و ایالات متحده آمریکا هر کدام با ۱۰ تحقیق در مقام‌های بعدی قرار دارند. 13 تحقیقی که اخیراً (از اول ژانویه تا ۲۳ اکتبر ۲۰۰۶) گزارش شده توسط چند کشور از جمله ترکیه (۵ تحقیق) آغاز شده است.

درخصوص اعمال اقدامات حفاظتی نهایی، از اول ژانویه تا ۲۳ اکتبر ۲۰۰۶، کلاً ۶ اقدام گزارش شده که از این تعداد ترکیه ۴ اقدام را اتخاذ کرده است. این رقم حدوداً مشابه ۴ و ۶ اقدام اتخاذ شده این کشور در سالهای ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ است. از سال ۱۹۹۵ هند با ۸ اقدام در مقام اول اتخاذ اقدامات حفاظتی قرار دارد. پس از آن، ترکیه (با ۶ اقدام) دارد.^۱

فصل دوم: نقش گمرک در اجرای اقدامات حفاظتی

پس از آن که مرجع رسیدگی به دعوا، تصمیم خود مبنی بر اتخاذ اقدامات حفاظتی را اعلام داشت، نوبت به مرحله اجرا می‌رسد. در این مرحله نیز مقامات گمرکی، همانند اقدامات ضددامپینگ و اقدامات جبرانی، مسوولیت اجرای تصمیم اتخاذ شده را دارا می‌باشند.

در صورتی که تصمیم مرجع رسیدگی به افزایش تعرفه باشد، گمرک با افزودن مبلغ اضافه شده به سایر تعرفه‌ها، تعرفه اضافه شده را وصول می‌کند. همچنین در مواردی که تصمیم مرجع، وضع محدودیت مقداری باشد، گمرک وظیفه اجرای این تصمیم و کنترل رعایت محدودیت وضع شده را بر عهده دارد.

موافقت نامه حفاظتهای WTO، سخنی از اجرای تصمیم و تفویض این وظیفه به مقامات گمرکی اعضا ندارد، اما قانونگذار داخلی اغلب کشورهای عضو، این نقش را به مقامات گمرکی سپرده اند چرا که اولاً: در شرایط عادی نیز وظیفه وصول تعرفه و کنترل ورود کالا با محدودیت خاص، بر عهده گمرک است؛ ثانیاً: نماینده گمرک خود جزو مرجع رسیدگی بوده و کاملاً در جریان ابعاد و مفاد تصمیم اتخاذ شده قرار دارد در نتیجه، معضلاتی چون توقف اجرا ناشی از ابهام در مفاد تصمیم، پیش نخواهد آمد.

^۱ - دفتر نمایندگی تام الاختیار تجاری، *خبرنامه سازمان جهانی تجارت*، شماره ۸۹، سال دهم، آذرماه سال ۱۳۸۵.

در چین، قانون مقررات جمهوری خلق چین راجع به اقدامات حفاظتی مصوب ۲۰۰۴ علاوه بر آنکه از نقش گمرک در تشخیص اقدامات حفاظتی سخن می گوید(ماده ۸-B)، به نقش این نهاد در اجرای تصمیمات مرجع رسیدگی نیز تصریح کرده است. مطابق ماده ۱۷ این قانون، «گمرک، تصمیم مرجع رسیدگی در خصوص اقدامات حفاظتی موقتی را اجرا خواهد کرد.» همچنین بر اساس ماده ۲۰ این قانون، «گمرک تصمیم مرجع رسیدگی در خصوص اقدامات حفاظتی نهایی را اجرا خواهد کرد.» به علاوه شق b قسمت ۲ بند ۲ ماده ۳ قانون تعرفه گمرکی گمرک را مرجع قانونی اجرای اقدامات حفاظتی می داند. مطابق این بند، «گمرک، مسوول وصول تعرفه های حفاظتی خواهد بود.»

در ترکیه نیز، قانونگذار در قالب ماده ۱۷ قانون راجع به اقدامات حفاظتی، به نوعی به نقش گمرک در تشخیص ضرورت اقدامات مزبور اشاره کرده است با این حال، در قانون امور گمرکی مصوب ۱۹۹۹، نقش نهاد مزبور در اجرای اقدامات اتخاذ شده تصریح نشده است اما می توان آن را از مفاد احکام کلی همانند مواد ۱-۱۹۵، ۱۰ و ۱۵ استنباط کرد. مطابق ماده ۱-۱۹۵، «هرنوع و هر میزان عوارض که توسط یک مقام اداری ارزیابی و تعیین شده است، داخل در عوارض گمرکی است.» و بر اساس ماده ۱-۱۵: «عوارضی که قانوناً وضع می شوند، جزء عوارض گمرکی محسوب و وصول می گردند.»

در پاکستان نیز نقش گمرک در تشخیص اقدامات حفاظتی در فرمان حفاظتها تصریح شده و در شق b بند ۲ ماده ۱۸ و شق c بند ۲ ماده ۲۸ فرمان مذکور، مقرر شده است: «وصول عوارض حفاظتی موقتی و نهایی به همان شیوه مقرر در قانون امور گمرکی است.» و ماده B-۱۹۵ قانون امور گمرکی اصلاحی ۲۰۰۶ به وظیفه گمرک در اجرای این اقدامات تصریح کرده است. توصیه می شود که این رویه منطقی از سوی قانونگذار ایرانی رعایت گردد.

فصل سوم: جایگاه موضوع در حقوق ایران

الف- بررسی مقررات موجود

برغم تاکید بند ح ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم توسعه کشور، دولت را مکلف ساخته است تا تدابیر و اقدامات حفاظتی را به منظور تقویت توان رقابتی محصولات کشور اتخاذ نماید و با وجود آن که تهیه قوانین و مقررات منسجم و روشن در این زمینه، بی تردید یکی از تدابیر ضروری و موثر به شمار می آید، اما متأسفانه در کشور ما قانون یا ماده ای که از امکان اتخاذ اقدامات حفاظتی، مرجع رسیدگی به دعاوی مرتبط، مرجع اجرای تصمیمات اتخاذ شده و... پرداخته باشد، وجود نداشته و قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۰ نیز در این زمینه ساکت است. البته مضرات ناشی از این خلا قانونی شاید تاکنون احساس نشده است زیرا کشور ما متعهد به حفظ تعرفه های تثبیت شده و خودداری از وضع محدودیتهای مقداری نبوده و در مواقع اضطراری می توانسته است براحته تعرفه ها را افزایش داده یا محدودیتهای مقداری وضع کند. اما در صورت الحاق ایران به WTO و پذیرش تعهد به حفظ تعرفه های تثبیت شده و خودداری از وضع محدودیتهای مقداری، تنها به عنوان استثنا و در شرایطی خاص می تواند از اقدامات حفاظتی جهت عدول از دو تعهد مزبور بهره گیرد که با توجه به خلا قانونی در کشور ما، مشخص نیست چه مرجعی و به استناد چه قانون و ماده ای قادر به اتخاذ اقدامات حفاظتی و اجرای آنها در برابر واردات لطمه زننده خواهد بود و در آن زمان است که صنایع داخلی کشور بدون آن که از پشتوانه حقوقی برخوردار باشند، تنها ناگزیر از تحمل لطمه وارده خواهند بود.

ب- بررسی لایحه امور گمرکی

متأسفانه لایحه امور گمرکی که باید متنی جهت رفع خلاهای موجود بوده و در راستای تحقق برخی اهداف برنامه چهارم توسعه باشد، نتوانسته در انجام رسالت خود در زمینه حفاظتها موفق باشد و تهیه کنندگان این لایحه بدون توجه به اهمیت حفاظتها و نقش مهمی که گمرک در اتخاذ و اجرای اقدامات حفاظتی بر عهده دارد، حتی اشاره ای به این مبحث نداشته و سکوت حقوق ایران در این زمینه را ادامه داده اند. بی گمان وجود این ایرادات اساسی باعث می گردد که هدف لایحه مورد بحث- که همانا رفع خلاها و نارساییهای حقوقی مرتبط بویژه قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۰ بوده است- بدرستی محقق نگردد. این

لایحه در صورت تصویب شدن به همین صورت و عدم توجه به بحث اقدامات حفاظتی، نمی تواند برای صنایع داخلی ایران در مواجهه با واردات لطمه زننده بویژه پس از الحاق به WTO و ورود به بازار آزاد رقابتی، پشتوانه حقوقی باشد.

ج- ارائه پیشنهاد جهت ترسیم وضعیت مطلوب

برای ترسیم وضعیت مطلوب پیشنهاد می گردد که در لایحه مورد بررسی، ماده ای گنجانده شده و در آن، به وظیفه گمرک در اجرای اقدامات حفاظتی تصریح گردد؛ همچنین با عنایت به فقدان قانون خاص در ایران در مورد اتخاذ اقدامات حفاظتی، مناسب است که در این لایحه، با اضافه شدن بخش وظایف و اختیارات گمرک، در زیر مجموعه این بخش، بندی با این مضمون افزوده شود:

« گمرک، وظیفه اجرای تصمیم اتخاذ شده راجع به اقدامات حفاظتی شامل وضع محدودیتهای مقداری یا

افزایش مشخص تعرفه های تثبیت شده را حسب مورد بر عهده دارد.»

همچنین پیشنهاد می گردد که قانون خاصی در مورد اتخاذ اقدامات حفاظتی تدوین گردد که این مسیر را می توان با استفاده از موافقت نامه حفاظتها- که حاوی مقررات الگو است- و نیز مطالعه تطبیقی در قوانین چند کشور منتخب کوتاه تر نمود همچنان که قانونگذار ترکیه، چین و پاکستان همین مسیر را پیموده اند.

در مورد مرجع رسیدگی به دعاوی راجع به حفاظتها نیز توصیه می شود که هرچند در برخی کشورها مانند چین و ترکیه، مرجع رسیدگی به این دعاوی با مرجع رسیدگی به دعاوی راجع به یارانه یا دامپینگ، متفاوت است، اما به منظور جلوگیری از تشریفات و تعدد مراجع رسیدگی و با توجه به کمبود متخصص در کشور در این زمینه، یک مرجع برای رسیدگی به هر سه دعوی (دعاوی راجع به، حفاظتها، یارانه و دامپینگ) پیش بینی گردد (همچنانکه در پاکستان این گونه است). پیشنهاد می گردد که نماینده گمرک جزء یکی از اعضای مرجع رسیدگی باشد. همچنین کارشناسانی در مورد ابعاد فنی این سه موضوع آموزش داده شوند؛ افرادی نیز از گمرک ایران نیز با مفاهیم و کاربردها و ابعاد حقوقی این موضوعات آشنا گردند.

گفتار سوم : وظائف گمرک در
تسهيلات تجاري

مقدمه

به طور کلی رویه‌ها و الزامات اسنادی برای تجارت بین‌الملل را دولت‌ها باین دلیل اعمال می‌نمایند که نقل و انتقال کالاها، خدمات و جریان‌های مالی مربوط به آن‌ها را تحت کنترل و نظارت داشته باشند. اتخاذ این رویه‌ها برای هر کشور از نظر تطبیق خود با الزامات خاص قانونی کشور نظیر درآمدهای تعرفه‌ای کنترل واردات به طور کلی و کنترل نقل و انتقالات به درون و خارج از مرز مواد مخدر، تسلیحات، گونه‌های گیاهی تحت حمایت، زباله‌های خطرناک و سایر مواد تحت کنترل و نیز تحصیل اطلاعات برای مقاصد آماری ضروری است. اما آن چه مهم است و در نظام جدید تجارت بین‌الملل بر آن تاکید می‌گردد. این است که اعمال این رویه‌ها و الزامات اسنادی نباید به صورت عامل باز دارنده بر سر راه تجارت عمل نماید بلکه باید در اعمال آن‌ها نهایت دقت به عمل آید که تجارت تسهیل شده و مقررات بنحوی باشد که ضمن رعایت آن‌ها کارآئی تجارت افزایش یابد.^۱ رویه‌های گمرکی پیچیده و غیر شفاف سبب به وجود آمدن هزینه اداری بسیار بالا می‌گردد در برخی از مطالعات این هزینه‌ها به ۷ تا ۱۰ درصد تجارت جهانی تخمین زده شده‌اند.^۲ هزینه‌های تجارت که هزینه‌های حمل و نقل، الزامات اسنادی و تاخیر و توقیف کالاها در مرزها را شامل است به همان اندازه موانع سنتی بر سر راه تجارت یعنی موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای نظر نویسندگان و دست‌اندرکاران در تجارت بین‌الملل و سازمان‌های بین‌المللی ذیربط را به خود جلب نموده است. زمانی که موانع گمرکی تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای در یک کشور یا به ابتکار خود و یا در قالب ترتیبات مختلف ادغام و همگرایی‌های اقتصادی و آزادسازی‌های تجاری در اجرای الزامات سازمان جهانی تجارت حذف شود آنگاه

^۱. Trade Facilitation Handbook for the Greater Mekong Subregion, ESCAP.U.N.

^۲. ESCAP, Training Material on Increasing Capacities in Trade and Investment Promotion, 2001.

واردکنندگان و صادرکنندگان به دنبال کشورهایی می‌گردند که دارای رویه‌ها و مقررات تجاری شفاف و ساده بوده و از نامعلومی‌ها به دور باشند. بنابراین به همان اندازه که آزادسازی تجاری برای رونق تجارت بین‌الملل دارای اهمیت است تسهیل رویه‌های تجاری نیز مهم است. زیرا عدم وجود تسهیل تجاری علاوه بر این که سبب گرانتر شدن کالاها می‌گردد بر جریان رقابت در سطح بین‌المللی نیز تاثیر منفی می‌گذارد و در نتیجه از رفاه عمومی می‌کاهد.

از جانب دیگر توان کشورها برای ارائه به موقع و سر وقت کالاها و خدمات و با هزینه کم عامل اساسی و تعیین‌کننده نحوه مشارکت آنان در اقتصاد جهانی است. جریان نقل و انتقال سهل و راحت کالاها و خدمات محققاً به توان رقابتی صادراتی کشورها کمک می‌نماید.^۱ هرچقدر در برابر صادرات یک شریک تجاری موانع مقرراتی و نامعلومی‌ها و عدم شفافیت‌ها بیشتر باشد و تشریفات گمرکی زیادتر و پرهزینه‌تر بوده و با وسایل و ابزار قدیمی‌تر و سنتی‌تر همراه و در نتیجه پرهزینه‌تر و زمان‌برتر باشد مسلماً صادرات آن شریک تجاری گران‌تر تمام خواهد شد و توان رقابتی کشور صادرکننده را لااقل در ارتباط با کشور واردکننده تضعیف خواهد نمود که این تحول در راستای تجارت آزاد قرار ندارد.

همچنین تسهیل مقررات و رویه‌های تجاری بالاخص از بعد واردات نیز دارای اهمیت است و به اشاعه فن‌آوری‌های پیشرفته و سرمایه‌گذار خارجی کمک می‌نماید. در سال‌های آینده تسهیل تجاری و کسب و کار الکترونیکی تاثیر بیشتری برای تجارت جهانی خواهد داشت و این تاثیر به مراتب بیشتر از تاثیری خواهد بود که مذاکرات در سازمان جهانی تجارت بر جریان تجارت بین‌الملل می‌تواند داشته باشد.

به طور خلاصه می‌توان گفت که امروزه به اقدامات مربوط به تسهیل تجاری از نظر کاستن هزینه‌های معاملاتی که بر اثر اعمال مقررات اداری غیرضروری در مرزها در ارتباط با جریان کالاها و خدمات در بین خریداران و فروشندگان به وجود می‌آید نگرسته می‌شود. هدف اصلی تسهیل تجاری کاهش هزینه‌های تجاری بین‌الملل و در عین حال حفظ و اعتلای کارآئی کنترل‌های دولتی است.^۲ تحقیقات نشان می‌دهد که دست آوردهای رفاهی ناشی از روان‌سازی رویه‌های تجاری می‌تواند حتی از منافع حاصل از آزادسازی هم

^۱ . Trade Facilitation Handbook, op.cit

^۲ . ECE, "Trade Facilitation ... An Introduction to the Basic Concepts and Benefits" ECE/TRADE/289

بیشتر باشد. متوسط منافع حاصل از تسهیل تجاری در منطقه آسیا و اقیانوس آرام حداقل به ۰/۲۶ درصد تولید ناخالص داخلی واقعی آنها بالغ می‌گردد در حالی که منافع حاصل از آزادسازی تجاری فقط در حدود ۰/۱۴ درصد تولید ناخالص داخلی واقعی آن کشورها است.^۱ از آنجا که موضوع تسهیل تجاری و تصمیم‌گیری درباره کم و کیف آن در سازمان جهانی تجارت مطرح است و گمرک نیز مستقیماً در این ارتباط نقش آفرینی می‌نماید و در صورت الحاق به سازمان جهانی تجارت و تصویب موافقت‌نامه‌ای در آن سازمان در ارتباط با تسهیل تجاری، کشور ما نیز باید مقررات این موافقت‌نامه احتمالی را در لایحه امور گمرکی که تطبیق آن با مقررات سازمان جهانی تجارت موضوع بحث این تحقیق است لحاظ نماید، لذا در این بخش از تحقیق تسهیل تجاری در سازمان جهانی تجارت و مقررات پیش‌بینی شده در لایحه امور گمرکی در این باره مورد بررسی قرار گرفته است. ساختار بقیه مطالب این بخش به شرح زیر است:

در فصل دوم تعریف و اهمیت و منافع تسهیل تجاری ارائه خواهد شد. از آنجا که اتخاذ تدابیر تسهیل تجاری لاجرم با هزینه‌هایی نیز توأم است لذا در فصل سوم به نحو اجمال به برخی از این هزینه‌ها اشاره خواهد شد. در فصل چهارم شواهد تجربی مربوط به منافع و هزینه‌های مترتب بر تسهیل تجاری آورده می‌شود. فصل پنجم به بررسی سابقه تسهیل تجاری و تحولات آن در سازمان جهانی تجارت قبل از آغاز مذاکرات در این باره در سازمان مزبور اختصاص دارد. در فصل ششم مبانی و معیارهای مذاکرات به نحو مندرج در ضمیمه D سند معروف به بسته ژوئیه ارائه می‌گردد. در فصل هفتم تصویری از تحولات مذاکرات در سازمان جهانی تجارت در این باره و نیز مطالعه تطبیقی در ارتباط با پیشنهاد کشورها درباره دستور کار مذاکراتی ارائه خواهد شد. همچنین از آنجا که در دستور کار مذاکراتی به لزوم در نظر گرفتن نظرات و کارهای انجام شده توسط سایر مراجع بین‌المللی اشاره شده لذا فصل هشتم به این موضوع اختصاص داده شده است و بالاخره در فصل نهم انعکاس موضوع تسهیل تجاری به طور کلی در لایحه امور گمرکی مورد مطالعه و جهت‌گیری مطالب این لایحه درباره تسهیل تجاری با موضوعاتی در مذاکرات در

^۱ - APEC, The Impact of Trade Liberalization in APEC, 1998.

^۲- July Package

اطراف آن در سازمان جهانی تجارت مطرح است بررسی شده و در نهایت با توجه به مطالب فصول قبل نتیجه‌گیری ارائه شده است.

بخش اول: مفهوم و اهمیت و منافع تسهیل تجاری

فصل اول: تعریف تسهیل تجاری

به علت وسعت دامنه مقررات و رویه‌های تجاری در کشورهای مختلف و دیدگاه‌های متفاوت کشورهای در حال توسعه و پیشرفته در ارتباط با موضوعاتی که باید در تعریف فوق به عنوان مصادیق گنجانده شود، ارائه تعریف دقیق و جامع و مانع از تسهیل تجاری امکان‌پذیر نمی‌باشد و این امر بستگی به این دارد که تا چه حد دامنه رویه‌ها و مقررات تجاری را جزء مصادیق تسهیل تجاری قلمداد نماییم. هر چقدر این دامنه وسیع‌تر باشد تعریف تسهیل تجاری موسع‌تر خواهد بود.

در این میان آن چه مسلم است، این است که تسهیل تجاری شامل رویه‌ها و مقررات پس از عبور از مرز نیست. همچنین تعریف تسهیل تجاری شامل مذاکرات مربوط به کاهش‌های تعرفه‌ای، آزادسازی یا توسعه زیرساخت فیزیکی برای تجارت نظیر زیرساخت‌های حمل و نقل و بنادر در کشورها نمی‌باشد، بلکه منظور این است که قواعد و رویه‌های تجاری به صورت کارآتر در جهت کاهش هزینه‌های تجاری تکوین یافته و اعمال گردند تا موانع غیرضروری بر سر راه تجارت حذف شوند. با توجه به ملاحظات فوق می‌توانیم دو نوع تعریف را از تسهیل تجاری ارائه دهیم که عبارتند از:

الف) تعریف موسع. به معنای موسع تسهیل تجاری را می‌توان شامل انجام تسهیل در تمام تدابیر تنظیماتی و مقرراتی دانست که بر جریان صادرات و واردات تاثیرگذار است. از جمله این موارد می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

-تدابیر کنترلی گمرکی برای اطمینان یافتن از انطباق با قوانین و مقررات گمرکی و رعایت مفاد آنها

-تجدید نظر و تسهیل در رویه‌ها و مقررات گمرکی

-مقررات فنی برای اطمینان حاصل نمودن از این که استانداردهای اجباری برطبق مقررات در مورد کالاها اعمال می‌شود.

-بازرسی‌های دامپزشکی حیوانات و محصولات حیوانی و بازرسی‌های بهداشت نباتی

-سایر کنترل‌های کیفی برای اطمینان حاصل نمودن از این که کالاها با استانداردهای ملی و بین‌المللی مطابقت دارند.

-استفاده از تجارت الکترونیکی و اینترنت برای تسهیل تجاری^۱

تعریف دیگر در این ارتباط عقلانی و منطقی نمودن رویه‌ها و الزامات اسنادی برای تجارت بین‌المللی می‌باشد. تعریف موسع دیگر کاهش هزینه‌های معاملاتی است که همراه با هزینه‌های غیرضروری بر سر راه نقل و انتقالات مرزی کالاها و خدمات بین خریدار و فروشنده وجود دارد.

تعریف دیگر ناظر به اقدامات تسهیلی در جو و محیطی است که در آن هزینه‌های تجاری حادث می‌گردند. برای مثال گفته می‌شود که جو و محیطی که کارگزاران دولتی در آن حال و هوا دست‌اندرکار در تنظیم تجارت هستند اگر دارای شفافیت بوده و از فساد عاری باشد آن جو و محیط می‌تواند محیط مساعدی را برای تفهیل هزینه‌های تجاری ایجاد نماید و به همین علت می‌تواند از مصادیق تسهیل تجاری به حساب آید.

همچنین هم آهنگ‌سازی استانداردها و انطباق با نرم‌های بین‌المللی نیز که عامل مهمی در کاهش هزینه‌های تجاری است می‌توانند در تعریف تسهیل تجاری به معنای موسع گنجانده شود.^۲

Paul Kimberley, Robert Schware تسهیل تجارت را چنین تعریف می‌نمایند. برنامه‌های طرح

شده برای انجام نسریع در جریان بین‌الملل از طریق مدرن‌سازی و ساده‌سازی رویه‌های گمرکی، وصول و ایصال عوارض و سایر رویه‌ها که بار بین‌المللی و مسافران را شامل است. مصادیق تسهیل تجاری عبارتند از

^۱ - ITC/CS Business Guide to the World Trading System, 1999.

^۲ - Woo, Yuen Pau and Johns. Wilson(2000) Cutting Through Red Tape, New Directions For APECs Trade Facilitation Agenda, Asia Pacific Foundation of Canada, Vancouver.

تسهیل فرایندها، اتخاذ کدهای مورد قبول بین‌المللی برای پردازش رایانه‌ای و مبادله الکترونیکی داده‌ها (EDI) و تکنیک‌های الکترونیک برای تبادل اطلاعات.^۱

ب- **تعریف مضیق تسهیل تجاری.** در معنای مضیق تسهیل تجاری به صورت انجام کاهش یا تمشیت بخشی^۲ در لجستیک‌های نقل و انتقال کالا از بنادر یا در الزامات اسنادی در یک پست گمرکی در مرز تعریف می‌گردد. در همین ارتباط بسته به این که کدام یک از مصادیق تسهیل تجاری مورد نظر باشد تعاریف مضیق دیگری نیز از آن ارائه شده است.

لازم به ذکر است که همانطور که در قسمت‌های بعدی خواهد آمد در مساعی سازمان جهانی تجارت از تفسیر موسع پیروی نشده است بلکه به برخی از مصادیق تسهیل تجاری که کشورها منحصرأ بر اتخاذ مذاکرات بر روی آنها توافق داشته‌اند یعنی موضوعات مربوط به مواد ۵ و ۸ و ۱۰ گات پرداخته شده است.

بخش دوم: دیدگاه‌های مختلف درباره منافع تسهیل تجاری

تسهیل تجاری همانند آزادسازی تجاری یعنی کاهش یا حذف موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای دارای اثرات مساعدی بر گسترش تجارت و به تبع آن توسعه اقتصادی است مطالعات تجربی اثر مثبت بین تجارت و توسعه اقتصادی را تایید می‌نماید.^۳ همچنین از آن جا که تسهیل تجاری به گسترش واردات و صادرات یا به عبارت دیگر تجارت می‌انجامد لذا نقش تجارت به عنوان موتور رشد و توسعه اقتصادی را تقویت و به توسعه اقتصادی کمک می‌نماید.

تسهیل تجاری به استراتژی کلی توسعه‌ای کشورها نیز از طریق بهینه‌سازی زیر ساخت‌های تجاری و تکمیل مساعی مربوط به گسترش و تقویت نهادی کمک نموده و در نتیجه ارائه تصویری از یک نظام تجاری کارآمد را ممکن می‌سازد. تسهیل تجاری همچنین توسعه و اداره روابط تجاری را از طریق شفاف سازی

^۱ - Rohert Schware & Paul Kimberley, Information Technology and National Trade Facilitation, Guide To Best Practice, The World Bank Technical Paper Number 317, world Bank, Washing ton D.c.

^۲ - Streamlining.

^۳ - Sachs ,Jeffery D. and Andrew M. Warner (1995), "Economic Reform and The Process of Global Integration" Brookings, Papers on Economic Activity o (1): 1-95.

بیشتر در مقررات و رویه‌های تجاری و سازگار سازی آن‌ها با معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی و استانداردهای بین‌المللی تسهیل می‌نماید. همه این عوامل می‌تواند جو و محیط مساعدی را برای عملکرد بنادر و گمرک به وجود آورد. برخی از منافع تسهیل تجاری را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود:

مقدمتاً باید بگوییم که منافع تسهیل تجاری هم به دولت و هم به بازرگانان تعلق می‌گیرد کمیسیون اقتصادی اروپایی ملل متحد این منافع را به شرح زیر خلاصه نموده است:

منافع برای دولت‌ها

- ایجاد افزایش در اثربخشی تدابیر کنترلی
- تخصیص بهینه، کارآمد و موثرتر منابع
- اصلاح در درآمدهای استحصال
- ایجاد بهبود در امر اجرا و تطبیق با قوانین و قواعد تجاری
- توسعه اقتصادی سریعتر
- تشویق سرمایه‌گذاری خارجی

منافع برای بازرگانان

- کاهش هزینه‌ها و تاخیرها
- ترخیص سریعتر کالاها از طریق قابل پیش‌بینی شدن چگونگی مداخلات رسمی مامورین
- به وجود آمدن قالب و شالوده ساده تجاری برای انجام تجارت بین‌المللی
- افزایش یافتن قدرت رقابتی
- افزایش صادرات

ذیلاً برخی از این منافع با تفصیل بیشتر آورده می‌شود:

الف- رشد صادرات

با به وجود آمدن سازمان جهانی تجارت و فرایند جهانی شدن بسیاری از کشورها سیاست برون‌نگر یا گسترش صادرات را در پیش گرفته‌اند. این سیاست‌ها شامل ایجاد افزایش در فروش محصولات صادراتی و یا تولید کالاهای جدید برای بازارهای جدید است. هرچقدر کشورها از استراتژی توسعه صنعتی خوب و موثرتری برخوردار باشند و بتوانند محصولات صادراتی خود را با کیفیت بالاتر تولید نمایند ولی یک نظام تسهیل تجاری کاراً را فاقد باشند این نقیصه می‌تواند تحویل به موقع محصولات را به بازارهای جهانی مانع شده و به تاخیر اندازد. پر واضح است که چنین روندی توان صادرکنندگان را برای برآورد احتیاجات مشتریان در سایر کشورها تحت تاثیر منفی قرار می‌دهد و توسعه صادرات را با مشکل مواجه می‌کند.

همچنین واضح است که کشوری که در مرحله پیشرفته‌تر توسعه اقتصادی است اغلب دارای زیرساخت‌های بهتر فن‌آوری و فیزیکی و همچنین سرمایه انسانی بهتری است.

همچنین محیط مقرراتی و تنظیماتی نیز در آن کشور بیشتر به سمت و سوی آزادسازی مقررات و تسهیل رویه‌ها متمایل است که خود مبین محیط مساعد برای عملکرد کارآی بنادر و گمرک است. مطالعات انجام شده همبستگی مستقیم را بین شاخص کارآیی بنادر و محصول خالص سرانه نشان می‌دهد. همین مطالعات نشان می‌دهد که تاخیرها و وقفه‌ها در ترخیص گمرکی نیز در کشورهای جزء گروه کشورهای با درآمد پایین بیشتر رخ می‌دهد.^۱ در یک مطالعه انجام شده آمده است که متوسط روزها برای ترخیص گمرکی از طریق دریا برای آلمان کمتر از دو روز برای فرانسه دو روز، برای امریکا بیش از دو روز و برای هند و مصر و آرژانتین به ترتیب یازده و چهارده و پانزده روز است.^۲

ب- افزایش قدرت رقابتی

با به وجود آمدن سازمان جهانی تجارت و نظام جدید تجارت بین‌الملل یک صحنه بازی جدیدی ایجاد شده است. موانع تعرفه‌ای کاهش می‌یابد و موانع غیرتعرفه‌ای در حال حذف شدن هستند. در صورت پیاده شدن مقررات و الزامات موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت کشورها باید صادرات خود را رقابتی نمایند یا

^۱ - World Development Indicator 2001 and Global Competitiveness Report 2001.

^۲ - International Exhibition Logistics Associates

به عبارت دیگر کاراً عمل نمایند. یعنی هزینه‌ها را کاهش و کیفیت محصولات را اعتلاء دهند. باید در کالاهای موجود و خدمات بهبود حاصل شود و کالای جدید و بازارهای نو جستجو شود.

برای افزایش قدرت رقابتی یک عامل مهم اتخاذ سیاست ملی تسهیل تجاری است، یک نظام موثر و کارآی تسهیل تجاری به پایداری و داوم توان گسترش تجارت کمک می‌نماید. یک جو و محیط کارای تجاری به معنای ارائه خدمات کم هزینه و کاراً و واردات ارزان است. چنین محیطی تورم و در نتیجه هزینه تولید را کاهش می‌دهد. واردات مواد خام و اولیه برای بخش تولیدات صنعتی ارزانتر می‌شود. صادرات گران نمی‌شود و در نتیجه قدرت رقابتی با رقبا افزایش می‌یابد و با افزایش صادرات، ارز حاصله از آن سبب رونق اقتصاد داخلی می‌گردد و در نتیجه سطح زندگی تمام مردم اعتلاء می‌یابد.

ج- افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

سهم عمده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه در تولیدات صادراتی انجام می‌پذیرد و نه عمدتاً برای مصرف در بازار داخلی. از جانب دیگر بسیاری از این قبیل تولیدات احتیاج به نهاده‌های وارداتی دارند.

در نتیجه سرمایه‌گذاران خارجی قبل از اقدام به سرمایه‌گذاری توجهشان به این امر معطوف می‌گردد که چگونه می‌توانند واردات و صادرات خود را به سهولت و ارزان از کشوری انجام دهند به نحوی که فایده بر هزینه‌ها غالب باشد. بنابراین کشوری که خود را متعهد به تسهیل تجاری نموده باشد سهم بیشتری از این سرمایه‌گذاری‌ها در جهان را به خود اختصاص خواهد داد.

د- مشارکت بیشتر و فعال‌تر موسسات کوچک و متوسط (SMEs) در تجارت بین‌الملل

بسیاری از موسسات کوچک و متوسط که اغلب به آن‌ها به عنوان یک موتور عمده رشد و توسعه در کشورهای در حال توسعه نگریسته می‌شود تجربه‌ای در تجارت بین‌الملل ندارند. این موسسات هرگاه بخواهند مستقیماً وارد در امر صادرات و واردات گردند اغلب با مواجه شدن با رویه‌های تجاری پیچیده و غیرشفاف سردرگم و مایوس می‌گردند.

در چنین اوضاع و احوالی تسهیل تجاری از طریق روان سازی تجاری و شفاف سازی رویه ها می تواند به این موسسات کمک نماید تا از منافع تجارت بین الملل بهره مند گردند. چرا که هزینه معاملات آن ها کاهش می یابد و قدرت تطبیق و انطباق آنان با مقررات و رویه های تجاری کشورها اعتلاء می یابد.^۱

بخش سوم: هزینه های تسهیل تجاری

برخی از هزینه های انجام تسهیل تجاری به شرح زیر است:

۱- تغییر در رویه ها و طرز تلقی و تجدید ساختار نهادی

مهمترین هزینه مترتب بر تغییر ساختاری و نهادی این است که ممکن است برخی از کارکنان اخراج یا به کارهای دیگر گمارده شوند. زیرا وظایف محوله به آن ها پس از تسهیل تجاری وجود نخواهد داشت. با این وجود باید متذکر بود که همیشه تسهیل تجاری مترادف با بیکاری نیست.

۲- هزینه های اتوماسیون و کامپیوتری کردن

تسهیل تجاری معمولاً با اتوماسیون رویه های تجاری همراه است. هزینه های ایجاد نظام های تبادل اطلاعات الکترونیکی داده ها^۲ و شبکه های کامپیوتری داخلی می تواند برای برخی از کشورهای در حال توسعه بسیار بالا باشد. این هزینه ها هم از بعد سخت افزاری و نرم افزاری و هم از بعد نگهداری و بهنگام سازی آن ها دارای اهمیت هستند.

۳- از دست رفتن درآمد برای گمرک

این امر برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه که قسمت اعظم درآمدهای دولتی را از عوارض گمرکی تحصیل می نمایند نگران کننده است ولی این نگرانی تا حدی بی مورد است زیرا تسهیل تجاری لزوماً به معنای از دست رفتن عواید گمرکی نیست چرا که همین تسهیل تجاری گمرکی می تواند از طریق ایجاد افزایش در جریان های تجاری و واردات فرصت های بیشتری را برای وصول عوارض به وجود آورد که

^۱ . Trade Facilitation Handbook for ... op.cit

^۲ - Electronic Data Interchange (EDI)

البته بسته به ضریب کشش‌ها می‌تواند متفاوت باشد. به علاوه برخی از تدابیر تسهیل تجاری نظیر ممیزی پس از ترخیص^۱ نیز می‌تواند به تحصیل درآمد بیشتر برای گمرک منجر شود.

۴- انجام هزینه‌های زیرساختی و زیربنایی در گمرک و بنادر

۵- هزینه مربوط به تربیت نیروی انسانی لایق

در سال ۱۹۹۸ سازمان جهانی تجارت از واردکنندگان و صادرکنندگان خواست که مسایل عمده‌ای که به نظر آنان باید در تسهیل تجاری به آن‌ها پرداخته شود را شناسایی نمایند. برخی از نگرانی‌های عمده مشخص شده در آن زمان از طرف صادرکنندگان و واردکنندگان که رفع آن‌ها مستلزم صرف هزینه می‌باشد به شرح زیر است:

- الزامات زیاد از حد در مورد اسناد یا الزامات اسنادی

- نبود اتوماسیون و استفاده ناچیز از فن‌آوری اطلاعات

- فقدان شفافیت در مقررات و عدم وضوح در الزامات مربوط به صادرات و واردات

- ناکافی بودن رویه‌ها و مقررات و خصوصاً کنترل‌های ممیزی و تکنیک‌های محاسبه ریسک

- فقدان مدرن سازی و نبود همکاری فی‌مابین گمرک و سایر گارگزاران در بخش دولتی. برای مقابله با مشکلات فوق قبل از هر چیز دسترسی به نیروی انسانی ماهر است که تربیت آن‌ها مستلزم صرف هزینه می‌باشد.

صرف‌نظر از موارد فوق در تسهیل تجاری به معنای موسع اصولی باید رعایت شود که خود مستلزم صرف هزینه است. با استفاده از تدابیر اتخاذ شده در آپک این اصول را می‌توان به نحو اجمال به شرح زیر معرفی نمود:^۲

الف- رعایت اصل شفافیت

^۱ - Post Release Audits

یعنی رسیدگی به موضوع رعایت یا عدم رعایت قواعد تجاری و گمرکی پس از ورود یا صدور کالا.

^۲ - Trade Facilitation Hand book for The Greater Mekong Subregion. ESCAP, United Nations

به موجب این اصل اطلاعات درباره سیاست‌ها، قوانین تجاری و گمرکی، الزامات مربوط به اخذ مجوز و تأیید و تصدیق بایستی از طریق وسیله‌ای در سطح وسیع و بدون هزینه و یا با هزینه معقول در اختیار تمام طرف‌ها و به نحو مداوم و به موقع قرار گیرد. یکی از مشکلاتی که بازرگانان با آن مواجه هستند تحصیل اطلاعات تجاری و گمرکی است. در برخی موارد بازرگانان از قوانین جدید آگاه نمی‌شوند و بنابراین آمادگی قبلی لازم را نیز برای تطبیق با آن مقررات ندارند. لذا اصل مزبور روشن می‌سازد که دولت‌ها باید ساز و کار موثر انتشار به موقع اطلاعات را در اختیار داشته باشند تا تجار بتوانند خود را با الزامات مربوطه تطبیق دهند. مسلماً این امر سبب می‌شود که در هزینه‌ها و وقت تجار و مقامات صرفه‌جویی گردد.

ب- داشتن ارتباطات و برگزاری مشاوره‌ها و تبادل نظر با جامعه تجاری

دولت‌ها بایستی این قبیل اقدامات را تسهیل و ترویج نمایند. این گفتگوها می‌تواند زمینه ساز تعامل سازنده با ذینفعان به هنگام تدوین، اجرا و تجدید نظر در قوانین و رویه‌های مربوط به تجارت باشد.

ج- دولت‌ها باید قواعد و مقررات مربوط به تجارت را ساده سازند تا از ماهیت محدود کنندگی غیرضروری آن‌ها در نیل به اهداف مربوطه کاسته شود. این قواعد باید قابلیت اجرایی کاراً و کم هزینه را دارا باشند. این مطلب رفتار مربوط به تسهیل قواعد تجاری و بهبود در رویه‌های گمرکی و الزامات اسنادی را مطرح می‌سازد.

د- رعایت اصل عدم تبعیض یا اصل رفتار ملی^۱

به موجب این اصل قواعد و مقررات مربوط به تجارت بایستی به نحوی اعمال شوند که بین تولید کننده داخلی و خارجی تبعیضی وجود نداشته باشد.

ه- قابل پیش‌بینی بودن^۲ و رعایت ثبات در مقررات

به موجب این اصل قواعد مربوط به تجارت بایستی به نحو قابل پیش‌بینی، یکسان و با ثبات اعمال شود تا نامعلومی‌ها و نااطمینانی‌ها را در تجارت به حداقل برساند این قواعد بایستی راهنمایی دقیق و واضح را درباره اعمال رویه‌ها در اختیار مقامات قرار دهند تا از دخالت دادن سلیقه در تصمیم‌گیری‌ها خودداری شود و رویه‌ها و قوانین در مورد همه یکسان و بدون تبعیض اعمال گردد. یکی از شکایات شایع در بین

^۱ - National Treatment

^۲ - Predictability

دست‌اندرکاران تجاری این است که در قواعد و مقررات گمرکی اغلب کشورها شفافیت و وضوح کافی به چشم نمی‌خورد.

و- رعایت استانداردها و هم‌آهنگ سازی اقدامات

هر چند این امر مورد تأیید است که کشورها باید برای تحقق اهداف خود در زمینه‌هائی نظیر بهداشت، اخلاقیات عمومی، و حفاظت از منابع طبیعی فناپذیر قواعد و مقرراتی را وضع نمایند ولی بهتر است که این قوانین تا حد امکان با استانداردهای بین‌المللی منطبق و هم‌آهنگ باشند.

ز- مدرن سازی و استفاده از فن‌آوری جدید

در این باره قبلاً توضیح داده شده است.

ح- تهیه ساز و کار قضائی لازم برای احقاق حق شاکیان و طرفهای ذینفع

بخش چهارم: برخی شواهد تجربی درباره منافع و هزینه‌های مترتب بر

تسهیل تجاری

اغلب مطالعات تجربی نشان می‌دهد که بارعجمین شده با هزینه‌های حمل و نقل یا سایر هزینه‌های مربوط به تجارت و یا به عبارت دیگر دست‌آوردهای رفاهی ناشی از حذف این هزینه‌ها بسیار بالا است. برخی از مطالعات صرفاً هم خود را معطوف به یک جنبه یا یک قسمت از تسهیل تجاری یعنی تسهیل رویه گمرکی نموده‌اند در حالی که برخی دیگر تسهیل تجاری را به عنوان مساعی چند بعدی یا کوشش جمعی مدلسازی نموده‌اند.

هزینه‌های حمل و نقل در بسیاری از معاملات تجاری غیرقابل اجتناب است و معمولاً سهم عمده هزینه معاملات تجاری را تشکیل می‌دهند. برطبق مطالعات سال ۲۰۰۳ بانک جهانی^۱ هزینه‌های حمل و نقل به عنوان یک مانع تجاری بیشتر از هزینه‌های تعرفه‌ای برای ۱۶۸ شرکت تجاری در میان ۲۱۶ شریک تجاری امریکا بوده است. به علاوه میزان هزینه‌های حمل و نقل و موارد آن در کشورهای در حال توسعه به مراتب زیادتر است. یک مطالعه سال ۲۰۰۱ انجام شده توسط انکتاد هزینه‌های مترتب بر خدمات حمل و نقل هوایی و دریایی را مورد بررسی قرار داده است. مطالعه مزبور نشان می‌دهد که یک درصد در کاهش این هزینه‌ها در برخی از کشورهای آسیایی می‌تواند تولید ناخالص داخلی آن کشورها را حدود ۳/۳ میلیارد دلار افزایش دهد.

مدرن سازی تکنیک‌های گمرکی نیز می‌تواند هزینه‌های اداری گمرک را کاهش داده و تجارت را تسهیل نماید. نتایج یک مطالعه انجام شده توسط وزارت خارجه استرالیا و وزارت تجارت خارجی و همکاری اقتصادی چین در سال ۲۰۰۱ که منافع حاصل از بکارگیری فن‌آوری اطلاعات را در گمرک بررسی نموده

^۱ - Global Economic Prospects 2004: Realizing The Development Promise of The Doha Aqnda, World Bank, Washing ton D. C.

حاکی است که حرکت به سمت و سوی الکترونیکی کردن اسناد برای تجارت یا به عبارت دیگر تجارت بدون کاغذ باعث می‌گردد که به میزان ۱/۵ تا ۱۵ درصد در هزینه ۵۹ قلم کالاهای وارداتی کاهش ایجاد گردد.^۱

در مطالعه دیگری که در سال ۲۰۰۱ توسط Takura, Hertel و Walmsley^۲ صورت پذیرفته اثر اتخاذ استانداردهای هم‌آهنگ سازی بهتر برای تجارت الکترونیکی و اتوماسیون سازی رویه‌های گمرکی بین ژاپن و سنگاپور مورد بررسی واقع شده است. آن‌ها در این مطالعه به این نتیجه رسیده‌اند که انجام آن اصلاحات، جریان تجاری بین این کشورها و همچنین با بقیه جهان را گسترش خواهد داد.

رویه‌های گمرکی تسریع‌کننده ترخیص کالاها سبب می‌شود که از قدرت و اختیار مأمورین گمرکی در اعمال سلیقه‌های شخصی کاسته شود. بکارگیری سیستم‌های EDI یا تبادل الکترونیکی داده‌ها در گمرک شیلی به حدود ۱ میلیون دلار در ماه صرفه‌جویی منجر شده است.^۳ (WTO 2000)

مطالعه دیگری به صورت روشن هزینه‌های مترتب بر زمان را در مورد ظرفیت محدودبندی و ناکارایی‌های قواعد و رویه‌های گمرکی تخمین زده است. Hummels در مطالعه سال ۲۰۰۱ خود تخمین زده است که ترخیص یک روز زودتر خواه مربوط به دوره انتظار در بندر و یا تاخیر در ترخیص در گمرک به طور متوسط در جهان هزینه‌های ورود کالا را به ۰/۵ درصد کاهش خواهد داد.^۴ به موجب همین مطالعه اگر کشورهای در حال توسعه زمان اختصاص داده شده برای ورود کالا از (بندر و گمرک) را یکروز کاهش دهند سالانه ۲۴۰ میلیارد دلار هزینه و زیان‌ها را کاهش خواهند داد.

Otsuki و Wilson, Mann در مطالعه سال ۲۰۰۴ خود^۵ تسهیل تجاری را در چهار بعد مدلسازی نموده‌اند. که عبارتند از کارایی بندری، محیط گمرکی، محیط تنظیماتی و مقرراتی و زیرساخت بخش

^۱ - Australian Department of Foreign Affairs and Trade and Chinese Ministry of Foreign Trade and Economic Cooperation (2001), Paperless Trading : Benefits to APEC, Commonwealth of Australia.

^۲ - Hertel, Thomas W, Terne Walmsley and ken Ltakura (2001) "Dynamic Effect of The" New Age " Free Trade Agreement Between Japan and Singapore" Journal of Economic Integration V. 16.

^۳ - WTO2000 "Trade Facilitation : Chile,s Experioence With The Modernization of Customs Administration Based on The Use of Information Technology" (G/C/W/239).

^۴ - Hummels David (2001) Time as a Trade Barrier "Working Paper, Department of Economics, Purdue University, West Lafayette.

^۵ - Wilson John s. Calherine L. Mann, Tsunehiro Otsuki (2004) Assessing The Potential Benefits of Trade Facilitation: A glohal Perspective, Working Paper no. 3224, World Bank, Washington D.C.

خدمات. تجزیه و تحلیل آنان درباره ۷۵ کشور جهان نشان می‌دهد که رساندن کشورهای زیر خط متوسط به نصف خط متوسط جهانی در هر یک از ۴ مقوله تسهیل تجاری فوق تجارت جهانی را حدود ۳۷۷ میلیارد دلار یا ۹/۷ درصد افزایش خواهد داد. از این مبلغ ۱۰۷ میلیارد دلار آن (۲/۸ درصد) به نتایج حاصل از بهبود در کارائی بندری و حدود ۳۳ میلیارد دلار به نتایج حاصل از انجام بهبود در محیط گمرکی مربوط می‌گردد. منافع حاصله از قبل ایجاد بهبود در محیط تنظیماتی و مقرراتی ۸۳ میلیارد دلار برآورد شده است. اما بزرگترین دست‌آورد از ایجاد بهبود در زیر ساخت بخش خدمات و استفاده از تجارت الکترونیکی حاصل می‌گردد که به ۱۵۴ میلیارد دلار یا ۴ درصد بالغ می‌شود.

برخی از مطالعات نیز تاثیر تسهیل تجاری را بر کاهش کل هزینه‌های تجاری و بدون در نظر گرفتن سهم هر یک از طبقات چهارگانه فوق در قالب مدل بررسی نموده‌اند. آپک در مطالعه سال ۱۹۹۹^۱ باین نتیجه رسیده است که کاهش در هزینه‌های تجاری ناشی از تسهیل تجاری از میزان ۱ درصد در کشورهای صنعتی و کشورهای تازه صنعتی شونده کره، تاییه چین و سنگاپور تا ۲ درصد برای کشورهای در حال توسعه متغیر است. در این مطالعه تخمین زده شده است که صادرات کالائی آپک بر اثر انجام مساعی مربوط به تسهیل تجاری ۴/۳ درصد افزایش خواهد یافت.

Van Meijl و Tongerman, Francois در مطالعه سال ۲۰۰۳ خود^۲ تخمین زده‌اند که یک کاهش ۱/۵ درصدی در هزینه‌های مربوط به تجارت به ۷۸ میلیارد دلار افزایش در رفاه جهان منجر خواهد شد.

بر اساس مطالعه دیگر که به وسیله Yasui و Walkenhorst در سال ۲۰۰۳^۳ انجام گرفته منافع رفاهی در جهان حاصل از یک درصد کاهش در هزینه‌های مترتب بر تجارت به مبلغ تقریبی ۴۰ میلیارد دلار بالغ خواهد شد.

^۱ - Asia- Pacific Region, The Asia- Pacific Economic Cooperation (1999) Assessing APEC Trade Liberalization and Facilitation : 1999 Update, September 1999 APEC Singapore.

^۲-Francois, Van Meijl, and Van Tongeren (2003) Trade Liberalization and Developing Countries Under The Doha Round " CEPR Discussion Papers 4032 .

^۳ - Walkenhorst, Peter and Tadashi Yasui (2003) "Quantitative Assessement of The Benefits of Trade Facilitation" OECD.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این مطالعات به اندازه‌گیری منافع حاصل از مساعی مربوط به تسهیل تجاری تمرکز شده است ولی برآورد هزینه‌های مربوط به انجام تسهیل تجاری به وسیله کشورها که عمدتاً باید توسط کشورهای در حال توسعه انجام پذیرد مورد عنایت قرار نگرفته است در حالی که تجزیه و تحلیل این هزینه‌ها خصوصاً در مورد هزینه طرح‌های ظرفیت سازی برای تسهیل تجاری و سایر هزینه‌ها دارای اهمیت است و بدون در نظر گرفتن این هزینه‌ها تعیین با صرفه بودن توسل به اقدامات تسهیل تجاری به درستی قابل اندازه‌گیری نخواهد بود. با این همه در مطالعه‌ای که Yann Duval با توافق گروه تحقیقاتی خود انجام داده^۱ به برخی از این هزینه‌ها اشاره شده است. در این مطالعه وی با مطالعه و جمع‌بندی نظرات و پیشنهادهای واصله به گروه کاری کمیته مذاکرات تسهیل تجاری سازمان جهانی تجارت این پیشنهادات را داخل در ۱۲ معیار تسهیل تجاری طبقه‌بندی و برای هر طبقه پنج نوع هزینه را مورد مطالعه قرار داده است. نتیجه حاکی است که:

- ۱- برای بکارگیری اغلب معیارها یک هزینه شروع وجود دارد ولی این هزینه‌ها چندان بالا نخواهد بود.
- ۲- هزینه در مورد انجام معیارها یکسان نیست
- ۳- هزینه بسته به وضع کشورها از لحاظ ساختاری و زیربنایی یکسان نخواهد بود.
- ۴- در این مطالعه به طور کلی چهار نوع هزینه در پیشنهادات ارائه شده به گروه کاری به چشم می‌خورد که عبارتند از هزینه زیر ساختی، هزینه نیروی انسانی، هزینه قانون‌گذاری، هزینه مربوط به کاهش‌های درآمدی.

بخش پنجم: تسهیل تجاری و دستور کار سازمان جهانی تجارت

در سازمان جهانی تجارت موضوع تسهیل تجاری برای اولین بار در سال ۱۹۹۶ به صورت یکی از موضوعات مورد بحث در اجلاس کنفرانس وزرای سازمان جهانی تجارت در سنگاپور مطرح شد. تسهیل

^۱ - Yann Duval, Cost and Benefits of Implementing Trade Facilitation Measures Under Negotiations at WTO : An Exploratory Survey, Asia-Pacific Research and Training Network on Trade. Working Paper Series No 3, January 2006.

تجاری در سازمان جهانی تجارت دارای دامنه و محدوده کوچکتری از تسهیل تجاری برای توسعه به طور کلی است و معطوف به چند موضوع خاص است.

در کنفرانس وزرای سنگاپور کشورها تصمیم گرفتند که سه گروه کاری را در ارتباط با موضوعات تجارت و سرمایه‌گذاری، سیاست رقابتی و شفافیت در خریدهای دولتی تشکیل دهند. آن‌ها همچنین در بند ۲۱ اعلامیه وزیران به شورای تجارت کالائی سازمان جهانی تجارت ماموریت دادند که موضوع ساده سازی رویه‌های تجاری را مورد بررسی و امان نظر قرار دهند. از آن جا که این موضوعات چهارگانه برای اولین بار در کنفرانس سنگاپور مطرح شده لذا به آن‌ها عنوان موضوعات سنگاپور^۱ نیز اطلاق می‌گردد.

بعدها این چهار موضوع در دستور کار اجلاس وزیران دوحه معروف به دستورکار توسعه دوحه قرار گرفت ولی در اجلاس مزبور موافقت بر سر آغاز مذاکرات در مورد سه موضوع دیگر غیر از موضوع تسهیل تجاری حاصل نشد و قرار شد که مذاکرات فقط درباره تسهیل تجاری در سازمان جهانی تجارت صورت پذیرد.

تصمیم متحده در اجلاس دوحه بسیار دقیق و حساب شده است و بررسی و اتخاذ تصمیم درباره تسهیل تجاری فقط از منظر چند ماده گات ۱۹۹۴ و با لحاظ کردن نگرانی‌های کشورهای در حال توسعه در ارتباط با هزینه‌های اتخاذ و پیاده‌سازی رویه‌های تسهیل تجاری تعیین شده است.

به موجب بند ۲۷ اعلامیه وزرای دوحه قرار شد^۲ مذاکرات درباره تسهیل تجارت پس از پنجمین کنفرانس وزرا براساس تصمیمی که از طریق اجماع صریح در آن اجلاس درباره جزئیات و چگونگی مذاکرات اتخاذ می‌شود آغاز گردد.

در این بند آمده است «که با تائید موضوع اهمیت تسریع بیشتر در جابجایی و نقل و انتقال و ترخیص کالاها و از جمله کالاهای در حال ترانزیت و تائید و نیاز به کمک‌های فنی و نیز ظرفیت‌سازی در این زمینه ما موافقت می‌نمائیم که مذاکرات پس از کنفرانس پنجم وزرا براساس تصمیم متحده در آن اجلاس براساس اجماع صریح درباره جزئیات و چگونگی مذاکرات آغاز خواهد شد. در فاصله بین اجلاس

^۱- Singapore Issues.

^۲- WTN/M/N (01) DEC/ W/1, 14 NOV, 2001 WTO.

چهارم و پنجم وزراء شورای تجارت کالائی جنبه‌های مرتبط مواد ۵ و ۸ و ۱۰ گات ۱۹۹۴ را بررسی و آن مواد را عندالاقضاء ایضاح و بهبود بخشیده و احتیاجات تسهیل تجاری و اولویت‌های اعضا و بالاخص کشورهای در حال توسعه و کشورهای با کمترین درجه توسعه‌یافتگی را شناسایی خواهد نمود. ما خودمان را متعهد می‌سازیم که کمک‌های فنی کافی و پشتیبانی لازم را از ظرفیت‌سازی در این ارتباط معمول داریم».

نظری اجمالی به این بند روشن می‌سازد که وزرا به منظور تسریع در آغاز مذاکرات متنی را تصویب نموده‌اند که ضمن رعایت توازن بین پیشنهادات مختلف نگرانی‌های کشورهای در حال توسعه در آن لحاظ شده باشد.

لازم به ذکر است که مواد گات مندرج در این تصمیم بر اصول کلی که باید حاکم بر تجارت بین‌الملل و تجارت آزاد باشد تمرکز دارد. این اصول عبارتند از لزوم قابل پیش‌بینی بودن قواعد و مقررات، رعایت شفافیت در قواعد و مقررات، حق مراجعه به مراجع قضائی و اجتناب از برقراری محدودیت‌های غیرضروری فراراه تجارت.

ماده ۵ گات که بنام آزادی ترانزیت معروف است پایه و اساسی را برای ایجاد یک جو و محیط که در آن ترانزیت کالاها فارغ از موانع بر سر راه حمل و نقل و قایل شدن تبعیض بین عرضه‌کنندگان از کشورهای مختلف باشد را فراهم می‌سازد. این ماده نسبتاً مفصل است و دارای ۷ بند است. در بند ۱ این ماده حمل و نقل ترانزیت تعریف شده و در بند ۲ اصل رفتار ملی در ارتباط با ترانزیت تبیین شده است. در بند ۳ این ماده به لزوم اجتناب از تاخیرهای غیرضروری و حق کشورهای ترانزیت به ثبت حمل و نقل ترانزیت در گمرک اشاره دارد و آمده است که این حمل و نقل ترانزیت مگر در موارد قصور در رعایت قوانین و مقررات گمرکی از حقوق گمرکی و تمام حقوق ترانزیتی معاف خواهد بود باستثنای هزینه‌های حمل و نقل یا هزینه‌های امور اداری که لازمه ترانزیت یا خدمات ارائه شده باشد. بند ۴ ماده ۵ گات به لزوم معقول بودن هزینه‌ها و مقررات توسط طرف‌های متعاقد اشاره داشته و خاطر نشان شده است که این هزینه‌ها باید با در نظر گرفتن شرایط حمل و نقل باشد.

بند ۵ و ۶ ماده ۵ به اصل معروف به اصل دولت کامله الوداد پرداخته است و بالاخره بند ۷ ماده مزبور مقرر می‌دارد که این ماده ناظر بر عملیات هواپیما به هنگام ترانزیت نبوده ولی شامل ترانزیت هوایی کالاها و از جمله بار خواهد بود. همانطور که ملاحظه می‌شود این ماده در ارتباط مستقیم با گمرک قرار دارد.

ماده ۸ گات مربوط به هزینه‌ها و تشریفات مربوط به صادرات و واردات بوده و به طور کلی رویه‌های ترخیص گمرکی را در بر می‌گیرد. همچنین این ماده شامل تبیین تعهدات کلی در ارتباط با عدم تبعیض و رعایت شفافیت در ارتباط با دریافت هزینه‌ها و مقررات گذر از مرز کالاها است. در بند (۱) این ماده تاکید شده است که هزینه خدمات نباید مبین حمایت غیرمستقیم از محصولات داخلی یا وضع مالیات در مورد واردات یا صادرات برای مقاصد مالی باشد. در شق (ب) همین بند به لزوم کاهش تعداد و انواع عوارض اشاره گردیده است. در شق (ج) بند مزبور به کاستن از پیچیدگی‌های تشریفات تاکید دارد. در بند ۳ این ماده توصیه شده است که برای نقض جزئی مقررات گمرکی مجازات سنگین برقرار نشود و بند ۴ ماده به دایره شمول آن به عوارض، هزینه‌ها و تشریفات و الزامات در ارتباط با ورود و صدور اشاره کرده و مواردی به صورت تمثیلی و نه احصائی ذکر شده است.

ماده ۱۰ گات که به موضوع انتشار و مدیریت قواعد و مقررات تجاری اختصاص دارد حاوی تعهدات کلی در ارتباط با انتشار به موقع مقررات مربوط به صادرات و واردات از جمله هزینه‌ها، رویه‌های ارزیابی گمرکی و سایر قواعد و مقررات است. این ماده همچنین تعهدات کلی درباره رعایت رویه‌های اداری شفاف به منظور حل اختلافات گمرکی را نیز مقرر می‌دارد. دایره شمول این ماده بسیار وسیع است و قوانین و مقررات، آرای قضائی و تصمیمات اداری قابل اجرا در سطح عمومی که به طبقه‌بندی یا ارزیابی محصولات برای مقاصد گمرکی یا به نرخ‌های حقوق مالیات یا دیگر هزینه‌ها یا به الزامات، محدودیت‌ها یا ممنوعیت‌ها در مورد واردات یا صادرات یا انتقال وجوه آن‌ها مربوط می‌شود را شامل می‌گردد.

نظر اجمالی به این سه ماده از گات مشخص می‌سازد که مواد فوق از وضوح کامل برخوردار نیستند و در بسیاری از موارد از کلیات فراتر نرفته و به طور مشخص و منجز تعهدات را بیان نمی‌دارند. این مواد که مربوط به تسهیل تجاری می‌شوند بهتر است تبیین و مورد ایضاح و بهبود قرار گیرند. و این همان کاری است

که از طرف شورای وزیران سازمان جهانی تجارت مورد تصویب قرار گرفته و اجرای آن به عهده شورای کالایی آن سازمان و گروه کاری مذاکراتی مربوطه گذارده شده است.

پس از کنفرانس دوحه کار مقدماتی و تحلیلی زیادی درباره ساده سازی رویه های تجاری در محدوده سازمان جهانی تجارت که مذاکرات باید در اطراف آن صورت گیرد انجام پذیرفت. در پیش نویس نهایی اعلامیه کنفرانس وزرای کانکون که البته به تصویب نرسید (در واقع این موضوع همراه با موضع کشورهای در حال توسعه در ارتباط با سه موضوع دیگر سنگاپور و موضع کشورهای توسعه یافته در قبال یارانه های کشاورزی سبب شکست آن کنفرانس گردید) آمده بود که مذاکره درباره خریدهای دولتی و تسهیل تجاری آغاز شود و چگونگی مذاکره درباره تسهیل تجاری در ضمیمه ۶ اعلامیه مشخص شده بود. در این اعلامیه به وضوح بر اهمیت ظرفیت سازی در کشورهای در حال توسعه و کشورهای با کمترین درجه توسعه یافتگی و استفاده از اتخاذ اصل رفتار ویژه و متفاوت در مورد کشورهای مزبور برای نیل به اهداف سازمان جهانی تجارت برای گسترش تجارت و همچنین تعهد به ارائه کمک های فنی بیشتر تاکید شده بود.

پس از این تحولات بالاخره پس از سال ها کار مقدماتی و تجسسی، اعضای سازمان جهانی تجارت در شورای عمومی آن سازمان به صورت رسمی موافقت نمودند که مذاکرات درباره تسهیل تجاری را بر مبنای معیارهای مندرج در ضمیمه D سندی که توسط آن شورا مورد تایید قرار گرفته و اصطلاحاً بنام بسته ژوئیه سال ۲۰۰۴ معروف است و حاوی دستورالعمل مصوب در دور مذاکرات دوحه می باشد، آغاز نمایند.

بر این اساس از کشورها خواسته شده است که اقدامات در ماد ۵ گات درباره آزادی ترانزیت، ماده ۷ گات درباره هزینه ها و تشریفات مربوط به صادرات و واردات و ماده ۱۰ گات در ارتباط با اسناد و مدیریت مقررات تجاری را بهبود بخشند. در ضمیمه D مورد بحث هدف دیگر مذاکرات اعتلای کمک های فنی و ظرفیت سازی در این زمینه و ایجاد بهبود در همکاری موثر بین گمرک و سایر مقامات صلاحیتدار در مسایل تسهیل تجاری و اقدامات گمرکی قلمداد شده است.

در ششمین کنفرانس وزرای سازمان جهانی تجارت در هنگ کنگ نیز آمده است که ما ماموریت و معیارهای مربوط به مذاکرات در خصوص تسهیل تجاری مندرج در ضمیمه D تصمیم متخذه به وسیله

شورای عمومی تجارت در اول اوت ۲۰۰۴ را تأیید می‌نماییم نظر به اهمیت ضمیمه D بسته ژوئیه و این که مذاکرات حول محورهای مندرج در این سند جریان دارد لذا در قسمت بعدی موضوعات مطرح شده در آن به صورت تفصیلی تر آورده می‌شود.

بخش ششم : ضمیمه D بسته ژوئیه ۲۰۰۴

معیارها برای مذاکرات درباره تسهیل تجاری مندرج در بسته ژوئیه اوت ۲۰۰۴

به شرح زیر است:

۱- در بند ۱ این ضمیمه محدوده مذاکراتی تعیین شده و به منظور احتراز از ورود مسایل حاشیه‌ای در مذاکرات و در نتیجه بهتر و سریع‌تر به نتایج رسیدن آن، دستور کار ماهوی برای تسهیل تجاری فقط به مواد ۵ و ۸ و ۱۰ گات ۱۹۹۴ محدود شده است. در این باره در ضمیمه آمده است که مذاکرات با هدف تبیین و ایضاح و بهبود جنبه‌های مرتبط با مواد ۵ و ۸ و ۱۰ گات ۱۹۹۴ و به منظور تسریع بیشتر در جریان ترخیص کالاها و از جمله کالاهای در حال ترانزیت انجام خواهد گرفت.

از آن جا که هم چنانکه قبلاً هم اشاره شد دارا نبودن زیر ساخت‌های لازم برای انجام اقدامات مربوط به تسهیل تجاری و هزینه‌های ایجاد این زیر ساخت‌ها و نیز هزینه نگاهداری آن‌ها یکی از دغدغه‌های بسیاری از کشورهای در حال توسعه و از همه مهمتر کشورهای با کمترین درجه توسعه یافتگی است لذا در بند ۱ این ضمیمه برخورد با این نگرانی‌ها نیز لحاظ شده و به منظور رعایت تعادل و توازن در تصمیمات آمده است که مذاکرات همچنین هدف اعتلای کمک‌های فنی^۱ و حمایت از مساعی مربوط به ظرفیت‌سازی در این موارد را دنبال خواهد نمود. همچنین با عنایت به این که گمرک کشورها نقش مهمی را در اجرای تصمیمات مربوط به تسهیل تجاری ایفا و نقش محوری را خواهند داشت لذا در همین بند آمده است که این مذاکرات همچنین موضوع وضع مقررات درباره همکاری موثر بین گمرک یا هر مقام صلاحیتدار دیگر را درباره تسهیل تجاری و مسایل مربوط به رعایت قوانین گمرکی مورد هدف قرار خواهد داد.

۲- از آن جایی که پس از انجام دور مذاکرات اورگوئه رعایت اصل رفتار ویژه و متفاوت درباره کشورهای در حال توسعه (S&D)^۲ کمرنگ شده بود لذا در این معیارها بار دیگر بر این امر تاکید شده است و آمده است که مذاکرات باید بنحوی صورت پذیرد که نتیجه حاصل از آن منعکس کننده کامل اصل

^۱- Technical Assistance

^۲- Special and Differential Treatment (S&D)

رفتار ویژه و متفاوت درباره کشورهای در حال توسعه و کشورهای با کمترین درجه توسعه یافتگی باشد (LDCs)^۱ در این مذاکرات و نتیجه آن انعکاس این اصل نبایستی منحصر به اعطای دوره‌های انتقالی طولانی‌تر برای اجرای تعهد توسط این کشورها شود بلکه باید از آن فراتر رود. از جمله معانی مترتب بر اصطلاح رفتار ویژه و متفاوت برای کشورهای در حال توسعه این است که کشورهای در حال توسعه شرکت کننده در مذاکرات تجاری نباید امتیازات دریافتی از کشورهای توسعه یافته را کاملاً جبران نمایند یا به عبارت دیگر الزامی به دادن امتیاز متقابل و کامل ندارند. به موجب این رفتار ویژه کشورهای در حال توسعه باید برای متابعت از قواعد سازمان جهانی تجارت مشمول رعایت دوره‌های انتقالی طولانی‌تر و تقبل تعهدات در سطح کمتر باشند. (صادقی یارندی و طارم سری ۱۳۸۵)^۲

۳- از آن جا که کشورهای دارای کمترین درجه توسعه یافتگی در قطعنامه‌های سازمان ملل متحد و در سایر مراجع بین‌المللی از وضعیت خاص و ویژه‌ای فراتر از کشورهای در حال توسعه دیگر برخوردار می‌باشند لذا در بند سوم فهرست معیارهای مندرج در ضمیمه D بسته ژوئیه آمده است، که از کشورهای مزبور در مذاکرات فقط باید خواسته شود که تعهداتی را به عهده گیرند که با احتیاجات توسعه‌ای، مالی و تجاری و یا با احتیاجات اداری و ظرفیت‌های نهادی و ساختاری آن‌ها سازگاری داشته باشد.

۴- با توجه به این که به هر حال اتخاذ تدابیر مربوط به تسهیل تجاری مستلزم صرف هزینه می‌باشد لذا در این معیارها آمده است که کشورهای عضو کوشش خواهند نمود که این نگرانی‌ها را مدنظر قرار دهند. به علاوه به عنوان یک بخش غیر قابل انفکاک از مذاکرات کشورها کوشش خواهند نمود که احتیاجات و اولویت‌ها درباره تسهیل تجاری را خصوصاً در ارتباط با نیازهای کشورهای در حال توسعه و کشورهای با کمترین درجه توسعه یافتگی شناسایی نمایند. قید مطالب اخیر ظاهراً به منظور رفع نگرانی

^۱ - Least Developed countries

گروهی متشکل از ۴۸ کشور در حال توسعه. مشخصات اعضای این گروه درآمد ناخالص ملی سرانه نازل، نرخ بالای بیسوادی و پایین بودن قابلیت‌های تولیدی است. بسیاری از قطعنامه‌های سازمان ملل متحد و مقررات سازمان جهانی تجارت به لزوم کمک بیشتر باین کشورها برای فائق آمدن آن‌ها به مشکلات خاص خود، صحنه گذارده اند. سیفالله صادقی یارندی، مسعود طارم سری. فرهنگ توصیفی اصطلاحات تجارت بین‌الملل و سازمان جهانی تجارت، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۵.

۳- صادقی یارندی، طارم سری، همان.

کشورهای در حال توسعه درباره تحمیل نظرات کشورهای توسعه یافته دایر به قبول نرم‌ها و شکل‌های تسهیل تجاری انجام شده به وسیله آنان است که احیاناً می‌تواند درباره کشورهای در حال توسعه با توجه به ساختار آن مصداق نداشته باشد و یا جزء اولویت‌های آن‌ها نباشد.

۵- یکی از بندهای مهم این ضمیمه تعهد کشورهای توسعه یافته به ارائه کمک‌های فنی و پشتیبانی از ظرفیت‌سازی در کشورهای در حال توسعه و کشورهای با کمترین درجه توسعه یافتگی است تا آن‌ها بتوانند خود را برای مشارکت کامل در مذاکرات آماده و توانا سازند.

۶- بند ۶ این ضمیمه حاوی نکات مهمی به شرح زیر به نفع کشورهای در حال توسعه و کشورهای با کمترین درجه توسعه یافتگی است:

الف) ارائه پشتیبانی و کمک به کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای کمترین درجه توسعه یافتگی برای اجرای تعهدات ناشی از مذاکرات آن‌ها با توجه به اوضاع و احوال خود کشورها

ب) این موضوع مورد تأیید است که مذاکرات می‌تواند به تعهدات خاص منجر گردد که اجرای آن‌ها مستلزم ارائه پشتیبانی و حمایت از توسعه زیربنایی از طرف برخی از اعضاء باشد.

ج) در موارد محدود فوق کشورهای توسعه یافته تمام مساعی خود را به عمل خواهند آورد تا حمایت و کمک‌هایی که مستقیماً به طبیعت و دامنه تعهدات مربوط می‌شود را تأمین نمایند تا اجرای تعهدات امکان پذیر گردد.

د) به موجب این بند این تفاهم وجود دارد که در مواردی که حمایت و کمک مورد نیاز برای چنین زیرساختی انجام نشود و در مواردی که یک کشور در حال توسعه یا دارای کمترین درجه توسعه یافتگی کماکان از ظرفیت لازم برخوردار نباشد از آن کشور اجرای تدابیر خواسته نشود.

ه) هر چند کشورهای توسعه یافته مساعی خود را برای اطمینان حاصل نمودن از انجام حمایت و کمک لازم به کار خواهند برد ولی این تفاهم نیز باید وجود داشته باشد که تعهدات کشورهای توسعه یافته برای انجام این حمایت‌ها نامحدود نخواهد بود.

نظری اجمالی به این بند مدلل می‌سازد که کشورهای توسعه یافته برای جلوگیری از عدم آغاز مذاکرات درباره تسهیل تجاری و اجتناب از به وجود آمدن سرنوشت سه موضوع دیگر معروف به موضوعات سنگاپور برای موضوع تسهیل تجاری، و نیز با در نظر گرفتن دغدغه‌های کشورهای در حال توسعه حاضر به دادن امتیازات قابل توجهی شده‌اند.

۷- در بند هفت این ضمیمه آمده است که کشورها موافقت می‌نمایند که اثربخشی کمک‌ها و حمایت‌های ارائه شده و همچنین توانایی خود را برای اجرای نتایج مذاکرات مورد بررسی قرار دهند.

۸- از آن جایی که علاوه بر کشورها سازمان‌ها و مراجع بین‌الملل مربوط و دست‌اندرکار در امر کمک‌های مالی و نیز اجرای تسهیل تجاری نیز باید در این مهم مشارکت داشته باشند لذا در بند ۸ این ضمیمه خاطر نشان شده است که به منظور اثربخشی بیشتر و اجرایی و عملیاتی کردن کمک‌های فنی و ظرفیت‌سازی و نیل به انسجام بیشتر در سطح کشورها و در سطح بین‌المللی از سازمان‌های بین‌المللی ذیربط، صندوق بین‌المللی پول سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)، انکتاد، سازمان جهانی گمرک و بانک جهانی نیز دعوت خواهد شد که مساعی لازم را مبنی بر همکاری در این راستا انجام دهند.

۹- با عنایت باین موضوع که در سازمان‌های بین‌المللی و بالاخص سازمان جهانی گمرک کارهایی در این زمینه صورت گرفته لذا در بند ۹ این تصمیم آمده است که در جریان مذاکرات توجه لازم به این کارها نیز صورت خواهد پذیرفت.

۱۰- در بند ۱۰ این تصمیم به لزوم رعایت بندهای ۴۵ تا ۵۱ اعلامیه وزرای دوحه در جریان مذاکرات تسهیل تجاری که حاوی مطالب کلی در خصوص مذاکرات است اشاره شده و مقرر گردیده که کمیته مذاکرات تجاری کالائی در اولین اجلاس خود گروه کاری را برای تسهیل تجاری تشکیل و رئیس آن را منصوب خواهد نمود.

بخش هفتم: تحول مذاکرات مربوط به تسهیل تجاری در سازمان جهانی تجارت و نظر

کشورها درباره دستور کار مذاکرات: مطالعه تطبیعی

در این فصل ابتدا به نحو اجمال تحول مذاکرات درباره تسهیل تجاری در سازمان جهانی تجارت مرور و سپس نظر کشورها درباره دستور کار مزبور بررسی خواهد شد.

فصل اول: تطور موضوع در گروه مذاکراتی سازمان جهانی تجارت

۱- همان‌طور که اشاره شد موضوع تسهیل تجاری اولین بار در کنفرانس وزرای سنگاپور در سازمان جهانی تجارت همراه با سه موضوع دیگر مطرح گردید. سه موضوع دیگر عبارت بودند از حمایت از سرمایه‌گذاری، سیاست رقابتی و شفافیت در خریدهای دولتی، پس از سال‌ها بحث و مذاکره بالاخره در کنفرانس وزرای سازمان جهانی تجارت در دوحه قرار شد مذاکرات درباره تسهیل تجاری در یک محدوده کاملاً مشخص و دقیقاً تعریف شده صورت پذیرد. نیل به این توافق با مراحل بسیار حساس و شکننده مواجه بود و به همین جهت تصمیم متخذه با رعیات نگرانی‌های کشورهای در حال توسعه و هزینه‌های مترتب بر تدابیر تسهیل تجاری در این کشورها صورت پذیرفته است.

۲- محدوده مورد نظر ایضاح و تبیین و ایجاد بهبود در ماده ۵ گات (آزادی ترانزیت) ماده ۸ گات (هزینه‌ها و تشریفات) و ماده ۱۰ گات (انتشار و اداره مقررات تجاری) می‌باشد. در این محدوده همچنین برای لحاظ کردن نگرانی و دغدغه کشورهای در حال توسعه و کشورهای با کمترین درجه توسعه یافتگی به لزوم اعتلای کمک‌های فنی و حمایت و پشتیبانی از ظرفیت‌سازی اشاره و همکاری موثر بین گمرک یا هر مقام صلاحیت‌دار دیگر درباره تسهیل تجاری و رعایت مقررات گمرکی مورد تاکید قرار گرفته است.

۳- پس از اجلاس دوحه شورای عمومی تجارت سازمان جهانی تجارت در ضمیمه D سند معروف به بسته ژوئیه موضوعات فوق را با جزئیات بیشتری تبیین نمود و سرانجام در اجلاس وزرای هنگ کنگ از موارد مندرج در ضمیمه D به عنوان عملی برای آغاز مذاکرات استقبال شد و قرار شد که بر همین اساس

مذاکرات مربوطه در شورای کالائی سازمان جهانی تجارت آغاز گردد و متعاقباً گروه کاری مذاکرات تسهیل تجاری شورای مزبور در اولین جلسه خود دستور کار مذاکرات را مشخص نمود.

۴- دستور کار فوق منبعث از تصمیمات اجلاس وزرای سنگاپور، دوحه و هنگ کنگ و ضمیمه D سند معروف به بسته ژوئیه می باشد. این دستور کار شامل موارد زیر است:

الف: ایضاح و بهبود در جنبه های مربوط به مواد ۵ و ۸ و ۱۰ گات ۱۹۹۴

ب: اعتلای کمک های فنی

ج: پشتیبانی و حمایت از ظرفیت سازی

د: رعایت رفتار ویژه و متفاوت برای کشورهای در حال توسعه و کشورهای با کمترین درجه توسعه یافتگی

هـ: همکاری موثر بین گمرک و هر مقام صلاحیتدار دیگر در ارتباط با مسایل تسهیل تجاری و رعایت

قوانین گمرکی

و: شناسائی احتیاجات و اولویت های تسهیل تجاری و نگرانی های مرتبط با تبعات هزینه ای تدابیر

پیشنهادی

ز: تعامل با سازمان های بین المللی

ح: دعوت برحسب مورد از صندوق بین المللی پول، OECD، آنکتاد، سازمان جهانی گمرک و بانک

جهانی برای شرکت در جلسات

۵- گروه کاری مورد بحث تاکنون جلسات متعددی را تشکیل و پیشنهادات مختلفی را از اعضا

دریافت نموده است که مبنای مذاکرات را تشکیل می دهد. قرار است پس از خاتمه مذاکرات موافقت نامه ای

نظیر سایر موافقت نامه های سازمان جهانی تجارت در ارتباط با تسهیل تجاری به تصویب برسد ولی تا نیل به

این هدف راه دور و درازی در پیش است.

فصل دوم: نظر برخی از کشورها در ارتباط با دستور کار مذاکراتی تسهیل تجاری در سازمان

جهانی تجارت

پس از آغاز مذاکرات در سازمان جهانی تجارت در ارتباط با تسهیل تجاری برخی از کشورها و بالاخص کشورهای توسعه یافته اصلاحاتی را به مواد ۵ و ۸ و ۱۰ گات که در دستور کار مذاکراتی قرار دارد ارائه داده‌اند. در ارتباط با ماده ۵ گات کانادا، جامعه اقتصادی اروپا و کره جنوبی تسهیل و استاندارد نمودن رویه‌های گمرکی و الزامات اسنادی و روشن‌سازی هزینه‌ها برای خدمات گمرکی را پیشنهاد نموده‌اند. همچنین جامعه اقتصادی اروپا بازنویسی قسمت‌هایی از ماده ۵ و گسترش دامنه آن را پیشنهاد نموده است. در این پیشنهاد آمده است که ماده ۵ بایستی به نحوی بازنویسی شود که در آن اصل رفتار ملی به انواع وسایل حمل و نقل تسری داده شود تا وسایل حمل نفت و گاز و سایر محصولات از طریق لوله و سایر وسایل را در برگیرد. در این پیشنهاد همچنین آمده است که اصلاحیه‌هایی نیز باید به ماده ۵ گات در ارتباط با تقویت اتخاذ رفتار ویژه و متفاوت به نفع کشورهای در حال توسعه اضافه شود. این موضوع بایستی مورد توجه باشد که ماده ۵ گات برای کشورهای محاط در خشکی^۱ دارای اهمیت اساسی است و کشورهای اروپایی از منافع این کشورها در زمینه ترانزیت حمایت می‌نمایند.

ماده ۸ گات همانطور که می‌دانیم راجع است به عوارض و تشریفات مربوط به صادرات و واردات. بسیاری از کشورها در پیشنهادات خود اتخاذ روش پنجره واحد^۲ در مرزها یا انجام تمام الزامات در یک مراجعه و یک مرحله، حداقل سازی و استاندارد نمودن الزامات و رویه‌ها را مورد حمایت قرار داده‌اند. این کشورها همچنین برای اجرای این هدف و انجام اصلاحات مربوطه لزوم ارائه کمک‌های فنی و ظرفیت‌سازی را مورد تاکید قرار داده‌اند. پرواضح است که در صورت تحقق این موضوع از دوباره کاری‌ها و هزینه‌های اضافی چه به صورت هزینه پولی و هزینه‌های زمانی خواهد کاست. جامعه اقتصادی اروپا در پیشنهاد خود خاطرنشان ساخته است که ماده ۸ گات به صورت فعلی خود کلی بوده و فاقد جنبه اجرایی کامل است. در این پیشنهاد هر چند ضرورت به حداقل رساندن تشریفات گمرکی در صادرات و واردات مورد تأیید قرار

^۱- Land Locked Countries.

^۲- Single Window Approach.

گرفته ولی توصیه منجری برای تحقق این هدف ارائه نشده است. در این پیشنهاد لزوم کاهش در تعداد و تنوع هزینه‌ها و مخارج نیز مورد تاکید قرار گرفته است.

کلمبیا الحاق به موافقت‌نامه‌های مختلف بین‌المللی نظیر کنوانسیون کیوتو درباره رویه‌های گمرکی و کنوانسیون استانبول را توصیه نموده و از انعقاد موافقت‌نامه‌ای که حاوی برقراری رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه باشد حمایت نموده است.

در ارتباط با ماده ۱۰ گات یعنی موضوع رعایت اصل شفافیت در مقررات و رویه‌ها، جامعه اروپا، ژاپن، کره و کانادا پیشنهاد تجدید نظر در این ماده را به نحوی که در آن اهمیت شفافیت و قابل پیش‌بینی در تجارت جهانی مورد تاکید قرار گرفته باشد را مطرح نموده‌اند.

برخی از پیشنهادات کشورها درباره ایجاد بهبود و رعایت وضوح در قواعد تجارت شامل موارد زیر است:

(۱) ایجاد نقاط تحقیق درباره الزامات قانونی در ارتباط با واردات

(۲) برقراری تبادل نظرهای سیستماتیک بین مقامات گمرکی و ذینفعان تجاری

(۳) تدوین رویه‌های استانداردها و تجدید نظر در دعاوی مربوط به هزینه‌های گمرکی

(۴) ایجاد رویه‌های استاندارد صادرات و واردات

برزیل و هند این نظر را که باید در ماده ۱۰ گات تجدید نظر شود به چالش طلبیده‌اند چرا که به نظر آنان در هیچ کدام از پیشنهادات واصله ناکارایی در این ماده دیده نمی‌شود این دو کشور پیشنهاد نموده‌اند که به جای ایجاد تعهدات جدید، بهتر است تعهدات فعلی متبلور در مواد گات عملیاتی شوند.

مطالبی که فوقاً به آن‌ها اشاره شد جزء کوچکی از پیشنهادات کشورها است. از آن جایی که اطلاع بیشتر درباره پیشنهادات کشورها و سمت و سوی مذاکرات می‌تواند برای دست‌اندرکاران سیاست‌گذاری کشورمان در ارتباط با روند مذاکرات تسهیل تجاری در سازمان جهانی تجارت مفید بوده و آنان را به صورت نسبی در رسیدگی به لایحه امور گمرکی یاری نماید در این بخش نتایج طبقه‌بندی این پیشنهادات توسط

Yann Dural و گروه تحقیقاتی وی آورده می‌شود.^۱ در این مطالعه پس از بررسی پیشنهادات واصله به سازمان جهانی تجارت و بررسی هزینه‌های مترتب بر اجرای این پیشنهادات آن‌ها در ۱۲ گروه به شرح زیر طبقه‌بندی شده‌اند:

- ۱- تنظیم اسناد تجاری براساس دستورالعمل سازمان ملل متحد معروف به UN Layout key برای اسناد، اتخاذ نظام هماهنگ و استفاده از داده‌ها بر طبق استانداردهای مورد قبول بین‌المللی برای اسناد تجاری
- ۲- انتشار سیستماتیک و به موقع و روی خط مقررات تجاری و رویه‌های مربوطه از جمله هزینه‌ها به زبان محلی و به زبان انگلیسی
- ۳- تاسیس نقاط تحقیق و نقطه ملی مرکزی برای مقررات و سایر موضوعات مربوط به تسهیل تجاری
- ۴- تاسیس یک کمیته ملی تسهیل تجاری برای اظهارنظر درباره مقررات جدید یا اصلاح مقررات قدیم قبل از اجرائی شدن آن‌ها و انجام بررسی‌های دوره‌ای رویه‌های تجاری
- ۵- ارائه از قبل طبقه‌بندی تعرفه‌ای، ارزشگذاری و مبدا که برای دوره خاصی لازم الاجرا است.
- ۶- تاسیس رویه موثر استیناف در مورد آراء گمرکی و سایر مراجع
- ۷- تاسیس یک نظام پنجره واحد یعنی نظامی که به بازرگانان این اجازه را بدهد که تمام اسناد مربوطه را در یک زمان و در یک مکان برای تصویب تمام کارگزاران دولتی ارائه دهند. این نظام می‌تواند مبتنی بر فن‌آوری اطلاعات و یا غیر آن باشد.
- ۸- تاسیس مکانیسم‌های ترخیص از قبل، پردازش اظهارنامه‌های گمرکی قبل از ورود کالا و قبل از ترخیص و استفاده سیستماتیک از این مکانیسم‌ها
- ۹- اجرای مدیریت نوین نظام‌های ارزیابی ریسک برای ترخیص و خروج از گمرک کالاها

^۱- Yann Duval, Cost and Benefits of Implementing Trade Facilitation Measures Under Negotiations at the WTO : An Exploratory Survey APEC Research and Training Network on Trade working Paper No 3 January 2000 .

- ۱۰- تاسیس ممیزی‌ها پس از اظهار^۱
- ۱۱- تسریع در خروج از گمرک کالا مبنی بر اوراق قرضه، تضمین و یا ترتیبات تودیع مربوط به ممیزی
- ۱۲- رویه‌های تسریعی برای حمل سریع جهت بازرگانان یا شرکت‌های واحد شرایط.

^۱- Post Declaration – Audit.

بخش هشتم: تسهیل تجاری در برخی از سازمان‌های بین‌المللی

صرفنظر از انعکاس موضوع تسهیل تجاری در سازمان جهانی تجارت که به تفصیل در این تحقیق به آن پرداخته شده است برخی از سازمان‌های بین‌المللی نیز این موضوع را در دستور کار خود دارند.

از آن جا که هدف عمده سازمان جهانی گمرک افزایش کارائی و تاثیربخشی مدیریت گمرک در اطراف جهان است لذا تمرکز عمده سازمان مزبور از میان سایر عوامل تسهیل تجاری بر موضوع رویه‌های گمرکی است. یک کنوانسیون مهم برای ترویج و اشاعه استانداردهای ساده سازی رویه‌های گمرکی در سراسر جهان، کنوانسیون بین‌المللی برای ساده سازی و هماهنگ سازی رویه‌های گمرکی یا کنوانسیون کیوتو^۱ است. این کنوانسیون حاوی مقررات کلی و ضمایم خاص در ارتباط با رویه‌های گمرکی است. کنوانسیون مزبور در سال ۱۹۷۳ ایجاد و در سال ۱۹۹۹ در شورای سازمان جهانی گمرک مورد تجدید نظر قرار گرفته است. در کنوانسیون مزبور اصول کلیدی و مهم با اصول مورد نظر در سازمان جهانی تجارت در ارتباط با تسهیل تجاری از جمله اصل شفافیت، قابل پیش‌بینی بودن، استاندارد نمودن و ساده‌سازی اعلامیه گمرکی و الزامات اسنادی هماهنگ شده است. همچنین اصول کلی در این کنوانسیون استفاده حداکثر را از فن‌آوری اطلاعات در رویه‌های گمرکی به منظور تسریع در ترخیص و خارج نمودن واردات از گمرک تشویق می‌نماید. کوشش‌هایی در سازمان در حال انجام است که مقررات مربوط در کنوانسیون کیوتو در مقررات سازمان جهانی تجارت که الزام‌آور می‌باشد ادغام گردد با توجه به این که هدف اصلی سازمان جهانی تجارت تبیین و بهبود و ایضاح مواد ۵ و ۸ و ۱۰ گات ۱۹۹۴ است، سازمان جهانی گمرک در همین ارتباط یک فهرست خودآزمای^۲ را تهیه نموده است. هدف از این اقدام نیل به یک تصویر فوری از نظام‌های گمرکی کشورها در ارتباط با سه ماده مورد بحث است. با استفاده از این فهرست کنترلی مقامات می‌توانند به راحتی مشخص نمایند که تا چه حد اقدامات آنان منطبق با مقتضیات سازمان جهانی گمرک و بهترین رویه‌ها در ارتباط با مقررات سه ماده فوق‌الاشعار است. در مورد هر یک از سه ماده فوق فهرست کنترلی مورد بحث موضوعات زیر را پوشش داده است:

^۱- Interational Convention on the Simplification and Harmonization of Customs Procedures.

^۲- Self Assessment Checklist.

- مدیریت استراتژیک
 - منابع
 - شالوده مقرراتی و قانونی
 - رویه‌ها و نظام‌ها
 - فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات
 - همکاری‌های خارجی، ارتباطات و مشارکت
 - همگرایی با نرم‌های بین‌المللی
- کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد (آنکتاد) نیز در امر تسهیل تجاری در سطح جهانی فعالانه مشغول است. این نهاد بین‌المللی بالاخص مشارکت کشورهای در حال توسعه را در تسهیل تجاری تشویق می‌نماید. یک برنامه قابل توجه که به وسیله آنکتاد اجرا می‌شود و در کشور ما نیز اجرا شده اسیکودا^۱ است. هدف اسیکودا تسریع در ترخیص گمرکی از طریق رایانه‌ای کردن و ساده سازی رویه‌ها و در نتیجه به حداقل رساندن هزینه‌های اداری عملیات تجاری است. عمده‌ترین فعالیت تسهیل تجاری آنکتاد بر بخش حمل و نقل متمرکز است.

مرکز تسهیل رویه‌ها و عملکرد برای مدیریت، تجارت و حمل و نقل (EFACT- UNECE)^۲ هماهنگ سازی و مکانیزه کردن رویه‌های گمرکی و الزامات اسنادی و اطلاعاتی را تشویق می‌نماید. این مرکز توصیه‌هایی را برای مبادله الکترونیکی داده‌ها (EDI) و مبادله داده‌ها برای مدیریت، تجارت و حمل و نقل ارائه می‌دهد.

همچنین دستور کار تسهیل تجاری در برخی از برنامه‌های هم‌گرایی‌های منطقه‌ای نیز مطرح است. بیشترین هم این ترتیبات منطقه‌ای بر تسهیل رویه‌های تجاری متمرکز است. آپک از جمله این ترتیبات

^۱ - Automated system for Customs Data and Management.

^۲ - Center for facilitation of Procedures and practices for Administration Commerce and Transportation.

منطقه‌ای است. در این نهاد منطقه‌ای اعضاء قبول نموده‌اند که هزینه‌های تجارت را به میزان ۵ درصد کاهش دهند.

اتحادیه اروپا نیز موافقت‌نامه‌های متعددی را در زمینه همکاری‌های گمرکی با بسیاری از کشورها منعقد ساخته که هدف مهم آن‌ها ساده سازی، رایانه‌ای کردن عملیات گمرکی و از جمله ارزش‌گذاری گمرکی و تبادل اطلاعات است.

منطقه آزاد تجاری آمریکا^۱ نیز اصول تسهیل تجاری نظیر الکترونیکی نمودن رویه‌ها و تجزیه و تحلیل ریسک را اتخاذ نموده است.

در خاتمه این بحث لازم به یادآوری است که بانک جهانی و آپک مطالعات تحقیقی و تجربی زیادی را درباره تسهیل تجاری انجام داده که در پایگاه اطلاعاتی آنان قابل دسترسی است و در این تحقیق نیز از برخی از آن‌ها استفاده شده است.

^۱- Free Trade Area of The Americas (FTAA)

بخش نهم: انعکاس موضوع تسهیل تجاری در لایحه امور گمرکی ؛ نتیجه گیری

به طور کلی در لایحه امور گمرکی در موارد متعدد به مصادیق تسهیل تجاری بدون این که از آن ها به

عنوان تسهیل تجاری یاد شود اشاراتی موجود است. این موارد عبارتند از:

الف: اتخاذ سیستم هماهنگ توصیف و کدگذاری کالا یا نظام H.S

ب: ماده ۱۱ در خصوص انجام خدمات و تشریفات گمرکی در ایام یا ساعات تعطیل یا خارج از اماکن

گمرکی و تبصره های آن

ج: استفاده از فنون اطلاعات

ماده ۱۳ لایحه در این باره چنین می گوید:

به منظور انجام کنترل های گمرکی، پشتیبانی از عملیات و تشریفات گمرکی و تا جایی که برای

گمرک و تجارت مقرون به صرفه باشد گمرک مجاز است از فنون اطلاعات و تجارت الکترونیک ضمن تبیین

شرایط به کارگیری آن و تا حد امکان با مشورت طرف های مرتبط استفاده نماید.

مواد ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ نیز در همین ارتباط و نیز استفاده از رایانه قرار دارد. در خصوص این مواد بایستی

خاطرنشان شود که لسان به کارگرفته شده درمورد حکایت از اختیاری بودن این اقدامات دارد در صورتی که

اگر موافقت نامه ای در سازمان جهانی تجارت تنظیم شود از کشورها خواسته خواهد شد که تعهدات الزام آوری

را عهده دار شوند.

د: در ماده ۲۱ آمده است که در اجرای کنترل های گمرکی، گمرک مجاز است از شیوه های مدیریت خطر

استفاده نماید و به منظور انجام کنترل های گمرکی و این که چه اشخاص و چه کالائی از جمله وسایل نقلیه

و تا چه حدی باید موارد واری و معاینه قرار گیرند از فنون تجزیه و تحلیل و انتخاب خطر، بازرسی های

اتفاقی و همچنین از دستگاه های کشف استفاده نماید.

ه: ماده ۲۲ لایحه نیز به یکی دیگر از موضوعات تسهیل تجاری مبنی بر استفاده از حسابرسی

و: خدمات حسابرسان رسمی برای اجرای کنترل‌های گمرکی اشاره دارد. باید گفت که ملاحظات مذکور در قبل درباره اختیاری و نه الزام‌آور بودن این تدابیر در موارد فوق نیز صادق است.

ز: ماده ۲۳ نیز به یکی دیگر از موضوعات تسهیل تجاری یعنی همکاری با سایر کشورها اختصاص دارد که دارای اهمیت است ولی باید گفت که آن چه در تسهیل تجاری مراد و منظور است حفظ همکاری در تقویت کنترل‌های گمرکی به نحو مذکور در این ماده نیست.

ح: ماده ۲۶ نیز یکی دیگر از مصادیق تسهیل تجاری است یعنی همکاری و هماهنگی بین مراجع داخلی با محوریت گمرک در ارتباط کنترل‌های گمرکی از جمله بازرسی‌های پزشکی انسانی، دامپزشکی، گیاهی، استانداردهای فنی و کیفیت.

ط: همچنین ماده ۲۷ نیز دقیقاً در ارتباط با یکی دیگر از تدابیر تسهیل تجاری قرار دارد که در آن جنبه الزام‌آور بودن و تعهد نیز لحاظ شده است. این ماده ناظر بر انتشار به موقع اطلاعات مربوط به انجام تشریفات گمرکی است.

ی: در لایحه مطالب مبسوطی نیز درباره ترانزیت خارجی آمده که مستقیماً در ارتباط با ماده ۵ گات قرار دارد که مواد ۱۵۶ تا ۱۷۶ لایحه را در بر می‌گیرد. همچنین در لایحه بخش مبسوطی نیز به ترانزیت داخلی و کابوتاژ اختصاص داده شده است.

نتیجه‌گیری:

۱- هر چند موضوع تسهیل تجاری در سازمان جهانی تجارت مطرح است ولی از آن جا که مذاکرات مربوط به انعقاد موافقت‌نامه‌ای احتمالی در این باره، مراحل پایانی خود را طی ننموده بنابراین در حال حاضر هیچگونه تعهدی برای اعضاء تا تصویب موافقت‌نامه مورد بحث وجود ندارد و به طریق اولی این مطلب درباره ایران نیز که حتی به عضویت سازمان جهانی تجارت در نیامده صادق است.

۲- با این همه از آن جا که مذاکرات مربوطه در سازمان جهانی تجارت در جریان است و یکی از الزامات کشورها برای الحاق تطبیق نظام قانونی خود با مقررات سازمان است لذا در این تحقیق برای به دست دادن قراینی ولو مقدماتی دال به سمت و سوی مذاکرات در آن سازمان روند مربوطه مورد بررسی قرار گرفته و کوشش به عمل آمده است تا مواردی را که به طور کلی به تسهیل تجاری می شود در لایحه امور گمرکی شناسایی شود.

نتیجه حاکی است که به بسیاری از این موارد در لایحه امور گمرکی اشاراتی وجود دارد ولی در اغلب موارد این اقدامات الزام آور نبوده و اختیاری است. به علاوه از آن جا که هنوز مذاکرات خاتمه نیافته و معیار دقیقی از موافقت نامه احتمالی در دست نیست لذا اظهار نظر درباره انطباق کامل تدابیر مذکور در لایحه با آن چه در نهایت در موافقت نامه گنجانده خواهد شد مقدور نیست ولی می توان گفت که برای بسیاری از موارد پایه و اساسی لازم در لایحه گذارده شده است که می تواند پس از انعقاد موافقت نامه با مفاد آن تطبیق داده شده و در آیین نامه جداگانه تکمیل شود. برای وقوف به مواردی که احتمالاً در موافقت نامه گنجانده خواهد شد می توان از مندرجات فصل هشتم در ارتباط با تحول مذاکرات در سازمان جهانی تجارت و نظر کشورها استفاده نمود همچنین در صورت تصویب موافقت نامه احتمالاً در آن تسهیلاتی برای کشورهای در حال توسعه در ارتباط با ظرفیت سازی و کمک فنی پیش بینی خواهد شد که آن تسهیلات می تواند مورد استفاده کشورها نیز قرار گیرد.

منابع فارسی :

- ۱- اتاق بازرگانی بین المللی،/اینکوترمز ۲۰۰۰، ترجمه مسعود طارم سری، چاپ هفتم، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ۱۳۸۵.
- ۲- امیدبخش، اسفندیار و طارم سری، مسعود، آشنایی با موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ۱۳۷۲.

- ۳- بنایی، رضا، "گزارش رژیم تجاری ایران"، نخستین گزارش، ۱۳۷۵.
- ۴- خبرنامه رویدادها و تحولات سازمان تجارت جهانی، سال پنجم، شماره ۲۹، آذر ۱۳۸۰
- ۵- دژم خوی، غزاله و مرادپور، فرزاد، موافقت نامه های ضدقیمت شکنی (ضددامپینگ) و حفاظتها، مندرج در: مجموعه آموزشی سازمان تجارت جهانی، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۵.
- ۶- دفتر نمایندگی تام الاختیار تجاری، خبرنامه سازمان جهانی تجارت، شماره ۸۹، سال دهم، آذر ماه سال ۱۳۸۵
- ۷- رحیمی، عباس، بررسی اقتصادی یارانه، چاپ سوم، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۵.
- ۸- روحانی، حامد، موافقت نامه یارانه ها و اقدامات جبرانی، ماهنامه بررسیهای بازرگانی، شماره ۲، مهر و آبان ۱۳۸۲
- ۹- زاهد طلبان، علی، سازمان جهانی تجارت، ساختار قواعد و موافقت نامه ها، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۵.
- ۱۰- سازمان تجارت جهانی، شناخت سازمان تجارت جهانی، ترجمه محمد جواد ایروانی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۸۳.
- ۱۱- سندنهایی دور/روگوئه، ترجمه موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی (تهران: نشر موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۳)
- ۱۲-
- ۱۳- صادقی، محسن، آثار حقوقی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بر یارانه های صادراتی بخش صنعت، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۸۵.
- ۱۴- صادقی، محسن، روشهای حقوقی مقابله با دامپینگ، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۸۴.
- ۱۵- صادقی یارندی، سیفاله، طارم سری، مسعود، فرهنگ توصیفی اصطلاحات تجارت بین الملل و سازمان جهانی تجارت، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۸۵.
- ۱۶- صادقی یارندی، سیفاله، سیستم مالکیت معنوی در جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه موافقت نامه TRIPS، سمینار ملی بررسی حقوق مالکیت صنعتی در جمهوری اسلامی ایران و جنبه های تجاری حقوق مالکیت معنوی در تجارت بین الملل، سازمان ثبت اسناد و املاک جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۵.
- ۱۷- طارم سری، مسعود، حقوق بازرگانی بین المللی، چاپ هفتم، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۵.
- ۱۸- طارم سری، مسعود، اثرات موافقت نامه راجع به جنبه های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی و مقررات مربوط به اجرای حقوق مالکیت معنوی در ایران، سمینار ملی

سازمان جهانی مالکیت معنوی در مورد حمایت از مالکیت صنعتی در جمهوری اسلامی ایران و جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی در تجارت بین الملل، سازمان ثبت اسناد و املاک جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۵.

۱۹- کمیته حقوق تجارت بین الملل، مدیریت پژوهش‌های اقتصادی بین الملل، سمینار بررسی جنبه‌های حقوقی سازمان جهانی تجارت، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۵.

۲۰- مرکز تجارت بین المللی و دبیرخانه مشترک المنافع، راهنمای تجاری دور /روگوشه، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۵.

منابع لاتین:

۱- APEC, The Impact of Trade Liberalization in APEC, 1998

2- Asia- Pacific Region, The Asia- Pacific Economic Cooperation (1999)
Assessing APEC Trade Liberalization and Facilitation : 1999 Update,
September 1999 APEC Singapore.

- 3- Australian Department of Foreign Affairs and Trade and Chinese Ministry of Foreign Trade and Economic Cooperation (2001) , Paperless Trading : Benefits to APEC, Commonwealth of Australia.
- 4- Behboodi , Rambod, *Industrial Subsidies and Friction in The World Trade* , London and NewYork:Routledge,1994
- 5- ECE, "Trade Facilitation ... An Introduction to the Basic Concepts and Benefits" ECE/TRADE/289
- 6- English ,Philip and Wulf ,Luc De , *Export Development Policies and Institutions* , in : *Bernard Hoekman Aayditya and Philip English , Development, Trade and WTO :Handbook* (Washington DC:The World Bank, 2001)
- 7- ESCAP, Training Material on Increasing Capacities in Trade and Investment Promotion, 2001
- 8- Francois, Van Meijl, and Van Tongeren (2003)*Trade Liberalization and Developing Countries under The Doha Round* " CEPR Discussion Papers 4032 .
- 9-Global Economic Prospects 2004: Realizing The Development Promise of The Doha Agenda, World Bank, Washington D. C.
- 10- Goode, Walter, *Dictionary of Trade Policy Terms*, (Adelaide: University of Adelaide, 1998), the term: Safeguard.
- 11- Hertel, Thomas W, Terne Walmsley and ken Ltakura (2001) "*Dynamic Effect of The "New Age " Free Trade Agreement Between Japan and Singapore*" Journal of Economic Integration V. 16.
- 12- Hummels, David (2001) Time as a Trade Barrier "Working Paper, Department of Economics, Purdue University, West Lafayette.
- 13- ITC/CS Business Guide to the World Trading System, 1999.

- 14- Kirk ,Michael, *Enforcoment of Industrial Property Rights and Related Provisions Under The TRIPs, WIPO Asian Regional Round Table on The Strengthening of The Industrial Property System in View of Recent Interamational Development*, 1996

- 15- Knoll, M., *Legal and Economic Framework for Analysis of Injury*, Journal of World Trade, Vol. 23

- 16- Lawrence ,Robert Z. and Stankard , Nathaniel, *Should Export Subsidies be Treated Differently?* In:
ksghome.harvard.edu/~RLawrence/Export%20subsidies%20May27.pdf

- 17- Model Provisions for National Legislation to Implement Fair and Effective Border Measures Consistent with the Agreement of Traderelated Aspects of Intellectual Propert/ Rights, World Customs Organization .

- 18- Prusa ,Thomas and Sharp, D., *Simultaneous Equations in Antidumping Investigations*, Journal of Forensic Economics, Vol.14, 2001

- 19- Sachs ,Jeffery D. and Warner ,Andrew M. (1995), "*Economic Reform and The Process of Global Integration*" Brookings, Papers on Economic Activity o (1): 1-95

- 20- Schware, Rohert & Kimberley ,Paul, *Information Technology and National Trade Facilitation, Guide To Best Practice*, The World Bank Technical Paper Numbor 317, world Bank, Washing ton D.c.

- 21- Smith ,Patrick, *The Role of The Judiciaryamel Customs in Enforcoment of Intellectwel Property Rights*, WIPO/ PR/ PM/ THR/ 98/8, 1998.

- 22- Trade Facilitation Handbook for the Greater Mekong Subregion, ESCAP.U.N.

- 23- Walkenhorst, Peter and Tadashi Yasui (2003)"*Quantitative Assesement of The Benefits of Trade Facilitation*" OECD

- 24- Wilson ,John s. & Calherine L. Mann, Tsunehiro Otsuki (2004)
Assessing The Potential Benefits of Trade Facilitation: A glohal Perspective, Working Paper no. 3224, World Bank, Washington D.C.
- 25- Woo, Yuen Pau and Johns. Wilson(2000) *Cutting through Red Tape, New Directions For APECs Trade Facilitation Agenda*, Asia Pacific Foundation of Canada, Vancouver.
- 26- World Development Indicator 2001 and Global Competitiveness Report 2001
- 27- WTO,2000 "*Trade Facilitation : Chilie,s Experioence With The Modernization of Customs Administration Based on the Use of Information Technology*" (G/C/W/239).
- 28- Yann ,Duval, *Cost and Benefits of Implementing Trade Facilitation Measures Under Negotions at WTO : An Eploratory Survey, Asia- Pacific Research and Training Network on Trade*. Working Paper Series No 3, January 2006.

اسناد فارسی:

- ۱- موافقت نامه قواعد مبدا
- ۲- موافقت نامه جنبه های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت فکری و معنوی
- ۳- موافقت نامه TRIPs
- ۴- موافقت نامه ارزش گذاری کالا
- ۵- موافقت نامه ارزش گذاری گمرکی، ضمیمه ۱، یادداشت تفسیری
- ۶- موافقت نامه ارزش گذاری گمرکی

- ۷- قانون امور گمرکی ۱۳۵۰
- ۸- آیین نامہ اجرایی قانون امور گمرکی (۱۳۵۱)

اسناد لاتین:

- Convention on the Valuation of Goods for Customs Purposes/ Brussels
Definition of Value (BDV)
- 2- Tokyo Round Valuation Code
- 3- WWW. wcoomd. org/ ie/ en/ about us/ fiche 5- ang. Pdf.
- 4- GATT, The Texts of the Tokyo Round Agreements. Geneva, August
1986.
- 5- UNCTAD, Multilateral Trade Negotiations (Geneva: UNCTAD, 2004)
- 6- Agreement on Implementation of Article VII of GATT 1994/
- 7- Agreement on Customs Valuation
- 8- WTO/G/VAL/N/I/PAK/1
- 9- G/VAL/N/1/ CHN/ 4, 7 June 2004
- 10- Regulation Of The Peoples Republic Of China On Import and Export
Dutiesg
- 11- [http: docsonline. wto. org/6EN highLight Bottom. asp? qu=](http://docsonline.wto.org/6EN%20highLightBottom.asp?qu=%28+%40meta%5Fsymboltg%20%Fcro%20%F%2812007/03/17%29)
[%28+%40 meta%5Fsymboltg % Fcro% F \(12007/ 03/17\)](http://docsonline.wto.org/6EN%20highLightBottom.asp?qu=%28+%40meta%5Fsymboltg%20%Fcro%20%F%2812007/03/17%29)
- 12- Provisional Rules of Origin for Imports of the General Administration
of Customs of the Peoples Republic of China
- Proclamation of the General Administration of customs of the peoples
Republic of China
- 13- IP/N/G/PAK/120 November 2001 World Trade Organization, [http://](http://docsonline.wto.org)
doesonline. WTO. Org
- 14- IP/N/G/ CHN, [http://](http://docsonline.wto.org) docsonline. WTO. Org.
- ۱۵ - <http://www.commerce.gov.pk/index.asp>
- http://www.wto.org/english/thewto_e/countries_e/pakistan_e.htm 16-
- 17- Law No.3577 on the Prevention of Unfair Competition in Imports
- 18- CUSTOMS LAW No.4458 of 27/10/1999
- 19- THE CUSTOMS TARIFF ACT
- 20- Agreement on Subsidies and Countervailing Measures
- 21- http://www.irtr.gov.ir/Pages/WTO_goods_Safeguards.asp
- REGULATION ON THE SAFEGUARD MEASURES - ۲۲
- ۲۳- http://www.irtr.gov.ir/Pages/NewsLetter_View.asp?key=23-89
- 24- AGREEMENT ON SAFEGUARDS
- 25- WTN/M/N (01) DEC/ W/1, 14 NOV, 2001 WTO.
- 26- IP/N/G/ TUR/ 1, 17 May 2000 [http://](http://docsonline.wto.org) docsonline. WTO. Org.

- 27- G/VAL/ N/ I/ TUR/ 1 AND VAL/ I/ ADD. I.
- 28- <http://docsonline.wto.org/GENhighLightBottom.asp?ou=%28+%40meta%5Fsymbol+GY.FCROYF...> (2007/ 02/07)
- 29- International Convention on the Simplification and Harmonization of Customs Procedures
- 30- Paris convention for The Protection of Industrial Property
Lisbon Agreement for the Protection of Appellations of Origin and Their International Registration